

# پیوند پایدار

دکتر علی غضنفری



## فهرست

- مقدمه... ۱۷  
قبل از ازدواج... ۲۱  
اهمیت ازدواج... ۲۳  
کراهت ترك ازدواج... ۲۶  
پرهیز دختران از ازدواج... ۲۸  
مستحب یا... ۳۰  
چند پیشنهاد برای تسریع در ازدواج... ۳۰  
چرا ازدواج؟... ۳۵  
۱- آرامش جسم و روح... ۳۵  
۲- مودت... ۳۷  
۳- شکسته شدن حصار خودگرایی... ۳۸  
۴- ارضاء جنسی... ۳۸  
۵- حفظ نسل... ۴۰  
۶- حفظ از گناه... ۴۳  
۷- روزی... ۴۳  
۸- تقسیم کار... ۴۴  
۹- خواست فطری... ۴۵  
۱۰- وظیفه... ۴۵  
۱۱- عبادت... ۴۶  
۱۲- کمال... ۴۸  
اهداف نازیبا... ۴۸  
موانع ازدواج... ۵۱  
۱- فقر... ۵۱  
۲- تشریفات... ۵۳  
۳- تحصیل... ۵۳  
۴- والدین... ۵۴  
رفع موانع... ۵۶  
تدارك اسباب... ۵۷  
تسریع در ازدواج... ۶۰

- وظیفه معذور از ازدواج... ۶۲
- ترك قهری... ۶۴
- معیار انتخاب... ۶۷
- ۱- ایمان... ۶۸
- ۲- کردار نیک... ۷۱
- ۳- اخلاق نیک... ۷۳
- ۴- اصالت... ۷۴
- ۵- همتابی... ۷۷
- همتائی در... ۷۹
- مؤمن کفو مؤمنه است... ۸۰
- ۶- استقلال فکری... ۹۰
- ۷- هوش مناسب... ۹۱
- ۸- مسئولیت پذیری... ۹۳
- ۹- زیبایی... ۹۴
- جواز نگاه... ۹۵
- ۱۰- شغل مناسب... ۹۶
- ۱۱- معیارهای دیگر... ۹۶
- ولود... ۹۶
- باکره... ۹۷
- تناسب اندام... ۹۸
- رنگ پوست... ۹۸
- خوش چهره... ۹۹
- موی زیبا... ۹۹
- مقایسه معیارها... ۹۹
- زیباترین تعبیر... ۱۰۱
- اوصاف پسندیده... ۱۰۱
- اوصاف ناپسند... ۱۰۷
- زن نیکوکار... ۱۱۰
- زنان صالحه نادرند... ۱۱۴
- سن ازدواج... ۱۱۵
- ۱- آمادگی جسمی برای ازدواج... ۱۱۵
- ۲- مهیا بودن شرایط اجتماعی... ۱۱۵
- رد بی علت خواستگار... ۱۱۶
- خواستگاری دختر... ۱۱۷
- شیوه گزینش... ۱۱۸
- نقش استخاره در ازدواج... ۱۲۰
- بعد از ازدواج... ۱۲۳
- مسئولیت زن و مرد... ۱۲۵
- مسئولیت مشترك... ۱۲۶
- ۱- احترام متقابل... ۱۲۶
- ۲- اظهار علاقه... ۱۲۹
- افراط در محبت... ۱۳۰
- ۳- روابط جنسی... ۱۳۱
- ۴- آرایش... ۱۳۴

- ۵- حفظ از نامحرم ... ۱۳۸  
چشم‌چرانی ... ۱۳۸  
نگاه به خویشان ... ۱۳۹  
از پشت سر ... ۱۴۰  
چاره ... ۱۴۱  
مصافحه با نامحرم ... ۱۴۱  
لمس بدن نامحرم ... ۱۴۲  
گفتگو با نامحرم ... ۱۴۲  
خلوت با نامحرم ... ۱۴۳  
۶- كمك به همسر ... ۱۴۴  
تقسیم وظایف ... ۱۴۴  
زشتی تحمیل بیش از طاقت ... ۱۴۸  
۷- خاتمه دادن به تنش ... ۱۵۰  
پرهیز از پرخاشگری ... ۱۵۰  
پرهیز از لجاجت ... ۱۵۲  
پرهیز از قهر ... ۱۵۲  
مراعات وضعیت جدید ... ۱۵۳  
پرهیز از تهمت و افتراء ... ۱۵۴  
حرمت تنبیه بدنی ... ۱۵۴  
حد شرعی ... ۱۵۵  
حکمت آیه ... ۱۵۸  
۸- عفو لغزش ... ۱۶۰  
تحمل سوء خلق ... ۱۶۱  
مسئولیت مرد ... ۱۶۵  
۱- مدیریت ... ۱۶۵  
دو نکته مهم ... ۱۶۸  
پك سوال ... ۱۶۹  
۲- نفقه ... ۱۷۰  
۳- مهر ... ۱۷۲  
جزای پرداخت نکردن مهر ... ۱۷۴  
مقدار مهر ... ۱۷۵  
زمان پرداخت مهر ... ۱۷۸  
مهر مقدم ... ۱۷۹  
۴- غیرت ... ۱۸۰  
رفت و آمد افراد ناباب ... ۱۸۲  
سنایش غیرت مردان ... ۱۸۲  
حرمت غیرت بیجا ... ۱۸۳  
۵- حسن معاشرت ... ۱۸۳  
۶- عدالت بین همسران ... ۱۸۵  
۷- خرید هدیه ... ۱۸۶  
۸- توجه بکنواخت به فرزندان ... ۱۸۷  
۹- تدارك سرگرمی ... ۱۸۸  
۱۰- عقیف بودن ... ۱۸۹  
۱۱- حرمت آزار زن برای بخشش مهر ... ۱۸۹

مسئولیت زن... ۱۹۱

- ۱- شوهرداری... ۱۹۱
- دوری از آزار شوهر... ۱۹۳
- ۲- تمکین... ۱۹۵
- اطاعت همه جانبه... ۱۹۶
- نشوز... ۲۰۰
- ۳- حفظ عفت و صیانت نفس... ۲۰۱
- نهی از چشم دوختن به نامحرم... ۲۰۳
- منع دوستی دو نامحرم... ۲۰۵
- ۴- خارج نشدن بی اجازه از منزل... ۲۰۶
- منزل امن ترین مکان... ۲۰۸
- ۵- شکر نعمت... ۲۱۰
- ۶- توقعات متعادل... ۲۱۱
- ۷- پرهیز از غیرت‌ورزی... ۲۱۱
- ۸- میانه‌روی در معیشت... ۲۱۲
- جهیزیه... ۲۱۳
- روایت حواء... ۲۱۷
- دو خیر دیگر... ۲۲۹
- نتیجه... ۲۳۱
- مزایای ازدواج موفق... ۲۳۳
- و... ۲۳۵
- جدایی... ۲۳۷
- طلاق در گذشته... ۲۳۷
- چرا اسلام طلاق را پذیرفته است؟... ۲۳۹
- نکوهش طلاق... ۲۴۱
- روایات و طلاق... ۲۴۶
- اجرای صیغه خاص... ۲۴۸
- فلسفه عده... ۲۵۰
- فلسفه وجود دو شاهد عادل... ۲۵۱
- فلسفه وجود مهر... ۲۵۱
- عوامل طلاق... ۲۵۳
- ۱- درک ناصحیح از تقدس ازدواج... ۲۵۴
- ۲- نادیده انگاری زشتی طلاق... ۲۵۴
- ۳- ناآگاهی از زندگی مشترک... ۲۵۵
- ۴- تقلید از غرب... ۲۵۵
- ۵- ناپختگی عقلی... ۲۵۶
- ۶- توجه به ذائقه‌های سطحی... ۲۵۶
- ۷- اختلاف دیدگاه‌ها... ۲۵۷
- ۸- بی‌توجهی به دین... ۲۵۷
- ۹- مقایسه همسر خود با دیگران... ۲۵۸
- ۱۰- مقررات ویژه طلاق... ۲۵۹
- ۱۱- کوتاهی نهادهای دولتی... ۲۵۹
- ۱۲- اعتیاد... ۲۶۰
- ۱۳- زوال خویشاوندی... ۲۶۲

- ۱۴- دخالت دیگران ... ۲۶۲
- ۱۵- ارتباط خانوادگی ناقص ... ۲۶۳
- ۱۶- ادامه همنشینی‌های مجردی ... ۲۶۳
- ۱۷- اختلاف مدرک تحصیلی ... ۲۶۳
- ۱۸- اعمال خشونت از سوی مرد ... ۲۶۴
- ۱۹- آشنایی اتفاقی و غیر سنتی ... ۲۶۴
- ۲۰- فاصله آشنایی تا عقد ... ۲۶۴
- ۲۱- دوره طولانی عقد ... ۲۶۵
- ۲۲- نازایی ... ۲۶۶
- ۲۳- دختر زایی ... ۲۶۶
- ۲۴- فقر اقتصادی ... ۲۶۷
- ۲۵- ثروت بی‌ضابطه ... ۲۶۸
- ۲۶- توجه به موقعیت همسر ... ۲۶۸
- ۲۷- توقعات نامحدود ... ۲۶۹
- ۲۸- اشتغال زنان ... ۲۶۹
- ۲۹- استقلال اقتصادی زنان ... ۲۷۱
- ۳۰- رذائل اخلاقی ... ۲۷۲
- ۱- بدخویی ... ۲۷۲
- ۲- بدزبانی ... ۲۷۳
- ۳- دروغ‌گویی ... ۲۷۳
- ۴- بدگمانی ... ۲۷۴
- ۵- عیب‌جویی ... ۲۷۵
- ۶- تکبر ... ۲۷۶
- ۷- استبداد ... ۲۷۷
- ۸- بخل ... ۲۷۷
- ۳۱- فساد اخلاقی ... ۲۷۸
- ۳۲- ناپایداری شخصیت ... ۲۷۸
- ۳۳- اختلالات روانی ... ۲۷۹
- ۳۴- تحمل پرستی ... ۲۷۹
- ۳۵- چشم و هم‌چشمی ... ۲۸۰
- ۳۶- معاشرت آزاد ... ۲۸۰
- ۳۷- روابط پنهانی دختر و پسر قبل از ازدواج ... ۲۸۱
- ۳۸- بی‌توجهی به نیازهای جنسی ... ۲۸۲
- ۳۹- فیلم و داستان شهوی ... ۲۸۳
- آثار منفی فیلم‌های جنسی ... ۲۸۴
- ۴۰- ازدواج مجدد ... ۲۸۷
- ازدواج موقت ... ۲۹۱
- انواع طلاق ... ۲۹۵
- ۱- طلاق بائن ... ۲۹۵
- ۲- طلاق خُلَع ... ۲۹۵
- ۳- طلاق مبارات ... ۲۹۶
- ۴- طلاق رجعی ... ۲۹۶
- الگوی جدید طلاق ... ۲۹۶
- چرا طلاق توافقی؟ ... ۲۹۷

- طلاق خاموش... ۲۹۸  
 پشیمانی پس از عقد... ۲۹۹  
 پیامدهای طلاق... ۳۰۱  
 ۱- ناامیدی... ۳۰۱  
 ۲- مشکلات اقتصادی... ۳۰۲  
 ۳- تباهی فرزندان... ۳۰۲  
 ۴- انحراف جنسی... ۳۰۴  
 ۵- بیماری‌های جسمی... ۳۰۴  
 ۶- بیماری روانی... ۳۰۵  
 ۷- افزایش هزینه عمومی... ۳۰۵  
 ۸- طلاق مسری... ۳۰۶  
 پایداری ازدواج... ۳۰۷  
 پایداری... ۳۰۹  
 ۱- جهان بینی... ۳۰۹  
 اعتماد به مقدرات الهی... ۳۱۰  
 ایمان و عمل صالح... ۳۱۱  
 توکل... ۳۱۲  
 توجه به مبانی دینی... ۳۱۴  
 صبر در امتحان... ۳۱۴  
 صبر ام سلیم... ۳۱۵  
 بی توجهی به دیدگاه‌های فیمینستی... ۳۱۷  
 دفع تصورات رویایی... ۳۱۹  
 رعایت مقررات ازدواج... ۳۲۰  
 ۲- تعامل بیشتر... ۳۲۰  
 احترام به همسر، احترام متقابل... ۳۲۱  
 پرهیز از تحقیر و توهین... ۳۲۲  
 پرهیز از تمسخر... ۳۲۲  
 پرهیز از سوء ظن... ۳۲۳  
 در پی ایرادگیری نبودن... ۳۲۴  
 پرهیز از خود رأیی... ۳۲۵  
 دوری از اقدامات شتابزده... ۳۲۶  
 شفاف بودن... ۳۲۶  
 مشورت... ۳۲۷  
 گفتگوی سازنده... ۳۲۸  
 مثبت‌اندیشی و مثبت‌نگری... ۳۲۹  
 نزدیک کردن فرهنگ‌ها... ۳۳۲  
 قناعت اقتصادی... ۳۳۴  
 ایجاد آرامش در خانه... ۳۳۴  
 توجه به فرزندان... ۳۳۵  
 حذف عوامل تنش قبل از ازدواج... ۳۳۶  
 بیان نکردن حوادث تلخ... ۳۳۶  
 پرهیز از مداخله دیگران... ۳۳۷  
 پدرها و مادرها!... ۳۳۸  
 عروس و دامادها!... ۳۳۹

- روابط دوستانه و عاشقانه ... ۳۴۰
- ایراز عاطفه ... ۳۴۱
- راههای افزایش تفاهم ... ۳۴۲
- ۳- دور ماندن از اجتماع آلوده ... ۳۴۶
- بی‌توجهی به عکس و فیلم نامحرمان ... ۳۴۶
- نگاه عقیف ... ۳۴۶
- کاهش فاصله‌های زمانی قبل از عروسی ... ۳۴۸
- ۴- رفع نیاز جنسی همسر ... ۳۴۹
- میزان همخوابی ... ۳۵۰
- ۵- مدارا ... ۳۵۲
- زندگی پیامبر ... ۳۵۵
- ۱- داستان شکمیه ... ۳۵۵
- ۲- قاتل حمزه ... ۳۵۶
- ۳- هیار ... ۳۵۶
- ۴- درخواست بیجای بادیه نشین ... ۳۵۶
- ۵- اسرای بدر ... ۳۵۸
- ۶- مدارا در بیان احکام دینی ... ۳۵۸
- ۷- مدارا در نماز ... ۳۵۸
- ۸- مدارا با منافقان ... ۳۵۸
- ۹- مدارا با مشرکان ... ۳۶۰
- ۱۰- عفو عمومی مکه ... ۳۶۰
- مدارای خدا با فرعون ... ۳۶۲
- فرعون در قرآن ... ۳۶۲
- نتیجه‌ی مدارا ... ۳۶۳
- ۱- غفران ... ۳۶۳
- ۲- تبدیل دشمنی به دوستی ... ۳۶۳
- ۳- تألیف قلب کفار ... ۳۶۴
- ۴- حاصل اخروی ... ۳۶۵
- ایراد ... ۳۶۶
- ۶- مدیریت بعد از اختلاف ... ۳۶۸
- پذیرش رأی حکمین ... ۳۶۹
- ۷- وظایف دستگاه‌های حکومتی ... ۳۷۰
- چند پیشنهاد ... ۳۷۱
- انسجام تشکلهای فرهنگی ... ۳۷۱
- ورود مهندسی فرهنگی در مسائل ریز ... ۳۷۱
- ورود به مباحث اصلی ... ۳۷۱
- تقویت سیستم مشاوره دینی ... ۳۷۲
- دقت در مقررات اجتماعی ... ۳۷۲
- نپرداختن بیش از حد به مشکلات ... ۳۷۲
- اصلاح و بازبینی کتب درسی ... ۳۷۳
- ایجاد اشتغال مثبت و نه حاشیه‌ای در جامعه ... ۳۷۳
- آسیب‌شناسی عوامل ایجاد شکست در جامعه ... ۳۷۳
- توجه به آثار افزایش سن از دواج ... ۳۷۴
- به روز شدن آمار طلاق و موضوعات مربوط به آن ... ۳۷۴

## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين وصل الله على نبيه وآله الطاهرين و صحبه المنتجبين

آفریدگار بشر برای ادامه نسل و برقراری چرخه طبیعت، موجودات را جفت آفرید. وجود دو جنس مخالف در کنار هم در تمامی آفریده‌ها، موجب ترقی و تکامل چرخه طبیعت و مبدأ پیدایش آثار در آنهاست.  
وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.<sup>۱</sup>

می‌دانیم در عالم نباتات تا دو نبات «نر و ماده» با هم عمل لقاح انجام ندهند، گلی و میوه‌ای به وجود نمی‌آید، در دنیای حیوانات همین امر کاملاً مشهود است، و حتی بر اساس آخرین تحقیقات در دنیای جمادات نیز این قانون حکم فرماست. نمی‌توان به‌سادگی نر و ماده بودن ریگ‌ها و سنگ‌ها را انکار کرد، غرش ابرها و باران‌های نافع از به هم خوردن دو قطب مثبت و منفی و بارور شدن آنها، حاصل می‌شود و...  
در انسان به واسطه وجود قوای قوی روحانی، این مسئله شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد، و لذا دستورات گسترده‌ای در آیات و روایات در این باره وارد شده است.  
علت بسیاری این دستورات از يك سو، توجه اسلام به این امر مهم غریزی و نیاز اساسی بشر را می‌رساند، و از سوی دیگر به احترامی که دین خاتم به کوچک‌ترین واحد اجتماعی یعنی خانواده می‌گذارد، مرتبط است. و اگر نبود جز همین مقدار توجه اسلام به مسأله ازدواج، برای اکملیت و خاتمیت این دین مبین کفایت می‌کرد. ادیانی که مدعی نجات بشریت هستند و با نیازهای فطری بشر مبارزه می‌کنند و غرائز وجود انسان را بهاء نمی‌دهند، مطمئناً ادعای خودشان را به ثبوت نرسانده و بلکه نسخ شریعتشان را ثابت نموده‌اند.

دستور کلیسا مبنی بر حرمت ازدواج برای روحانیون، مخالفتی صریح با غرائزی است که خداوند در انسان به ودیعت نهاده است.  
برخی از اینان از يك سو مثلاً منع موقت از آبستنی را حرام می‌دانند و می‌گویند، مخالفت با فطرت بشر است، ولی از سوی دیگر با وضع چنین قانون ساختگی بر

<sup>۱</sup> - ذاریات، ۴۹ و از هر چیز جفتی آفریدیم تا شاید متذکر شوید.

فطرت بشر می‌تازند.

ازدواج پیمان اخلاقی و حقوقی زن و مرد بر اساس آئین اعتقادی آنان است. در قرآن کریم از این پیمان به ازدواج و نکاح و میثاق یاد شده است. نکاح به معنای مخلوط شدن آمده است و مراد از آن در اینجا همان ازدواج یعنی جفت شدن و شبیه شدن است.

قرآن کریم از ازدواج به میثاق غلیظ تعبیر کرده است. «...وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» به پیمانی گفته می‌شود که با سوگند و عهد محکم شده باشد. استفاده از همین واژه در قرآن برای پیمان بین بنده و خدا اهمیت پیمان زناشویی را آشکار می‌نماید. «وَأَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ...»<sup>۲</sup>

*هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید...*

پس با توجه به آنچه گفته شد ازدواج میثاقی الهی بین زن و مرد بر مبنای اعتقاد و اخلاق است.

آنچه پیش روی دارید، مجموعه‌ای از دستورات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام پیرامون اهمیت ازدواج، معیارهای آن، مسئولیت زن و شوهر، عوامل و پیامدهای جدائی و راه‌های پایداری ازدواج است.<sup>۳</sup>

بنا داشتیم بعد از دو کتاب «ازدواج و آداب زناشویی در آئینه حدیث» و «زفاف» و استقبال خوانندگان محترم از آنها، با توجه به افزایش بی‌رویه آمار طلاق و نیز تغییر الگوی طلاق از طلاق رجعی به طلاق توافقی، کتابی در این باره به رشته تحریر در آورم، اما ارتباط این معضل با ازدواج‌های گاه ناصحیح امروزی، مرا بر آن داشت تا در این باره به ریشه‌یابی بپردازم و با بیان احکام دین در باره ازدواج، عوامل ثبات زندگی را بررسی کرده و ضمن تحلیل برخی ناهنجاری‌های اجتماعی، راه‌های برون رفت از معضل طلاق را در مجموعه‌ای بنگارم. امید که مطالعه آن افقی وسیع در برابر جوانان در شرف ازدواج و نیز همه خانم‌ها و آقایان مخاطب آن بگشاید تا مشکلات سر راه را ناچیز دانسته و با افزایش روحیه امید به زندگی، خود را از گزند حیل‌های زمانه نجات دهند.

انشاءالله تعالی  
علی غضنفری

<sup>۱</sup> - نساء، ۲۱.

<sup>۲</sup> - بقره، ۸۳.

<sup>۳</sup> - ترجمه غالب احادیث، توضیحی و تبیینی است.

قبل از ازدواج

## اهمیت ازدواج

از نشانه های زیبایی که انسان را به سوی مبدأ هستی بخش راهنمایی می‌نماید، خلقت اشرف هستی به صورت جفت است.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...<sup>۱</sup>

*از نشانه های قدرت اوست که همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید...*

به عبارت دیگر، خدا انسان را چنان آفریده است که حیات و بقاء او در گرو همراهی با جفت خود است. و به همین علت می‌توان گفت که اسلام ازدواج را يك سیر طبیعی برای بشر می‌داند.

در روایات اهل بیت علیهم السلام به شیوه های مختلف بر این مهم تأکید شده است. به برخی از این روایات توجه کنید:

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

- نکاح سنت و روش من است، هر کس که از آن اعراض کند از سنت من دوری جُسته است.<sup>۲</sup>

- آنکه از دواج کند و همسر بگزیند، نصف سعادت به وی عطا شده است. (همسر نیمی

---

<sup>۱</sup> - روم، ۲۱.

<sup>۲</sup> - النِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْهُ فَقَدْ رَغِبَ عَنِّي. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

از سعادت آدمی است).<sup>۱</sup>

- آنکه می‌خواهد خداوند را در روز قیامت پاک و پیراسته از گناه ملاقات کند، به ازدواج روی آورد.<sup>۲</sup>

- درهای رحمت آسمان در چهار وقت باز می‌شود: هنگام نزول باران، هنگامی که فرزند بامهریانی به صورت پدر خویش می‌نگردد، هنگام باز شدن در خانه خدا و وقت نکاح و ازدواج.<sup>۳</sup>

- در اسلام بنائی دوست داشتنی‌تر نزد خداوند از ازدواج برپا نشده است.<sup>۴</sup>

امام علی علیه‌السلام نیز می‌فرماید:

- هیچ‌کدام از اصحاب و یاران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از دواج ننمود مگر اینکه پیامبر در باره وی می‌فرمود: «دینش کامل گشت».<sup>۵</sup>

- ازدواج کنید، زیرا که ازدواج سنت و روش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، آن حضرت همواره می‌فرماید: آنکه دوست دارد از سنت و سیره من پیروی کند، بداند که ازدواج سنت من است و نیز طلب فرزند نمایید که من فردا به شما افتخار می‌کنم، همچنین فرزندان را از شیر زنان فاسد و دیوانه برحذر دارید، چرا که شیر در همه خُلق و خَلق انسان سرایت می‌کند.<sup>۶</sup>

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: چه عاملی مانع انسان باایمان شده است که همسر برنمی‌گیرد، زیرا شاید خداوند اولادی به‌وی عطا نماید که زمین را با «لا اله الا الله» سنگین نماید و موجب هدایت مردم شود.<sup>۷</sup>

- هیچ چیز مباحی، دوست داشتنی‌تر از نکاح نزد خداوند نیست، انسان با ایمان چون در

<sup>۱</sup> - مِنْ تَزْوَجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نَصِيفَ السَّعَادَةِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

<sup>۲</sup> - مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجَةٍ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۶.

<sup>۳</sup> - يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَعِنْدَ النِّكَاحِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲.

<sup>۴</sup> - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا بُنِيَ فِي الْأَسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲.

<sup>۵</sup> - لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ: «كَمُلَ دِينُهُ». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

<sup>۶</sup> - تَزَوَّجُوا فَإِنَّ التَّزْوِيجَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ: مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَأَطْلُبُوا الْوَالِدَ فَإِنَّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ غَدًا وَتَوَقُّوا عَلَيَّ أَوْلَادِكُمْ مِنْ بَنِي الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْدِي. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴.

<sup>۷</sup> - مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسَمَةً تَنْقُلُ الْأَرْضَ بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳.

پی نزدیکی با همسرش غسل کند، ابلیس می‌گریزد و گوید: ای وای؛ این بنده، پروردگارش را اطاعت نمود و خداوند گنااهش را بخشید.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: از دواج کنید که من فردا در روز قیامت به کثرت شما امّتم مباحات می‌کنم، حتی جنین سقط شده در قیامت، خشمگین و ناراحت بر دروازه بهشت وارد می‌شود، منادیان به وی می‌گویند داخل بهشت شو، او در جوابشان گوید: هرگز! مگر اینکه پدر و مادرم قبل از من وارد شوند.<sup>۲</sup>

آن امام نیز به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: از دواج کنید و به تزویج درآورید. بدانید که از جمله بهره‌های مسلمان این است که اموالش را در مسیر از دواج صرف کند. نزد خداوند متعال هیچ چیزی محبوب‌تر از خانه‌ای که به وسیله از دواج آباد شود، نیست و نیز هیچ چیزی میغوض‌تر از خانه‌ای که به وسیله جدایی و طلاق ویران گردد، نزد خداوند وجود ندارد.<sup>۳</sup>

از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که: سه چیز از سنت‌ها و روش‌های رسولان الهی است: ۱- استعمال عطر و خوشبو کردن خود ۲- گرفتن و چیدن موهای اضافی بدن ۳- آمیزش بسیار با همسر.<sup>۴</sup>

### کراهت ترك ازدواج

ترك ازدواج در روایات با تعابیر شدیدی مذمت شده است. توجه کنید:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

- پست‌ترین مردگان شما آنانی هستند که همسر نگزیده و مجرد مرده‌اند.<sup>۵</sup>

- برگزیدگان امت من متأهلین و بدان آنان، مجردها هستند.<sup>۶</sup>

- بدهای شما، بی‌همسرانتان هستند و نیز آنان برادران شیطانند.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - لَيْسَ شَيْءٌ مُّبَاحٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ النِّكَاحِ فَإِذَا اغْتَسَلَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَلَالِهِ، بَكَى إِبْلِيسُ وَقَالَ: يَا وَيْلَتَا هَذَا الْعَبْدُ أَطَاعَ رَبَّهُ وَغَفَرَ لَهُ ذَنْبَهُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

<sup>۲</sup> - إنَّ رسولَ اللَّهِ صلَّى اللهُ عليه وآله قال: تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَافِئٌ بِكُمْ الأُمَّمَ عَدَا فِي القِيَامَةِ حَتَّى أَنْ السُّقْطُ يَجِيءُ مُحْتَبِطًا عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ فَيُقَالُ لَهُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ، فَيَقُولُ: لَا حَتَّى يَدْخُلَ أبَوَايَ الْجَنَّةَ قَبْلِي. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۳.

<sup>۳</sup> - تَزَوَّجُوا وَزَوَّجُوا، أَلَا فَمَنْ حَظَّ امْرَأَةً مُسْلِمَةً إِنْفَاقُ قِيَمَةِ أَيْمَةٍ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الأِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يَخْرُبُ فِي الأِسْلَامِ بِالفِرْقَةِ بِغْنَى الطَّلَاقِ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۵.

<sup>۴</sup> - ثلاثٌ مِنْ سُنَنِ الرُّسُلِينَ: العَطْرُ وَأَخْذُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۴.

<sup>۵</sup> - رُدَّالُ مَوْتَاكُمْ الرُّزَابُ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۷.

<sup>۶</sup> - خِيَارُ أُمَّتِي الْمُتَأَهِّلُونَ وَتَبْرَارُ أُمَّتِي الرُّزَابُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

- چهار دسته را خداوند بر بلندای عرشش لعن می‌کند و از رحمت خود دور نگه می‌دارد و فرشتگان آمین می‌گویند. اولین آنان کسی است که خود را نگه داشته و ازدواج نمی‌کند و از کنیزان نیز همسری برنگزیده است زیرا می‌ترسد مبادا دارای فرزندی شود.<sup>۲</sup>

- بیشتر اهل آتش، مجردها و بی‌همسرها هستند.<sup>۳</sup>

- نبی گرامی اسلام به مردی بنام «عگاف» فرمودند: آیا همسر داری؟ عگاف پاسخ داد: خیر، پیامبر پرسیدند آیا کنیز داری؟ عگاف باز هم پاسخ منفی داد، پیامبر فرمودند: آیا دستت باز است (امکانات مادی تو خوب است)؟ عگاف گفت: آری، پیامبر فرمودند: پس ازدواج کن و الا از گناهکاران خواهی بود.<sup>۴</sup>

- در حدیث دیگری چنین آمده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به عگاف فرمودند: ازدواج کن و گرنه از برادران شیاطین خواهی بود.<sup>۵</sup>

- امام صادق علیه السلام نیز در مذمت ترك ازدواج فرمودند: مردی نزد پدرم آمد، پدرم که درود خدا بر او باد، به وی فرمودند: آیا زن داری؟ پاسخ داد: خیر. پدرم فرمود: دوست ندارم تمام دنیا و هر چه در آنست از من باشد و من يك شب را بی‌همسر به سر ببرم.<sup>۶</sup>

#### پرهیز دختران از ازدواج

برخی بر این باورند که ازدواج مانع عشق واقعی انسان به خدا می‌شود، به باور آنان قلب باید مالا مال از عشق خدا شود نه به بنده او متمایل گردد! پیداست که این تفکر خیالی هیچ پایه دینی ندارد و بلکه دستاویزی برای ابلیس در فریب آدمی است. انسان‌هایی که او را از در بیرون رانده‌اند ولی چون از اولیاء خدا غافل شده‌اند، پنجره‌های نفوذش را به قلب خویش نبسته‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کردند از اینکه زنان از ازدواج

<sup>۱</sup> - شِرَارِكُمْ عُرَابِكُمْ وَالْعُرَابُ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

<sup>۲</sup> - أَرْبَعَةٌ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ وَيُؤْمِنُونَ الْمَلَائِكَةَ، رَجُلٌ يَتَحَفَّظُ نَفْسَهُ وَلَا يَتَزَوَّجُ وَلَا جَارِيَةَ لَهُ كَيْلًا يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ... مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۶.

<sup>۳</sup> - أَكْثَرُ أَهْلِ النَّارِ الْعُرَابُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۸.

<sup>۴</sup> - ... تَزَوَّجْ وَإِلَّا فَانْتَ مِنَ الْمُذْبِئِينَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

<sup>۵</sup> - تَزَوَّجْ وَإِلَّا فَانْتَ مِنْ إِخْوَانِ الشَّيَاطِينِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

<sup>۶</sup> - جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ؟ قَالَ: لَا. فَقَالَ أَبِي: مَا أَحَبُّ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَأَنْ يَتُّ لَيْلَةً وَكَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷.

پرهیز کنند.<sup>۱</sup>

عبدالصمد بن بشیر می‌گوید: زنی بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد و عرض کرد: خدا تو را خیر دهد من زنی متبتله هستم. پیامبر فرمودند: منظورت از تبتل چیست؟ زن گفت: من ازدواج نمی‌کنم. پیامبر فرمود: چرا؟ پاسخ داد: من در پی فضیلت هستم و این را فضیلت می‌دانم. این زن که مشکل خویش را چنین واضح به امام علیه‌السلام عرضه داشت، سراپا گوش برای شنیدن دستور العمل امام علیه‌السلام بود، امام فرمود: از این عقیده‌ات منصرف شو، اگر ازدواج نکردن فضل باشد، فاطمه علیه‌السلام به آن سزاوارتر بود زیرا کسی در فضایل بر او سبقت نگرفت.<sup>۲</sup>

برخی ترك ازدواج خود را با تمسك به ازدواج نکردن حضرت عیسی و یحیی علیه‌السلام توجیه می‌کنند چراکه این دو پیامبر الهی، ازدواج نکردند و بعضی مفسران واژه (حصورا) در آیه ۳۹ سوره آل عمران<sup>۳</sup> را مستند مدح خدا از یحیی به خاطر ترك ازدواج دانسته‌اند.

در پاسخ این شبهه باید گفت واژه‌ی حصورا غالباً به معنای خودداری از پرداختن به خواسته‌های نفسانی است نه ترك ازدواج. علاوه اینکه این دو پیامبر بزرگ به خاطر شرایط ویژه‌ی خود و اینکه همواره در سفر بودند، ازدواج نکردند. از اینها گذشته اگر تعارضی بین قول و فعل معصوم علیه‌السلام وجود داشته باشد، قول او حجت است چه اینکه فعل وی منوط به شرائطی است که گاه بر ما پوشیده‌است و لذا عمل این دو نبی‌خدا توان مقابله در برابر آن همه دستورات و تأکیدات بر ازدواج که بخش اندکی از آن گذشت، ندارد.

### مستحب یا...

دستورات بی‌شمار به ازدواج و بیان کراهت ترك آن چنانچه دیدیم، ما را به این مهم سوق می‌دهد که نگاه دین به ازدواج، بسیار فراتر از يك عمل صرفاً مستحبی می‌باشد. اسلام در برابر راه‌های اطفاء غریزه جنسی به طریق نامشروع، ازدواج را قرار داده است. پس هر کس به راه خدا توجه کند و از راه ابلیس و شیاطین روی گردان باشد، خدا را عبادت کرده است و بهره خود را در دنیا و آخرت از خداوند خواهد گرفت. روزی ابوذر غفاری نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و پرسیدند: ممکن است هنگام نزدیکی با همسر که لذت می‌بریم، پاداش اخروی هم داشته باشیم؟ پیامبر در پاسخ ابوذر سؤالی را مطرح کردند و فرمودند: آیا اگر با غیر همسر خودت نزدیکی می‌کردی

<sup>۱</sup> - نَبِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّسَاءُ أَنْ يَتَّبِلْنَ وَيُعْطِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

<sup>۲</sup> - ... أَنْصَرِفِي، فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضلاً لَكَانَتْ فَاطِمَةُ أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ، إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

<sup>۳</sup> - فَادَاتُهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ سَيِّدًا وَ حَصُورًا وَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ. وقتی زکریا که در محراب ایستاده و مشغول عبادت بود، فرشتگان او را صدا زدند که خدا تو را به یحیی بشارت دهد او که مسیح کلمه خدا را تصدیق کند و رهبر و برکنار از هوس و پیامبری از صالحان است.

گناهکار نبودی؟ ابوذر پاسخ داد: بلی گناهکار بودم. پیامبر فرمود: پس اگر از راه مشروع صورت گیرد نزد خدا پاداش خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### چند پیشنهاد برای تسریع در ازدواج

آنچه در اهمیت ازدواج و پرهیز از ترك و حتی زشتی تأخیر آن بیان شد، خاص عده‌ای است که با اختیار خود در امر ازدواج کوتاهی می‌کنند. بی‌شک ازدواج به زمینه‌های گسترده‌ای نیاز دارد که بخش عمده‌ای از آن در اختیار انسان نیست. به همین سبب نگرانی برخی دختران از نداشتن خواستگار مناسب و یا بهم خوردن خواستگاری، عقلائی به نظر نمی‌رسد. باید منتظر حکم الهی شد و به آن راضی بود. اما به هر حال نکاتی سودمند در توصیه به دخترانی که از تأخیر ازدواج خود گله‌مند هستند، بیان می‌شود.

۱- در نمازهای جماعت و جلسات مذهبی البته به قصد انجام وظیفه، شرکت جوئید. این جلسات بستری مناسب برای شناختن خود به مادران و خواهرانی است که قصد انتخاب همسر برای فرزندان و وابستگان خود دارند.

۲- سنگینی و قار خود را از دست ندهید، هیچ مادر و فرزندی حاضر به نگاه کردن به زنی سبکسر برای زندگی دائمی نیست.

۳- آراستگی ظاهری را در محافل زنانه از دست ندهید. افزایش سطح روابط عمومی، بالا بردن مهارت‌های زندگی مانند آشپزی، خیاطی و... توصیه می‌شود.

۴- آرمان گرایی را از ذهن خود دور کنید، نقص‌ها را بزرگ جلوه ندهید. به داشته‌های همسر بیشتر از نداشته‌ها اعتماد کنید.

۵- از دعا کمک بگیرید. دعا رابطه بریده با خدا را بازسازی می‌کند. قبل از دعا زمینه‌های استجاب را تقویت نمائید.

۶- از والدین خود بخواهید برایتان دعا کنند که دعای آنان در حق فرزندان زودتر به اجابت می‌رسد. ضمناً اگر در قید حیات نیستند، حضور در کنار قبر آنان و درخواست دعا، تقریباً همان اثر را دارد.

۷- استغفار بسیار، موجب جلب نعمت‌ها و دور شدن از نعمت‌هاست. پس زیاد استغفار کنید. استغفار واقعی داشته باشیم!

۸- برخی اذکار و اسامی خدای متعال که حکایت از رحمت اوست مؤثر است. مانند یا فتاح، یا مرتاح، یا رزاق، یا لطیف و یا قادر.

۹- قرائت آیاتی از قرآن مانند ۲۱ روم، ۴۱ فاطر و سوره احزاب را از دست ندهید.

۱۰- صدقه چشمگیر و نذر مناسب بسیار مؤثر است. الزاماً باید صدقات بزرگ را در جای مناسب مصرف کنید.

۱۱- سعی کنید باری از دوش دیگران بردارید تا دعای خیر آنان را بدرقه خود بنمائید.

۱۲- دو رکعت نماز حاجت در وقت استجاب دعا بخوانید و بعد از آن سوره یس را تلاوت کنید سپس شکر خدا را به زبانی که خود زیباتر می‌دانید به جای آورده و برای

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

رفع مشکل خود دعا و استغاثه نمائید.

۱۳- هرگز صبر را از دست ندهید. از آینده چه می‌دانید. شاید خدا سرنوشتی بسیار زیباتر برای شما در نظر گرفته باشد.

۱۴- به گناه نزدیک نشوید، یوسف علیه‌السلام را بیاد آورید که خود را به گناه آلوده نکرد و آن همه نعمت‌ها را نصیب خود ساخت.

۱۵- هر پیش‌آمد ناگواری را نمی‌توان سحر حساب کرد اما برای دفع احتمال سحر می‌توان از آیات و انکار ذیل کمک گرفت که عبارت است از: قرائت قرآن، قرائت دو سوره الناس و الفلق، قرائت چهار قل، قرائت سوره جن، قرائت سوره تکویر، قرائت آیات سخره (آیات ۵۴ تا ۵۶ اعراف)، قرائت آیه‌الکرسی، قرائت ۵۰ آیه در هر روز (پنج صفحه)، همراه داشتن قرآن، اذان با صدای بلند و همراه داشتن و قرائت حرز امام جواد علیه‌السلام.<sup>۱</sup>

۱۶- تا مطمئن به انجام کار خود نشده‌اید، آن را نزد هرکسی افشاء نکنید. چرا که هر انسانی حسودانی دارد که گاه با چشم‌زدن و یا با دویهم زنی و غیر آن مانع رسیدن نعمت می‌شوند.<sup>۲</sup>

امیدوارم در آشتی با خدا موفق باشیم.

پسران هم می‌توانند برای یافتن همسر مناسب ضمن بهره‌گیری از راه‌های معقولی که در آیات و روایات توصیه شده است، دو رکعت نماز (در هر رکعت حمد و سوره یس) بخوانند و پس از نماز حمد خدا بجا آورده و دعا و استغاثه نموده و سپس دعای نقل شده از حضرت امیر علیه‌السلام را قرائت نمایند. این دعا بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَوَدَا وَوَلَدًا شَكُورًا قَنُوعًا غَيْرًا. إِنَّ أَحْسَنَ شُكْرٍ وَ إِنَّ أَسَاتُ عَفْرَتٍ وَ إِنَّ ذِكْرَتُ اللَّهِ تَعَالَى أَعَانَتْ وَ إِنَّ نَسِيَتُ ذِكْرَتٍ وَ إِنَّ خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهَا حَفِظْتُ وَ إِنَّ دَخَلْتُ عَلَيْهَا سُرْتُ وَ إِنَّ أَمْرُهَا أَطَاعَتْنِي وَ إِنَّ أَقْسَمْتُ عَلَيْهَا أَبْرَتُ قَسَمِي وَ إِنَّ غَضِبْتُ عَلَيْهَا أَرْضَنْتُنِي. يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ هَبْ لِي ذَلِكَ فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ وَ لَا أَجِدُ إِلَّا مَا قَسَمْتَ لِي.<sup>۳</sup>

خدایا به من همسری عطا کن که بچه آور و سپاسگزار و غیرتمند باشد. اگر به او خوبی کردم شکرگزار باشد و اگر به او بدی نمودم ببخشد و اگر یاد خدا نمودم مرا یاری نماید و اگر فراموش کردم یادآوری نماید و وقتی از پیش او می‌روم حافظ خانه و خانواده باشد و هر وقت بر او وارد می‌شوم مسرور گردد و اگر به او دستوری دادم

<sup>۱</sup> - مفاتیح الجنان، حرز امام علیه‌السلام. (یا نور و یا برهان و یا مبین و یا منیر و یا ربِّ اِكْفِينِي الشُّرُورَ و آفَاتِ الدُّهُورِ و اسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ).

<sup>۲</sup> - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اِسْتَعِينُوا عَلٰى اُمُورِكُمْ بِالْكِتْمَانِ فَاِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَّحْسُودٌ (برای برآورده شدن حوائج خود، از کتمان یاری بگیری که هر صاحب نعمتی مورد حسادت قرار می‌گیرد). تحف العقول، ص ۴۸.

<sup>۳</sup> - نوادر راوندی، ص ۴۸.

اطاعت کند و اگر بر او سوگند یاد کنم ذمه مرا بری نماید و اگر بر او خشمگین شدم از من راضی شود. ای صاحب بزرگی و کرامت این را به من کرامت فرما من این را از تو می‌خواهم و البته چیزی جز آنچه که بر من منت نهی و عطا کنی نمی‌گیرم. امیدوارم عنایت خداوند متعال شامل همه جوانان شده و زیبایی‌های زندگی آنان در کنار والدینشان بیش و بیشتر شود. آمین یا رب العالمین.

## چرا ازدواج؟

ممکن است سؤال شود که چرا به ازدواج تن دهیم؟ کسی که می‌تواند نیاز خود را به شکل‌های مختلف برطرف کند، چه حاجت به ازدواج و تحمل دردهای آن دارد؟ چنین پرسشگری می‌پرسد برای داشتن يك لیوان شیر، چه نیازی به خریدن گاو است؟ در پاسخ این سؤال باید گفت ترس از مشکلات ازدواج نباید ما را از آن محروم کند چه اینکه کسی تردیدی در سختی تحصیل علم و نیز کار و تلاش ندارد، اما هرگز نمی‌گوید چون سخت است از آن پرهیز کنم. ازدواج چون سایر مقررات الهی، هدفی مهم را در دنیا و آخرت دنبال می‌کند. از جمله:

### ۱- آرامش جسم و روح

طبیعی است انسان به تنهایی نمی‌تواند همه نیازهای خود را مرتفع سازد، مصائب و مشکلات در جامعه به حدی است که هر تنهایی را از پای در می‌آورد. اغراق نیست اگر بگوئیم منع اسلام از تنها خوابیدن، تنها سفر کردن، تنها غذا خوردن و...، به واسطه تبعات فاسد آن است.

اگر در کنار انسان، همسری مهربان باشد، غم‌ها و غصه‌ها را بتواند تسکین دهد و با اهداء روح امیدواری، یأس و ناامیدی را بزداید، بی‌تردید آدمی را در مقابل مصائب، صبورتر و بردبارتر می‌نماید و او را به موفقیت نزدیکتر می‌سازد. قرآن کریم ایجاد سکون و مودت را آیه و نشانه رحمت خود می‌داند و به این نیاز چنین اشاره کرده است:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...<sup>۱</sup>

اوست خدایی که شما را از يك فرد آفرید و همسرش را از جنس او قرار داد تا در کنارش بیسایید. هر يك از زن و مرد فی نفسه ناقص و محتاج به دیگری است. مجموع آن دو، واحدی تام می‌سازد. همین نقص و احتیاج است که هر کدام به سوی دیگری حرکت می‌کند و چون به هم رسیدند، آرامش و سکون می‌یابند. خداوند در آیه دیگری به همین مطلب اشاره کرده است:

<sup>۱</sup> - اعراف، ۱۸۹.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...<sup>۱</sup>

از نشانه های قدرت اوست که همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید تا به آنان آرام گیرید و در میانتان دوستی و مهریانی به وجود آورد.

و نیز آیه ۴۹ سوره ذاریات که جفت بودن همه مخلوقان را بیان می کند، از آرامش دل سخنی به میان نمی آورد ولی وقتی از زوجیت زن و مرد سخن می گوید، مسأله سکون و آرامش را مطرح می کند... لَيْسَ كُنَّ إِلَيْهَا... لَيْسَ كُنُوا إِلَيْهَا...

و در آیهی دیگر، خداوند شب را مایهی سکون می داند.

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ...<sup>۲</sup>

با آمدن شب، جار و جنجال روز پایان می پذیرد، قیل و قال های جمع آوری مال و ثروت، اندک و گاهی از بین می رود، خوف و اضطراب از حوادث کسب و کار جای خود را به سکوت و آرامش می دهد. همسر نیز مایه سکون و آرامش دل است.

## ۲- مودت

دیگر از ویژگی های فطری انسان، میل به مودت و محبت است، او موجودی کمال یاب است و برای رسیدن به کمال مطلوب خویش، از همه ابزارها از جمله محبت یاری می طلبد. او نیاز فطری به آرامش دارد و در پی اسباب ایجاد آسایش و آرامش خود است و سبب اصلی این مهم را در محبت می بیند و لذا محبت هم نیاز فطری او محسوب می شود.

پس انسان چون می خواهد آرامش داشته باشد و دیگران را هم در آرامش ببیند، به سوی محبوب خود روان می گردد که هم خود آرام شود و هم این آرامش را به دیگری هدیه دهد. خداوند نیز به این مهم اشاره کرده و می فرماید:

...وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً...<sup>۳</sup>

...و در میانتان دوستی به وجود آورد...

البته می توان این مهم را چنین تحلیل کرد که منشأ آرامش زن و مرد، محبت و مودت است که خداوند بین آندو ایجاد کرده است.

## ۳- شکسته شدن حصار خودگرانی

جوان تا قبل از ازدواج گاه به جز خود به کسی نمی نگرد؛ وی تمام دنیا را برای خود می خواهد. اما پس از آن دیگری را در کنار خود می بیند. او دیگر من نیست، ماست. کوچک نشده است که واکنش منفی نشان دهد، بلکه بزرگتر شده و روح خودبینی او به

<sup>۱</sup> - روم، ۲۱.

<sup>۲</sup> - غافر، ۶۱؛ خداوند آن کسی است که شب را برای شما قرار داد تا استراحت کنید.

<sup>۳</sup> - روم، ۲۱.

دگر بینی و دگر بینی موجب واقع بینی وی می‌شود. حتی برای انسان خودخواه ازدواج تمرینی است برای افزایش صبر در برابر افکار و عقائد دیگران و تردید در دانسته‌های خود و همواره محق ندانستن خویش.

#### ۴- ارضاء جنسی

یکی از قوای روحانی انسان شهوت اوست که تمامی خواسته‌های آدمی را از میل به خوردن و آشامیدن و ارضای لذات جنسی تا مقام خواهی و دنیا طلبی و... را در کنترل خود دارد. انسان می‌خواهد بخورد، بیاشامد، آرامش یابد، ثروت داشته باشد، بالا برود و... او برای بهره‌بری از لذت جنسی، به جنس مخالف خویش توجه دارد و برای فروکش ساختن میل جنسی خویش به همسر نیاز دارد.

این میل که از آغاز بلوغ جنسی او شکل می‌گیرد چنان گسترده می‌شود که گاهی ممکن است تصور شود تنها باعث زندگی مشترک او همان بوده است.

این مهم نیز در اسلام بی‌پاسخ نمانده است. اسلام راهی برای رسیدن به لذات جنسی پیشنهاد می‌نماید که ضمن هماهنگی با سایر اهداف، ضرری به دیگر انسان‌ها وارد ننماید و ایده‌ی آنان را پایمال نکند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَمْلَكَتِهِمْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ<sup>۱</sup>

و آنان که شرمگاهشان را حفظ می‌کنند جز بر همسران و کنیزانشان که در این صورت قابل ملامت نیستند.

بی‌شک ارضاء شهوت جنسی از راه صحیح آن، به واسطه نداشتن تبعات فاسده، از لذتی خاص برخوردار است به طوری که کامیابی زن و شوهر از آمیزش گاهی با هیچ لذت دنیوی دیگری قابل مقایسه نمی‌باشد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای خود، در میان لذات گوناگون دنیوی، تعدادی محدود از آنها را، که از جمله آنها ازدواج است می‌طلبد و می‌فرماید: از دنیای شما جز زن و عطر، چیزی دیگر برنگزیدم.<sup>۲</sup>

و جالب اینجاست که در روایت دیگر لذت زن را در کنار حبّ و عشق به نماز قرار می‌دهد، هر چند این دو قابل قیاس نیستند، اما این خود از اهمیت ازدواج حکایت می‌کند. ایشان می‌فرماید: نور چشم من در نماز و لذت در زنان قرار داده شده است.<sup>۳</sup> امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: لذیذترین چیزها در دنیا مجامعت است.<sup>۴</sup>

#### ۵- حفظ نسل

<sup>۱</sup> - مؤمنون، ۵ و ۶.

<sup>۲</sup> - ما أصیب من دُنْیَاکُمْ إِلَّا النِّسَاءُ وَ الطَّیْبُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰۴.

<sup>۳</sup> - جُعِلَ قُرَّةَ عَیْنِی فِی الصَّلَاةِ وَ لِدَّتِی فِی النِّسَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

<sup>۴</sup> - أَلْدُ الْأَشْیَاءِ مُبَاضَعَةُ النِّسَاءِ. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۱.

بی تردید بقاء نسل انسان به ازدواج بستگی دارد و در گرو زندگی مشترك زن و شوهر است. شاید بتوان گفت که فطری بودن نیاز به ازدواج در انسان موجب شده است که نسل او منقطع نگردد، چه اینکه گاه دشواری‌های ازدواج به حدی فراوان می‌شود که انسان می‌خواهد از آن سرباز زند.

البته می‌توان گفت که توجه به نسل و فزونی آن نیز از نیازهای فطری بشر محسوب می‌شود. انسان دوست دارد در پی او کس و کسانی باشد که کارهای ناتمام او را تکمیل نماید.

زکریا به خداوند عرضه می‌دارد که فرزندی داشته باشد.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.<sup>۱</sup>

در آنجا زکریا پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا! از جانب خویش مرا فرزندی صالح عطا فرما که تو شنوای دعایی.

در سوره فرقان نیز عباد الرحمن چنین توصیف شده‌اند که از خداوند درخواست بقاء نسل دارند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.<sup>۲</sup>

و به آنانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسر و فرزندانمان چشمان ما را روشن فرما و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده.

قرآن از عمل قوم لوط از آن جهت بیزاری می‌جوید که آنان در پی قطع نسل بشر بودند.

أَنتُمْ كُنْتُمْ لَنَا تُونَ الرِّجَالِ وَتَقَطُّونَ السَّبِيلَ...<sup>۳</sup>

چرا سراغ مردان می‌روید و راه تداوم نسل را قطع می‌کنید...

نیز قرآن کریم آمیزش با زنان را از آنجا که موجب ایجاد نسل شود، ستوده است.

نِسَائِكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ...<sup>۴</sup>

زنانتان کشتزار شمایند...

یکی از دلایل مخالفت صریح و اکید اسلام با فحشا نیز نابود شدن نسل است.

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - آل عمران، ۳۸.

<sup>۲</sup> - فرقان، ۷۴.

<sup>۳</sup> - عنکبوت، ۲۹.

<sup>۴</sup> - بقره، ۲۲۳.

<sup>۵</sup> - اسراء، ۳۲.

گرد زنا نگریدید که کاری بسیار زشت و شیوه‌ای ناپسند است.

راه بد در تفاسیر، به ازدواج فاسد یا روش نادرستی معنا شده است که غالباً در پی ایجاد نسل نیست.

یکی از دلایلی که اسلام بر مسأله ازدواج تأکید فرموده، توجه به کثرت جمعیت مسلمانان و ترغیب به آن است. هر چند متأسفانه در این زمانه به افزایش جمعیت به دید منفی می‌نگرند و با دلایلی که ارتباط چندانی با کثرت جمعیت ندارد، بلکه با نوع مدیریت اقتصادی بیشتر مربوط است، مانع رشد جمعیت مسلمانان شده‌اند، اینان مرهوب الفانات اروپا شده‌اند چرا که آنان به واسطه نابودی کانون خانواده در بین خود، میل به داشتن فرزند ندارند و از این نظر به شدت نگران جمعیت اندک خود و جمعیت زیاد کشورهای شرقی هستند. آیا می‌توان با این حربه طراحی شده از سوی بیگانگان از نصوصی که در ستایش کثرت جمعیت در آینده و قیامت وارد شده است، به سادگی گذشت.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: کسی که دوست دارد از سنت من پیروی کند، همانا سنت من ازدواج است و فرزند بخواهید که من فردا به کثرت شما فخر می‌ورزم.<sup>۱</sup> و نیز می‌فرماید: ازدواج کنید، صاحب فرزند شوید که من به کثرت شما در روز قیامت مباهات می‌کنم.<sup>۲</sup>

همین که مباهات و فخر پیامبر به آینده و حتی روز قیامت تعلق گرفته است و می‌فرماید من در آینده مباهات می‌کنم، مانع استدلال بی‌پایه برخی می‌شود که می‌گویند: این حدیث مربوط به زمان‌های گذشته است.

## ۶- حفظ از گناه

چنانچه گفته شد ازدواج میل جنسی را خاموش می‌سازد، میلی که اگر از این طریق از بین نرود شاید موجب تعدی به حقوق دیگران شود و سلامت جسمی و روحی جامعه را برهم ریزد. به عبارت دیگر ازدواج موجب احسان انسان می‌شود و مرد و زن محصن و محصنه در دژی محکم قرار می‌گیرند تا هم اجازه‌ی تعدی دیگران به خود را ندهند و هم به حقوق دیگران تعدی ننمایند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به جوانان می‌فرماید: ای جوانان هر کدام می‌توانید ازدواج کنید (توان جنسی ازدواج دارید) که موجب می‌شود چشم و عفت شما محفوظ ماند.<sup>۳</sup>

## ۷- روزی

ازدواج در افزایش روزی، سهم عمده‌ای دارد؛ به روایاتی در این باره توجه کنید: امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مردی به حضور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و از فقر و

<sup>۱</sup> - مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي، فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّرْوِيجَ، وَأَطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي مُكَافِّرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا... وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳.

<sup>۲</sup> - تَنَافَحُوا تَنَافَحُوا، أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

<sup>۳</sup> - يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

حاجت خود گله کرد، پیامبر به وی فرمودند که ازدواج کند، وی چنین نمود و همین باعث وسعت روزی وی شد.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: جوانی از اهل مدینه به حضور پیامبر خدا ﷺ رسید و از فقر و تهیدستی خویش گله نمود، پیامبر به وی فرمودند: ازدواج کند، جوان برگشت و با خود می‌گفت: من دیگر حیا می‌کنم از اینکه به حضور رسول خدا برسم، در این حال به مردی از اهالی مدینه رسید، وی گفت: من دختری نیکو جمال دارم، جوان با آن دختر عقد ازدواج بست و خداوند به روزی آنان وسعت بخشید، روزی جوان به حضور پیامبر خدا ﷺ رسید و ایشان را از ماجرای خودش باخبر ساخت، پیامبر فرمودند: ای جوانان! شما را توصیه می‌کنم به ازدواج.<sup>۲</sup>

نیز پیامبر فرموده‌اند: همسر برگزینید که ازدواج برای رسیدن روزی به شما علتی بهتر است.<sup>۳</sup>

همچنین می‌فرماید: روزی را با ازدواج و نکاح جلب کنید.<sup>۴</sup>

#### ۸- تقسیم کار

از آثار مهم ازدواج تقسیم کار هاست. بی‌شک بار مشکلات روزمره بسیار است و هیچ تنهائی را قادر نیست که تمام امور مربوط به خود را یک‌تنه به مقصود برساند. تقسیم کارهای روزمره که زندگی انسان به آنها بستگی دارد راهی است برای رسیدن بهتر به هدف پاکتر. زن و شوهر با ملاحظه باورهای خود و مراعات انصاف، امور زندگی را بین خود تقسیم می‌کنند و هرکدام در تلاشند تا برای شیرین کردن این تقسیم، به یاری دیگری بشتابند تا وی احساس تنهائی در برداشتن سهم خود ننماید.

#### ۹- خواست فطری

از مجموعه‌ی آنچه گفته شد بدست می‌آید که ازدواج نه امری زشت است که چنانچه دم زدن از آن برای برخی قبیح شمرده شود و گاه حمل بر بی‌حیایی او شود، و نه مسأله‌ای تشریفاتی است که آدمی بخواهد تا هر وقت که دوست داشت به تأخیر اندازد و هر روزی آن را به وقت دیگر بسپارد. ازدواج پاسخ به ندای فطری است که خداوند در وجود هر انسانی قرار داده است. پس باید برای پاسخ به این خواست خدایی شتاب نمود.

#### ۱۰- وظیفه

برخی به ازدواج به عنوان عملی صرفاً استحابی می‌نگرند اما از اشاره‌های گذشته این مطلب بدست آمد که این نگاه صحیح نیست. آنچه از مجموعه‌ی آیات و روایات به‌دست

<sup>۱</sup> - جاء الرجلُ الى النَّبيِّ صلى الله عليه وآله فسكنا إليه الحاجة، فقال: تزوج؛ فتزوج فوسع عليه. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

<sup>۲</sup> - ... فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا معشر الشباب عليكم بالآباء. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

<sup>۳</sup> - اتخذوا الأهلَ فإنه أرزق لكم. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۲۴.

<sup>۴</sup> - التمسوا الرزقَ بالنكاح. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

می‌آید این است که ازدواج وظیفه محسوب می‌شود. وظیفه‌ای شخصی که انسان باید حقوق جسم و روح خویش را محترم شمارد و وظیفه‌ای نسبت به اجتماع که هر کس با پیمان ازدواج حریم همسر خویش را از گزند حوادث زمانه حفظ نماید. این دو وظیفه یعنی حفظ خود و دیگری، وظیفه‌ای شرعی است که به راحتی از آیات قرآن کریم و نیز روایات معصومین علیهم‌السلام قابل استنباط است.

به همین خاطر است که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نهی فرمودند از نکاحی که غیر خدا اراده شده باشد و یا عفت در نظر گرفته نشود و نیز ازدواجی که به خاطر ریا و شهوت صورت گیرد.<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه‌السلام نیز می‌فرماید: کسی که برای خاطر خدا و جلب رضایت او ازدواج کند و بخواهد به وسیله ازدواج صله رحم نماید و از اقوام خود که دیگران به او نظر ندارند برای رضای خداوند، همسر بگزیند، خداوند او را به تاج سلطنت مفتخر می‌نماید.<sup>۲</sup>

#### ۱۱- عبادت

ازدواج اطاعت خدا و عبادت اوست، به‌طوری که از آغاز باید تحقق آن را از خدا طلب نمود.

کفعمی در خواص سوره‌ی فرقان آورده است کسی که آیات ۷۴ تا ۷۶ این سوره را بخواند اگر مجرد است و همسر ندارد، سه روز، روزه بگیرد و هر شب هنگام پهن کردن رختخوابش این آیات را یازده مرتبه بخواند و سپس از خداوند اجابت خواسته خود را طلب بنماید و البته این عمل را هر ماه یک بار تکرار نماید، خدای متعال امر ازدواج را بر او آسان خواهد نمود.<sup>۳</sup>

بیان ثواب بسیار عبادت متأهل نسبت به مجرد در روایات اسلامی، نیز بیانگر عبادی بودن ازدواج است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: دو رکعت نماز شخص متأهل از مرد مجردی که شبش را به عبادت سپری و روزش را روزه‌دار بوده، بهتر است.<sup>۴</sup>

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: متأهل در خواب خفته، از مجرد روزه‌دار و شب بیدار بهتر است.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: ثواب دو رکعت نمازی که مرد و زن متأهل می‌خوانند از

<sup>۱</sup> - أَنَّهُ نَهَى عَنْ نِكَاحِ بَرَاذٍ بِهِ غَيْرُ وَجْهِ اللَّهِ وَالْعَقَّةِ وَنَهَى عَنِ النِّكَاحِ لِلرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

<sup>۲</sup> - مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ وَوَصَلَةَ الرَّجْمِ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمَلِكِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۱.

<sup>۳</sup> - ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۱۷.

<sup>۴</sup> - رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ عَزَبَ لَيْلَةً وَيَصُومُ نَهَارَهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷.

<sup>۵</sup> - الْمُتَزَوِّجُ النَّائِمُ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْعَزَبِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

هفتاد رکعت نماز مجرد، بیشتر است.<sup>۱</sup> از رسول خدا نقل شده است که فرمود: هر کس از دواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است و برای حفظ نیم دیگر از خدای بترسد.<sup>۲</sup> دعاها و وارد شده در مورد شب از دواج، تهنیت مؤمنین به عروس و داماد و جزئیات مسائل همخوابی، همه از عبادی بودن از دواج حکایت می‌کنند.

## ۱۲- کمال

ناگفته پیداست که زن و مرد چه از نظر روحی و چه از نظر جسمی دو موجود ناقص هستند. خدا انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که بدون همسر ناقص باشد تا به دنبال نیمه‌ی گم شده‌ی خود افتد و او را بیابد و آنگاه احساس کمال کند. پس ایندو هر قدر مراحل کمال را طی کنند باز هم ناقص هستند حلقه‌ای که بتواند آن دو را کامل نماید، همسر است و انسان بی‌همسر هرگز به کمال مطلوب نمی‌رسد. او به هر جا برسد گوشه‌ای از زندگی خویش را معیوب می‌بیند.

تعبیر به لباس بودن مرد و زن برای یکدیگر از زیباترین تعبیر قرآنی است. خداوند مرد و زن را به لباس یکدیگر تشبیه می‌کند. هیچ زن و مرد تنهایی با داشتن تمام شرایط کمال، کامل نیست. آنان از نظر جسمی و روحی به هر جا برسند همه عیب و نقص هستند که حاضر به عیان کردن کمالات خود هم نمی‌باشند. تنها چیزی که بتواند آنان را کامل نماید لباس است. با لباس توان آن را خواهند یافت که سایر کمالات خویش را عیان سازند. از من خرده نگیرید که می‌خواهم از دواج را با نماز مقایسه کنم. چنانچه هیچ عملی بدون نماز عمل محسوب نمی‌شود تا چه رسد به اینکه مورد پذیرش خداوند قرار گیرد. هیچ کمالی بدون از دواج کمال محسوب نمی‌گردد.

## اهداف نازیبا

آنچه بیان شد اهداف عالی از دواج شمرده می‌شوند و البته مهم‌ترین آنها عبادت و اطاعت آفریدگار است. آری، خداوند می‌خواهد آدمی راه ترقی و سعادت خویش را با اطاعت از او ببیماید و ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ<sup>۳</sup>، و زندگی وی رنگ الهی گرفته، صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...<sup>۴</sup> و نزد همو جای گیرد و به هیچ چیزی

<sup>۱</sup> - رُكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيْهَا الْعَرَبُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۶.

<sup>۲</sup> - مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ النَّانِي. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

<sup>۳</sup> - ذاریات، ۵۶؛ ما خلق نکریم جنیان و انسان‌ها را، جز برای اینکه خدای خویش را بستانند.

<sup>۴</sup> - بقره، ۱۳۸؛ رنگ خدایی، و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است.

جزء آن مکان رفیع راضی نشود، فی مَعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ<sup>۱</sup> چه اینکه هدف از آفرینش انسان چیزی جز شناخت و عبادت خدا و رسیدن به معبود و معشوق اصلی نبوده است.

بی شک پرننگ شدن برخی حواشی و لوازم عقلی و عرفی چون خروج از بن بست تنهایی و فراموشی، دور شدن از یاس و نومیدی، رفع عطش شهوت جنسی، و یا اخذ تابعیت کشورهای بیگانه و مثل این‌ها نمی‌تواند خوشبختی مورد انتظار را بیافریند. طبعاً با رسیدن زن و شوهر به این خواسته‌ها، زندگی آنها گاه خاتمه می‌یابد؛ چرا که آنان بهانه‌ای برای ادامه این زندگی نمی‌بینند.

---

<sup>۱</sup> - قمر، ۵۵؛ در جایگاه صدق، نزد خداوند مالک مقتدر جای دارد.

## موانع ازدواج

از جمله دستورهای اسلام در باره ازدواج، رفع موانع احتمالی آن است. در این قسمت از بحث به بیان چند مانع که متأسفانه سد راه ازدواج دختران و پسران می‌شود پرداخته و از دیدگاه آیات و روایات، آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱- فقر

می‌دانیم یکی از موانع مهم بر سر راه ازدواج، فقر اقتصادی است. نمی‌توان انکار کرد که سختی معیشت اقتصادی مشکلات زیادی را برای اقشار کم درآمد به همراه دارد ولی آیا می‌توان این مشکلات را بر اهمیت مسأله ازدواج که مرتبط با دین آدمی می‌شود، ترجیح داد؟ بی‌تردید خودداری از ازدواج و یا تأخیر بیش از حد آن، آثار مخرب جسمی و روانی به دنبال خواهد داشت که با اثر فقر و تهیدستی قابل مقایسه نیست. یکی از شیوه‌های حل این معضل بزرگ، کاستن از توقعات و بلند پروازی‌هاست. مهم‌تر آنکه بایستی دایره توکل و امید را به خداوند متعال توسعه بخشید، خداوند خود وعده فرموده است که دختر و پسر ازدواج کرده فقیر را از فضل خود بی‌نیاز سازد. وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.<sup>۱</sup>

مردان و زنان بی‌همسر و نیز غلامان و کنیزان صالح خود را همسر دهید، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند که او گشایش دهنده و آگاه است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که به خاطر ترس از فقر ازدواج نکند، به خداوند عز و جل سوء ظن نموده است زیرا که او فرموده است اگر فقیر باشند خداوند از فضل خود به آنان عطا می‌فرماید.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: روزی با زن و فرزند همراه است.<sup>۳</sup> اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا این حدیث که بر زبان مردم است و آن را نقل می‌کنند واقعیت دارد که: کسی به حضور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و از فقر خود شکایت نمود. پیامبر او را توصیه به ازدواج کردند، او رفت و بعد از مدتی بازگشت و همان شکوه را تکرار نمود و همان جواب را از پیامبر شنید و این مسئله تا سه بار تکرار شد و پیامبر در هر سه بار او را دستور به ازدواج دادند، امام

<sup>۱</sup> - نور، ۳۲.

<sup>۲</sup> - مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۴.

<sup>۳</sup> - الرَّزْقُ مَعَ النَّسَاءِ وَالْغِيَالِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۶.

صادق علیه السلام فرمودند: بلی این حدیث واقعیت دارد و سپس افزودند: روزی، با زنها و عیال همراه است.<sup>۱</sup>

## ۲- تشریفات

یکی از موانع بر سر راه وصلت دختران و پسران، تشریفات زائد و تحمل هزینه‌های سنگین بر دو طرف یا یکی از آن دو، می‌باشد.

خرج‌های سنگین توأم با برخی خرافات محلی، این معضل را دو چندان نموده و عملاً سدّ عظیمی را در برابر ازدواج جوانان ایجاد کرده است. مع‌الاسف آنان که در شرف ازدواج هستند، بیشتر بر روش‌های غلط که غالباً از چشم و همچشمی‌ها ناشی شده است، پافشاری می‌کنند، بی‌خبر از اینکه بر آتشی دامن می‌زنند که در آینده پرو بال آنان را خواهد گرفت.

## ۳- تحصیل

تحصیلات بالا یکی از موانع تأخیر ازدواج شده است. برخی که هزینه گزاف مادی و معنوی برای ادامه تحصیل خود متحمل شده‌اند، در انتظار یافتن همسری ایده‌آل از موقعیت‌های گاه ممتاز پیش آمده می‌گذرند.

هرچند همتایی در علم و دانش بین دختر و پسر از مؤلفه‌های اثرگذار در ازدواج است، ولی نباید به عنوان عاملی چنان مهم پنداشته شود که خصوصیات ممتاز دیگر نتواند جانشین آن گردد.

به طبع این معیار برای آنان که به زندگی زناشویی به عنوان اطاعت فرمان خدا و نیل به آرزوهای ابدی می‌نگرند، معیاری غیر قابل گذشت نیست.

## ۴- والدین

از موانع مهم سر راه ازدواج، تعارض خواست پدر و مادر و فرزند است. گاهی دختر و پسری که از طریق مشروع همدیگر را یافته و آماده آغاز زندگی زناشویی می‌شوند، با مخالفت پدر و مادر روبرو می‌شوند.

نیز گاهی دختر و پسر خردسال را از ابتدای تولد یا در دوران کودکی، نامزد کرده‌اند تا در وقت مناسب به عقد و ازدواج هم درآیند. این دو بزرگ می‌شوند و خود را در مقابل عمل انجام شده‌ای می‌بینند. غالب این افراد در مقابل تصمیم گذشته منفعل می‌شوند و حداقل پذیرش آنچه صورت گرفته است بر آنان سخت می‌نماید. و لذا هر چند برخی از این نامزدی‌ها به ازدواج آبرومندان و زندگی شرافتمندان ختم می‌شود، اما برخی از آنها منجر به کشمکش و نزاع در خانواده، یا والدین و فرزندان می‌شود و یا به ازدواجی محکوم به شکست می‌انجامد.

گاه نیز والدین با نوع انتخاب فرزند خود که آماده ازدواج است، مخالفت می‌ورزند و در پی اجبار وی به ازدواج با همسر مورد علاقه خود می‌باشند.

پدر و مادر باید بدانند، وظیفه آنان تهیه امکانات ازدواج فرزند در حد توان آنانست؛ و

<sup>۱</sup> - الرَّزْقُ مَعَ النَّسَاءِ وَالْعِيَالِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۶.

شایسته نیست، آنان در انتخاب همسر فرزندشان دخالت کنند، البته هر چند راهنمایی آنان مفید خواهد بود، ولی تحمیل عقیده خود بر فرزند، عملی پسندیده نیست. اکیدا توصیه می‌شود که پدر و مادر در ازدواج فرزندان دخالت ارشادی نکنند نه اینکه آنان را وادار به کاری نمایند چه اینکه علاقه با امر و نهی بوجود نمی‌آید و زندگی بدون علاقه معنا ندارد.

پدر و مادر عزیز، هر چند دخالت شما در ازدواج فرزندان از سر دلسوزی و خیرخواهی است، اما بدانید که آیا دخالت شما ثمری دارد! پس دست از لجاجت نابخردانه بردارید و نخواهید که فرزندان عشق کسی به اجبار از سرش بپرد و به اکراه عاشق کسی دیگر شود.

ابن ابی یعفر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: می‌خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم با این وصلت مخالف هستند و کسی دیگر را در نظر دارند، امام در پاسخ فرمودند: ازدواج کن با آن که تو می‌خواهی و آنچه که پدر و مادرت می‌خواهند، رها نما.<sup>۱</sup>

پس بهتر این است که پدر و مادر علت مخالفت خود را با منطق مناسب بیان کنند و عیب همسر مورد علاقه فرزندشان را بگویند. نه آن عیب را چنان بزرگ کنند که فرزند به حسن نیت آنها تردید کند و نه کوچک که فرزندشان را در منجلائی گرفتار سازند. باید فرزند شما عاقلانه و نه از روی اجبار و اکراه، رأی شما را بپذیرد. و در مورد ازدواج خودش تصمیم بگیرد.

فرزندم! پدر و مادرت تو را بزرگ کرده‌اند، آرزوی ازدواج تو را داشته‌اند، آه و ناله آنان به درگاه خدا، خوشبختی تو بوده است، اگر چیزی می‌گویند از سر خیر و صلاح می‌گویند به حرف‌های آنان خوب گوش ده، نظراتشان را با دقت بررسی کن، اگر خوب یافتی، غرور و عشق‌های کذایی و تعصب بی‌جا را کنار بگذار و تسلیم حق شو. و اگر درست نیافتی با دلیل و برهان در وقتی مناسب پدر و مادر خویش را قانع نما، بگذار بر سفره خوشبختی تو، پدر و مادرت با قلب خندان حضور یابند و دعاگوی زندگی آینده تو باشند.

فرزندم! بدان که اگر نظرات پدر و مادرت بر طبق معیاری صحیح بوده و با خواسته‌های شرع و عقل هماهنگ باشد، نصیحتی بزرگوارانه است و سزاوار است به دیده منت بپذیری. باید بدانی که والدین جز به صلاح کار تو نمی‌اندیشند. ناگفته پیداست که این توصیه به پدر و مادر دانا و فرزندی عاقل و خردمند است؛ نه آنان که لجاجت و عناد و تحمیل خواسته خود بر دیگران را با زندگی زناشویی بهم آمیخته‌اند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - تَرَوُجُ أَلَّتِي هَوَيْتَ، وَدَعِ أَلَّتِي نَهَوَا أَبَاكَ. فروع کافی، ج ۵، ص ۴۰۱.

<sup>۲</sup> - سایر موانع که میان برخی مردم مطرح است، چون سربازی، خواهر و برادر بزرگتر و... نمی‌توانند معیار منطقی و قابل توجه باشند.

### رفع موانع

طبیعی است که تقدس ازدواج می‌طلبد که موانع بر سر راه ازدواج برداشته شود. در این باره اشاره به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد، اول اینکه لازم است سطح توقعات جامعه کاهش یابد. آغاز زندگی دختر و پسر در خانه‌ای مستقل یک آرزوی زیباست اما نباید موجب تأخیر انجام وظیفه عبادی یعنی ازدواج شود. زندگی در مکانی محدودتر و یا در کنار والدین می‌تواند راه حل مناسبی برای این مشکل باشد.

دوم اینکه به هر حال تأخیر ازدواج مفاسد جبران ناپذیری ایجاد می‌کند که بخشی از بار این مفاسد را باید دولت‌ها بر عهده گیرند، تأخیر ازدواج موجب ایجاد ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود که باید این مشکلات توسط ارگانهای خدماتی مانند بیمارستان‌ها، دستگاه‌های امنیتی، دستگاه قضایی و... جبران شود؛ هزینه این نهادها بسیار سنگین‌تر از هزینه رفع موانع اقتصادی ازدواج با ایجاد مسکن مناسب زوجین جوان و... است.

### تدارك اسباب

از آیات و روایات چنین برمی‌آید که انسان‌ها همه موظف هستند که برای برپائی ازدواج تلاش نمایند، این مهم از فعل امر در آیه **وَ اتَّكِحُوا الْاَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اِمَائِكُمْ...**<sup>۱</sup>، قابل استفاده است.

فعل امر «اتكحوا» به معنای دستور فراهم نمودن مقدمات ازدواج و تشویق دختران و پسران به ایجاد زندگی مشترك است و کسی که در این امر کوتاهی کند با اینکه توانایی آن را دارد، به مخالفت با آیه شریفه پرداخته است. اسلام همان طوری که به ایجاد وصلت بین دختر و پسر و برقراری علقه ازدواج دستور می‌دهد، ثواب‌های متعددی را برای کسی که در این مسیر قدم بردارد بیان می‌فرماید. به روایاتی در این باره توجه کنید:

- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که موجب ازدواج برادر دینی خود، با زنی شود که موجب انس به وی و افزایش توان و آسایش و راحتی او باشد، خداوند حورالعین را به تزویج وی در آورده و او را با هر کدام از صدیقین اهل‌البیت پیامبر و یا دوستانش که بخواهد مانوس می‌فرماید.<sup>۲</sup>

- همچنین فرموده‌اند: آنکه بین مؤمنین به امر ازدواج مشغول باشد و کاری در جهت وصلت دختر و پسر انجام دهد، به طوری که عمل او مؤثر بوده و زوجین به حلال با هم اجتماع کنند، خدای متعال هزار حورالعین را که هر کدام در قصری از در و یاقوت

<sup>۱</sup> - نور، ۳۲.

<sup>۲</sup> - مَنْ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ امْرَأَةً يَأْتِسُ بِهَا وَ تَشُدُّ عَضُدَهُ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهَا، زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَ أَنْسَهُ بِمَنْ أَحَبَّ مِنْ الصَّادِقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ أَنْسَهُمْ بِهِمْ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

هستند به ازدواج او درمی‌آورد، او به اندازه‌ی هر قدمی که در این راه برداشته و یا به قدر هر کلمه‌ای که در این راستا به زبان آورده ثواب يك سال عبادت که شب‌ها به نماز و روزها به روزه مشغول باشد، دارد. و کسی که در کار جدایی زن و شوهری دخالت کند، مغضوب خداوند بوده و لعنت خدای در دنیا و آخرت از آن وی خواهد بود، و سزاوار است خدای متعال او را در هزار صخره آتشین اندازد و هلاک نماید. و آنکه در ایجاد فساد و فتنه‌گری بین دختر و پسری که قصد ازدواج دارند و یا زن و شوهری، حرکتی بنماید، حتی اگر عمل او به تفرقه و جدایی آنان منجر نشود در خشم و غضب خداوند است و مطرود از رحمت او در دنیا و آخرت می‌باشد و خداوند نگاه رحمتش را به وی در قیامت حرام کرده است.<sup>۱</sup>

- نیز فرموده‌اند: کسی که برادر مؤمنش را همسری دهد که با او انس گیرد و بازویش به او محکم گردد و نزد او زندگی راحتی داشته باشد، خداوند او را به حورالعین تزویج می‌کند و او را با هر کدام از صدیقین از اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برادرانش مأنوس کرده و آنان را نیز با وی الفت داده و مأنوس می‌سازد.<sup>۲</sup>

- امام صادق علیه‌السلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل کرده‌اند که: برترین شفاعت‌ها این است که بین دو نفر (دختر و پسر) در امر نکاح و ازدواج واسطه شوی تا اینکه خداوند آنان را به هم برساند.<sup>۳</sup>

- امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: آنکه جوان مجردی را همسر دهد از جمله کسانی است که خدا روز قیامت به او می‌نگرد.<sup>۴</sup>

- همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: خدای متعال در روز قیامت به چهار نفر می‌نگرد: ۱ - آنکه ندامت و پشیمانی پشیمان شده‌ای را بپذیرد. ۲ - کسی که به فریاد غم دیده‌ای برسد. ۳ - آنکه بنده‌ای را در راه خدا آزاد کند. ۴ - آنکه جوان مجردی را همسر دهد.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: کسی که به جوان مجردی همسر دهد، از آنانی خواهد بود که خداوند روز قیامت به وی نگاه می‌کند و نظر می‌نماید.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۷.

<sup>۲</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۳.

<sup>۳</sup> - أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۶.

<sup>۴</sup> - مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۶.

<sup>۵</sup> - أَرْبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: مَنْ أَقَالَ نَادِمًا أَوْ أَغَاثَ لُهْفَانًا أَوْ اعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ زَوَّجَ عَرَبًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۷.

<sup>۶</sup> - مَنْ زَوَّجَ أَعْرَبًا كَانَ مِمَّنْ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۶.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: سه کس در روزی که سایه‌ای جز سایه خداوند تعالی نیست از شدت حرارت و شعله‌های آتش به سایه عرش الهی پناه می‌برد و از آن سایه بهره‌مند می‌گردد: کسی که برادر مسلمانش را همسر دهد؛ آنکه برادر مسلمانش را به‌کار گیرد؛ کسی که رازی از برادرش را پنهان یا کتمان کند.<sup>۱</sup>

#### تسریع در ازدواج

از سنت‌های دینی، ازدواج در سنین آغازین بلوغ است. اگر مقداری به عواقب تأخیر ازدواج و آثار آن بیندیشید از آنچه که ما بخواهیم در اهمیت این موضوع بنگاریم حقایق بیشتری به دست می‌آورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: جوانی نیست که در آغاز سنش (آغاز بلوغ) ازدواج کند مگر اینکه شیطانی که مأمور فریب دادن وی است فریاد برآورد که: وای بر او، دو ثلث دینش را از من حفظ نمود. پیامبر سپس می فرماید: پس بنده برای حفظ ثلث باقیمانده بایستی تقوی الهی پیشه کند.<sup>۲</sup>

از جمله وظایف خانواده‌ها، سرعت بخشیدن به امر ازدواج دخترانشان و سستی نکردن در این امر است.

در اخبار و احادیث، تأکیدی شدید در تسریع ازدواج می‌بینیم. دستور اسلام این است که اگر کسی شرایط و معیارهای ازدواج را داشت، خانواده‌ها درنگ به خود راه ندهند و در تحقق ازدواج عجله کنند، سستی کردن در چنین امر مهمی آثار مخربی را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

به چند روایت در این باره توجه کنید:

- رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: از جمله سعادت‌مندی مرد این است که دخترش در خانه وی عادت نشود. یعنی دختر قبل از ایام عادت و در آغاز آن به خانه شوهر برود.<sup>۳</sup>

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: وقتی اخلاق و دین خواستگار، مورد رضایت بود، دختر را به تزویج او در آورید، در غیر این صورت فتنه و فساد بزرگ در زمین بپا خواهد شد.<sup>۴</sup>

- امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای عزوجل چیزی را که انسان‌ها به آن احتیاج داشته

<sup>۱</sup> - ثلاثة يستظلون بظل عرش الله يوم القيامة يوم لا ظل الا ظله رجل زوج اخاه المسلم او اخذته او كنتم له سراً. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۷.

<sup>۲</sup> - ما من شاب تزوج في حداثة سنه الا عجز شيطانُه؛ يا ويله عصم مني ثلثي دينه، فليتق الله العبد في الثلث الباقي. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

<sup>۳</sup> - من سعاده الرجل ان لا تحيض ابنته في بيته. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۱.

<sup>۴</sup> - اذا جأنكم من ترصون خلقه و دينه فزوجوه و ان لا تفعلوه تكن فتنه في الارض و فساد كبير. تهذيب، ج ۷، ص ۳۹۶.

باشند، فروگذار نکرده و همه‌ی نیازهای بشر را به رسولش تعلیم فرموده است. یکی از تعلیمات خداوند به برگزیده‌اش این بود: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به منبر رفتند و خدای را سپاس گفته و ستایش کردند سپس فرمودند: ای مردم! جبرئیل از سوی خدای لطیف و آگاه بر من نازل شده و گفت: دختران باکره همانند میوه بردارند، وقتی میوه رسیده و چیده نشد، آفتاب آن را خراب می‌کند و باد پراکنده‌اش می‌سازد، دختران باکره نیز وقتی به بلوغ جنسی رسیدند دارویی جز شوهر ندارند و اگر همسر نگزینند، ایمن از فساد نیستند زیرا آنان هم بشرند، شهوت جنسی جزء ذات بشر است.<sup>۱</sup>

#### وظیفه معذور از ازدواج

طبیعی است نمی‌توان به جوانی که خود مهیا است ولی شرایط را برای شریک خود مهیا نمی‌نماید، اجازه ازدواج داد. ازدواج یک رابطه دوسویه از طرف پسر و دختر است و مهیا شدن یکی و حتی هر دو، ولی بدون مهیا شدن محیط اجتماعی برای تشکیل خانواده کافی نیست. چنین ازدواجی چند روز از آن نگذشته به جهنمی دردناک تبدیل می‌شود. برآورده نشدن خواسته‌های هرکدام از زن و شوهر از سوی دیگری و نیز بی‌توجهی به هر دو از سوی اجتماع، زندگی را به کام آنان تلخ خواهد ساخت.

البته مراد من از مهیا بودن شرایط اجتماعی، توجه به تشریفات خود ساخته امروزی نیست، مراد تهیه حداقل شرایط محیطی برای ازدواج است و البته چنین ازدواجی که با حداقل امکانات اجتماعی آغاز شود، حتما مبارک بوده و شرایط پایداری خود را محقق ساخته است.

به هر حال آنکه نتواند شرایط ازدواج را برای خود فراهم کند، می‌بایست عفت پیشه کند. خداوند می‌فرماید:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...<sup>۲</sup>

کسانی که امکان ازدواج ندارند، می‌بایستی پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز سازد.

البته امام صادق علیه‌السلام، این آیه شریفه را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کرده‌اند. ایشان می‌فرماید: ازدواج کنند تا خداوند آنان را از فضل خویش بهره‌مند سازد.<sup>۳</sup> به دستور العمل‌های روایات در این باره توجه کنید:

- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که می‌تواند ازدواج کند به آن روی آورد که آن چشم را از نامحرم می‌پوشاند و عفت را حفظ می‌نماید و کسی که توان ازدواج ندارد،

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۹.

<sup>۲</sup> - نور، ۳۳.

<sup>۳</sup> - يَتَزَوَّجُوا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۵.

روزه بگیرد که روزه شهوت را لیه می‌کند.<sup>۱</sup>  
 - محمد بن یحیی در حدیثی می‌گوید: شخصی به حضور پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا من توان از دواج ندارم و از مجرد بودن خودم به شما شکوه می‌نمایم. (گویا تجرد، وی را آزار می‌داد و همواره گرفتار احتلام می‌شد.) پیامبر به وی فرمودند: موی بدن را بلند نگاه دار و به روزه مداومت داشته باش، وی چنین کرد و آتش شهوتش افول نمود.<sup>۲</sup>  
 - مولای پرهیزگاران علی علیه‌السلام می‌فرماید: موی مرد زیاد نشد مگر اینکه شهوتش کم گردید.<sup>۳</sup>

### ترك قهری

گفته شد از دواج فضلی ارزشمند و ترك آن ناشایست است. بی‌شك در این باره نمی‌توان از این موضوع گذشت که گاه مجرد ماندن پسرها و دخترها به خواست خود آنان نیست. کم نیستند پسرای که دهها بار خواستگاری رفته‌اند و به در بسته خورده‌اند و بسیارند دخترانی که قصد از دواج دارند اما فعلاً خواستگار ندارند و یا در گذشته به امید بهتر، همه را مایوس کرده‌اند!

در پاسخ این مهم باید گفت فضل از دواج آن اندازه هست که انسان از تمام شرائط صحیح برای رسیدن به آن استفاده کند. در این باره بیان مشکل خود نزد افراد وجیهی که بحمدالله کم نیستند می‌تواند مؤثر باشد. ولی اگر کاری از دست بر نمی‌آید، صبر گشایشگر است؛ امید اینکه خداوند فرجی شایسته فراهم کند. ان‌شاءالله البته نمی‌توان از این نکته گذشت که برخی سلب نعمت‌ها به خاطر گناه است. گناه نور ایمان را می‌زداید و آدمی را از فیض حق محروم می‌سازد.<sup>۴</sup>  
 به همین جهت برای رسیدن به حوائج مادی پرهیز از گناه در آینده و استغفار برای گناهان گذشته مؤثر است.

<sup>۱</sup> - مِنْ اسْتِطَاعَ مِنْكُمْ الْبَاءَ فَلْيَتْرُوجْ، فَإِنَّهُ أَعْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَصُمْ، فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وِجَاءٌ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۳.

<sup>۲</sup> - وَفَرُّ شَعْرَ جَسَدِكَ وَأَدِمِ الصِّيَامَ. فَفَعَلَ، فَذَهَبَ مَا بِهِ مِنَ الشَّقِيقِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۸.

<sup>۳</sup> - مَا كَثُرَ شَعْرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا قَلَّتْ شَهْوَتُهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۸.

<sup>۴</sup> - اعراف ۹۶ و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْفِرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ... اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و از خدا پروا می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم.

## معیار انتخاب

مهم‌ترین انتخابی که انسان در طول زندگی دارد، بعد از انتخاب دین و آئین، انتخاب همسر است. نقش مهم همسر در زندگی دنیایی و قیامت انسان به حدی است که امکان هرگونه سهل‌انگاری در این انتخاب را مردود می‌شمارد. انتخاب همسر را باید زیربنای زندگی موفق و ناموفق و اصلی‌ترین علت پیروزی و شکست زندگی نامید. پس طبعا باید معیارهای صحیح این انتخاب را با دقت مورد بررسی قرار داد و با چشم باز و گوش شنوا در مسیر این انتخاب مهم قدم برداشت.

دین مبین اسلام که در پی سعادت دنیوی و اخروی انسان است، در باره عوامل اثرگذار در انتخاب زن و شوهر، بحث وسیع نموده و به بررسی معیارها و ویژگی‌های آن پرداخته است.

اسلام نمی‌خواهد ویژگی‌هایی که گاه لازمه زندگی است از قبیل داشتن امکانات مادی،

تحصیلات و جمال و زیبایی را نادیده انگارد، ولی آیا اینها معیار واقعی انتخاب همسرند؟

اگر سعادت زوجین فقط با این معیارها تأمین می‌گردد، چرا گاهی زن و شوهرهایی که کمال این خصوصیات را دارند در زندگی موفق نبوده و به اصطلاح، بخت خوشی نداشته‌اند؟

چرا آمار طلاق در برخی از کشورهای دنیا، هر روز بالاتر می‌رود و تکان دهنده‌تر می‌شود؟ و چرا خیانت‌های زناشویی آمار وسیعی را به خود اختصاص داده است، به طوری که در برخی ممالک، آمار کسانی که برای حداقل يك بار خیانت نموده‌اند نادر است؟

پیداست معیاری که بتواند علاقه‌ای پولادین بین زوجین ایجاد کند و خوشبختی و سعادت بیافریند غیر اینها است.

در این مبحث به چند معیار گزینش همسر که در اخبار و احادیث به آنها اشاره شده است توجه کنید:

#### ۱- ایمان

اولین معیار انتخاب همسر ایمان به مبدأ و معاد است. ایمان به خدا، مهندسی زندگی و شالوده‌های اصلی و حیاتی آن را ترسیم می‌کند. باید گفت ایمان به خدا، زبان مشترک برای زوجین می‌آفریند و بی آن زن و شوهر هر کدام به زبانی سخن می‌گویند که قابل درک دیگری نیست.

در این مثال دقت کنید. اگر همسر ایمان به خدا نداشته باشد، قیامت را نپذیرفته باشد، احتمال هر گناهی از او دور از ذهن نیست و مثلاً دروغ گفتن برای او قبحی نمی‌یابد، و همین کافی است که اعتماد همسر خود را از دست بدهد و بی‌اعتمادی چنانچه خواهیم آورد، بیشترین ضربه را بر زندگی وارد خواهد ساخت. آن دو هر چند به ظاهر مثلاً فارسی صحبت کنند، ولی دیگر زبان یکدیگر را نمی‌فهمند. وقتی یکی از آنان می‌گوید: من این کار را انجام نداده‌ام و صد سوگند هم بر آن یاد کند، دیگری کلام او را متوجه نمی‌شود، چرا که احتمال خطا در همین جمله از بین نرفته است. اما اگر هر دو به چیزی مشترک اعتقاد داشته باشند، دایره‌های بی‌اعتمادی محدود و محدودتر می‌گردد و چه بسا اعتقاد مشترک آنان، اعتماد آفرین شود. تأکید قرآن بر ازدواج بر اساس ایمان، به همین علت است.

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ...<sup>۱</sup>

با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند.

بی توجهی به این معیار نیز مذمت شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ ۗ أَلَمْ يَعْلَمَنَّ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنَّ عَلِمْتُمُوهُنَّ

<sup>۱</sup> - بقره، ۲۲۱.

مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ...<sup>۱</sup>

ای مؤمنان، زنان مؤمنی که مهاجرت کرده و به نزد شما آمدند را بیازمایید خداوند به ایمان آنان آگاه‌تر است، اگر آنان را با ایمان دانستید بسوی کافران بازشان نگردانید زیرا هیچ يك از آنان به دیگری حلال نیست ولی آنچه را کافران خرج کرده‌اند به آنان بدهید، و ازدواج شما با آنان در صورتی که مهریه شان را بدهید ایرادی نیست، اگر زنان شما مرتد شدند آنچه را خرج کرده‌اید از کافران بخواهید...

امام حسن مجتبی علیه‌السلام به کسی که با وی در مورد ازدواج دخترش مشورت کرد فرمود: او را به مردی با تقوا بده که اگر دخترت را دوست داشته باشد، اگر امش می‌کند و اگر دوست نداشته باشد او را آزار نمی‌دهد.

بلی؛ اسلام، انتخاب زنی زیبا ولی بدون ایمان و تقوا را به عنوان شریک زندگی، مورد نکوهش قرار داده است.

البته برخی دینداری را منحصر در عبادت و مسجد و یا ظاهر اسلامی و اعتبار اجتماعی می‌بینند، اینان که گاه رفتار خوبی در زندگی زناشویی با همسر و فرزندان خود ندارند، مورد خرده دیگران قرار می‌گیرند که اگر دین داری، معیار ازدواج است، پس چرا در مورد اینان این معیار جواب نداده است!

این اشتباه از تعریفی که از دینداری شده، ایجاد شده است، دین‌دار به معنای عابد و ظاهر الصلاح نیست، دین‌دار به کسی گفته می‌شود که با عقل و تدبیر در مسیر عبادت خدا قرار گرفته باشد. مؤمن به کسی می‌گویند که مسجدی بودن، نماز خواندن و ظاهر نیک داشتن او در راستای تقرب به خدا قرار گیرد، نه ...

دین‌دار واقعی کسی است که دین خود را عملاً نشان دهد، نه با ظاهر دینی، کار دیگری کند و یا از دین هر آنچه که منافع او را تأمین می‌کند و یا حداقل با منافع او در تضاد نیست، بپذیرد و بقیه را رها نماید. این دیندار نیست.

پیامبر خدا می‌فرماید: اگر دیدید کسی به نماز و روزه پایبند است و بسیار نماز می‌خواند و روزه می‌گیرد، به او مباحثات نکنید، ببینید عقل او چگونه است.<sup>۲</sup>

## ۲- کردار نیک

مراد از ایمان که به عنوان محور معیارها بر شمردیم، ایمانی است که توأم با عمل نیک باشد، ایمانی که تنها اعتقاد قلبی بوده، و با عمل همراه نباشد ارزشی ندارد و اصولاً در این حالت، ایمانی هم وجود ندارد، زیرا ایمان صحیح آن است که عمل صالح از آن تراوش کند.

تأکید اسلام بر وجود ایمان و محوریت آن در زوجین به خاطر تراوش عمل صالح از آن است، کسی که کردار شایسته ندارد، زندگی را بر خود و بر همسرش تباه می‌کند.

<sup>۱</sup> - ممتحنه، ۱۰.

<sup>۲</sup> - إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ كَثِيرَ الصَّلَاةِ، كَثِيرَ الصِّيَامِ فَلَا تُبَاهُوا حَتَّى تَنْظُرُوا كَيْفَ عَقَلَهُ. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از امام صادق علیه السلام از چنین زنی به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: پناه می‌برم به خدا از زنی که قبل از ایام پیری، مرا پیر نماید.<sup>۱</sup> در روایت دیگر امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، سعادت مرد را در داشتن زن صالحه می‌داند.<sup>۲</sup> امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر، یکی از عوامل راحتی مرد را داشتن زن صالحه می‌داند.<sup>۳</sup> و البته چه اندکند تعداد این زنان در جامعه. پیامبر در مورد این دسته زنان می‌فرماید: زن صالحه در امت من مانند کلاغ اعصم<sup>۴</sup> است که کم یافت می‌شود.<sup>۵</sup> امام صادق علیه السلام این گونه زنان را چون گاو پیشانی سفید (در زیبایی و کمیابی) معرفی می‌کند.<sup>۶</sup> در روایات، فسق و فجور، سوء خلق و بی‌توجهی به دستورات دینی، از جمله اوصاف ناپسندی شمرده شده که لازم است داماد از آنها دوری گزیند. رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آن که دخترش را به فاسق بدهد، هر روز بر او هزار بار لعن نازل می‌شود.<sup>۷</sup> حسین بن بشار واسطی می‌گوید: نامه‌ای به این مضمون به امام رضا علیه السلام نوشتم: فامیلی دارم که خواستگاری از ما نموده ولی بداخلاق است، اکنون چه کنم؟ دخترم را به او بدهم یا نه؟ امام رضا علیه السلام در پاسخ نوشتند: چنانچه بدخلقی دارد به او زن نده.<sup>۸</sup> البته در بین گناهان، بر نپذیرفتن داماد شرابخوار تأکید بیشتری شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آن کس که دخترش را به شرابخوار تزویج کند، همانند این است

<sup>۱</sup> - أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَمْرَةٍ تُشِيبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۶.

<sup>۲</sup> - مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

<sup>۳</sup> - ... وَ أَمْرَةٌ صَالِحَةٌ تَعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

<sup>۴</sup> - کلاغ اعصم، کلاخی است که یک پای او سفید است و آن به ندرت پیدا می‌شود.

<sup>۵</sup> - الْمَرْءَةُ الصَّالِحَةُ مِثْلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ وَ أَنْ يُوجَدَ إِلَّا قَلِيلًا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۰.

<sup>۶</sup> - مِثْلُ الْمَرْءَةِ الْمُؤْمِنَةِ مِثْلُ الشَّامَةِ فِي النَّوْرِ الْأَسْوَدِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۳.

<sup>۷</sup> - مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ فَاسِقٍ نَزَلَ عَلَيْهِ كُلُّ يَوْمٍ أَلْفٌ لَعْنَةٍ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۲.

<sup>۸</sup> - لَا تَزَوِّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۴.

که او را به سوی فحشا سوق داده است.<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آن که دخترش را به شراب‌خوار بدهد، با وی قطع رحم  
نموده است.<sup>۲</sup>

### ۳- اخلاق نیک

اخلاق به زمینه‌هایی گفته می‌شود که حاصل آن مجموعه رفتارهای انسان در مسیر  
تعادل قوای روحانی وی است. با این تعریف، ممکن است کسی ایمان به خدا و رستخیز  
داشته باشد، ولی نتواند رفتارش را به گونه‌ای تنظیم کند که تندبادهای حوادث او را  
نلرزاند. البته می‌پذیرم که برخی از مصادیق بی‌اخلاقی ناشی از ایمان متزلزل است،  
اما قطعاً همه امور غیر اخلاقی چنین نیستند. در واقع می‌توان چنین گفت که اخلاق  
نیک، زیور ایمان محسوب می‌شود. خداوند پیامبرش را بارها بخاطر اخلاق خوش  
ستوده است.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...<sup>۳</sup>  
از پرتو رحمت الهی، با آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده  
می‌شدند.

خداوند مدال عالی خوش خلقی را به پیامبرش ارزانی داشته است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ.<sup>۴</sup>

در ازدواج نیز اخلاق نیک نقش اساسی دارد.

### ۴- اصالت

دیگر از معیارها، خوشنام بودن خانواده‌هاست. خانواده‌های دختر و پسر پشتوانه‌های  
مهم تداوم زندگی آنان هستند. خانواده‌ی پاکدامن، حیاء عمومی دارد که به خاطر حفظ  
آن از بسیاری خواسته‌های شخصی خویش می‌گذرد. بنابراین می‌توان اصالت خانوادگی  
را معیار مهم دیگری در انتخاب همسر دانست.

اصالت خانوادگی دختر و پسر باعث می‌شود آن‌دو به کاری ناشایست که آبروی  
خانوادگی آنان را بر باد دهد، دست نزنند. کاری که استحکام خانواده را بر هم زند و  
اعتماد زوجین را نسبت به هم از بین برد. پس در واقع اصالت خانوادگی، چون تقوا يك  
توان درونی در زن و مرد ایجاد می‌کند که کاری برخلاف اقتضای طبیعی و عقلی و  
شرعی، انجام ندهند. این توان درونی که با امر و نهی ایجاد نمی‌شود، گاه چنان قدرتمند

<sup>۱</sup> - مِنْ زَوْجٍ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ، فَكَأَنَّمَا سَاقَهَا إِلَى الرَّئِي. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۱.

<sup>۲</sup> - مِنْ زَوْجٍ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ خَمْرٍ فَقَدْ قَطَعَ رَحْمَتَهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۳.

<sup>۳</sup> - آل عمران، ۱۵۹.

<sup>۴</sup> - قلم، ۴.

است که با طرفند شیادان بهسادگی از بین نمی‌رود. علاوه بر این فرزندی که از خانواده‌ای آلوده سر برآورده باشد، بسیاری از آن آلودگی‌ها را با خود همراه دارد و آنها را برای آیندگان به ارث می‌گذارد هرچند ممکن است مدتی و حتی نسلی نهفته بماند.

طبعاً از دواج او با کسی بدور از آن آلودگی‌ها، همتایی زندگی را به هم می‌زند و زبان مشترک آنان را از بین می‌برد. نیز امید به داشتن فرزند صالح، امیدی دور به نظر می‌رسد که بنیان‌گذاری زندگی بر آن چندان عاقلانه نیست. قرآن می‌فرماید:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِأَذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصَّرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ.<sup>۱</sup>

زمین پاکیزه به آن پروردگارش گیاه آن سر برمی‌آورد، اما آنکه ناپاک است جز بخل میوه نمی‌دهد. قرآن کریم در داستان متولد شدن عیسی از مریم علیها السلام، شگفتی مردم را از اینکه مریم خطا مرتکب شده باشد بیان می‌کند، آری آنان متعجب بودند مگر می‌شود مریم با پاکدامنی پدر و مادرش خطا رفته باشد؟

فَأْتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا \* يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ  
وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا.<sup>۲</sup>

کودک را برداشت و نزد کسان خود آورد. گفتند ای مریم! براستی چیزی شگفت‌انگیز آورده‌ای. ای خواهر هارون! نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت بدکاره.

این معیار در انتخاب همسر، نیز از دید روایات مخفی نمانده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

- با خانواده‌ای پاکدامن وصلت کنید که ریشه‌ها و نطفه‌ها تأثیر می‌گذارند.<sup>۳</sup>  
- برای نطفه‌های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید که دایی در خصوصیات فرزند مؤثر است، همانطور که دو همخوابه در خصوصیات فرزندانشان مؤثرند.<sup>۴</sup>  
- به همتایان خود زن دهید و هم از آنان به نکاح خود در آورید، و برای نطفه‌ها محل مناسب برگزینید.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - اعراف، ۵۸.

<sup>۲</sup> - مریم، ۲۷ و ۲۸.

<sup>۳</sup> - تَرَوُّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۶.

<sup>۴</sup> - إِخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الضَّجِيعِينَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۸.

<sup>۵</sup> - أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا فِيهِمْ وَاخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۹.

– ای مردم از خضراء الدمن بهره‌زید. گفتند: یا رسول الله خضراء الدمن چیست؟ فرمود: زنی زیبا از خانواده‌ای بد.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که این روایت، زن مؤمنه در خانواده‌ی بی‌ایمان را مذمت نمی‌کند، بلکه زن زیبا و بی‌ایمان را در چنان خانواده‌ای مورد نکوهش قرار می‌دهد و این از لطایف روایت محسوب می‌شود.

البته فرمایش پیامبر مکرم اسلام، متوجه غالب موارد است و وجود افراد شایسته‌ای که گاه حجت خدای بر زمین شمرده شده و یاوری دین او را بر دوش کشیده‌اند، از میان خانواده‌هایی که چنین ظرفیتی نداشته‌اند، کم نیستند.

حفظه که برای یاری پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در شب زفافش به جنگ احد شتافت و شهید شد، فرزند «ابو عامر» از سران مشرکین است، ابو عامر در نبرد احد با مشرکین بود، توطئه مسجد ضرار نیز ساخته و پرداخته‌ی اوست، وی از هیچ دشمنی با پیامبر خدا، کوتاهی نمی‌کرد. پدر عروس نیز «عبدالله بن ابی سلول» سرکرده منافقان مدینه بود، وی که در تاریخ مشهور به «عبدالله ابن ابی» است، در اوج استقبال مردم مدینه از پیامبر، بدترین برخورد و تندترین و زنده‌ترین جملات را بر زبان راند و به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: ای مرد، برو نزد کسانی که تو را فریب داده‌اند و در اینجا ما را فریب مده.

اهل مدینه با شنیدن سخن عبدالله، از پیامبر پوزش طلبیدند و راز ریاست‌طلبی او را برملا کردند. بنا بر شواهد تاریخی، او می‌خواست رهبر یثرب گردد و میان اوسیان و خزرجیان حکمرانی نماید، ولی با ورود پیامبر همه‌ی آرزوهایش از بین رفت.<sup>۲</sup>

### ۵- همتایی

از جمله معیارهای انتخاب همسر، همتا بودن دو طرف است که از آن گاه تعبیر به کفو بودن می‌نمایند. کفو به معنای نظیر و شبیه آمده است و مراد از آن تناسب مرتبه‌ی اجتماعی زن و مرد است.

زن و مردی از دو طبقه مخالف، زندگی مختلف و علایق گوناگون دارند. لذا می‌توان گفت زبان مشترک ندارند. قرآن به این معیار در آیه زیر اشاره کرده است.

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ.<sup>۳</sup>

زنان ناپاک لایق مردان ناپاک هستند و مردان ناپاک نیز لایق زنان ناپاک و زنان پاکدامن شایسته‌ی مردان پاکدامن و مردان پاکدامن نیز شایسته‌ی زنان پاکدامن هستند، آنان از چیزهایی که در باره

<sup>۱</sup> - إِيَّاكُمْ وَخَضْرَاءَ الدَّمَنِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ، قَالَ: الْمَرْئَةُ الْخَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

<sup>۲</sup> - ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۱۰۸.

<sup>۳</sup> - نور، ۲۶.

شان می‌گویند منزهند و آمرزش و روزی نیکو دارند.

همتایی فکری، اخلاقی و رفتاری زن و مرد، به آنان زبان مشترک می‌دهد و تفاهم نسبی آنان را ساده می‌سازد. قرآن به گناه فحشا که اثر بسیاری در زوال اعتماد خانواده دارد، اشاره مستقیم نموده و می‌فرماید:

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ الْإِزَانِيَةَ أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup>.

مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به ازدواج خود در نمی‌آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است.

از موارد همتایی، همتایی در موقعیت‌های اجتماعی خانواده زن و مرد است، وصلت دو نفر از دو خانواده با فاصله طبقاتی زیاد، ممکن است اصطکاک زندگی را افزایش دهد و امور ناچیز را بزرگ و بزرگتر نماید.

توجه به همتایی در سلامت جسمی و روحی نیز لازم است، مخفی نمودن بیماری جسمی و روحی صحیح نیست این بیماری روزی خود را آشکار می‌سازد و عامل مهمی برای اظهار شکست طرف مقابل است. به همین علت ضروریست کفو بودن در این مورد رعایت شود و مثلاً علیل با فردی چون خود ازدواج کند و حداقل این بیماری‌ها قبل از ازدواج آشکار گردد تا اخلاص بیمار را علنی سازد و هم اینکه مایه بروز اختلافات در آینده نشود.

ناهمتایی اقتصادی و همچنین شغلی و نیز ناهمتایی اعتبار اجتماعی، ناهمتایی فرهنگی، ناهمتایی تحصیلی از همین زاویه قابل ارزیابی است.

همتایی در...

اگر از زن و مردی که زندگی مشترک آنان بعد از مدتی از هم پاشیده شده است سؤال شود که چرا از هم جدا شدید؟ می‌گویند: تفاهم نداشتیم.

اینکه این پاسخ صحیح است یا نه، به وقت دیگر می‌سپاریم. آنچه اینجا باید گفته شود این است که غیر از همسویی عقیدتی و اخلاقی که در واقع به معیار اول و دوم برمی‌گردد، لزوم همتایی در مراتب اجتماعی برای زن و مردی که بتوانند یکدیگر را بپذیرند، ضروری به نظر نمی‌رسد.

زیرا شاید زن و مرد از دو طبقه‌ی گوناگون چنان به هم علاقمند باشند که از تمام خودیت خود، به خاطر دیگری بگذرند، قطعاً در این موارد هرگز اختلاف طبقات اقتصادی و شغلی و تحصیلی نمی‌تواند کوچک‌ترین خطری ایجاد نماید، چه اینکه آنان طالب یکدیگرند نه لایه‌های روپینی که هر کدام در طول حیات گذشته عرضاً و نه ذاتاً بر تن نموده‌اند.

بر این اساس ما در بیان این معیار، به همسویی اعتقادی و اخلاقی تکیه داریم و آن را معیار جداگانه‌ای محاسبه نمی‌کنیم و البته بر سایر همسویی‌ها تأکید می‌نماییم.

<sup>۱</sup> - نور، ۳.

از دواج‌های بسیاری در گستره‌ی تاریخ از آغاز اسلام تاکنون شکل گرفته‌اند که با اینکه زنان و مردانشان به‌ظاهر کفو نبوده‌اند، اما زندگی‌های زیبایی داشته‌اند. ازدواج جویبر تهیدست با دختر زیاد بن لبید ثروتمند و پاسخ زیبایی پیامبر به زیاد که گفت ما دخترانمان را به کسانی می‌دهیم که هم کفو ما باشند، سخن مرا تصدیق می‌کند. پیامبر در پاسخ پدر عروس فرمود: جویبر مؤمن است و مرد مؤمن کفو زن مؤمن و مرد مسلمان کفو زن مسلمان است. ای زیاد دخترت را به جویبر بده و از او دوری نکن.<sup>۱</sup>

#### مؤمن کفو مؤمنه است

گفتیم مراد ما از همتایی، صرفاً همتایی در دین است. و هر چند وجود سایر ویژگی‌های مشترك، مثبت ارزیابی می‌شود ولی نبود آنها ضرری معنادار نمی‌رساند. به چند روایت در این باره توجه کنید:

– ابوالمفتح رازی در تفسیرش از «انس بن مالک» نقل کرده که روزی رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نشسته بودند. اعرابی داخل شد و سلام کرد و گفت: ای رسول‌خدا! آیا سیاهی پوستم و زشتی صورتم مرا از داخل شدنم به بهشت باز می‌دارد؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هرگز، مادامی که از خدا خائف و به رسول او مؤمن باشی. عرض کرد: ای رسول خدا، به خدایی که تو را شرافت پیامبری عطا کرد، هشت ماه قبل ایمان آوردم و اقرار کردم که خدا واحد است و تو فرستاده‌ی به حق او هستی. رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: تو جزء مردم هستی و آنچه برای آنانست برای تو هم هست و آنچه برای توست برای آنان هم می‌باشد (خودت را جزء مردم بدان). عرض کرد: پس چرا از جمع حاضر دخترانی را خواستگاری کردم ولی کسی به من جواب مثبت نداد. من هیچ مانعی جز زشتی صورتم و سیاهی رنگم نمی‌بینم. والا من از بنی‌سلیم هستم حسب و نسب نیکویی دارم ولی سیاهی دایی‌هایم در من اثر کرده و سیاه چهره شده‌ام. پیامبر فرمودند: «عمر بن وهب» از طایفه بنی‌تقیف، شخصی متعصب است، آیا خانه‌اش را بلدی؟ اعرابی پاسخ مثبت داد. پیامبر فرمودند: آنجا برو و آهسته در بزن وقتی داخل شدی سلام کن و بگو رسول‌خدا دخترت را به من داده است. او دختری زیبا، عاقل و عقیف دارد. اعرابی به سوی خانه ابن‌وهب آمد و در زد، ابن وهب چون در را باز کرد، دید سیاه چهره‌ای زشت ایستاده است از او بدش آمد و اظهار کراهت کرد. اعرابی وارد خانه شد و گفت رسول‌خدا دخترت را به من داده است. ابن وهب او را با بی‌احترامی از خانه‌اش بیرون کرد. اعرابی برخاست و از خانه خارج شد. دختر به پدرش گفت: برو و از رسول‌خدا خبر بگیر اگر او واقعا چنین فرموده است من به امر رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله راضی هستم. ابن وهب در پی مرد به سوی پیامبر روان شد و به حضور وی رسید و این در حالی بود که اعرابی نزد پیامبر رسیده و شکوهی خود را از ابن‌وهب بیان می‌کرد. رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به ابن‌وهب فرمود: ای مرد تو فرستاده‌ی رسول‌خدا را ردّ کردی؟ ابن وهب پاسخ داد: کردم و چه بد کردم. اینک به سوی خداوند استغفار می‌کنم او

<sup>۱</sup> – جویبر مؤمن و المؤمن کفو للمؤمنه و المسلم کفو للمسلمة فزوجهُ یا زیاد و لا ترعَبُ عنه. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۹.

را رد کردم چون خیال کردم از بادیه نشینان است و دروغ می‌گوید ولی اکنون ای رسول خدا هر آنچه در مورد خودم و خانه و اموال حکم کنی گردن می‌نهم، من از غضب و خشم رسول خدا به خدا پناه می‌برم. رسول خدا فرمودند: ای اعرابی بلند شو که من دخترش را به تو داده‌ام. اعرابی گفت ای رسول خدا من بادیه نشینی فقیر و تهی دست هستم زشت است وارد خانه‌ی زن شوم و دستم خالی باشد. پیامبر او را نزد علی بن ابی طالب، عثمان و عبدالرحمن بن عوف فرستادند تا احتیاج خود را از آنان بگیرد...<sup>۱</sup>

- ابو حمزه ثمالی می‌گوید: نزد امام باقر علیه السلام بودم. کسی به ایشان عرض کرد: من به خواستگاری منجع بن ریاح رفتم، ولی او مرا نپذیرفت و از من به خاطر زشتی و فقر و غریبی ام اعراض کرد و روی برگرداند. امام فرمودند: نزد او برو، تو فرستاده‌ی من هستی به او بگو، محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام می‌گوید: دختر را به من بده، منجع اطاعت امر مولای خود کرد و آن شخص خوشحال مرخص شد. امام باقر علیه السلام بعد از رفتن او فرمودند: شخصی از اهل یمامه بنام «جوئیر» کوتاه قد، زشت صورت، فقیر و عریان و سیاه اسلام آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را پذیرفت و به او غذا و لباس داد و دستور فرمود در مسجد بماند. مدتی بدین صورت سپری شد تا اینکه غریب‌هایی که به اسلام رومی آوردند زیاد شدند و فضای مسجد اشغال شد. خداوند به رسولش وحی فرمود که مسجد را پاکیزه نما و کسانی که شب‌ها را در آن سپری می‌کنند از آن خارج ساز و درها را جز در خانه‌ی علی ببند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور فرمود سقفه‌ای بسازند و غریبان را در صقه جای دادند، پیامبر و مسلمانان همواره به آنان کمک می‌کردند. روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به جوئیر نظر انداخت و با رحمت و رقت به وی چشم دوخت و سپس فرمود: کاش ازدواج می‌کردی تا عفت تو را محفوظ می‌کرد و در امور دین و دنیا تو را یاری می‌داد. جوئیر عرض کرد: ای رسول خدا چه کسی به من رغبت می‌کند؟ نه مرا حسبی و نسبی است و نه مال و جمالی، کدام زن حاضر است همسر من بشود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جوئیر! خداوند هر آنچه را که در جاهلیت شریف بوده پایین آورده و هر آنچه که در جاهلیت ذلیل بود عزیز ساخته است. مردم، سفید و سیاه، قریشی و عجمی برابرند همه از آدم و آدم از گل است و محبوب‌ترین انسان‌ها نزد خداوند در قیامت مطیع‌ترینشان و باتقواترین آنانست و اینک ای جوئیر من در میان مردم کسی را بهتر از تو نمی‌دانم. مگر آنکه از تو باتقواتر و مطیع‌تر باشد. سپس پیامبر به وی فرمود: نزد زیاد بن لئید برو که او از اشراف قبیله بنی بیاضه از انصار است و به او بگو من فرستاده‌ی رسول خدا هستم و او خطاب به تو فرمودند: دخترت دلفاء را به جوئیر بده! جوئیر با پیام رسول خدا راهی منزل زیاد شد، زیاد در منزل بود و عده‌ای از اقوامش گرد او بودند. از او اجازه گرفت و گفت ای زیاد من فرستاده‌ی رسول خدا هستم مطلب را علنی بگویم یا مخفیانه به تو برسانم؟ زیاد گفت علنی بگو که این شرف و عزت من است که

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

مخاطب پیامبر خدا باشم. جویبر گفت: رسول خدا به تو گفت: دخترت دلفاء را به جویبر بده.

زیاد گفت: آیا رسول خدا تو را بر این مطلب فرستاده است؟ جویبر گفت: بلی، من به رسول خدا دروغ نمی‌بندم. زیاد گفت: ای جویبر ما دختران خود را جز به همتایانشان از انصار نمی‌دهیم. برو تا خودم عذرم را به رسول خدا برسانم. جویبر رفت و گفت به خدا قسم نه قرآن بدین صورت نازل شده و نه نبوت محمد صلی الله علیه و آله برای این آشکار گشته است. دلفاء سخن جویبر با پدرش را شنید و او که در پستوی خانه بود پیغام نزد پدر فرستاد که می‌خواهد او را ببیند. زیاد نزد دخترش آمد، دختر گفت: این چه کلامی بود که به جویبر گفتی؟ زیاد گفت: جویبر آمد و گفت رسول خدا امر فرموده دخترت را به جویبر بدهی! دختر گفت: به خدا قسم جویبر هرگز به رسول خدا دروغ نمی‌بندد، هم‌اکنون کسی را بفرست که جویبر را بازگرداند، زیاد کسی را سراغ جویبر فرستاد و به او گفت اینجا بمان تا برگردم و خودش نزد رسول خدا رفت و عرض کرد پدر و مادرم فدایت، جویبر آمده و می‌گوید شما امر کردی دخترم را به وی بدهم. من خوب با وی سخن نگفتم و خواستم خودم به حضور شما برسم و عرض کنم ما به همتایان خود دختر می‌دهیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای زیاد! مؤمن همتای مؤمن و مسلم همتای مسلمان است. دخترت را به جویبر بده و از آن اعراض مکن. زیاد برگشت و سراغ دخترش رفت و آنچه از پیامبر خدا شنیده بود باز گفت. دختر گفت اگر اطاعت امر پیامبر نکنی کافر شده‌ای، زیاد دست جویبر را گرفت و نزد قوم خود آورد و مطابق سنت خدا و رسولش دخترش را به عقد او درآورد و مهریه دخترش را تقبل کرد سپس به جویبر گفت منزلی داری زنت را ببری؟ جویبر گفت: مرا منزلی نیست. زیاد منزلی با تمام امکانات و وسایل برای او تدارک دید و پوشاک به او پوشانید و دختر را روانه منزل او کرد. جویبر چون وارد آن خانه شد در گوشه خانه ایستاد و پیوسته قرآن می‌خواند و نماز می‌گذارد تا آن شب سپری و فجر دمید، او و همسرش برای نماز خارج شدند، شب دوم و سوم نیز چنین گذشت. دختر واقعه را به پدرش خبر داد. پدر نزد رسول خدا آمد و گفت: ای رسول خدا مرا امر کردی و اطاعت کردم! رسول خدا فرمود: چه باعث شده نگران شوی؟ زیاد گفت: برای جویبر خانه و اثاثیه مهیا کردم دخترم را به خانه‌اش بردم ولی نه با دخترم حرف می‌زند و نه به او نگاه می‌کند و نه نزدیکش می‌شود بلکه گوشه‌ی خانه ایستاده و دائماً قرآن و نماز می‌خواند؛ من فکر می‌کنم او اصلاً زن نمی‌خواهد... زیاد رفت و پیامبر در پی جویبر فرستاد و فرمود: چرا نزدیک همسرت نمی‌روی؟ آیا مرد نیستی؟ جویبر گفت: چرا ای رسول خدا من هم به زنان شوق دارم. پیامبر فرمود: ولی خلاف این به من رسیده است. شنیده‌ام همه چیزی برای تو آماده شده است خانه، وسایل، فرش و... ولی تو به زنت نگاه نمی‌کنی، نزدیک نمی‌شوی؟ چه بلایی برسرت آمده است؟ جویبر گفت: ای رسول خدا وارد منزل وسیعی شده‌ام فرش‌ها و اسباب منزل دیدم، دوشیزه‌ای زیبا دیدم، به یاد گذشته خودم افتادم و غربت و فقر و ناتوانی خود را به خاطر آوردم، مشغول عبادت به خاطر شکر این همه نعمت شدم. وقتی متوجه شدم صبح شده بود و این سه شب چنین بر من گذشت، اینک گمان دارم این شکر در مقابل آن همه عطای پروردگار اندک است ولی من بنا دارم

امشب او را از خود راضی کنم. پیامبر نزد زیاد فرستاد و ماجرا را برای او بیان فرمود. آنان خوشحال شدند و جویبر به عهد خود با پیامبر وفا نمود.<sup>۱</sup> جویبر در یکی از غزوات به شهادت رسید.

- امام باقر علیه السلام می فرماید: در روز فتح مکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سخنرانی کردند و پس از حمد و ثنای الهی فرمودند: ای مردم، خداوند نخوت جاهلیت و تفاخر به پدران را از شما زدود، بدانید شما از صلب آدم هستید و او از گل است؛ بدانید بهترین بندگان خداوند باتقواترین آنانست. عربیت پدر ایجادکننده شما نیست، بلکه تنها زبان سخن گفتن شماست. پس آن کس که عملش کوتاه باشد، حسب و نیاکانش برای او سودی ندارد، بدانید تمام خون‌ها و بغض‌هایی که در جاهلیت بود و تاکنون مانده است، همه را تا روز قیامت زیر پاهایم پامال نمودم.<sup>۲</sup>

چیزی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همواره با آن مبارزه می نمودند، نخوت و تکبر عرب بود که جز خود را هرگز به رسمیت نمی شناخت و همواره به دیگران می تاخت و حتی اصحاب غیر عرب پیامبر خدا از این تاخت و تاز در امان نبودند. نخوت و غرور عرب به حدی بود که گمان می کرد شاید اساسا هیچ عجمی نتواند از عرب زن بگیرد. زیرا در این صورت عجم بر عرب سلطه می یابد و نفس از دواج نوعی سلطه است!!! و نیز از دواج عرب با کنیزان غیر عرب را تجویز نمی کردند. و لذا گاهی از صحت چنین ازدواجی سؤال می نمودند.

- هشام بن حکم به گروهی از خوارج برخورد کرد، به هشام گفتند: آیا عجم می تواند از عرب زن بگیرد؟ هشام گفت: بله. گفتند: آیا عرب می تواند از قریش زن بگیرد؟ گفت: آری. گفتند: آیا قریش می تواند از بنی هاشم زن بگیرد؟ پاسخ داد: آری. گفتند: اینها را از که گرفته‌ای؟ هشام گفت: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: آیا در دیه برابرید ولی در ازدواج برابر نیستید؟<sup>۳</sup>

- امام صادق علیه السلام می فرماید: آزاد شدگان در جنگ‌هایی، به حضور امام علی علیه السلام رسیدند و عرض کردند، ما از این عرب‌ها به تو شکایت می کنیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور مساوی عطایای ما و آنان را پرداخت می فرمود، سلمان و بلال و صهیب را از عرب‌ها زن داد ولی اینها از اعطای حقوق ما، ابا می کنند و می گویند ما چنین نمی کنیم. امام علی علیه السلام به سوی آنان رفت و در این رابطه با آنان به گفتگو پرداخت ولی عرب‌ها داد می زدند: که ما چنین نمی کنیم! پیامبر خشمگین و ناراحت و حتی به طوری که عبا مبارکش بر زمین کشیده می شد از نزد آنان خارج شد و به موالی گفت: اینها شما را مثل یهود و نصاری می دانند زن از شما می گیرند ولی به شما زن

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۳؛ تفصیل داستان در فروع کافی جلد ۵، صفحات ۳۲۹ تا ۳۴۳ ببینید.

<sup>۲</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

<sup>۳</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۶.

نمی‌دهند، مثل آنچه را که می‌گیرند حقوقتان را به شما نمی‌دهند. شما به تجارت بپردازید، خدا در آن به شما برکت می‌دهد من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: روزی ده قسم است، نه قسم آن تجارت و یک قسمت آن در غیر تجارت است.<sup>۱</sup> معصومین علیهم السلام، اعاجم را به دامادی خویش می‌پذیرفتند و خود نیز با کنیزان ازدواج می‌کردند تا این نخوت را بشکنند.

- امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله ضباعة دختر زبیر بن عبدالمطلب را برای مقداد عقد نمود تا امر نکاح آشکار شود و خلیق به رسول خدا تاسی کنند و بدانند کریم‌ترین آنان، باتقواترین آنان هستند.<sup>۲</sup>

- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی امام سجاد علیه السلام مادر خود را به تزویج غلام آزاد شده‌اش درآورد، و خودش با کنیز آزاد شده خویش ازدواج کردند، عبدالملک به‌وی نامه نوشت و از او عیب گرفت و گفت: شرف و عزت خود را با چنین ازدواجی کاستی. امام در پاسخ نوشت: خداوند هر پستی را به وسیله اسلام بلندی و برتری بخشیده و هر ناقصی را به وسیله آن کامل کرده، و ملامت را به واسطه آن برطرف نموده است. پس ملامتی بر مسلمان نیست. ملامت، ملامت جاهلیت است (نخوت جاهلیت که مانع برخی ازدواج‌ها با زن‌های به ظاهر پست می‌شد)؛ من به‌خاطر نیکوکاری با وی ازدواج کردم و در این کار به رسول خدا صلی الله علیه و آله اقتدا نمودم، وی دختر عمه‌اش زینب را به عقد غلام آزاد شده‌اش زید درآورد و با صفیه دختر حی بن اخطب که اسیر آزاد شده‌اش بود ازدواج کرد. عبدالملک که جواب نامه‌اش را گرفت، گفت: علی بن الحسین دوکار نموده که احدی نکرده است و با این عمل بر شرفش افزوده است.<sup>۳</sup>

- ابونصر می‌گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا مردی می‌تواند با کنیز پدرش ازدواج نماید؟ امام فرمودند: مانعی ندارد. عرض کردم از امام کاظم علیه السلام شنیده‌ام که امام سجاد علیه السلام با دختر امام حسن علیه السلام و کنیز او ازدواج نموده است؟ فرمودند: نه، امام سجاد با دختر امام حسن علیه السلام و کنیز امام علی علیه السلام ازدواج نموده است. که عبدالملک به وی نامه نوشت و او را ملامت کرد ولی امام سجاد علیه السلام پاسخ داد و چون عبدالملک پاسخ را خوانده گفت: علی بن الحسین فروتنی کرده که با این زن ازدواج نموده ولی خداوند او را بالا برده است.<sup>۴</sup>

## ۶- استقلال فکری

استقلال فکری دختر و پسر در زندگی و تأثیر نپذیرفتن از سخن و عمل دیگران بدون

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۶.

<sup>۲</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵.

<sup>۳</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹ و ۵۰.

<sup>۴</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۸.

تأمل و تفکر، یکی از معیارهای مهم انتخاب همسر است. تأثیر بسیار این امر در ثبات زندگی مشترک، مرا مجبور نمود در آخرین ویراستاری قبل از چاپ این کتاب، با بیان تیترا مستقل به این مهم بپردازم. بدون مبالغه، بخش عمده‌ای از کدورت‌های خانوادگی از نادیده گرفتن همین امر سرچشمه گرفته است.

دختر و پسر بعد از اجرای صیغه عقد بالنسبه و پس از عروسی بطور کامل از خانواده‌های خود جدا شده و بایستی برنامه‌های مشترک و مورد توافق دوطرف پی‌ریزی نمایند. آنان نباید اجازه دخالت هرکسی، هر فکری، هرنگاهی و هر شنیده‌ای به زندگی مشترک خود دهند. لازم است هر آنچه را می‌شنوند و می‌بینند، با تأمل جدی به آن بنگرند و اگر آن را در راستای پایداری زندگی ندیدند از آن دوری گزینند. پس این مهم باید حین انتخاب همسر در کنار ایمان، رفتار و اخلاق مورد توجه جدی قرار گیرد. بی‌شک ازدواج با دختر و پسری که دیگران (هرچند از سر خیرخواهی) در وی مؤثر هستند، سرانجامی موفق نخواهد داشت.

البته مراد من نادیده انگاری حق پدر و مادر نیست. آنان باید بدانند، وظیفه همراهی فرزندان تا ازدواج را برعهده دارند و نباید فرزند خویش را چنان بار آورند که نتواند بدون آنان تصمیمی برای زندگی خود گیرد. چیزی که امروزه به خاطر پدیده شوم فرزند کمتر زندگی بهتر، استقلال در رأی را از فرزندان سلب و پشتکار را از آنان گرفته است!

#### ۷- هوش مناسب

یکی دیگر از معیارهای مهم انتخاب همسر، هوش و زکاوت است. مراد من از این معیار، میزان زکاوت بالا و سرعت انتقال زیاد نیست، بلکه مراد هوش عمومی است که متأسفانه برخی ندارند و کودن و سفیه می‌باشند. زندگی انسان‌های باهوش با این دسته افراد بسیار سخت است. اگر طرف مقابل با سفاقت آنان بسازد، زندگی سخت خواهد شد ولی گاهی دیده شده است که سفاقت یکی، موجب سوء استفاده دیگری می‌شود، و حتی گاه ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی ایجاد می‌گردد.

اسلام این مهم را هم در نظر گرفته است و بسیار سفارش می‌کند که از ازدواج با انسان‌های احمق پرهیز شود. آنان باید به ازدواج با همتایان خود اکتفا کنند.

محمد بن مسلم می‌گوید: جمعی از یاران و شیعیان از امام باقر علیه‌السلام پرسیدند، زنی دیوانه، اعجاب مردی را برمی‌انگیزد و وی عاشق آن زن می‌شود، آیا می‌تواند با او ازدواج کند؟ امام پاسخ داد: خیر، البته همبستری به حلال با کنیز دیوانه جایز است ولی از او طلب فرزند نکند.<sup>۱</sup>

امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: از ازدواج با زن فاسد العقل پرهیز که معاشرت با او بلا و فرزند او هلاک شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - لا ولكن إن كانت عنده أمة مجنونة، فلا بأس بأن يطأها ولا يطلّب ولدها. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۷.

<sup>۲</sup> - إياكم وتزويج الحمقاء، فإن صحتها بلاءٌ وولدها ضیاعٌ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید: مرد دیوانه را زن دهید ولی زن دیوانه را شوهر ندهید زیرا شاید از مرد احمق فرزندان شایسته و کریم بوجود آید ولی زن دیوانه فرزند سالم نمی زاید.<sup>۱</sup>

البته این بحث نباید موجب کاسته شدن وجهه چنین اشخاصی شود، چه اینکه این دسته از افراد شاید در پیشگاه خداوند متعال عزتی غیر قابل توصیف داشته باشند، زیرا غالباً سفاقتشان موجب گناه کمتری می شود. آنان در امور نامربوط به خود مداخله نمی کنند و کسی هم آنان را دخالت نمی دهد. همین امر موجب انزوای ظاهری آنان از خلق شده چیزی که عارفان و سالکان واقعی راه خدا در تحصیل آن باید زحمت هایی متحمل شوند.

#### ۸- مسئولیت پذیری

از معیارهای مهم انتخاب همسر، مسئولیت پذیری است. نباید زن و مرد وظیفه اساسی خود را به بهانه وظیفه ای دیگر از یاد برند. جا به جا شدن وظایف این دو که محور تمام هستی شمرده می شوند، ضربات جبران ناپذیری بر پیکره خانواده و اجتماع وارد می سازد و مخالف صریح با چهره ای است که قرآن کریم از این دو موجود ترسیم فرموده است. قرآن می فرماید:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَسَأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.<sup>۲</sup>

*برتری هایی که خداوند به برخی نسبت به بعضی دیگر عطا فرموده است، درخواست نکنید. مردان نصیبی از کسب خویش و زنان را نصیبی است از آن، و از فضل خدا بطلبید که او بر هر چیزی توانا است.*

در این آیه سخن از برتری یکی بر دیگری نیست، سخن از مسئولیت هایی است که هر کدام در پیشگاه خداوند مسئولیت هایی دارند، آنکس که مسئولیت های خویش را به درستی انجام داد، برتر بوده و هر کس وظایف خویش را ترک کرد، بدتر است. چرا که معیار اساسی تمیز بین انسان ها، فقط و فقط تقوا است و نه هیچ چیز دیگر.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.<sup>۳</sup>

*ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است. و لذا یک زن با تقوا از هزاران مرد فاسق و فاجر برتر است.*

<sup>۱</sup> - زَوْجُوا الْأَحْمَقِ وَلَا تُزَوِّجُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ الْأَحْمَقَ يَنْجُبُ وَالْحَمَقَاءَ لَا تَنْجُبُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۷.

<sup>۲</sup> - نساء، ۳۲.

<sup>۳</sup> - حجرات، ۱۳.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: يك زن صالح از هزار مرد ناصالح برتر است.<sup>۱</sup>

#### ۹- زیبایی

انسان موجودی زیبا طلب است. زیبایی را دوست دارد و به آن بها می دهد. پس نباید این معیار را در انتخاب همسر فراموش کرد.

اسلام نسبت به این معیار بیگانه نیست بلکه به آن هم سفارش می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: بهترین زنان امت من زیباترین آنان و کم مهرترین آنانست.<sup>۲</sup>

پیامبر همچنین می فرماید: هر کسی از شما خواست ازدواج کند همان طوری که از زیبایی صورت می پرسد از موی زن نیز سؤال نماید، زیرا موی یکی از دو زیبایی است.<sup>۳</sup>

طبیعی است که زیبایی به زندگی جذابیت ویژه می دهد و زن و مرد را از نگاههای ناروا به زیباها باز می دارد. اما هرگز نباید تصور کرد که ارزش این معیار به اندازه ارزش معیارهای اصلی است.

#### جواز نگاه

نگاه به صورت و دستهای زنی که قصد ازدواج با او دارید جایز است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از اصحاب خود که قصد ازدواج داشتند فرمودند: می توانی به صورت و نیز دو کف او نگاه کنی.<sup>۴</sup>

حسن بن سری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی می خواهد با زنی ازدواج کند، در او تأمل می کند و از پشت سر به او می نگرد و به صورت وی نظر می افکند، آیا این جایز است؟ امام فرمودند: بلی، آنکه قصد ازدواج داشته باشد، می تواند به پشت سر زن و یا صورت وی نظر بیاندازد.<sup>۵</sup>

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا مرد می تواند به موی سر یا محاسن دیگر زنی که قصد ازدواج با وی دارد بنگرد؟ امام در پاسخ این شخص فرمودند: مانعی ندارد البته به شرط اینکه به قصد لذت نباشد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ. ارشادالقلوب، باب ۵۱.

<sup>۲</sup> - أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

<sup>۳</sup> - إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَلْيَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يُسْتَلُّ عَنْ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

<sup>۴</sup> - أَنْظِرْ إِلَى وَجْهِهَا وَكَفَيْهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

<sup>۵</sup> - نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يُنْظَرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُتَزَوَّجَهَا، يُنْظَرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹.

<sup>۶</sup> - لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَذِّدًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۶۰.

## ۱۰- شغل مناسب

شغل مناسب نیز یکی از معیارهای است که برخی به آن پرداخته‌اند. طبعاً مرد به واسطه الزام وی به نفقه‌ی خانواده بایستی شغلی که بتواند وظیفه‌اش را به انجام رساند، داشته باشد. البته هرچند برخی شغل‌ها از آبروی اجتماعی بالاتری برخوردارند اما شغل فرودست نیز لازمه زندگی اجتماعی است. باید گفت بیکاری عیب است نه شغل به ظاهر پست.

## ۱۱- معیارهای دیگر

آنچه تا به حال گفتیم معیارهای مشترک در دختر و پسر بود. در روایات اسلامی به برخی معیارهای ویژه دیگر اشاره شده است که عبارتند از:

ولو

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: دختری باکره که توان آبتنی را داشته باشد، به همسری برگزینید و با دختر زیبا ولی عقیم و نازا ازدواج نکنید که من به کثرت شما در قیامت مباحثات می‌کنم.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در ضمن بیان داستان یوسف می‌فرماید: یوسف برای برادران غذایی آماده ساخت، چون برادرانش وارد شدند، فرمود: همه‌ی فرزندان مادری کنار سفره بنشینند. همه جز بنیامین که برپا ایستاده بود، نشستند. پیامبر خدا به وی فرمودند: چرا نمی‌نشینی؟ بنیامین گفت: من برادر مادری از اینان ندارم و تو گفتی هر فرزند مادری بر سفره بنشیند. یوسف گفت: آیا برادر مادری نداشتی؟ وی جواب داد: چرا داشتم. پیامبر فرمودند: پس چه شده؟ بنیامین گفت: اینان خیال می‌کنند او را گرگ دریده است. یوسف پرسید: چقدر در غم او محزون هستی؟ بنیامین گفت: آنقدر که یازده پسر دارم و اسم همه آنان را از مشتقات اسم او قرار داده‌ام. یوسف با توجه به کثرت فرزندان برادرش به وی گفت: مثل اینکه با دیدن زنان تشخیص می‌دهی که کدام زن بچه‌زا و کدام عقیم است؟ و فرزند آینده وی را می‌پوئی؟ بنیامین گفت: پدری صالح دارم و او فرموده است: ازدواج کن که شاید از نسل تو ذریه‌ای و اولادی بهم رسد که زمین را با حمد و سپاس خداوند سنگین سازد.<sup>۲</sup>

باکره

پیامبر مکرم اسلام که درود خداوند بر روان پاکش باد می‌فرماید: با دختران باکره ازدواج کنید که دهانی خوشبو دارند، فرزند بسیار می‌آورند، زود یاد می‌گیرند و محبت و مودت ثابت و پابرجایی دارند.<sup>۳</sup>

همچنین می‌فرماید: برای ازدواج به سراغ دختران باکره بروید که خوشبوتر بوده،

<sup>۱</sup> - تَرَوُجُوا بَكَراً وَتُوداً وَلَا تَرَوُجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۳.

<sup>۲</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۷.

<sup>۳</sup> - تَرَوُجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَغْدَبُ أَفْوَاهًا وَاتَّقِ أَرْحَامًا وَأَسْرِعْ تَعْلِيمًا وَأَثْبِتْ لِمَوَدَّةٍ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۸.

کثیر الاولاد خواهند بود و به نفقه‌ای اندک راضی می‌شوند و بهانه‌جو نیستند.<sup>۱</sup>

**تناسب اندام**

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: با زنی گندمگون، چشم زیبا و درشت، باسن برجسته، میانه بالا، ازدواج کنید اگر بدتان آمد مهر او با من است.<sup>۲</sup>

عبدالله بن مغیره می‌گوید: از امام کاظم علیه‌السلام شنیدم که می‌فرمودند: هنگام ازدواج سراغ زن‌هایی با باسن بزرگ بروید که آنان نجیب‌ترند.<sup>۳</sup>

**رنگ پوست**

امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: از جمله سعادت‌های انسان این است که لباس را از روی زنی سفید چهره برکشد و همسری سفیدرو داشته باشد.<sup>۴</sup>

**خوش چهره**

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: خیر و نیکی را نزد نیک صورتان بجویید که کردار آنان نیکوتر است.<sup>۵</sup>

امام کاظم علیه‌السلام می‌فرماید: سه چیز موجب جلا و روشنی چشم می‌شود: نظر به سبزه و گیاه، نگاه به آب جاری و نگرستن به چهره زیبا.<sup>۶</sup>

**موی زیبا**

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: وقتی قصد ازدواج داشتید از موی زن سؤال کنید، همان‌طور که از وضع چهره او جویا می‌شوید زیرا موها، و قشنگی آن، یکی از دو زیبایی هر فرد است.<sup>۷</sup>

**مقایسه معیارها**

بدیهی است این معیارها بر دو دسته قابل تقسیم هستند. معیارهایی چون ایمان، عمل صالح، اخلاق نیک و اصالت خانوادگی که معیارهای اساسی بوده و غفلت از آنها آثار زیان‌باری برجا خواهد گذاشت.

قسم دیگر معیارهایی است که به امور ظاهری توجه دارد. طبیعی است که این دسته

<sup>۱</sup> - عَلَيْكُمْ بِالْأَبْكَارِ مِنَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ أَغْذَبُ أَفْوَاهًا وَأَتْقَى أَرْحَامًا وَأَرْضَى بِالْيَسِيرِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

<sup>۲</sup> - تَزَوَّجُوا سُمَّاءَ عَيْنَاءَ عَجْزَاءَ مَرْبُوعَةً فَإِنَّ كَرِهَتَهَا فَعَلَى مَهْرُهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۵.

<sup>۳</sup> - عَلَيْكُمْ بِذَوَاتِ الْأُورَاكِ فَإِنَّهُنَّ أَنْجَبُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۵.

<sup>۴</sup> - مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكْشِفَ التُّؤَبَ عَنْ امْرَأَةٍ بَيْضَاءَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۶.

<sup>۵</sup> - أَطْلُبُوا الْخَيْرَ عَنْ حِسَانِ الْوَجْهِ فَإِنَّ فِعَالَهُمْ أُخْرَى أَنْ يَكُونَ حَسَنًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷.

<sup>۶</sup> - ثَلَاثٌ يُجَلِّينَ الْبَصَرَ: النَّظْرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِيِ وَالنَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۷.

<sup>۷</sup> - این روایت در بحث جواز نگاه گذشت.

توان معارضه با دسته اول را ندارند. به طوری که اگر مثلاً همه‌ی این معیارهای ظاهری وجود داشته باشند و ایمان نباشد بی‌فایده خواهند بود، ولی اگر ایمان باشد و همه‌ی معیارهای جسمی نباشند، با اندکی گذشت خوشبختی دنیا و آخرت جمع می‌شود. پیداست که اگر در همسری همه معیارهای ظاهری و روحانی جمع باشد، معیارهای جسمی در کنار معیارهای معنوی می‌تواند زینتی محسوب گردد.

نهایت اینکه: معیارهای مادی زودگذر است؛ ثروت بقایی ندارد؛ جمال شاید با کوچکترین حادثه‌ای زایل شود؛ تحصیل بدون تقوا و به دور از عمل، ارزش نیست؛ آنچه می‌تواند سعادت زن و شوهر را فراهم کند، ایمان به مبدأ لایتناهی است که آدمی با چنگ زدن به آن توان روحانی یافته و مشکلات زندگی را حل نماید.

به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه توجه فرمایید:

- کسی که با زنی به خاطر مالش ازدواج کند خداوند وی را به آن مال واگذار می‌نماید و کسی که با دختری به خاطر زیباییش ازدواج نماید از وی چیزهایی که ناپسند می‌شمارد، خواهد دید و کسی که با دختری به خاطر دینش ازدواج کند خداوند (از فضل خود) همه‌ی آنها را برای او در آن دختر جمع خواهد کرد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: وقتی مردی با زنی به خاطر زیبایی و جمال او ازدواج کند و یا به علت ثروتمندی و اموال زن با وی پیوند زوجیت ببندد، به همان چیز از مال و جمال که دل بسته است واگذار می‌شود ولی اگر مرد به خاطر دین زن با وی ازدواج کند، خداوند از فضل خودش به او ثروت و زیبایی زن را اعطاء خواهد نمود.<sup>۲</sup>

**زیباترین تعبیر**

قرآن، زن و مرد را به لباس برای یکدیگر تشبیه کرده است.

... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...<sup>۳</sup>

دقت در این تعبیر، اعجاز مفهومی این آیه از قرآن کریم چون سایر آیات را روشن می‌سازد.

جنس لباس، رنگ، دوخت و اندازه‌ی آن از معیارهای مهم در انتخاب لباس است تا بتواند مایه‌ی وقار و زیبایی و حفظ آدمی از سرما و گرما شود.

**اوصاف پسندیده**

در روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام، ویژگی‌های پسندیده‌ی زنان مطرح شده است. به برخی از این وصف‌ها از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله توجه کنید.

- زنان چهار دسته‌اند: گروهی خیر و برکتشان بسیار است، برخی نیز دارای فرزندان

<sup>۱</sup> - مِنْ تَزَوَّجَ اِمْرَاةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللهُ اِلَيْهِ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِجَمَالِهَا رَاىَ فِيهَا مَا يَكْرَهُ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللهُ لَهُ ذَلِك. تهذیب، ج ۷ ص ۳۹۹.

<sup>۲</sup> - اِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْءَةَ لِجَمَالِهَا اَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ اِلَى ذَلِكْ وَاِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللهُ الْمَالَ وَالْجَمَالَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۰.

<sup>۳</sup> - بقره، ۱۸۷.

زیاد می‌باشند، سوّمین گروه دست و پاچلفتانی هستند که اخلاقی ناپسند با شوهران شان دارند، گروه چهارم چون پوست حیوان پر از شپش، برتن آدمی هستند و از کثرت مهرشان راهی برای رهایی از آنان نیست.<sup>۱</sup>

- بهترین زنان شما آنانند که مهربان و محبوب بوده و توان آبیستی داشته، از همسر خود اطاعت و موافق وی باشند و بدترین آنان لجوج‌ها هستند.<sup>۲</sup>

- بهترین زنان امت من آنانند که خوش صورت بوده و مهرشان کم باشد.<sup>۳</sup>

- بهترین زنان امت من کم‌مهرترینشان و زیبا صورت‌های آنانند.<sup>۴</sup>

- بهترین زنان شما کسی است که چون خشم گیرد و یا همسرش عصبانی شود به او بگوید: دست من در دست توست، من با تو هستم و هرگز چشم برهم نگذاشته و لحظه‌ای خواب راحت ندارم تا اینکه از من راضی شوی.<sup>۵</sup>

جابر بن عبدالله انصاری از اصحاب رسول خدا می‌گوید: ما نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بودیم که فرمود: بهترین زنان شما آنانند که بسیار فرزند آورند، خیلی مهربان و محبوب باشند، عفت و حیا داشته و نزد اهل خود عزیز بوده و در برابر همسرش کوتاه بیاید، برای همسرش بی‌حجاب و بدون پوشش بوده و از دیگران خود را بیوشاند، سخن همسرش را شنیده و بپذیرد و از او اطاعت نماید، در خلوت هرآنچه شوهرش می‌خواهد ارائه کند و همانند مرد، گشاده دست در بذل و انفاق نبوده و در بخشش اموال خانواده دقت نماید.<sup>۶</sup>

- مردی به حضور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و عرضه داشت: من زنی دارم که هرگاه وارد منزل می‌شوم به استقبال می‌آید و هرگاه از خانه خارج می‌شوم مرا مشایعت و بدرقه می‌کند و هرگاه مرا غمگین می‌بیند در کنارم می‌نشیند و مرا دلداری می‌دهد و می‌گوید: چه باعث شده که مغموم و مهموم باشی؟ اگر برای روزی نگرانی، خداوند وعده رسیدن آن را داده است و روزی تمام مخلوقان را برعهده گرفته است، اگر برای

<sup>۱</sup> - النِّسَاءُ أَرْبَعٌ: جَامِعٌ مُّجْمَعٌ وَرَبِيعٌ مَّرْبُوعٌ وَخَرَفَاءٌ مَّقْمَعٌ وَغُلٌّ قَمِيلٌ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶.

<sup>۲</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَدُودُ الْوَلُودُ الْمُؤَاتِبَةُ وَشَرُّهَا اللَّجُوجُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

<sup>۳</sup> - أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶.

<sup>۴</sup> - أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَقْلَهُنَّ مَهْرًا وَأَحْسَنُهُنَّ وَجَهًا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۰.

<sup>۵</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ غَضِبْتَ أَوْ غَضِبَ زَوْجُهَا، تَقُولُ لِرَّوْجِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا أَكْتَحِلُ عَيْنِي بَعْضُ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۰.

<sup>۶</sup> - إِنْ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ، الْوَدُودُ، الْعَفِيفَةُ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْضِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحِصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتَطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا وَلَمْ تَبْدُلْ كَتَبْدَلِ الرَّجُلِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴.

آخرت غمگینی و از شدت و اضطراب در قیامت ناراحتی، پس خداوند به غم و ناله‌ات بیفزاید، که تحمل کردن غم آخرت در دنیا موجب رستگاری خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند را کارگذارانی است و او کارگذار خداست البته او اجر و پاداشی نصف پاداش شهید دارد.<sup>۱</sup>

- پیامبر خدا زن پاکدامنی که به شوهرش عشق بورزد ستوده است و می‌فرماید: بهترین شما زنان، زنان پاکدامنی هستند که مملو از هیجان شهوت نسبت به حلال خود باشند.<sup>۲</sup>

و فرموده‌اند: از زن‌ها آن کسی برکتش بیشتر است که خرج او کم باشد.<sup>۳</sup>  
- امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: بهترین زنان شما آنانند که خوشبو و خوشپخت بوده و هرگاه انفاق کنند به نیک انفاق می‌کنند و هرگاه خودداری کنند به جا و نیک خودداری می‌کنند؛ چنین زنی از کارگذاران خدا محسوب می‌شود و کارگذار خدا شکست نمی‌خورد و ناکام نمی‌گردد و پشیمان از کرده خود نمی‌شود.<sup>۴</sup>

- همچنین می‌فرماید: همانا زن چون گردنبندی برگردن است، یعنی در جایگاه حساسی واقع شده است. می‌تواند چون گردنبندی از طلا و نقره، زینت گردن باشد و نیز می‌تواند مانند طوقی برگردن آزاری جانکاه بیافریند. پس در انتخاب این گردنبند، بسیار دقت نما، چرا که مثل و مانندی ندارد و قدر و میزانی برای آن شناخته نمی‌شود. نه برای خوبان‌شان و نه برای بدان‌شان، زیرا خوبان‌شان منزلتی چون طلا و نقره ندارند بلکه بسی بالاترند و بدهای آنان نیز ارزشی برابر خاک ندارند و خاک خیلی بهتر از آنانست.<sup>۵</sup>  
- همچنین می‌فرماید: بهترین زنان شما کسی است که چون با شوهرشان خلوت کند لباس حیا را از تن می‌گند و چون گاه پوشش برسد، عفت خود را حفظ می‌نماید و لباس حیا می‌پوشد.<sup>۶</sup>

- نیز می‌فرماید: بهترین زنان شما کسی است که چون شوهرش چیزی به وی عطا کند،

<sup>۱</sup> - إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ، لَهَا نَصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷.

<sup>۲</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَقِيْقَةُ الْعَلِيْمَةُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

<sup>۳</sup> - اَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً اَيْسَرُهُنَّ مَوْنَةً. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

<sup>۴</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الطَّيْبَةُ الرَّيْحُ، الطَّيْبَةُ الطَّيْبِيْحُ الَّتِي اِذَا اَنْفَقَتْ، اَنْفَقَتْ بِمَعْرُوفٍ وَاِنْ اَمْسَكَتْ، اَمْسَكَتْ بِمَعْرُوفٍ، فَيَلِكُ عَامِلٌ مِنْ عُمَّالِ اللّٰهِ وَعَامِلُ اللّٰهِ لَا يَخِيْبُ وَلَا يَنْدُمُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

<sup>۵</sup> - اَمَّا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّقَلُ وَكَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ، لَا لِصَالِحِيْهِنَّ وَلَا لِطَالِحِيْهِنَّ فَاَمَّا صَالِحِيْهِنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ، هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَاَمَّا طَالِحِيْهِنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا التُّرَابُ، التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷.

<sup>۶</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي اِذَا خَلَتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهٗ دِرْعَ الْحِيَاءِ وَاِذَا لَبَسَتْ، لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحِيَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

قدردان و سپاسگزار باشد و اگر همسر، وی را از عطایش محروم کرد، راضی باشد.<sup>۱</sup>  
 - ابراهیم کرخی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید: به امام عرض کردم؛ همسر من از دنیا رفته و او زنی شایسته و با من موافق بود، اکنون تصمیم گرفته‌ام ازدواج کنم. امام فرمودند: خوب بنگر که خود را کجا قرار می‌دهی و چه کسی را شریک اموال خود می‌کنی و او را مطلع بر دین و اسرار خود می‌نمایی. اگر قصد ازدواج دارید، به سراغ کسی برو که تاکنون ازدواج نکرده، اهل خیر بوده و اخلاقش نیک باشد. آگاه باش آنان همانطور که گفته می‌شود بر چند دسته‌اند: عده‌ای چون غنیمت و غرامت، دسته‌ای چون ماه تابان و گروهی چون شب ظلمانی هستند. آنکه به صالحه‌ای دست یابد، رستگار و هرکه از ناشایستی خسارت ببیند انتقامی ندارد. آنان سه گروهند، گروهی باکره، بچه‌زاد، مهربان، یار همسر در امور دنیوی و اخروی بوده و او را در برخورد با روزگار یاری می‌دهد و از اینکه زمانه را بر علیه شوهر یاری کند و بر طبق خواهش‌های زمانه حرکت کند، خودداری می‌نمایند. عده‌ای عقیم، زشت‌رو و بدخلق و خو بوده و هرگز همسر را در امور خیر یاری نمی‌دهند و گروهی پر سر و صدا، پر رفت و آمد، بسیار عیبجو بوده زیاد را کم شمرده و هرگز کم را نمی‌بینند.<sup>۲</sup>

- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: زنان بر چند صنف هستند؛ گروهی چون غنیمت و غرامتند و شیفته شوهران می‌باشند، آنان کسانی هستند که همسران‌شان را دوست دارند و دوستی خود را به آنان اظهار می‌نمایند و قلب خود را به آنان گره زده‌اند. برخی چون ماه تابان و عده‌ای چون تاریکی و ظلمت شدید هستند. پس هرکس به همسری صالحه دست یابد، خوشبخت می‌شود و آنکه گرفتار زنی غیر صالحه شود به بلایی مبتلا شده و راه انتقامی هم برای او نیست؛ چه اینکه آدمی شاید بتواند از هر ظالمی انتقام گیرد، اما انتقام از همسر خود، امکان‌پذیر نیست.<sup>۳</sup>

- همچنین می‌فرماید: امام علی علیه السلام فرمودند: بهترین زنان شما پنج دسته‌اند، یاران امیر

<sup>۱</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمْ أَلَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَإِنْ مُعِيتْ رَضِيَتْ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

<sup>۲</sup> - أَنْظُرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَمَنْ تَشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَتَطْلَعُهُ عَلَى دِينِكَ وَسِرِّكَ، فَإِنْ كُنْتَ لِأَيْدٍ فَاعِلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ إِلَى الْخَيْرِ وَالْإِي حُسْنِ الْخُلُقِ وَأَعْلَمُ أَنَّهُنَّ كَمَا قَالَ:

إِلَّا أَنْ النَّسَاءَ خَلَقْنَ شَتَّى فَمِنْهُنَّ الْغَنِيمَةُ وَالْغَرَامُ

وَمِنْهُنَّ الْهَلَالُ إِذَا تَجَلَّى لِمَصْحَابِهِ وَمِنْهُنَّ الظَّالِمُ

فَمَنْ يَظْفَرُ بِصَالِحِهِنَّ يَسْعُدُ وَمَنْ يَعْثُرُ فِيهِنَّ فَلَيسَ بِهِ انْتِقَامُ

وَهُنَّ ثَلَاثٌ: فَأَمْرَأَةٌ بَكَرٌ وَلَوْ دُوْدٌ تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِدُنْيَاهُ وَأَخْرَتُهُ، وَلَا تُعِينُ الدَّهْرَ عَلَيْهِ، وَأَمْرَأَةٌ عَقِيمٌ لَا ذَاتَ جَمَالٍ وَلَا خُلُقٍ وَلَا تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى خَيْرٍ، وَأَمْرَأَةٌ صَخَابَةٌ وَلَاجَةٌ هَمَّازَةٌ تَسْتَقِلُّ الْكَثِيرَ وَلَا تَقْبَلُ الْبَسِيرَ. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۴.

<sup>۳</sup> - وَأَعْلَمُ أَنَّ النَّسَاءَ شَتَّى، فَمِنْهُنَّ الْغَنِيمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لَزَوْجِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ، وَمِنْهُنَّ الْهَلَالُ إِذَا تَجَلَّى وَمِنْهُنَّ الظَّالِمُ الْجِنْدِيسِيُّ الْمُقْطَبِيُّ، فَمَنْ ظَفَرَ بِصَالِحِيهِنَّ يَسْعُدُ وَمَنْ وَقَعَ فِي طَالِحِيهِنَّ فَقَدْ أُتْبِلَى وَلَيْسَ لَهُ انْتِقَامٌ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.

المؤمنین عرض کردند: آن پنج گروه چه کسانی هستند؟ فرمودند: زنان آسان‌گیر و کم‌مهر، نرم‌خو، مطیع همسر و آنانکه اگر شوهرشان عصبانی شود، هرگز پلک برپلک نمی‌گذارند مگر اینکه او را از خود راضی کنند و آنکه در غیاب شوهرشان خود را محفوظ می‌دارند، چنین زنی، کارگذاری از کارگذاران خداست و کارگذار خداوند شکست نمی‌خورد و رستگار است.<sup>۱</sup>

#### اوصاف ناپسند

اوصاف زشت اخلاقی زنان شاید در همسر و فرزندان اثر کند و لذا توجه به این اوصاف به جهت دوری گزیدن از آنها و یا اصلاح در صورت امکان، مفید خواهد بود. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: آیا شما را به بدهای زن‌هایتان خبر دهم؟ اصحاب پیامبر که منتظر شنیدن اوصاف ناپسند زنان بودند عرض کردند: آری. پیامبر فرمودند: آنانکه نزد اهل خود ذلیل و خوار، نزد همسر خود شریف هستند؛ کسانی که نازا، پر حق و کینه، ناپرهیز از گناهان و زشتی‌ها می‌باشند؛ آنانکه گاه نیور شوهر، بی‌حجاب و گاه خلوت با شوهر و حضور وی پوشیده‌اند و نیز نسبت به شوی نانشنوا و نافرمان در اوامر او بوده و همچنین مانع از تمکین وی هستند. آنان همانند اسب سرکش که سوار خود را دفع می‌کند، می‌باشند، عذر شوهر را نمی‌پذیرند و خطای وی را نمی‌بخشند.<sup>۲</sup>

رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بدان زنان شما عبارت است از: زن‌های عقیم، بد خلق، لجوج، نافرمان، نزد اقوامش خوار، و به نظر خودش عزتمند، محفوظ و پوشیده از شوهر و پر رغبت به نامحرم.<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به زید بن ثابت انصاری فرمودند: ازدواج کن که در ازدواج برکتی نهفته است و عفت تو بدان افزوده می‌شود عفت تو با عفت آن زن محفوظ می‌گردد، ولی با دوازده صنف از زنان ازدواج منما؛ زید پرسید: این دوازده گروه چه کسانی هستند؟ پیامبر فرمودند: آنان عبارت است از: زنان خوش‌خنده، بی‌حیا و خبیث، عجوزه فرتوت یا فحاش، پشت حیض، پرحرکت و پرسروصدا، برسر زبان‌ها به زشتی (معروف به بدصورتی)، غمگین برای همسر سابق، منت‌گذار به وسیله اموالش، فحاش، چانه‌دراز یا بی‌شهوة یا عجوز، گردن‌دراز، نمام و فاسد یا دارای فرزند از

<sup>۱</sup> - خیر نسائکم الخمس، قيل: وما الخمس؟ قال: الهیئة، اللیة، المواتیة التي اذا غضب زوجها لم تکحل بغمض حتی یرضی وإذا غاب عنها زوجها حفظتہ فی غیبتہ، فتلک عامل من عمال الله وعامل الله لا یخیب. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵.

<sup>۲</sup> - ألا أخبرکم بشرار نسائکم؟ قالوا بلی یا رسول الله. قال: ان من شر نسائکم الذلیلة فی اهلها، العزیزة مع بعلها، العقیم، الحفود، التي لا تتورع من قبیح، المتبرجة إذا غاب عنها بعلها، الحصان معہ إذا حصر، لا تسمع قولہ، ولا تطیع أمره، وإذا خلا بها بعلها تمنعت منه كما تمنع الصبغة عند رکوبها ولا تقبل منه عذراً ولا تغفر له ذنباً. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۵.

<sup>۳</sup> - شرار نسائکم المفقرة، الذنسة، اللجوجة، العاصیة، الذلیلة فی قومها، العزیزة فی نفسها، الحصان علی زوجها، الهلوك علی غیره. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۹.

غیر.<sup>۱</sup>

- امام علی علیه السلام می فرماید: در آخر الزمان و هنگام نزدیک شدن قیامت و از نشانه های آن، که بدترین زمان هاست، زنانی آشکار می شوند که چنین اوصافی را دارا هستند. بی حجاب، عریان، زینت نما، از دین خارج شده، و در فتنه ها داخل شده، مایل به شهوت ها و خواسته های دل، پرشتاب به سوی لذت ها، حلال شمارنده محرّمات، هم اینها جاودانان در آتش عذاب هستند.<sup>۲</sup>

- امام صادق علیه السلام می فرماید: یکی از دعاهای همیشگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این بود که: خدایا من به تو پناه می برم از زنی که قبل از او ان پیری مرا پیر نماید.<sup>۳</sup>

زن نیکوکار

همسر نیکوکار، آثار و برکات بسیاری نصیب دین و دنیای انسان می نماید. به همین خاطر وی در اخبار و احادیث چنین مورد مدح و ستایش قرار گرفته است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

- خدای عزوجل می فرماید: وقتی بخواهم خیر دنیا و آخرت را برای مسلمانی جمع کنم، قلبی خاشع در مقابل حق، و لسانی ذاکر حق، و جسمی صابر بر بلاها، و زنی مؤمنه که هر وقت به او نظر کند وی را شاد نماید و خودش و اموالش را در غیاب او محفوظ دارد، به وی عطا می کنم.<sup>۴</sup>

- از جمله علایم سعادت مندی مرد این است که زنی صالحه داشته باشد.<sup>۵</sup>

- چهار چیز از علایم سعادت مندی و خوشبختی مرد مسلمان است: زن صالحه، منزل وسیع، مرکب راهوار، فرزند نیک.<sup>۶</sup>

- از جمله سعادت های مرد عبارت است از همنشین های صالح و درست کردار و فرزند

<sup>۱</sup> - تَزَوُّجٌ، فَإِنَّ فِي التَّزْوِيجِ بَرَكَهً وَالتَّعَفُّفُ مَعَ عَفْتِكَ وَلَا تَزَوُّجُ إِثْنَيْ عَشْرَةَ نِسَاءً قَالَ وَمَا الْاِثْنَتَا عَشْرَةَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: لَا تَزَوُّجُ هُنْفَصَةٌ وَلَا عَنَفَصَةٌ وَلَا شَهْرَةٌ وَلَا سَلْفَلْقِيَّةٌ وَلَا مَذْبُوتَةٌ وَلَا مَذْمُوتَةٌ وَلَا حَنَانَةٌ وَلَا مَنَانَةٌ وَلَا رَفْئَاءٌ وَلَا هَيْدَرَةٌ وَلَا ذَفَاءٌ وَلَا لَفُوتَاءٌ. مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

<sup>۲</sup> - يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ، عَارِيَاتٌ، مُتَبَرِّجَاتٌ، مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ، فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٌ، مَائِلَاتٌ إِلَى الشَّهْوَاتِ، مُسْرِعَاتٌ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَحِلَّاتٌ الْمُحْرَمَاتِ، فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۹.

<sup>۳</sup> - أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُنْسِيْبِي قَبْلَ مَسِيْبِي. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۹.

<sup>۴</sup> - قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَجْمَعَ لِلْمُسْلِمِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَخَيْرَ الْآخِرَةِ جَعَلْتُ لَهُ قَلْبًا خَاشِعًا وَلسَانًا ذَاكِرًا وَجَسَدًا عَلِيَّ الْبَلَاءِ صَابِرًا وَزَوْجَةً مُؤَنَّةً تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۳.

<sup>۵</sup> - مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۳.

<sup>۶</sup> - مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْمَرْكَبُ الْهَيِّئُ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ. مستدرک الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۸.

نیکوکار و شایسته و همسری فرمانبردار و مطیع و درآمد برای معیشت در محل سکونت خود.<sup>۱</sup>

- پنج چیز از مایه‌های سعادت انسان به‌شمار می‌روند؛ همسر شایسته، اولاد نیکوکار، هم‌نشینان صالح، کسب روزی مرد در شهر خودش، محبت و دوستی اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام.<sup>۲</sup>

- هیچ مرد مسلمانی پس از نعمت اسلام از نعمتی بهره‌مند نشده است بهتر از همسر مسلمانی که او را هنگام ملاقاتش شاد نماید و چون دستوری به وی دهد اطاعتش کند و آنگاه که شوهرش نباشد و به مسافرت رفته باشد خود را و نیز اموال همسر خود را از گزند نامحرمان محفوظ دارد.<sup>۳</sup>

- کسی که چهار ویژگی به او عطا شود، خیر دنیا و آخرت به وی ارزانی شده است و از هر دو جهان بهره می‌برد. آن چهار نعمت عبارت است از: ورع و تقوایی که او را از معصیت باز دارد، رفتار خوب و اخلاق خوشی که بتواند به کمک آن در بین مردم به نیکی زندگی کند، حلم و بردباری که سخن جاهلان را تحمل کرده و جهالتشان را از خود دفع کند، زنی صالحه که او را در امر دنیا و آخرت یاری رساند.<sup>۴</sup>

- کسی که پنج نعمت به‌وی عطا شده‌باشد می‌بایست برای آخرت خود خیلی بکوشد و اگر در تلاش برای قیامت کوتاهی کند، عذری نخواهد داشت، آن پنج نعمت عبارت است از؛ زنی پاکدامن که وی را در امور دنیوی و اخروی یاری دهد، فرزندان نیکوکار، کسب و کار در محل زندگی خود، اخلاقی نیکو که با آن به مردم مدارا کند و عشق و محبت نسبت به اهل و خاندان من.<sup>۵</sup>

- آیا شما را به بهترین اندوخته و گنج خبر دهم؟ بهترین گنج زنی است پاکدامن که چون به وی بنگری تو را خوشحال کند، هرگاه چیزی از او بخواهی، اطاعتت کند و چون

<sup>۱</sup> - مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْخُلُطَاءُ الصَّالِحُونَ وَالْوَالِدُ الْبَارُّ وَالزَّوْجَةُ الْمُؤْتِنَةُ وَأَنْ يَرْزُقَ مَعِيشَتَهُ فِي بَلَدِهِ. مستدرک‌الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۹.

<sup>۲</sup> - خَمْسَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ وَالْبَنُونَ الْأَبْرَارُ وَالْخُلُطَاءُ الصَّالِحُونَ وَرِزْقُ الْمَرْءِ فِي بَلَدِهِ وَالْحُبُّ لِأَلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. مستدرک‌الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۶۹.

<sup>۳</sup> - مَا اسْتَفَادَ امْرَأَةً مُسْلِمَةً فَانْدَءَ بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ. وسائل‌الشيعة، ج ۱۴، ص ۲۳.

<sup>۴</sup> - مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعُ خِصَالٍ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحَظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعٌ يَعْصِمُهُ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. مستدرک‌الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۷۰.

<sup>۵</sup> - مَنْ أُعْطِيَ خَمْسًا لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فِي تَرْكِ عَمَلِ الْآخِرَةِ: زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَا وَآخِرَتِهِ، وَبَنُونَ أَبْرَارٌ وَمَعِيشَةٌ فِي بَلَدِهِ وَحُسْنُ خُلُقٍ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي. مستدرک‌الوسایل، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

نزد او نباشی، خویشتن را از نامحرم محفوظ دارد.<sup>۱</sup>  
 - زیبایی ظاهری، نیمی از عقل و خرد است و اقتصاد و میانه‌روی در زندگی نیمی از معیشت است و زن پاکدامن یکی از دو روزی است.<sup>۲</sup>  
 - دنیا کالایی است و بهترین کالای این دنیا (که خود کالا است) زن صالحه و همسر شایسته است.<sup>۳</sup>  
 - امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: زن پاکدامن و صالحه یکی از دو روزی انسان است.<sup>۴</sup>  
 - امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: سه چیز برای مؤمن محاسبه‌ای ندارد، غذایی که تناول کرده، لباسی که پوشیده و زنی صالحه و پاکدامن که موجب حفظ وی از گناهان شهوی می‌شود.<sup>۵</sup>  
 - امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: هیچ بنده‌ای فایده‌ای برتر از این از زندگی نبرده است که همسری شایسته داشته باشد تا هر وقت به وی بنگرد شادمان گردد و همسرش موجب خرسندی و سرور او شود و نیز اگر او را نبیند همسرش در غیاب او، خود و اموال شوهرش را محفوظ دارد.<sup>۶</sup>

#### زنان صالحه ندارند

پیداست همواره صالحان نسبت به دیگران اندک بوده و تابعان ابلیس و دیگر شیاطین و اغواء شدگان دست آنها بسیارند.  
 - رسول گرامی اسلام می‌فرماید: همانا زن شایسته چون کلاغ اعصم است که به سهولت او را نخواهی یافت. اصحاب عرض کردند: کلاغ اعصم چیست؟ پیامبر فرمودند:

<sup>۱</sup> - أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرٍ مَا يُكْتَرُ؟ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا تَسْرَهُ وَإِذَا أَمَرَهَا أَطَاعَتْهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

<sup>۲</sup> - حُسْنُ الْبَشْرِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَالتَّقْدِيرُ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ وَالْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۱.

<sup>۳</sup> - إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

<sup>۴</sup> - الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ أَحَدُ الْكَاسِبِينَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

<sup>۵</sup> - ثَلَاثَةُ أَشْيَاءٍ لَا يُحَاسِبُ عَلَيْهِنَّ الْمَوْنُ، طَعَامٌ يَأْكُلُهُ وَتَوْبٌ يَلْبَسُهُ وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تَعَاوَنُهُ وَيَحْضُنُ بِهَا فَرَجَهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۱.

<sup>۶</sup> - مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَايِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۲.

کلاغی که يك پای او سفید است.<sup>۱</sup>  
- رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: زن شایسته چون کلاغ اعصم است و آن جز به ندرت یافت نمی شود.<sup>۲</sup>

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: رستگاران از مردان اندک و از زنان بسیار اندکند. اصحاب علت را جویا شدند: پیامبر در جواب فرمودند: زنان کافر الغضب و مؤمن الرضا هستند.<sup>۳</sup>

معنای این ضرب المثل این است که زنان پر خشم و زود راضی هستند. آنان روزی خوش رفتار و روزی بد رفتار می باشند. یعنی زنان غالباً قادر بر کظم غلیظ خود نیستند، لذا هنگام خشم شاید چیزهایی بگویند که آنان را به سوی معصیت و حتی کفر سوق دهد، البته آنان چون سایر مؤمنین بسیار زود راضی می شوند و کینه را کمتر مخفی می دارند.

- صادق اهل بیت علیه السلام می فرماید: مثل زن مؤن همانند نشانه‌ای روشن بر گاو سیاه است.<sup>۴</sup>

### سن ازدواج

هیچ حد معینی را برای سن ازدواج نمی توان تعیین کرد. بلکه زمان ازدواج را دو چیز دیگر معین می کنند که عبارت است از:

#### ۱- آمادگی جسمی برای ازدواج

هر گاه انسان شرائط مناسب جسمی برای ازدواج را داشته باشد، آماده ازدواج است. این امر زمانی صورت خواهد گرفت که غدد جنسی به مرحله‌ای برسند تا آمادگی برای امکان رابطه مؤثر جنسی بیابند. این غدد با ترشح هورمون‌هایی به سایر اعضای بدن دستور آماده سازی می دهند. با فعالیت آن غدد میل به ازدواج در انسان شکل می گیرد. پس در واقع سن ازدواج همان سنی است که میل به ازدواج ایجاد می شود.

#### ۲- مهیا بودن شرایط اجتماعی

ازدواج امری فردی نیست تا به محض آمادگی شرط اول، بتوان در تحقق آن قدم برداشت، ازدواج امری اجتماعی است، پس باید شرایط اجتماعی هم برای ازدواج مهیا باشد. از جمله این شرایط توان اداره خانواده است.

### رد بی علت خواستگار

<sup>۱</sup> - إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يَقْدَرُ عَلَيْهِ. قَالَ: وَمَا الْغُرَابُ الْأَعْصَمُ؟ قَالَ: الْأَبْيَضُ إِحْدَى رَجُلَيْهِ.  
وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۱.

<sup>۲</sup> - الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ مِثْلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ وَلَنْ يُوجَدَ إِلَّا قَلِيلًا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۷۰.

<sup>۳</sup> - النَّاجِي مِنَ الرِّجَالِ قَلِيلٌ وَمِنْ النِّسَاءِ أَقْلٌ وَأَقْلُّ، قِيلَ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّ كَافِرَاتِ الْغَضَبِ مُؤَنَاتُ الرِّضَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۹.

<sup>۴</sup> - مَثَلُ الْمَرْأَةِ الْمُؤْتَمِنَةِ مِثْلُ الشَّامَةِ فِي الثُّورِ الْأَسْوَدِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۳.

در خصوصیات خواستگار باید دقت کرد، اگر دین وی مورد پسند قرار گرفت نباید به سایر معیارهای ساختگی و حتی معیارهای صحیح ولی درجه دو، توجه کرد؛ بی‌شک رد بی‌علت او نامیمون بوده و بی‌تأثیر در آینده دختر نیست.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: رسول مکرّم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: وقتی کسی به خواستگاری، به خانه شما آمد که شما از اخلاق و دین او راضی هستید، او را زن بدهید. به رسول خدا عرض کردم آیا اگرچه نسب پستی داشته باشد؟ پیامبر فرمودند: اگر از اخلاق و دین او راضی هستید، کافی است که به او زن بدهید و البته اگر او را به دامادی نپذیرفتید، فساد و فتنه‌ای بزرگ در زمین ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>

علی بن مهزیار می‌گوید: علی بن اسباط در مورد دخترانش به امام باقر علیه‌السلام نوشت که: کسی را مثل خودم نمی‌یابم. امام علیه‌السلام مرقوم فرمودند که: آنچه در مورد دخترانت نوشتی و اینکه کسی را چون خودت نمی‌یابی، متوجه شدم تو منتظر آمدن خواستگاری با اوصاف مورد نظرت نباش، خدای تو را رحمت کند. سپس امام به روایت پیامبر اشاره نمود.<sup>۲</sup>

ابراهیم تمیمی می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام در روایتی فرمودند: ای ابراهیم، مؤمن را فایده نبخشیده است چیزی پر ضررتر از مال فایده بخش، این مال ضرر رساننده‌تر است بر او از دو گریه بر گله‌ای بی‌چوپان یکی از پیش و یکی از پس آنها، این دو گریه با گله چه می‌کنند؟ ابراهیم می‌گوید: گفتم: همه‌ی گله را نابود می‌کنند و امام ادامه دادند: درست است. کوچکترین چیزی که برای او پیش می‌آید این است که برادر مسلمانش نزد او آید و بگوید به من زن بده. و او جوابش را چنین بدهد که تو ثروت نداری.<sup>۳</sup>

### خواستگاری دختر

در این باره که چرا معمولاً پسر به خواستگاری دختر می‌رود، دستورالعمل خاصی وجود ندارد و عکس آن هم در تاریخ اسلام قابل مشاهده است چنانچه خدیجه بنابر نگاه مورخان، خواستگار پیامبر بود.<sup>۴</sup> البته این مورد و مثل آن تابع شرایط خاص خود بوده‌اند و غالباً دختر در خانه می‌ماند و پسر اضطراب خواستگاری را به جان می‌خورد. چه اینکه طبیعت مرد، عاشقی و طبع زن، معشوقی است. زن چون شمع و گل است و او لاجرم منتظر پروانه می‌ماند. خالق هستی در خلق شاهکار خود، این دو را چنین قرار داده است. پس مرد باید سراغ زن برود و اگر رضایت او را شنید وی را با

<sup>۱</sup> - إذا جاءكم من ترضون خلقه ودينه فزوجوه، قلت يا رسول الله وإن كان ديناً في نسبه، قال: إذا جاءكم من ترضون خلقه ودينه فزوجوه إلا تعقلوه تكن فتنه في الأرض وفساد كبير. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۵۲.

<sup>۲</sup> - وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۵۱.

<sup>۳</sup> - إن أيسر ما يدخل عليه أن يأتيه أخوه المسلم فيقول: زوجني فيقول: ليس لك مال. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

<sup>۴</sup> - السيرة النبوية، ج ۱، ص ۱۲۲.

خواندن خطبه، کنار خود ببیند و اگر پاسخی دیگر گرفت، شریک زندگی را در جای دیگر جستجو کند؛ چه اینکه برای مرد چه بسا دل کندن از معشوق آسان‌تر باشد، کاری که از دست زنی که مالا مال از احساسات است بر نمی‌آید. پس برای روح عفیف زن، شایسته نیست که به مردی دل ببندد و به خواستگاری او برود؛ چراکه اگر جواب نفی بشنود شاید توان دل بریدن نداشته باشد!

### شیوه گزینش

بهترین راه در گزینش همسر، مشورت با بزرگ‌ترها و مخصوصاً پدر و مادر است، آنانی که برای بارور شدن جوانشان زحمات زیادی کشیده‌اند، سزاوار نیست در امری که سالیان سال چشم به راه آن بوده‌اند، در حاشیه قرار گیرند. جوان‌ها مشورت با آنان را اساس کار خود قرار دهند و در این راستا از تجربیات آنان بهره‌برند و خود را از دعای خیر آنان محروم نسازند. خوش‌تر آنکه بخشی از انتخاب را به آنان واگذار کنند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: از ما نیست کسی که بزرگان ما را احترام نگذارد و به اطفال ما رحم نکند.<sup>۱</sup>

بدیهی است حاکمیت اسلامی بایستی این فرهنگ را در گزینش همسر، در کتاب‌های درسی، محیط دانشگاه، پادگان‌های نظامی، رسانه‌های خاص و... ابلاغ نماید و جوانان را از کجروی‌های در این باره، باز دارد.

طبیعی است بعد از انتخاب اولیه، نگاه کردن به دختر مورد علاقه جایز است. کسی که می‌خواهد همسر آینده‌ی خود را انتخاب نماید، پس از طی مراحل قبل آن و قبل از تصمیم نهایی می‌تواند به همسر احتمالی خود، بنگرد و اگر پسندید سایر مراحل را دنبال کند.

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ این سؤال که آیا مردی که قصد ازدواج دارد می‌تواند به صورت زن بنگرد و یا از پشت سر به وی نگاه کند؟ می‌فرماید: بلی مانعی نیست در اینکه مردی که قصد ازدواج دارد به صورت زن و نیز از پشت سر به وی نگاه کند.<sup>۲</sup>

بی‌شک ارتباط پسر و دختر بایستی در حضور و یا تحت نظر والدین و یا بزرگان این وصلت انجام پذیرد و روابط مخفیانه و غیر طبیعی دختر و پسر قبل از جاری شدن صیغه ازدواج جایز نیست. این روابط اگر به ازدواج نینجامد، آثار مخربی بر روحیه دختر و پسر و خاصه دختر برجای خواهد گذاشت که گاه جبران شدنی نیست. اسلام در پی آن است که عشق دختر و پسر بعد از انتخاب معقول پدید آید نه اینکه عشق احساسی، مانع گزینش عقلانی شود. قرآن کریم دوست پنهانی از جنس مخالف را ناشایست شمرده است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا وَ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

<sup>۲</sup> - نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْثَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا، يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵۹.

<sup>۳</sup> - مائده ۵... وَ لَا مُتَّخَذِي أَخْدَانٍ...

### نقش استخاره در ازدواج

اولین قدم برای انجام هر کاری تفکر و تعقل است. عقل نعمتی غیر قابل توصیف از جانب خداست، او می‌تواند راه خیر و صلاح را بنمایاند. اگر به خاطر نزدیک بودن راه‌ها و یا شبهه‌ها و تردیدهای مختلف، آدمی نتواند از عقل خود کمک بگیرد، باید این خلع را با مشاوره پر نماید. مشاوره با افرادی صاحب فکر و تدبیر و به دور از اغراض غیرخدایی و منافع شخصی. خداوند شاید از زبان آنان حق را آشکار سازد و راه درست را نشان دهد. ولی اگر عقل انسان و مشاوره نتوانست گره از کار آدمی بگشاید، استخاره تجویز شده است. استخاره یعنی طلب خیر به صورت مستقیم از خداوند.

استخاره کننده راه‌های پیش روی خود را به خدا عرضه می‌کند و از او می‌خواهد او را به راهی راهنمایی کند. طبعاً باید به پاسخ استخاره ملتزم بود ولی اگر کسی نخواهد نتیجه استخاره را بپذیرد، باز منع شرعی ندارد هر چند که اگر حکایت از بی‌اعتنائی کند، کار ناشایستی محسوب می‌شود.

اثر استخاره این است که به انسان پشتکار و امید می‌بخشد. شاید انسان در طول مسیر با چالش‌هایی مواجه شود که گاه به حدی عمیق شود که قصد بازگشت داشته باشد، اما استخاره می‌تواند نیروی آدمی را در چنین مواقعی مضاعف گرداند و به او توان و نیروی ادامه مسیر دهد.

دوم آنکه: اگر انسان بعد از استخاره در مسیر انجام کار خود به نظر خویش دچار شکست شود، استخاره یأس و آثار آن را چون افسردگی و سایر بیماری‌های روانی را می‌زداید چرا که او فقط خود را مسئول شکست خویش نمی‌داند.

و سوم آنکه: اگر آدمی در راه عمل به استخاره به موفقیت رسید، مغرور به خود نمی‌گردد و موفقیت خود را اثر استخاره می‌پندارد. اینها فوائد استخاره است که نمی‌توان به سادگی از آنها گذشت.



# بعد از ازدواج

## مسئولیت زن و مرد

هر انسانی در مقابل بهره‌ای که از اجتماع می‌برد، مسئولیتی نیز بر عهده دارد. زن و مرد نیز که دو عضو کوچک‌ترین واحد اجتماعی هستند، در مقابل یکدیگر و هر دو در برابر فرزندان خود و نیز اجتماع، مسئولیت‌های خاص و مشترکی دارند. اسلام که

هدف آن اعتلای انسانیت انسان و راهنمایی او به سوی هدف غایی از خلقت وی است، مسئولیت‌های هر کدام را بر اساس ظرفیت‌هایی که خداوند در وجود آنان قرار داده است معین نموده است. بی‌تردید رعایت این وظایف زن و مرد را در ضمن منع از زیاده خواهی و تعدی به حق دیگری، در پیمودن راه صحیح به سوی همان هدف غایی یاری خواهد کرد. در این راستا مهم این است که زن و مرد وظایف معین شده‌ی هر یک را بپذیرند و بدانند این وظایف از سوی خداوندی است که هر دو ی آنان بنده‌ی او بوده و او هر دو را به یک اندازه دوست دارد و به سوی خود می‌خواند.

به بیان دیگر ازدواج پذیرش تعهدی از سوی زن و مرد است که به موجب آن هر دو استقلال خود را از دست می‌دهند و ضرورتاً بایستی آزادی خود را به صورتی اعمال کنند که با آزادی شریک برگزیده خود هماهنگ بوده باشد. پس به ناچار هر کدام باید از بخشی نیازهای خود به خاطر دیگری بگذرند و تعهداتی که تا قبل از ازدواج از آنها فراغ البال بودند، به اجرا درآورند.

طبعاً اگر آن دو خود را یکی به حساب آورند، پذیرش مسئولیت و گذشتن از حقوق شخصی را گذشت برای خود تلقی می‌نمایند و لذا انجام این تعهدات نه تنها سخت جلوه نمی‌کند بلکه در راستای اعتلای خود تصور می‌شود. اثر این نگرش استحکام بنیان خانواده و پایداری ازدواج در مقابل حوادث تلخ روزگار می‌باشد.

#### **مسئولیت مشترک**

زن و مرد مسئولیتی مشترک در برابر خدا و دیگران و یکدیگر دارند. مسئولیت هر دو در برابر خداوند متعال این است که او را بشناسند، بستایند و به غیر او توجه ننمایند، دستورات او را که از سوی نبی خاتم صلی الله علیه و آله آمده است بپذیرند، فرامین پیامبرش و نیز اوصیاء پیامبرش را عملی نمایند و به سوی آن مبدأ هستی بخش حرکت کنند.

مسئولیت هر دو در برابر دیگران آن است که حقوق همنوعان خود را اعم از جان و عرض و مال آنان به رسمیت بشناسند و از سخنی و عملی که موجب نقض این حقوق شود، کناره گیرند.

بخش دیگر از مسئولیت‌های مشترک، مسئولیت آنان در مقابل خودشان است، لازم است در این باره بیشتر بحث کنیم و هر کدام از مسئولیت‌های آنان را با تأمل بررسی کنیم.

#### **۱- احترام متقابل**

شخصیت انسان حق مسلم اوست که نباید توسط دیگران نادیده گرفته شود. در محیط خانواده چون زن و مرد در واقع یک روح در دو پیکرند، احترام به شخصیت دیگری احترام به خود شمرده می‌شود و عامل مهمی برای بقاء زندگی است.

پایمال شدن حق زن در گذشته‌ی تاریخ باعث شده است احترام به زن بیشتر مورد توجه اسلام قرار گیرد و توصیه‌های اکیدی در این باره به مردان داشته است.

قرآن کریم در سوره‌ی نساء دستور به معاشرت شایسته با زنان داده است. **وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...**<sup>۱</sup> معروف به سخن و عملی گویند که عقلاء آن را بشناسند و منکر آن نشوند.

<sup>۱</sup> - نساء، ۱۹.

مرحوم طبرسی، معروف را به تأمین نیاز، سخن و رفتار نیکو و پرهیز از رویارویی فیزیکی و اقبال به گشاده رویی می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین ضرب و جرح، مشاجره، تحقیر، ناسزاگویی، قهر از مصادیق منکر و خوش خلقی، گشاده رویی، گذشت و... از مصادیق معروف است. اکرام و احترام به زن به عنوان شریک زندگی و محرم اسرار، در روایات از عبادات شمرده می‌شود.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هر که زنی می‌گیرد بایستی او را احترام و تکریم نماید.<sup>۲</sup> آن حضرت نیز فرموده‌اند: همواره جبرائیل علیه‌السلام مرا در خصوص زنان سفارش می‌کرد که تا آنجا که گمان کردم طلاق دادن آنان به زودی حرام می‌شود.<sup>۳</sup> پیامبر نیز فرموده‌اند: اهل و عیال مرد، اسیران اویند و بهترین بندگان نزد خداوند کسی است که با اسیرانش رفتار بهتری داشته باشد.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که بین وی و همسرش به نیکویی و خوشی بگذرد، خداوند متعال زن را در اختیار مرد قرار داده و او را قیم وی ساخته، پس باید به نیکوی با او رفتار کند.<sup>۵</sup>

بنابراین تحقیر زن و عمل او کاری نابخردانه است و جز افزایش تنفر و برافروخته شدن شعله‌های لجاجت و دشمنی اثر دیگری ندارد.

البته هرگز رفتار عاشقانه با همسر در انظار دیگران، احترام شمرده نمی‌شود. زیرا گذشته از مفاسد چنین عملی که شاید تحریک دیگران را بیافریند، موجب می‌شود احترام به همسر در مسائل شهوی محدود شود.

## ۲- اظهار علاقه

محور زندگی عشق و علاقه دو طرف است. باید مرد و زن به یکدیگر عطف و مهربان باشند و البته این علاقه باید برای یکدیگر آشکار شود. محبت قلبی آن دو به هم خوب اما کافی نیست. اظهار این محبت از سوی مرد باید بیشتر باشد، چه اینکه بر اساس شواهد، تأثیرپذیری زن از تحریک‌های شنیداری بسیار بیشتر از محرک‌های دیداری است. زن علاقه شوهرش را به خود باید بشنود نه اینکه فقط ببیند. به همین علت

<sup>۱</sup> - مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۰.

<sup>۲</sup> - وَمَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۹.

<sup>۳</sup> - ما زال جبرئیل یوصینی فی أمرالنساء حتی ظننت أنه سيجرم طلاقهن. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

<sup>۴</sup> - عیال الرجل أسراءه وأحب العباد إلى الله عزوجل أحسنهم صنعا إلى أسرائه. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

<sup>۵</sup> - رحم الله عبدا أحسن فیها بیته و بین زوجیه فإن الله عزوجل قد ملكه ناصيته وجعله القیم علیها. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

است که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: این سخن مرد برای همسرش هرگز از قلب او خارج نمی شود و همواره قدرت و توان روحی به وی می دهد، و آن سخن این است که: حقیقتاً من تو را دوست دارم و از صمیم قلب به تو عشق می ورزم.<sup>۱</sup> عشق و علاقه به زن، وصف بندگان صالح خدا و پیامبران الهی است و بر پیروانشان نیز عمل به همین رویه لازم است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: گمان نمی برم مردی به ایمانش عمل نیکی بیفزاید مگر اینکه عشقتش را به همسرش افزایش داده باشد.<sup>۲</sup> همان امام فرموده است: عشق به همسر از اخلاق پیامبران است.<sup>۳</sup> این مهم نزد زنان تا به آن حد قوی است که برخی از زنان جز اظهار علاقه ی شوهر را نمی خواهند، به حدی که گاه تنها اظهار علاقه را، نشانه ی دوست داشتن خود می پندارند.

به هر حال هنگام ورود مرد به منزل، سلامی گرم به اهل و عیال، بزرگ شمردن کارهای انجام شده چون نظافت و پخت و پز و...، احترام و تکریم وی، و پرهیز از سخنانی که اثری جز دلسرد کردن او ندارند، از افتخارات یک مرد محسوب می شود. نیز استقبال زن از همسرش و زدودن غبار تلاش های روزانه از چهره او با لبخندی ملیح و احیانا تلاش در رفع تنگی خلق وی به خاطر آثار خستگی هایش زندگی را رؤیائی خواهد ساخت.

افراط در محبت

هر چیزی و نیز محبت به همسر، حدّ تعادل آن شایسته و دو سوی افراط و تفریط آن ناشایست و از فریب های شیطان است.

امام علی علیه السلام می فرماید: از دل سپردن بسیار به زنان و افراط در محبت شان و نیز فریب خوردن لذات دنیوی بر حذر باش. زیرا آنکس که بسیار با زنان درآمیزد، گرفتار رنج و مشقت تبعات آن گردد و هر که فریب لذات دنیا را بخورد، بیچاره و خوار گردد.<sup>۴</sup>

### ۳- روابط جنسی

نیاز جنسی، حق طبیعی زن و شوهر بر هم است، و هر یک وظیفه دارند حق دیگری را در این باره ادا نمایند. اهمیت این حق و تأثیر بسیار آن در پایداری ازدواج باعث شده است که اسلام با تأکید بیشتری به آن بپردازد و اصول و فروع آن را مطرح نماید.

<sup>۱</sup> - قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

<sup>۲</sup> - مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزْدَادُ فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۹.

<sup>۳</sup> - مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۹.

<sup>۴</sup> - إِيَّاكَ وَكَثْرَةَ الْوَلَهَةِ بِالنِّسَاءِ وَالْإِعْتِرَازَ بِلذَاتِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ الْوَلَهَةَ بِالنِّسَاءِ مُمْتَحَنٌ وَالْفِرْيُ بِاللذَاتِ مُمْتَحَنٌ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۸.

بهطوری که در این آئین لذیذترین لذت‌های مادی در دنیا، آمیزش جنسی مطابق ضوابط دینی دانسته شده است.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: لذیذترین چیزها، آمیزش با همسر است.<sup>۱</sup> نیز فرموده‌اند: کسی چه در دنیا و چه در آخرت لذتی لذیذتر از همبستری با زنان را درک نکرده است و نمی‌کند و البته این همان تفسیر کلام خدای متعال در قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۴ است که فرموده است: زن خواهی و طلب اولاد زینت انسان قرار داده شده است.<sup>۲</sup> و سپس فرمودند: همانا اهل بهشت به لذتی در بهشت خواستنی‌تر از نکاح متلذذ نمی‌شوند، نه هیچ غذایی و نه نوشیدنی این حد از لذت را برای آنان ندارد.<sup>۳</sup> از آنچه بیان شد این نکته قابل استفاده است که آمیزش نوعی عبادت است و در این روایت صدقه محسوب می‌شود و ثواب اعطاء صدقه دارد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به کسی فرمودند: آیا امروز روزه‌ای؟ پاسخ داد: خیر. فرمود: آیا عیادت مریض رفته‌ای؟ گفت: خیر. فرمود: تشیع جنازه رفته‌ای؟ گفت، نه. فرمودند: فقیری را غذا داده‌ای؟ وی باز پاسخ منفی داد. پیامبر به او فرمودند: نزد همسرت برو که رفتن تو نزد او صدقه است. (نزد او برو تا به ثواب همه این اعمال نائل شوی).<sup>۴</sup>

همخوابی زوجین گذشته از آثاری چون دفع غریزه جنسی، موجبی برای ایجاد الفت و مودت در محیط خانواده و استحکام آن است و همین نکته موجب شده تا در اخبار و روایات مورد توجه جدی قرار گیرد.

معمر بن خلاد می‌گوید: از امام رضا علیه‌السلام شنیدم که فرمود: سه چیز از سنت‌های انبیاء و رسولان الهی است و آنها عبارت است از استعمال عطر و چیدن مو و آمیزش بسیار.<sup>۵</sup>

طبعاً ترك همخوابی معلول وسوسه‌های شیطانی و عوامل منفی اخلاقی چون کینه و عامل کدورت مضاعف بین زن و شوهر خواهد بود.

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: کسی که زن‌هایی را به عقد خود درآورد، و نتواند آنان را ارضا نماید، و کسی از آنان مرتکب فحشا شود، گناهش بر دوش آن مرد است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - أَلَدُّ الْأَشْيَاءِ مُبَايَعَةَ النِّسَاءِ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

<sup>۲</sup> - مَا تَلَذَّذَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِلَذَّةٍ أَكْثَرُ لَهُمْ مِنْ لَذَّةِ النِّسَاءِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ...

<sup>۳</sup> - وَإِنَّ أَهْلَ الْجَنَّةِ مَا يَتَلَذَّذُونَ بِشَيْءٍ مِنْ الْجَنَّةِ أَشْهَى عِنْدَهُمْ مِنَ النِّكَاحِ، لَا طَعَامٌ وَلَا شَرَابٌ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

<sup>۴</sup> - فَارْجِعْ إِلَى أَهْلِكَ فَإِنَّهُ مِنْكَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةٌ، فَارْجِعْ إِلَى أَهْلِكَ فَاصْبِرْ لَهُمْ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۷۶.

<sup>۵</sup> - ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعَطْرُ وَاحْفَاءُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۷۹.

<sup>۶</sup> - مَنْ جَمَعَ مِنَ النِّسَاءِ مَا لَا يَنْكِحُ فَرْنَا مِنْهُنَّ شَيْءٌ، فَلَا نَمُّ عَلَيْهِ. وسائل الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

و حتی زوجینی که بچه شیرخواره دارند نیز نمی‌بایست از هم‌خوابی اکراه داشته باشند. امام صادق علیه‌السلام به نقل از ابوالصباح کنانی می‌فرماید: سزاوار نیست مرد از همبستری با زن به بهانه فرزند شیرخوارش، خودداری کند و بگوید به تو نزدیک نمی‌شوم زیرا می‌ترسم آبستن شوی و فرزند شیرخوارم را هلاک کنم. و نیز جایز نیست زن مانع مباشرت مرد شود و بگوید می‌ترسم حامله شوم و فرزند شیرخوارم را به واسطه دادن شیر حاملگی هلاک کنم.<sup>۱</sup>

لازم است یادآور شوم که کثرت هم‌خوابی میزان معینی ندارد ولی ترك آن بیش از چهار ماه حرام و معصیت است.

صفوان بن یحیی از امام رضا علیه‌السلام پرسید: مردی زن جوانی دارد و او را ماه‌ها و بلکه يك سال نگه داشته و نزدیکش نمی‌شود البته نمی‌خواهد او را آزار و اذیت کند و قصد چنین کاری را ندارد، بلکه مصیبتی بر آنان وارد شده و باعث گشته مرد نزد زنش نرود، آیا این مستلزم معصیت است؟ امام فرمودند: اگر چهار ماه او را ترك گوید، مرتکب معصیت شده است.<sup>۲</sup>

البته ناگفته نماند که افراط در این عمل، یعنی خود را مجبور به هم‌خوابی نمودن، ناپسند شمرده شده است. در فقه‌الرضا علیه‌السلام به نقل از آن حضرت آمده است: جز هنگام نیاز مجامعت منما.<sup>۳</sup>

#### ۴- آرایش

رعایت نظافت و بهداشت و آرایش ظاهری از وظایف مهم زن و مرد نسبت به یکدیگر است. این نکته از سه جهت حائز اهمیت است. اول آنکه انسان ذاتاً زیبایی را دوست دارد و لذا می‌خواهد همسر خود را زیباترین ببیند و دوم آنکه زیبایی در تحریک جنسی طرف مقابل مؤثر است و علاقه‌ی جنسی عامل بسیار مهمی در پایداری ازدواج می‌باشد. سوم آنکه آراستگی هر کدام موجب حفظ عفت دیگری می‌شود و رغبت او را به زنان و مردان دیگر می‌کاهد و حتی از بین می‌برد.

آرایش زن برای همسرش، مورد سفارش اکید اخبار و احادیث است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: سزاوار نیست زن خود را نیاراید ولو به اینکه گردنبندی به گردن آویزد و نیز سزاوار نیست که دستانش را بدون خضاب رها کند ولو به اینکه

---

<sup>۱</sup> - لا یُنبَغی للرجُلِ أَنْ یَمْتَنِعَ مِنْ جَمَاعِ الْمَرْأَةِ فِیضاً بِهَا إِذَا كَانَ لَهَا وَلَدٌ مُرَضِعٌ وَیَقُولُ لَهَا: لَا أَقْرُبُكَ فَإِنِّي أَخَافُ عَلَیْكَ الْحَبْلَ فَتَغِیَلِی فَتَغِیَلِیَنِ وَتَدِی، وَكَذَلِكَ الْمَرْأَةُ لَا یَحِلُّ لَهَا أَنْ تَمْتَنِعَ عَلَی الرَّجُلِ، فَتَقُولُ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْبِلَ فَأَغِیَلُ وَتَدِی. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

<sup>۲</sup> - إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ إِنَّمَا بَعْدَ ذَلِكَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰۰.

<sup>۳</sup> - وَلَا تَجَامِعُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۸.

یکبار دست‌هایش را به حنا بکشد.<sup>۱</sup>

عمار ساباطی گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: مردم خیال می‌کنند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله واصله و موصوله را لعن فرموده است؟ امام فرمودند: بلی چنین است؛ عرض کردم: آیا این کسی است که مویش را شانه می‌زند و چیزی به مویش می‌چسباند؟ امام فرمودند: این مانعی ندارد، مراد از واصله و موصوله زن فاحشه است و نیز زنی که مردان و زنان نامحرم را به حرام به هم می‌رساند.<sup>۲</sup>

به امام صادق علیه‌السلام گفتند زن چگونه برای شوهر نابینایش خود را آرایش کند. امام فرمود: عطر بزند، خضاب کند؛ اثر این زینت برای شوهر نابینا قابل درک است.<sup>۳</sup> در کنار تأکید بر آرایش زن برای شوهر، حفظ ظاهر زیبای مرد نیز برای همسرش ستایش شده است. همان طوری که مرد دوست دارد زنش را زیبا ببیند، زن نیز چنین خواسته‌ای دارد، لذا شایسته نیست مرد برای بیرون از خانه، خود را اصلاح کند، موهای سر و محاسن را شانه بزند، لباس نیکو بپوشد، عطر استعمال کند و... ولی در داخل منزل و مخصوصاً اوقات خاص، لباس ژنده پوشیده و قیافه‌ای تنفر‌آور داشته باشد.

رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: لازم است هر کدام از شما خود را برای همسرش مهیا و آراسته کند، همانطور که دوست دارد همسرش هم برای او آراسته باشد.<sup>۴</sup>

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: زنان دوست دارند مردان‌شان را به صورتی ببینند که مردان دوست دارند زنان‌شان را ببینند و برای آنان زینت کنند.<sup>۵</sup>

حسن بن جهم از امام کاظم و یا امام رضا علیه‌السلام نقل کرده است که امام فرمودند: آراستگی مردان موجب افزایش عفت زنان می‌شود، زن‌ها به خاطر اینکه شوهران‌شان زیباسازی و آراستگی خود را ترک کردند، عفت را وداع گفتند.

امام سپس افزودند: آیا اگر او را چنان ببینی که او تو را بدون آراستگی ببیند، خوشحال

<sup>۱</sup> - لَا يَبْنِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُعْطَلَ نَفْسَهَا وَلَوْ أَنَّ تَعَلَّقَ فِي عُثْقِهَا قَلَادَةٌ وَلَا يَبْنِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخُضَابِ وَلَوْ أَنَّ تَمَسَّحَهَا مَسْحًا بِالْخِثَاءِ وَإِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۸.

<sup>۲</sup> - قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن الناس يروون أن رسول الله صلى الله عليه وآله لعن الواصلة والموصولة. قال: فقال: نعم، قلت: ألتى تمسحُ وتجعَلُ في الشعرِ القرامِلُ؟ قال: فقال لي: ليس بهذا بأس. قلت: فما الواصلة والموصولة؟ قال: الفاجرة القوادة. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۶.

<sup>۳</sup> - الطَّيِّبُ وَالْخُضَابُ فَإِنَّهُ مِنْ طَيِّبِ النَّسَمَةِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۹.

<sup>۴</sup> - لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِزَوْجَتِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَهَيَّأَ لَهُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۶.

<sup>۵</sup> - النَّسَاءُ يُحِبُّنَ أَنْ يَرَيْنَ الرَّجُلَ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرَّجُلُ أَنْ يَرِيَ فِيهِ النِّسَاءَ مِنَ الزَّيْنَةِ. مكارم الاخلاق، ص ۸۰.

می‌شوید؟ و چنین منظره‌ای تو را شاد می‌نماید؟ عرض کردم: خیر دوست ندارم. امام فرمودند: او هم مثل توست. و سپس افزود: پاکیزگی، خوشبو بودن، چیدن موهای زائد و کثرت آمیزش از اخلاق پیامبران است.<sup>۱</sup>

زدودن موهای اضافی بدن نیز از سفارش‌های معصومان علیهم‌السلام به زن و مرد است. به طوری که هر دو وظیفه دارند حداقل در مدت معینی موهای زائد خود را از بین ببرند. امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، موی نقاط شرمگاهی را بیش از چهل روز رها نمی‌کند و نیز جایز نیست بر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد که آن موها را بیست روز بیشتر نگه دارد.<sup>۲</sup>

زن و مرد اگر متوجه باشند که در جامعه دام‌های مختلفی با بهترین آرایش‌ها بهره‌گیری از جدیدترین تکنیک‌ها گسترده شده است تا دامن خانواده‌ها را به گناه آلوده نماید، به این مهم بیشتر می‌پردازند و ریشه‌ی توجه به این فریب‌ها را می‌زدایند.

البته استفاده بیش از حد از وسایل آرایشی آثار خوبی ندارد. استفاده از وسایل آرایشی شیمیایی باید به شدت محدود شود بر اساس مطالعات و تحلیل داده‌های محققان مربوطه، داروهای شیمیایی آرایشی به شدت بر پوست بدن تأثیر منفی می‌گذارند، این تحقیقات نشان می‌دهد که داروهای آرایشی خاصه در دختران جوان به جهت لطافت بسیار پوست و آمادگی بیشتر جذب مواد و نیز طولانی‌تر شدن زمان مصرف، بیشترین تأثیر منفی را باقی می‌گذارد. نیز عادی شدن استفاده از این مواد، رغبت استفاده‌های مجدد را کاسته و نیز موجب کاهش توجه همسر می‌شود.

#### ۵- حفظ از نامحرم

جذابیت‌های ویژه زن از سویی و همچنین امکان سوء استفاده شیادان از او، ایجاب می‌کند زن در پوششی مناسب واقع شود تا مورد تعرض قرار نگیرد. زن خود این مهم را درک نموده و در طول تمام اعصار گذشته از هر آئین و ملیتی که بوده برای حفظ حریم خود پوشش مناسب با شرایط محیطی و اجتماعی خویش را آفریده و از آن پاسداری کرده است.

در ادامه این مبحث به نکاتی چند با استفاده از روایات توجه کنید:

#### چشم‌چرانی

چشم‌چرانی، تعدی به نوامیس دیگران است. این رذیله اخلاقی علاوه بر اینکه سرچشمه بسیاری از معاصی دیگر است، نیز عوارض روانی مخرب و آثار اخروی سختی را

<sup>۱</sup> - نَعَمْ إِنَّ التَّهَيَّيَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفَةِ النِّسَاءِ وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعَفَّةَ بِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيَّيَةَ. ثم قال: أَيْسُرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهَا إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهَيَّيَةٍ؟ قلت: لا، قال: فَهُوَ ذَاكَ ثم قال: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَطُّفُ وَالتَّطْيِيبُ وَحُلُّ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

<sup>۲</sup> - مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلَا يَتْرُكُ عَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَا يَحِلُّ لِأِمْرَأَتِهِ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدْعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عَشْرِينَ يَوْمًا. فروع کافی، ج ۶، ص ۵۰۶.

بدنبال دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: آنکه چشمش را از حرام پُر کند، خدای آن را در قیامت از میخ های آتشین پُر خواهد ساخت. سپس خداوند آنان را از آتش مملو ساخته تا اینکه همه برانگیخته شوند، آنگاه به وی امر شود که در آتش وارد گردد.<sup>۱</sup>

و نیز می فرماید: آنکه نگاه حرام به زنی افکند، خداوند چشمش را پُر از آتش می کند.<sup>۲</sup> امام باقر علیه السلام چشم چرانی را زناى چشم نامیده و می فرماید: هیچ جزئی از اجزای بدن نیست مگر اینکه انحراف آن نصیبی از زنا است، زناى چشم نگاه به نامحرم است، زناى لب بوسه ی حرام و زناى دست لمس کردن اوست حال چه آمیزشی صورت گیرد یا نه.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: نگاه پس از نگاه اول، در قلب آدمی درخت شهوت کاشته و همان برای ایجاد فتنه در صاحبش کافی است.<sup>۴</sup>

می دانیم که در حرمت چشم چرانی فرقی بین نامحرم از خویشان و همسایگان و دیگران نیست. پس نگاه به اقارب نامحرم نیز جایز نیست و آنان با سایر نامحرم فرقی ندارند.

نگاه به خویشان

ابونصر می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا مرد می تواند به موی خواهر زن خویش بنگرد؟ امام فرمود: نه، مگر اینکه از قواعد باشد. (پیرزن کهنسالی که توان جست و خیز ندارد). عرض کردم: آیا خواهر زن و غریبه در حرمت نگاه کردن مساوی هستند؟ فرمود: بلی. عرض کردم: نگاه چه عضوی از پیرزن جایز است؟ امام فرمود: موی سر، آن مقداری که معمولاً نمی پوشانند و دست ها و ساعد که غالباً آشکار است.<sup>۵</sup>

از پشت سر

نگاه به زنان از پشت سر و توجه به برجستگی اندام آنان مکروه است.

<sup>۱</sup> - مِنْ مَلَأَ عَيْنَهُ حَرَامًا، يَحْشُوهَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسَامِيرَ مِنْ نَارٍ، ثُمَّ حَشَاهُمَا نَارًا إِلَى أَنْ تَقُومَ النَّاسُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۸.

<sup>۲</sup> - مَنْ أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ نَظْرَةً حَرَامًا، مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ نَارًا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

<sup>۳</sup> - قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَطًّا مِنَ الزَّانَا، فَرْنَا الْعَيْنَيْنِ النَّظْرُ وَزَنَا الْقَمِ الْفُبْلَةُ وَزَنَا الْبَدَيْنِ اللَّمْسُ صَدَقَ الْفَرَجُ ذَلِكَ أَوْ كَذَبَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

<sup>۴</sup> - النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرَةِ تَرْتَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكُنْفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۹.

<sup>۵</sup> - سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجِلُّ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى شَعْرِ أُخْتِ امْرَأَتِهِ؟ فَقَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْقَوَاعِدِ. قُلْتُ لَهُ: أُخْتُ امْرَأَتِهِ وَالْغَرِيبَةُ سِوَاهَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: فَمَا لِي مِنَ النَّظْرِ إِلَيْهِ مِنْهَا؟ فَقَالَ: شَعْرُهَا وَذِرَاعُهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آنان که از پشت سر به زنان می‌نگرند از اینکه از پشت به زنان‌شان بنگرند ایمن نیستند.<sup>۱</sup>

وقتی حضرت موسی علیه السلام به دختران شعیب کمک کرد و آب را به منزل آنان رسانید، خدای متعال می‌فرماید: یکی از آن دو دختر به پدر گفت: او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی است که می‌توانی استخدام کنی. او شخصی قوی و امین است. امام کاظم علیه السلام و یا امام رضا علیه السلام می‌فرماید: شعیب از دخترش پرسید: قوت این جوان معلوم است (که دلو بزرگ از چاه بیرون کشید و چوپانان اطراف چاه را پراکنده کرد و آب را حمل نمود)، امانتش از کجا معلوم است؟ دختر گفت: من پیشاپیش او حرکت کردم ولی او گفت: پشت سر من بیا و اگر من راه را بد رفتم مرا آگاه کن، زیرا ما مردمی هستیم که به پشت سر زنان نمی‌نگریم.

چاره

هر چند آدمی چشمان خود را از نامحرم بپوشاند، ولی شاید گاهی بدون اختیار جمال نامحرمی او را متعجب کند، در چنین مواقعی توجه به همسر مشروع و اطفاء عزیزه شهوی بوسیله او، پیشنهاد می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: هر وقت یکی از شما چشمانش به زنی زیباروی افتاد نزد همسر خود برود زیرا محرم خودش همان دارد که در اوست، مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر همسر نداشته باشد چه کند؟ پیامبر فرمود: نظرش را به آسمان بیفکند و به آسمان چشم بدوزد و از خداوند و فضل او طلب نماید.<sup>۲</sup>

مصافحه با نامحرم

دست دادن به نامحرم نیز جایز نیست و لمس دست او حرام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آنکه با نامحرمی مصافحه کند، به سخط و خشم خداوند برگشته است و کسی که دست در گردن زن نامحرمی بیندازد و با او همراه شود به همراه شیطان با زنجیری از آتش بسته می‌شود و آن دو با هم به آتش افکنده می‌شوند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام مصافحه مرد با زن را هر چند پیرزن باشد، ناپسند می‌شمرد.<sup>۴</sup>

لمس بدن نامحرم

ابوکهمس می‌گوید: به مدینه آمدم، در خانه‌ای بودم، جمال کنیزی در آن خانه مرا به

<sup>۱</sup> - ما یأمنُ الذین یَنظرونَ فی اَذارِ النساءِ اَن یُنظَرَ بَذلِکَ فی نِساءِهم. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۴.

<sup>۲</sup> - إذا نَظَرَ أَحَدُکُمُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ فَلِیَّاتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ الذی مَعَهَا مِثْلُ الذی مَعِ تِلْکَ؛ فَقامَ رَجُلٌ فَقَالَ: یا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّ لَمْ یَکُنْ لَهُ أَهْلٌ فَمَا یَصْنَعُ؟ قَالَ: فَلِیَرَفِعْ نَظْرَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَلِیَرَأِیَهُ وَیَسْأَلَهُ مِنْ فَضْلِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷۳.

<sup>۳</sup> - مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَیْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَنْ انْتَزَمَ امْرَأَةً حَرَامًا، قَرِنَ فِي سِلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ شَیْطَانٍ فِیَقْدَقَانِ فِي النَّارِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

<sup>۴</sup> - أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ یُصَافِحَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَإِنْ كَانَتْ مُسِنَّةً. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۸.

تعجب آورد، آخر شب به منزل بازگشتم، در باز شد و کنیزك در را بر من گشود و من سینه‌اش را گرفتم، صبح آن روز که بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم. امام به من فرمود: از آنچه که دیشب کردی به خداوند بازگرد و توبه نما.<sup>۱</sup>

گفتگو با نامحرم

گفتگو با نامحرم در صورتی که معیارهای شرعی رعایت شود، خارج از حدّ متعادل نباشد، توأم با خنده و مزاح نباشد، مخصوصاً در امور لازم، جایز است، هرچند ممکن است آثاری وضعی بدنبال داشته باشد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: چهار چیز قلب را می‌میراند، گناه بر گناه، گفتگوی زیاد با زنان، مجادله با احمق که او می‌گوید و شما می‌گویید و به جایی نمی‌رسید، همنشینی با اموات. گفتند: آنان کیانند؟ پیامبر فرمودند: هر ثروتمند خوشگذران.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: آنکه با زنی نامحرم مزاح کند، خداوند در مقابل هر کلمه‌ای که به او گفته است هزار سال وی را حبس می‌نماید.<sup>۳</sup>

خلوت با نامحرم

تنها بودن زن و مرد نامحرم و در محیط در بسته، عواقبی غیر قابل پیش‌بینی و ندامت‌زا را می‌آفریند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: آنکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در جایی شب را سپری نمی‌کند که صدای نفس زنی نامحرم را بشنود.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه‌السلام، موارد بیعت پیامبر با زنان را چنین بیان کرده است. نوحه نکنند و صورت را نخرانند و با مردان نامحرم در يك جا ننشینند.<sup>۵</sup>

۶- كمك به همسر

زن و شوهر باید معین و یآوری نیکو برای همسر خود در همه امور زندگی باشند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: هر زن صالحه‌ای عبادت پروردگارش نماید و فرایض خود را انجام و همسرش را اطاعت کند، وارد بهشت می‌شود.<sup>۶</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: اگر زن پنج نمازش را اقامه کند، يك ماهش را روزه بگیرد

<sup>۱</sup> - تُبْ إِلَى اللَّهِ مِمَّا صَنَعْتَ الْبَارِحَةَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۲.

<sup>۲</sup> - أَرَبْعُ يُمِئِنَ الْقَلْبُ: الذَّنْبُ عَلَى الذَّنْبِ وَكَثْرَةُ مُنَاقَشَةِ النِّسَاءِ يَعْنِي مُحَادَثَتَهُنَّ وَمُمَارَاةَ الْأَخْمَقِ، يَقُولُ وَقَوْلُ وَلَا يَوَلُّ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَمُجَالَسَةَ الْمَوْتَى، قِيلَ: وَمَا الْمَوْتَى؟ قَالَ: كُلُّ غَنَى مُتْرِفٍ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

<sup>۳</sup> - مَنْ فَآكَةَ إِمْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا حَبْسَهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۳.

<sup>۴</sup> - مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبْتَ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ إِمْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۳.

<sup>۵</sup> - أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى النِّسَاءِ أَنْ لَا يَنْحَنَّ وَلَا يَخْمِشَنَّ وَلَا يَقْعُدَنَّ مَعَ الرِّجَالِ فِي الْخَلَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

<sup>۶</sup> - كُلُّ إِمْرَأَةٍ صَالِحَةٍ عِبَدَتْ رَبَّهَا وَأَدَّتْ فُرْضَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا دَخَلَتْ الْجَنَّةَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۸.

و خانه خدا را (در صورت استطاعت) زیارت نماید و همسرش را طاعت کرده باشد و حق علی علیه السلام را بشناسد، از هر دری از درهای بهشت که بخواهد، وارد می‌گردد.<sup>۱</sup>

تقسیم وظایف

وظایف زن و مرد به دو بخش کلی داخل و خارج خانه قابل تقسیم است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امام علی و زهرا علیهما السلام، پیامبر خدا را به قضاوت برای تقسیم کارهای منزل خواندند. پیامبر فرمودند: فاطمه علیها السلام کارهای قبل از درگاه بیت را انجام دهد و علی کارهای بیرون از درگاه بیت را. دختر پیامبر می‌فرماید: هیچ‌کس جز خدا نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله بار مردان را از دوش من به زمین انداخت.<sup>۲</sup>

کار زن در خانه تنها وظیفه‌ای دنیوی نیست، بلکه عملی عبادی بوده و ثواب و جزای نیک الهی بر آن مترتب می‌شود.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش می‌نوشاند مگر اینکه این عمل او از عبادت یکسال که روزش روزه و شبش نماز باشد برتر است و خداوند به اندازه هر جرعه که به شوهرش نوشانیده شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشاید.<sup>۳</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر زنی از منزل شوهرش چیزی را از جایی به جای بهتری جابجا کند (کنایه از انجام کوچک‌ترین کار منزل)، خداوند به او نظر کند و آنکه خدا به وی توجه کند، عذابش نخواهد کرد. ام‌سلمه عرض کرد: ای رسول خدا! مردان همه خوبی‌ها و خیرها را برده‌اند! برای زنان بیچاره چیزی نمانده است (کدام خیر باقی است؟) پیامبر فرمودند: آری وقتی زن حامله شود، همانند کسی است که روزها همواره روزه و شب‌ها به نماز بگذرانند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نمایند و چون وضع حمل نمایند عظمت مزدش را هیچ‌کس درک نمی‌کند و چون فرزندش را شیر دهد، اجر او برای هر بار مکیده شدن سینه‌اش، برابر ثواب آزاد نمودن برده‌ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام است و چون او را از شیر بازگیرد، فرشته‌ای بزرگوار بر پهلویش زند

<sup>۱</sup> - إذا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَحَجَّتْ بَيْتَ رَبِّهَا وَاطَاعَتْ زَوْجَهَا وَعَرَفَتْ حَقَّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْتَدْخُلَ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

<sup>۲</sup> - تَقَاضَى عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخِدْمَةِ فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِخِدْمَتِهَا مَا دُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلِيٌّ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِمَا خَلَّفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِأُكْفَانِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَحْمِيلَ أَرْقَابِ الرِّجَالِ. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

<sup>۳</sup> - ما من أُمْرَةٍ تَسْقَى زَوْجَهَا شِرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ، صِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ يَبْنِي اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ شِرْبَةٍ تَسْقَى زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ، وَ غَفَّرَ لَهَا سِتِّينَ خَطِيئَةً. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

و گوید: عملت را از سر گیر که خداوند تو را آمرزیده است.<sup>۱</sup>  
 کمک زن به مرد در امور عبادی ثواب مضاعفی دارد. پیامبر خدا می‌فرماید: هر زنی که شوهرش را برای حج یا جهاد یا طلب علم و دانش یاری دهد، خداوند همان اندازه که به همسر ایوب علیه‌السلام ثواب مرحمت فرموده به وی نیز عطا می‌فرماید.<sup>۲</sup>  
 همچنین می‌فرماید: هر زنی که هفت روز به شوهرش خدمت نماید، خداوند هفت در جهنم را بر او بسته و هشت در بهشت را بر او باز می‌نماید تا از هر دری که خواست وارد شود.<sup>۳</sup>

باید متوجه بود که زن نیز بنده‌ای از بندگان خداست و شاید او در قیاس با شوهرش از مقامی بسیار برتر نزد خداوند برخوردار باشد، لذا خدمت به او و رفع نیازهای شخصی وی بهره‌ای بی‌حصر دارد. پس کمک مرد به زن نیز از همین بهره‌ها برخوردار است و در واقع یکی از زینت‌های مرد، کمک کردن به همسرش در امور خانه است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: مرد اگر به همسرش آبی بنوشاند، عملش مأجور است.<sup>۴</sup>  
 با اینکه وظایف حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما‌السلام در روایتی که گذشت، معین شد؛ اما گاهی امام علی علیه‌السلام در کارهای منزل، همسرش را یاری می‌دادند. روزی پیامبر خدا، وی را مشغول پاک کردن عدس دید. پیامبر به وی فرمود: ابا نکردن مرد از خدمت منزل، کفاره گناهان کبیره‌ی وی خواهد بود و غضب خداوند را فرو می‌نشانند و مهر زنان بهشتی بوده و حسنات و درجاتش را بالا می‌برد.<sup>۵</sup>  
 و نیز فرموده است: خدمت منزل و همسر نمی‌کند، مگر صدیق یا شهید یا مردی که

<sup>۱</sup> - أَيْمًا امْرَأَةً رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ لَمْ يُعَذِّبْهُ. فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَهَبَ الرِّجَالُ بِكُلِّ خَيْرٍ، فَأَيُّ شَيْءٍ لِلنِّسَاءِ الْمَسَاكِينِ؟ بَلَى إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِخَزَائِمِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمَجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا يُدْرَى أَحَدٌ مَا هُوَ لِعَظِيمِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَصَّةٍ كَعِدَلِ عَتَقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رِضَاعِهِ ضَرَبَ مَلَكٌ كَرِيمٌ عَلَى جَنْبِهَا وَقَالَ: إِسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ. وسائل الشريعة، ج ۱۵، ص ۱۷۴.

<sup>۲</sup> - أَيْمًا امْرَأَةً أَعَانَتْ زَوْجَهَا عَلَى الْحَجِّ وَالْجِهَادِ أَوْ طَلَبِ الْعِلْمِ، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا يُعْطَى امْرَأَةً أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، ص ۲۰۱.

<sup>۳</sup> - أَيْمًا امْرَأَةً خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيُّهَا شَاءَتْ. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

<sup>۴</sup> - إِذَا سَقَى الرَّجُلَ امْرَأَتَهُ الْمَاءَ أُجِرَ. كِتَابُ الْعَمَالِ، ج ۱۶، ص ۲۷۵.

<sup>۵</sup> - مَنْ لَمْ يَأْتِفْ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَمُهَيِّئُ الصُّورِ الْعَيْنِ وَتَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَالصَّالِحَاتِ. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

خداوند اراده فرموده خیر دنیا و آخرت به وی عطا کند.<sup>۱</sup>  
امام صادق علیه السلام می فرماید: امام علی علیه السلام هیزم می آورد و آب می کشید و جارو می کرد، و حضرت زهرا گندم آرد می نمود و خمیر می کرد و نان می پخت.<sup>۲</sup>  
زشتی تحمیل بیش از طاقت

تحمیل کردن بار بیش از حد تحمل همسر روا نیست. زن در قبال شوهر وظایف معینی بر عهده دارد که در مبحث آتی بدان اشاره خواهیم کرد، بقیه‌ی اموری که زن انجام می‌دهد چون پخت و پز، شستن ظروف، تطهیر و نظافت، رختشویی، شیردادن به طفل، پرورش کودک و تربیت اولاد، احسان زن به همسر خود و خانه خود تلقی می‌شود و هیچ‌کدام بر زن واجب نیست، به طوری که می‌تواند برای یکایک اینها مزد طلب نماید و در صورت قبول همسرش، پرداخت اجرت بر شوهر واجب است. به هر حال، مرد به هیچ وجه نمی‌تواند زن را مجبور به انجام امور فوق نماید. البته چون محیط خانه، محیط قوانین خشک نیست، طبعاً پذیرای وظایف خشک هم نمی‌باشد. زن و مرد برای ایجاد محیطی امن به انجام چیزی فراتر از وظایف و واجبات نیاز دارند. مرد در مقابل احسان زن، چیزهایی که بر وی فرض نیست و تنها احسان اوست بجا می‌آورد. نمونه‌هایی از این موارد عبارت است از محبت زیاد به همسر، تلاش بیشتر در کسب معیشت برای ایجاد رفاهی افزونتر، همکاری و هماهنگی در امور زندگی با همسر، مشورت با وی در امور زندگی، احترام اخلاقی به او نزد افراد فامیل و احیاناً خدمت در منزل و از همه مهمتر ناراحت نکردن زن در بیان چیزی که شنیدن آن، دل وی را جریحه‌دار می‌کند و...

به هر حال عاطفه و احساس قوی زن قادر به تحمل بارهای سنگین نیست. تحمیل بیش از توان، او را پژمرده می‌کند و یا در موضع دشمنی و لجابت قرار می‌دهد.  
امام علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: به زن چیزی را بیش از توانش تحمیل نکن، زیرا او چون شاخه گلی است خوشبو، نه قهرمانی خشن در میدان کار.<sup>۳</sup>

زن نیز باید توان شوهر را در نظر بگیرد و بیش از قدرت وی از او چیزی نخواهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: آگاه باشید، هر زنی که شوهرش را مدارا نکند و او را وادار به کاری که توانش ندارد بنماید، خداوند عمل نیکی از او نمی‌پذیرد و او خداوند را در حال خشم و غضب ملاقات می‌کند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - لا یُخَدِّمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقًا أَوْ شَهِيدًا أَوْ رَجُلًا يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.

<sup>۲</sup> - كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْتَطِبُ وَيَسْتَقْسِي وَيَكْنِسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ تَطْحَنُ وَتَعْجِنُ وَتَخْبِزُ. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۱.

<sup>۳</sup> - وَلَا تُمْلِكِ الْمَرْءَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْءَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

<sup>۴</sup> - أَلَا وَ أَيْمًا إِمْرَأَةً لَمْ تَرْفُقْ بِرَوْجِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدَرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ، لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلَقَى اللَّهُ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبَانُ.  
من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵.

و نیز می‌فرماید: جایز نیست بر زن که شوهرش را بیش از حد توان به زحمت اندازد.<sup>۱</sup> شاید مردان برای تهیه آنچه که همسران‌شان درخواست نموده‌اند، مرتکب گناهان و جرائمی شوند، که در این صورت خود شریک آن گناهان و گناه سبب آنها می‌باشند. زنان می‌بایست توان همسران خود را بسنجند و بیش از قدرت آنان، چیزی را مطالبه نمایند.

۷- خاتمه دادن به تنش

رفتار مرد و زن با یکدیگر بایستی مطابق موازین شرعی و در چهارچوب عدالت باشد و هرگونه تعدی از حد خود و دست یازی به حقوق دیگری، ظلم شمرده می‌شود. در این راستا لازم است به نکاتی توجه نمود.

پرهیز از پرخاشگری

یکی از آفت‌های زندگی زناشویی، تندخویی و پرخاشگری زن و شوهر نسبت به هم و مخصوصا مردان نسبت به زنان است. برخی عادت کرده‌اند مشکلات بیرون از منزل را به خانه برند و با گرفتن بهانه‌های واهی و ایرادگیری‌هایی بی‌پایه، خود را تسکین داده و آرام شوند، گوئی آرامش آنان جز با ناراحت کردن دیگران میسر نخواهد بود. البته این عده با از بین بردن روحیه صفا و صمیمیت، محیط منزل را حتی برای خود نامناسب و بلکه زندان خویش می‌نمایند. در روایات اسلامی به عذاب قبر این دسته از انسان‌ها و برزخ تلخ آنان، اشاره شده است.

پیامبر مکرّم اسلام با جلال و عظمتی خاص، سعد معاذ را به خاک سپرد و درباره‌اش فرمود: عرش الهی از مرگ سعد به لرزه در آمده است.<sup>۲</sup>

اما پس از آنکه حضرت از تدفین پیکر سعد، فارغ شد، خیر از عذاب قبر وی داد و فرمود: فشار قبر او را در بر گرفت.<sup>۳</sup> اصحاب که شاید فشار قبر برای سعد معاذ را با آن همه اجلال پیامبر در تشیع و تدفین وی بعید می‌دانستند، علت آن را جویا شدند. پیامبر فرمودند: در معاشرت با خانواده‌اش بدخلق بود.<sup>۴</sup>

زن و بچه‌ای که ساعتی را منتظر ورود پدر مهربان خود بوده‌اند، و اولین نگاه خود را به صورت او دوخته‌اند، تا با غم چهره‌ی او غمناک و در فرح و شادی او خندان گردند، هرگز مستحق تندی و پرخاش بیجا نیستند. بر غصّه و اندوه آنان، خداوند خشم می‌گیرد و البته خدای متعال برای هیچ چیزی این اندازه خشمگین نمی‌شود. مرحوم کلینی در کافی روایتی نقل کرده است که: همانا خداوند عزّ و جلّ برای چیزی

<sup>۱</sup> - لَا يَجِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَكْلِفَ زَوْجَهَا فَوْقَ طَاقَتِهِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.

<sup>۲</sup> - اهْتَرَّ الْعَرْشُ الرَّحْمَنِ لِمَوْتِ سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ. اسدالغابه، ج ۲، ص ۲۹۸.

<sup>۳</sup> - قَدْ أَصَابَتْهُ ضَمَّةٌ.

<sup>۴</sup> - إِنَّهُ كَانَ فِي خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ سُوءٌ. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۰. این روایت را امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است.

به قدر زنان و کودکان غضب نمی‌کند.<sup>۱</sup>

پرهیز از لجاجت

بگو مگوهای بی‌اثر و بی‌ضابطه آغازی برای از بین رفتن کانون محبت در خانواده است. و البته این لجاجت‌ها غالباً در مورد مسائل جزئی و بیهوده رخ می‌دهد. بردباری هر دو یا یکی از زوجین می‌تواند این کانون را تقویت کند. به قطع می‌توان گفت اگر زن مقداری حلم بورزد و سخن شوهرش را که به نظر وی درست نبوده نادیده بگیرد، آینده‌ای درخشان در زندگی آتی وی و نیز زندگانی ابدی آخرت خواهد داشت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: بهترین زنان شما آنانند که بچه‌ها، پر محبت و سازگار باشند و بدان آنان، زنانی هستند که لجاجت کنند.<sup>۲</sup>

پرهیز از قهر

قطع معاشرت با دوستان، رذیله‌ی اخلاقی محسوب می‌شود و اسلام اجازه نمی‌دهد دو مؤمن، دو برادر با ایمان، یا دو خواهر مؤمنه، بیش از سه روز از هم قهر کنند و با هم سخن نگویند. این مسأله در میان ارحام و فامیل‌ها شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد، تا آنجا که از آن تعبیر به «قطع رحم» می‌شود، و در بین والدین و فرزندان، اهمیت مسأله زیادتر گشته و تعبیر «عاق» پیش می‌آید.

این حالت در میان زن و شوهر از موقعیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، به طوری که بیش از یک روز، متارکه «قهر کردن» مجاز شمرده نشده است، پیامبر مکرّم در سفارشاتش به حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: زن نباید شب را به صبح بگذراند در حالی که شوهرش از او ناراحت باشد، هر چند که به وی ستم روا داشته باشد.<sup>۳</sup> در برخی روایات، این مسأله بسیار مهم تلقی شده و عذاب اخروی هم بر آن فرض شده است.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هر زنی که از شوهر خود با اینکه مقصر است قهر نماید، روز قیامت با فرعون و هامان و قارون محشور شده و در پایین‌ترین درجه آتش خواهد بود، مگر اینکه توبه کند و برگردد.<sup>۴</sup>

مراعات وضعیت جدید

یکی از مشکلات همسران جوان، ادامه‌ی رفتارهای گذشته آنان با دوستان گذشته است. برخی جوان‌ها قبل از ازدواج ساعاتی از روز و هفته را با دوستان خود سپری می‌کردند. طبیعی است ادامه‌ی این وضعیت پس از ازدواج برای همسرشان سخت

<sup>۱</sup> - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَغْضِبُ لِسَىٰ وَ كَفْظِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ. فروغ کافی، ج ۶، ص ۵۰.

<sup>۲</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمْ أَوْلَادُ الْوَالِدِ الْمُؤَاتِيَّةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

<sup>۳</sup> - ... وَ لَا تَبَيْتُ وَ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ إِنْ كَانَ ظَالِمًا لَهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

<sup>۴</sup> - أَيُّمَا امْرَأَةٍ هَجَرَتْ زَوْجَهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ لِأَنَّ تَسْوِبَ أَوْ تَرْجِعَ. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.

خواهد بود.

جوان نباید همسر خود را تنها گذارد، او اینک دوست جدیدی یافته و باید اکثر اوقاتش را با او صرف کند. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در مورد مردی که شبها در خانه‌ی دیگران بیتوته کند، می‌فرماید: ناجوانمرد کسی است که در شهر خود با اینکه خانواده‌اش آنجاست، در غیر خانه‌ی خود بخوابد.<sup>۱</sup>

پرهیز از تهمت و افتراء

افتراء و تهمت ناموسی «قذف»، گناه کبیره بوده و اگر قذف کننده قادر به اثبات آن نباشد، هشتاد ضربه تازیانه دارد. این حکم بخاطر صیانت اجتماع مسلمانان از یاوه‌های احتمالی است که باعث نابودی شخصیت انسانها می‌شود. و البته اگر مردی به همسر خود افتراء بزند، وی نیز یا باید چهار شاهد بر صدق گفته‌ی خود اقامه کند و یا چهار بار سوگند یاد نماید تا بتواند حد را از خود دفع کند و در غیر این صورت می‌بایست هشتاد ضربه تازیانه را متحمل شود.<sup>۲</sup> البته اجرا نشدن این مجازات، مانع عذاب روحی و عقوبت قیامت، تهمت زننده نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: به زنانان تهمت نزنید که در قذف آنان ندامتی طولانی و عقوبتی شدید نهفته شده است.<sup>۳</sup>

حرمت تنبیه بدنی

در مواجهه با مشکلات پیش آمده، روی آوردن انسان به منطق و بیان استدلالی اثر مطلوبی خواهد داشت و لذا زد و خورد فیزیکی در مرحله نخست ناشایست می‌باشد و اکیدا توصیه نمی‌شود، مگر اینکه اصلاح بدون آن امکان‌پذیر نباشد و البته این امر در محیط خانواده بسیار محدود بوده و مشروط است.

در اسلام تنبیه بدنی به شدت مذمت شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: من تعجب دارم از کسی که زنش را می‌زند ولی خودش به زدن سزاوارتر است.<sup>۴</sup>

همچنین می‌فرماید: آیا صحیح است یکی از شما همسرش را بزند سپس برگردنش سایه افکند؟ (نزدیک او شود؟)<sup>۵</sup>

و در بیان دیگری فرموده است: از رحمت حق طرد شده است، از رحمت حق بدور

<sup>۱</sup> - هَلَكَ بَدَى الْمَرْوَةِ أَنْ نَبَيْتَ الرَّجُلُ عَنْ مَثَرِهِ بِالْمِصْرِ الَّذِي فِيهِ أَهْلُهُ. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup> - ر.ک: نور، ۶ تا ۱۰.

<sup>۳</sup> - لَا تَقْذِفُوا نِسَاءَكُمْ فَإِنَّ فِي قَذْفِهِنَّ نَدَامَةً طَوِيلَةً وَ عُقُوبَةً شَدِيدَةً. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

<sup>۴</sup> - إِنِّي أَعْجَبُ مِمَّنْ يُضْرَبُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ بِالضَّرْبِ أَوْلَى مِنْهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

<sup>۵</sup> - أَيْضُرِبُ أَحَدَكُمْ الْمَرْأَةَ ثُمَّ يُطَلُّ مُعَانِقَهَا. وسائل الشيعية، ج ۱۴، ص ۱۱۹.

است کسی که عیال خود را تباه سازد.<sup>۱</sup>

حد شرعی

اگر آزار جسمانی به حد سرخ شدن یا کبود گشتن و یا سیاه شدن صورت و بدن زن برسد، پرداخت دیه بر ضارب واجب می‌گردد. اگر محل ضرب، صورت باشد، دیه آن در صورت سرخ شدنش يك و نیم مثقال و در صورت کبود شدنش سه مثقال و در صورت سیاه شدن شش مثقال طلا است. و اگر سایر بدن سرخ شود، ۴۳ مثقال شرعی و اگر کبود شود، يك و نیم مثقال و در صورت سیاه شدنش، سه مثقال شرعی<sup>۲</sup> طلا به عنوان دیه واجب می‌گردد.

در داستان زندگی حضرت ایوب علیه السلام آمده است که همسرش، فریب شیطان خورد و شوهر را نصیحت می‌کرد که از گوشتی که با نام خدا ذبح نشده بخورد تا شفا یابد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله متوجه اغوای وی شد و سوگند یاد کرد که اگر از حال بیماری بهبودی یابد، یکصد ضربه یا کمتر به او بزند. وقتی حضرت سلامتی خود را باز یافت، بر سر دو راهی مانده بود، از يك سو آن همه وفاداری از همسرش در طول هفت سال و طبق نقل برخی روایات هیجده سال بیماری، قابل چشم‌پوشی نبود و از سوی دیگر سوگندی یاد کرده و لاجرم به انجام آن بود. خداوند متعال مشکل وی را حل نمود و دستور داد دسته‌ای از ساقه گندم و امثال آن را برگردد و سوگندش را چنین اداء کند.

وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَخْنُثْ...<sup>۳</sup>

و به ایوب گفتیم بسته‌ای از ساقه‌ها را بگیر و با آن همسرت را بزن و سوگند خود را مشکن.

قرآن کریم در مورد زنان ناشزه می‌فرماید:

... وَ الَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا

عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.<sup>۴</sup>

آن دسته از زنان که از طغیانشان بیم دارید پند و اندرز دهید، اگر مؤثر نبود از بستر آنان دوری کنید، اگر باز هم اثر نکرد آنان را بزنید و اگر از شما پیروی کردند تعدی ننمایید که خداوند بلند مرتبه و بزرگ است.

دستور تنبیه زنان در این آیه شریفه خاص زن‌هایی است که، اولاً: ناشزه‌اند، ثانیاً: پند و اندرز آنان را اصلاح نمی‌کند، ثالثاً: دوری گزیدن از آنان بیماری دشمنی و سرپیچی آنان را برطرف نکرده است و تنها راه دچار نشدن به طلاق و فروپاشی زندگی منحصر

<sup>۱</sup> - مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَمَّ مِنْ يُول. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

<sup>۲</sup> - هر مثقال شرعی معادل ۱۸ نخود یعنی ۴۳ مثقال بازاری است.

<sup>۳</sup> - ص، ۴۴.

<sup>۴</sup> - نساء، ۳۴.

به زدن می‌شود.

شیوه زدن نیز باید به صورتی ملایم و لطیف باشد که بدن وی را سرخ یا کبود و سیاه نکند.

طبعاً این زدن، نه برای این است که زن مستقیماً به واسطه زده شدن، مودب شود. چرا که این مقدار از زدن کسی را تأدیب نمی‌کند؛ بلکه چنین زدنی به خاطر این است که حالت لجاجت و کینه‌ورزی را از زن سلب کند.

نهایت اینکه تنبیه بدنی زنان، تنها در صورت نشوز و در پی پایان مراحل دیگری چون پند و اندرز و کنارگیری و تنها با کیفیتی که بیان شد جایز بوده و در صورت نبود یکی از این شرطها حرام می‌باشد.

رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هر مردی به رخسار همسرش يك سیلی بنوازد، خداوند به مالک، مسئول آتش امر می‌کند که هفتاد سیلی در آتش جهنم بر صورت آتشین او بنوازد.<sup>۱</sup>

تنبیه بدنی شوهر نیز مذمت شده است و این معصیت هر چند نادر، از دید روایات مخفی نمانده است.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره می‌فرماید: هیچ زنی نیست که دست بر شوهرش دراز کند، و بخواهد موی سر شوهرش را بگشند، یا لباسش را پاره کند، مگر اینکه خداوند دستانش را با میخ‌های آتشین می‌کوبد.<sup>۲</sup>

حکمت آیه

از آیه‌ای که گذشت، بدست می‌آید که زنان بر دو صنف می‌باشند، گروهی زنان صالح و نیکوکار و رستگارانند، اینان به وظیفه‌های خود در مقابل خدای متعال و خانواده و نیز اجتماع آشنا می‌باشند، کسی را یارای تعرض به این دسته نیست. مرد حق بلند کردن دست بر چنین زنی را ندارد.

دسته دیگر زنان ناشزه‌اند<sup>۳</sup>، اینان زنانی هستند که از وظایف خود سرپیچی می‌کنند، ناسازگار و لجوجند، مسئولیت‌های خود را در قبال شوهر انجام نمی‌دهند، واجبات شرعی خود را در مقابل خداوند بجا نمی‌آورند، اینان را چه باید کرد؟ به مرد سفارش شده است، تا آنجا که می‌تواند مدارا کند و بر آزار همسرش صبر پیشه نماید.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: آن کس که بر بدخُلُقِ زنش صبر کند و او را نگه دارد، خداوند به وی به قدر هر دفعه‌ای که بر آزار او صبر می‌کند، ثواب حضرت ایوب علیه‌السلام

<sup>۱</sup> - فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَالِكًا خَازِنَ الثَّيَرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حَرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فَيُنَارِ جَهَنَّمَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

<sup>۲</sup> - مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَمُدُّ يَدَيْهَا تُرِيدُ أَخْذَ شَعْرَةٍ مِنْ زَوْجِهَا، أَوْ شَقَّ ثَوْبَهُ إِلَّا سَمَّرَ اللَّهُ كَفْئَهَا بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۰.

<sup>۳</sup> - معنای ناشزه خواهد آمد.

را در صبرش برگرفتنی‌ها و بلاها عطا می‌کند.<sup>۱</sup> اما این دستور صرفاً دستوری اخلاقی است و نه یک قانون. صبر مرد نوعی ایثار و از خودگذشتگی است و گذشت از حقّ خود است. قانون می‌بایست به عدالت رفتار نموده و حق را به صاحب حق برساند. براین اساس آیه شریفه می‌فرماید، مرد می‌بایست این راه‌ها را برای رسیدن به حقّ خود یعنی بهره‌بری از کانون گرم خانواده، به‌دور از دشمنی و لجاجت طی کند. نخست می‌بایست با زن حرف بزند و او را پند دهد، تا بلکه عقده‌های احتمالی گشوده شود، و کار به جاهای باریک نکشد. اگر زن باز هم راه پلید خود را پیمود، مرد می‌تواند از او فاصله گیرد و با او قهر کند و با این عمل نارضایتی خود را ابلاغ نماید. و اگر باز هم بی‌فایده بود و لجاجت و سرکشی زن ادامه داشت، مرد می‌تواند او را تنبیه کند. چه اینکه اولاً کاری دیگر، غیر همین برای اجرای عدالت و مکلف کردن هرکس به انجام تعهدات خود باقی نمانده است و ثانیاً چنین نوعی از دشمنی و لجاجت که در مقابل همه مراحل گذشته مقاوم بوده، نوعی بیماری روانی و آزارطلبی است و جز با ایجاد حالتی شبیه به شوک که با چند ضربه ملایم امکان‌پذیر است معالجه نمی‌شود.

مضافاً بر آنچه گذشت این حکم برای تداوم زندگی مشترك است. آیا انصافاً مرد، زنی را که ناشزه شده است، به زندگی مشترك برگرداند بهتر است یا او را طلاق دهد؟ بدیهی است در کمّ و کیف تنبیه می‌بایست ملایمت رعایت شود و لذا اگر موجب شکستگی جایی از بدن زن شود و یا جراحی ایجاد گردد و یا پوست بدن سرخ و کبود و سیاه شود، حرام بوده و مستلزم پرداخت دیه و یا انجام قصاص است. اینک به نمونه‌ای دیگر از روایات که زدن زنان دسته دوم را پس از طی مراحل پند و قهر مطرح نموده و آن را در حدّ خود نیز محدودتر کرده است توجه کنید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر مردی بیش از سه ضربه (پس از طی مراحل و به‌صورت ملایم) به همسرش بزند، خداوند او را در قیامت در مقابل دیدگان خلائق نمایان ساخته و او را چنان رسوا خواهد ساخت که تمام گذشتگان و آیندگان به او بنگرند.<sup>۲</sup>

احادیث دیگری در همین مجموعه ذیل بحث تنبیه بدنی گذشت.

#### ۸- عفو لغزش

محیط خانواده چون محیط کار و مدرسه و... محدود به امور خاص در وقت محدود نیست. زندگی زناشویی، زندگی دو نفر برای تمام عمر و در تمام لحظات شبانه‌روز است.

<sup>۱</sup> - مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مَرَّةٍ يَضْرِبُ عَلَيْهَا مِنَ التَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبُ عَلَى بَلَائِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

<sup>۲</sup> - أَيُّمَا رَجُلٍ ضَرَبَ امْرَأَتَهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ، أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ، فَيَفْضَحُهُ فَضِيحَةً، يَنْظُرُ إِلَيْهِ الْأَوْلَادُ وَالْآخِرُونَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰.

از سوی دیگر مرد و زن چون هر انسان دیگر ممکن است دو سلیقه مختلف داشته باشند و هر کدام کارهایی طبق سلیقه‌ی خود انجام دهند که به مثام دیگری ناخوش باشد یا چه بسا یکی گناهی مرتکب شود.

بدیهی است که اختلاف سلیقه زن و مرد، با توجه به ارتباط زیاد آنان و کثرت اصطکاک زندگی زناشویی، بسیار بیش‌تر بارز می‌شود. اینجاست که بایستی آن دو حلم و بردباری را از دست ندهند، آراء و سلیق یکدیگر را تحمل کنند و در پی انتقام و ایجاد حقد و کینه و سپس عداوت نباشند. اگر از یکی عملی به دور از پسند دیگری صادر شد و کاری ناآگاهانه انجام داد، و یا سخنی جاهلانه بر زبان راند، باید او را نصیحت نمود. سرزنش، توبیخ و آزار در مراحل اولیه نه تنها اثر مثبت ندارد بلکه موجب افزایش لجابت وی می‌شود و شاید عمداً او را به آلودگی‌های بیش‌تری بکشاند. امام صادق علیه‌السلام در مورد حق زن بر مرد در این رابطه می‌فرماید: اگر کاری جاهلانه انجام داد از وی بگذرد.<sup>۱</sup>

تحمل سوء خلق

اگر اخلاق زن تند است، باید با نصیحت و راهنمایی پی در پی آن را اصلاح نمود. باید دانست که مقابله به مثل اثر مثبتی در پی ندارد و البته اگر کسی بر مصیبت بدخلقی همسرش صبر کند و چیزی نگوید، صبر ایوب پیامبر را داشته و اجر وی را خواهد داشت.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث مناهی که مشتمل بر نهی از دسته‌ای از رذایل و معاصی است، فرمود: کسی که بر زن بداخلاقی صبر کند و به طلب ثواب اکتفا نماید، خداوند ثواب شاکرین را به وی اعطا می‌فرماید.<sup>۲</sup>

آمده است که، عالمی شب‌هایی چند به مناجات بر می‌خواست و روزها روزه می‌داشت و تنها خواسته‌اش از خداوند دیدن یکی از خوبان درگاه او بود. شبی در رؤیا، وی را به شخصی معرفی کردند. صبح نزد همان رفت و جویای قضیه از وی شد که چه شده است و چه عمل نیکی از تو سر زده است که چنین شده‌ای و به این مقام رسیده‌ای؟ آن شخص که به شغل قهوجی کسب معاش می‌کرد، به اصرار و اکراه زبان گشود و گفت: شب زفاف که نزد عروس رفتم وی را با کره نیاقتم، برخواستم که اعلام کنم و عقد را فسخ نمایم. زن به من متوسل شد و گفت آبروی مرا مبر، خداوند آبرویت را حفظ کند. غضب من با شنیدن رحمت حق، به سرعت خاموش شد، و بر او برای رضای خداوند صبر کردم و این مطلب را با احدی جز شما تا حال در میان نگذاشتم، و البته الآن هم از او چند فرزند دارم و هیچگاه خطایی از وی ندیده‌ام، شاید همین عمل را خداوند از من پسندیده باشد، چون من آن را جز برای رضای او انجام نداده‌ام!

زن نیز بداند که از وظیفه اخلاقی او این است که اخلاق بد شوی خود را تحمل کند و با

<sup>۱</sup> - ... وَ اِنْ جَهَلْتُ غَفَرَلَهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

<sup>۲</sup> - مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْاَجْرَ اعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵.

بدخلفی خود بر آن نیفزاید. این عمل از جانب وی غیر اینکه به تدریج موجب ترك سوء خلق شوهر می‌شود، ثواب زیر هم بر آن مترتب است.  
زنی که بر اخلاق زشت شوهرش صبر کند، خداوند ثوابی مانند ثواب آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون و از زنان اربعه) عطا می‌فرماید.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> - قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَبَرَ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ زَوْجِهَا، أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷.

## مسئولیت مرد

مسئولیت ویژه آقایان عبارت است از:

### ۱- مدیریت

صریح آیات قرآن و بسیاری از روایات، حکایت از قوام مرد بر زن دارد. آیات زیر نیز در همین ارتباط است.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...<sup>۱</sup>

مردان سرپرست برزنانند به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای برخی بر برخی دیگر قرار داده است و به خاطر تعهداتی که در مورد پرداخت نفقه دارند.

... وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.<sup>۲</sup>

برای زنان همانند وظایفی که بردوش آنانست حقوق شایسته‌ای قرار داده و مردان را بر آنان برتری است و خداوند توانا و حکیم است.

قیم در لغت به کسی گویند که امری به او واگذار شده است تا آن را اصلاح کند و به اصطلاح مدیریت نماید. نیز به کسی گویند که عهده دار مخارج دیگری است و قوام صیغه مبالغه قیم است. پس در واقع مسئولیت خانواده به مرد سپرده شده است، طبعاً او مسئول است و چون هر مسئول دیگری در نظام اسلام باید برای حسن انجام وظیفه خود از تمام شئونی که بتواند او را یاری نماید بهره گیرد. پرهیز از انجام سلايق فردی که مطابق مصلحت خانواده نیست و پرهیز از استبداد و خودرأیی، اعمال قدرت، سوء استفاده از مسئولیت، هرگز در محیط خانواده جایگاهی ندارد.

زن هم حق ندارد انتظار اجرای سلايق فردی داشته باشد، او نباید اسباب استضعاف مدیریت مرد را فراهم سازد. او بازوی توانای همسر خود در انجام وظیفه‌اش می‌باشد.

و مرد باید از حمایت زن در اجرای مسئولیت خود بهره برد.

ناگفته نماند که آیه شریفه قوام که گذشت، به دو علت برای قوام مرد بر زن در خانواده اشاره کرده است که عبارتند از: برتری‌های فکری و جسمی در ارتباط با مسایل

اجتماعی و پرداخت نفقه.

اینک این ایراد مطرح است که چرا اسلام از بین دو موجود (زن و مرد)، این قوام را به مرد سپرده است؟ آیا قرآن یکی را بر دیگری برتری داده است؟ در پاسخ این ایراد به چند نکته باید توجه کرد:

۱- زن و مرد دو موجود مستقلند، دو موجود با مکانیسم‌های مختلف چه از حیث اندام ظاهری و چه از نظر خصوصیات روحانی، این دو یک‌دسته نیازهای فردی و اجتماعی دارند، تهیه خوراک و پوشاک و سرپناه مناسب، ارضاء میل جنسی، حوائج روحی و روانی چون مهر و عاطفه، داشتن تکیه‌گاه محکم در مشکلات و گرفتاری‌های زندگی

<sup>۱</sup> - سوره نساء، آیه ۳۴.

<sup>۲</sup> - بقره، ۲۲۸.

و... از این جمله‌اند.

وجود اختلاف فاحش در آنان از شکل و شمایل ظاهری تا اندام‌های متضاد و نیز روحيات گوناگون و گاهی متباين موجب شده است که هر يك برای حل معماهای حیات خود به دیگری محتاج باشد، بنابراین اگر این دو موجود مستقل با هم نباشند، مشکلاتشان رفع و حوائجشان برآورده نمی‌شود، رفع نیازها، بستگی تام به هماهنگی آنان با هم دارد و لذا گفته می‌شود این دو مکمل یکدیگرند و بدون هم، هر دو ناقص بوده و توازن طبیعت فرو ریخته است.

به هر حال سؤال از اینکه چرا خداوند این دو موجود را گوناگون خلق کرده است؟ مثل این است که پرسیده شود چرا همه‌ی عالم از نبات و گیاه خلق نشده و یا چرا در انسان اعضای مختلف آفریده شده است!

۲- هر واحد اجتماعی، محتاج به ریاست و حکومتی است که نظم و انضباط را بیافریند، هر واحد اجتماعی خرد و کلان بدون نظم از هم می‌پاشد و چنین نظامی بدون ناظمی حکیم امکان‌پذیر نیست، ناظمی واحد؛ و خداوند در اثبات وحدانیت خالق هستی می‌فرماید:

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا.<sup>۱</sup>

*اگر در آسمان و زمین جز «الله» خدای دیگری می‌بود، نظم جهان به هم می‌خورد.*

حتی خوارج نهروان که می‌گفتند حکومت از آن خداست و بس، در نهایت مجبور شدند برای خود در جنگ فرمانده و رئیسی برگزینند.

خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی است به واسطه اصطکاک بیشتر اعضای آن با هم نسبت به سایر واحدها، بزرگترین واحد اجتماعی از نظر کثرت روابط و کیفیت متنوع آن شمرده می‌شود، این واحد اجتماعی نیز محتاج به نظم است و ناظم باید یکی از دو عضو این واحد، یعنی زن یا مرد باشد. می‌دانیم شرایط جسمی و روحی زن و مرد به یک گونه نیست. یکی غالباً احساسات قوی دارد و عاطفه‌ای در حد نهایی خود دار است ولی از نیروی عقلانی و دورنگری ضعیف‌تری بهره می‌برد، دیگری تدبیر قوی‌تری دارد ولی احساسات او بسیار اندک می‌باشد این اختلاف و نیز اختلاف جسمی باعث شده است زن حساس و لطیف با بدن نحیف نتواند چون مرد و بی‌کم و کاست برابر او، در اجتماع حاضر شود.

۳- وظایف مرد در قبال خانواده بسیار بیش‌تر است. تهیه نفقه بار سنگینی است که به تنهایی بر دوش مرد نهاده شده است. حال به نظر شما کدام يك مستحق هستند مدیریت را عهده دار شوند؟

دو نکته مهم

اول آنکه: البته این مهم را نباید از نظر دور داشت که ریاست مرد در خانواده چون مدیریت در دیگر واحدهای اجتماعی نیست. به عبارت دیگر ریاست مرد، ریاستی قهری نبوده و توأم با صلح و صفا و سازش می‌باشد به همین خاطر:

<sup>۱</sup> - انبیاء، ۲۲.

۱- مرد حق ندارد خارج از وظایف شرعی زن، از وی چیزی بخواهد و باری بیش از طاقت مشروع بر او تحمیل کند.

۲- تندخویی و پرخاش در قانون خانواده ممنوع بوده و مهر و عطوفت بر همه چیز حاکم است.

۳- حتی حقوق اشخاص که در اسلام از اهمیت بسیاری برخوردارند و بر ذره‌ای از حقوق الناس عواقب سنگینی عنوان شده است، در محیط خانواده رنگ تسامح می‌گیرد و قوانین خشک و بی‌روح در این مکان مقدس مطرود است.

دوم آنکه: مدیریت برای مرد افتخار معنوی شمرده نمی‌شود. یعنی مرد با مدیریت به خدا نزدیک‌تر نمی‌شود. کما اینکه مدیر نبودن زن او را از خدا دور نمی‌نماید. بلکه آنچه مرد را به خدا نزدیک می‌سازد، مدیریت صحیح است. علاوه اینکه مدیریت مرد مطلق نیست مدیریت او محدود به مقررات شرعی و ضوابط اخلاقی است. پا فراتر گذاشتن وی از حدود خود او را ناشز خواهد ساخت و از بسیاری تکالیف خانوادگی ساقط خواهد نمود.

بنابراین ریاست مرد حکایت از برتری مرد بر زن ندارد، بلکه تنها بر اساس حکمی فطری و عقلی وضع شده است، چون برتری انسان بر انسان دیگر در دین مقدس اسلام تنها بر اساس معیار تقوا سنجیده می‌شود و لا غیر.

یک سوال

طرح این سوال در اینجا لازم است که چه بسیار بانوانی که خود متکفل تمام هزینه‌ی زندگی شده‌اند و عملاً مسئولیت خانواده را به دوش می‌کشند، چرا آنان قیم بر خانواده خود نشوند؟

نباید از نظر دور داشت که قانون می‌بایست کلی‌گرا و محکم باشد، قانون نمی‌تواند بگوید بعضی چنین کنند، زیرا در این صورت هیچکس زیر بار قانون نخواهد رفت و همه شتر مرغ می‌شوند که نه چون شتر، بار برمی‌دارد و نه همانند مرغ، تخم می‌گذارد. از سوی دیگر، قانون بایستی محکم باشد و با شاید و اگر، نمی‌توان قانونی را در جامعه پیاده نمود. به عنوان مثال اگر در قوانین «عبور و مرور» بگویند: اگر عجله نداشتید، پشت چراغ قرمز بایستید! در این صورت کسی حاضر به توقف نخواهد شد و همه توجیه می‌کنند که عجله داشته‌اند.

بر این اساس، هر چند در برخی خانواده‌ها، زن هم از نظر فکری و جسمی و هم از جهت تهیه مخارج، قوی‌تر از مرد می‌باشد، اما آوردن چنین استثنائاتی در متن قانون، در واقع موجب نابود شدن قانون است.

۲- نفقه

از مسئولیت‌های اختصاصی مرد، پرداخت نفقه است. نفقه در لغت به چیزی می‌گویند که خارج می‌شود و از بین رود. ریشه لغوی «نَفَقَ» به معنای از بین رفتن است و در اینجا مراد، حوائج ضروری زن، مطابق شأن وی می‌باشد که از مال همسر پرداخت می‌شود. پس این واژه در اصطلاح به تمام مخارجی گفته می‌شود که حیات مطابق شأن زن به آن بستگی دارد و لذا شامل خوراک و پوشاک و مسکن و درمان و سفر مورد نیاز و امور متعارف بین مردم می‌باشد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش که حق زن بر مرد چیست، فرموده‌اند: حق زن بر شوهر آن است که: گرسنگی او را رفع کند، بدنش را بپوشاند و چهره بر وی در هم نکشد.<sup>۱</sup>

امام علیه السلام در ادامه‌ی همین روایت، مقدار تهیه روغن، گوشت، وسایل آرایش، لباس، و نیز میوه هر فصل و مقدار آنها را بیان می‌فرماید.

ذکر این نکته لازم است که پرداخت نفقه از لحظه اجراء صیغه‌ی عقد و تمکین زن، بر مرد واجب می‌شود و حتی اگر زن خرجی خود را داشته باشد و یا صاحب اموال شخصی باشد، می‌تواند از آنها استفاده نکرده و درخواست نفقه کند.

فلسفه وجوب نفقه بر مرد این است که اولاً: زن تمام هم خود را صرف خانواده خود کند و محتاج معیشت اقتصادی نباشد. ثانیاً: در مقابل دفع غریزه جنسی مرد، چیزی به او تعلق گیرد و البته زن نمی‌تواند بیش از نفقه برای آمیزش جنسی چیزی مطالبه کند. معیار در پرداخت نفقه حال اقتصادی مرد است و وی باید بنا بر شرایط اقتصادی خود و نیز شأن اجتماعی همسرش، نفقه بپردازد. قرآن کریم در مورد میزان نفقه به وسعت اقتصادی مرد اشاره کرده است.

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ.<sup>۲</sup>

لازم به توضیح است که کوتاهی در پرداخت نفقه، مشروع نبوده و بایستی مرد به صورتی زندگی کند که بتواند نیاز منزل و وسایل و امکانات رفاهی آن را فراهم کند. تنبلی و سستی در این راستا صحیح نیست.

### ۳- مهر

از مهر در قرآن و روایات به صِدَاق، نَحْلَه، فَرَض و اجور یاد شده است و در زبان فارسی آن را کابین گویند. مهر مالی است که زن با اجرای صیغه عقد مالک همه‌ی آن است و پس از عروسی این مالکیت قطعی می‌شود و در غیر این صورت باید نصف آن را برگرداند. در واقع در تعریف مهر باید گفت: مهر، هدیه‌ای مالی از سوی مرد است که به پاس پاسخ مثبت زن به اجازه‌ی اجرای عقد و آغاز روابط زناشویی به وی اهداء می‌کند.

اعطاء مهر به عنوان سرمایه‌ای مالی و پشتوانه‌ی اقتصادی زن، و نیز پرداخت هزینه مادام‌العمر زن از سوی مرد (نفقه)، باعث می‌شود زن نه در زندگی فعلی و نه در زمان پس از مرگ شوهرش، احساس نیاز اقتصادی نکند و تمام همت خود را صرف ایجاد کانون گرم خانواده و شوهرداری و تربیت فرزند نماید. چیزی که تطابق جدی با مکانیزم خلقت او دارد و بیش‌ترین اثر را در زندگی با همسرش می‌آفریند. بنا بر این به صراحت می‌توان گفت نفقه و مهر، تدبیری بسیار ماهرانه و حکیمانه از سوی قانون‌گذار تکوین و بر اساس نیاز اجتماع و فرد است.

<sup>۱</sup> - يَسُدُّ جُوعَهَا وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهَا وَلَا يَفْجَحُ لَهَا وَجْهًا. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

<sup>۲</sup> - طلاق، ۷.

زمخشری در کشاف می‌گوید: بکارگیری واژه صدقه برای مهر که از ماده صدق است، نشانگر راستین بودن علاقه مرد به زن می‌باشد.<sup>۱</sup> واژه نخله نیز که از ماده نحل یعنی زنبور عسل گرفته شده است، به معنای عطیه است، چون عطیه زنبور عسل که عسل خود را با رضایت خاطر و بدون توقع عطا می‌کند. واژه اجر و فریضه که در مورد مهریه زنان موقت استعمال شده است نیز دلالت بر این دارد که مهر، در مقابل ارضا میل جنسی مرد قرار گرفته است.

وَأَتَوَّالْنِسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً.<sup>۲</sup>

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً.<sup>۳</sup>

البته در آیات دیگری از مهر زنان دائمه، به اجرت تعبیر شده است. مانند:

... وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ...<sup>۴</sup>

إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ.<sup>۵</sup>

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَمْرُهُمْ بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ.<sup>۶</sup>

ممکن است سؤال شود که: ازدواج نیاز فطری زن و مرد است و آمیزش جنسی ضروری زندگی مرد و زن می‌باشد. هم مرد و هم زن به ازدواج نیاز دارند و هر دو برای دفع غریزه جنسی خود به یکدیگر نیازمندند. پس چرا باید مرد به زن مهر و نفقه بپردازد؟

در پاسخ این پرسش باید گفت: آری هم مرد و هم زن به ازدواج و اطفاء غریزه جنسی و برقراری نسل نیاز دارند و هر دو از ازدواج بهره می‌برند، اما پس از اتمام آمیزش، زن باید دشواری بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت فرزند را متحمل شود. زحماتی که مرد در بخش عمده‌ای از آنها هیچ سهمی ندارد. پس باید در مقابل این زحمات که نوع زنان باید متحمل شوند، چیزی قرار گیرد. علاوه اینکه اگر این ازدواج به فرجام

<sup>۱</sup> - کشاف، ج ۱، ص ۴۶۹.

<sup>۲</sup> - نساء، ۴.

<sup>۳</sup> - نساء، ۲۴.

<sup>۴</sup> - ممتحنه، ۱۰.

<sup>۵</sup> - مائده، ۵.

<sup>۶</sup> - طلاق، ۶.

ماندگاری نرسد خسارت پیش آمد بر زن چگونه جبران شود؟ پس مهر هم جبران کننده بخشی از زیان وارد شده بر زن است و هم احترام به حق او. جزای پرداخت نکردن مهر

مهر حق زن است و هر مردی که تعدی کند و در پرداخت این حقوق مالی کوتاهی نماید، متجاوز به حق الناس است. چنین عملی مصداق آشکار حرام‌خواری می‌باشد. رسول خدا متعدی در پرداخت مهریه را زناکار می‌داند.<sup>۱</sup> و امام صادق علیه‌السلام پلیدترین گناه را کشتن چهارپایان، پرداخت نکردن مهر و پرداخت نکردن مزد کارگر می‌داند.<sup>۲</sup> نیز حضرت در مورد کسی که زنی را عقد خود نموده و مهر آن را پرداخت نمی‌نماید، فرموده است: کار او حکم زنا دارد.<sup>۳</sup> حتی اگر کسی نیت پرداخت مهر را نداشته باشد نیز عمل او مذموم و رفتار او چون سارق است.<sup>۴</sup>

مقدار مهر

مقدار مهریه بستگی تام به توافق زن و مرد دارد. میزان آن می‌تواند عملی معنوی چون تعلیم آیه‌ای از قرآن باشد تا قنطار که به مال بسیار تفسیر شده است.

وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا.<sup>۵</sup>

اسلام میزان خاصی برای مهر معین ننموده و آن را به توافق زن و مرد سپرده است. توجه به مهر زنان هم‌تا (مهر‌المثل) و یا سایر دختران و هم‌عروسان در خانواده‌ها، می‌تواند ملاک تعیین مهر باشد. اما با این وصف اسلام سفارش اکیدی بر کاهش مقدار مهر دارد.

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: بهترین زنان امت من، نیکو صورتان و کم‌مهریه‌ها هستند.<sup>۶</sup>

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: مهر را زیاد نگیرید که موجب عداوت می‌شود.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> - مَنْ ظَلَمَ إِثْرَةَ مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٌ. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۳.

<sup>۲</sup> - أَقْدَرُ الدُّنُوبِ ثَلَاثَةٌ قَتْلُ الْبَهِيمَةِ وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْتَةِ وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۱.

<sup>۳</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱.

<sup>۴</sup> - قال الصادق علیه‌السلام: مَنْ أَمَهَرَ مَهْرًا ثُمَّ لَا يَتَوَى قَضَائَهُ كَانَ بِمَنْزِلَةِ السَّارِقِ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱.

<sup>۵</sup> - نساء، ۲۰.

<sup>۶</sup> - أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷۸.

<sup>۷</sup> - لَا تُغَالُوا فِي مَهْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۶۶.

امام رضا علیه السلام نیز فرموده است: اگر خواستید ازدواج کنید، بکوشید که مهر از مهر السنه بالاتر نرود و آن پانصد درهم است که پیامبر همان مقدار را مهر زنان خود نمود.<sup>۱</sup>

به هر حال مقدار مهر و نیز شیوه تعیین آن، نباید به شکلی باشد که معامله و رهن را به ذهن تداعی نماید و خاطره‌ای بد را بر جای نهد. گاه مجادله بر سر مهر در جلسات تعیین مهر به صورتی است که بیننده‌ی ناآشنا تصور می‌کند کالایی معاوضه می‌گردد و یا برای روزهای مبادا گرو تعیین می‌شود.

برخی نیز مهر سنگین خود را تقسیم بر اعداد مقدس و مورد احترام می‌نمایند و با استفاده از ارقام يك و سه و پنج و ده و دوازده و چهارده تا یکصد و چهارده و یکصد و بیست و چهار و...، گویی می‌خواهند اشتباه کار خویش را با اسم‌های مطهر و مبارک جبران نمایند. هرگز! این کار جز بازیچه قرار دادن این اعداد است. مقدس شمردن این اعداد به این است که به همان بسنده شود نه اینکه برای رسیدن به عددی خاص، همه‌ی آنها کنار هم چیده شود و جمع و تفریق گردد.

عده‌ای نیز مهر را به عنوان تنها پشتوانه استحکام خانواده فرض می‌کنند و بر اساس همین ایده بر آن می‌افزایند. تصور می‌کنند اگر مهر زیاد باشد، مرد توان طلاق و یا انگیزه آن را از دست می‌دهد. این تصور بسی نابخردانه است. آمار ازدواج‌هایی با مهرهای سنگین که به طلاق منجر شده است، کم نیست. وانگهی اگر پشتوانه‌های دینی تحکیم خانواده نباشد، از خانه جهنمی ساخته می‌شود که زن برای رهایی از آن حاضر است مهر و تمام آنچه که دارد فدا کند. بسیاری آمار طلاق‌های خلع و توافقی در همین راستا نیز قابل ارزیابی است.

به هر حال مهر امری مقدس است و باید به آن احترام گذاشته شود. مهر، دین شرعی محسوب می‌شود و بر مرد واجب است آن را قرض خود بداند و گاه درخواست زن نه تأخیر اندازد و نه از آن بکاهد. خداوند می‌فرماید:

... وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا...<sup>۲</sup>

*بر شما روا نیست که آنچه به آنان داده‌اید، باز پس بگیرید.*

امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله، آثار زیبایی برای بخشیدن مهر از سوی زن به همسرش بیان کرده است. حضرت می‌فرماید: زنی نیست که قبل از ازدواج مهر خود را به شوهرش ببخشد مگر اینکه در برابر هر دینار آن، ثواب آزاد کردن بنده‌ای برای وی بنویسند. و اگر بعد از ازدواج ببخشد، مودت و الفت زن

<sup>۱</sup> - إذا تزوجت فاجهد أن لا يجاوز مهرها مهر السنه و هو خمسمئة درهم فعلى ذلك زوج رسول الله صلى الله عليه وآله و تزوج نسائه. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۶۲.

<sup>۲</sup> - بقره، ۲۲۹.

محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

لازم به یادآوری است که رقم مهر اگر به صورتی باشد که قاعدتا امکان پرداخت آن وجود نداشته باشد، به طوری که از آن چنین برآید که پرداختی نیست، به نظر صحیح نمی‌رسد. همچنین اگر مهر ارزش مالی و یا معادل مالی نداشته باشد از اعتبار ساقط است. برخی نیز در آغاز آشنایی با همسر خود احساسی شده و بی‌توجه به ارزش‌های دینی و اجتماعی و خانوادگی، کارهایی انجام می‌دهند که بعد از مدتی خود به آن می‌خندند. دختری که آغاز آشنای با نامزدش در کنار دریا بوده، هزار مرجان دریایی را مهر قرار داده بود! مهر دختر دیگر چند کیلو بال مگس و یا رونویسی از دیوان شعر یکی از شعراست. البته چون برخی از این مهرها ارزش مالی ندارد، از اعتبار ساقط است.

زمان پرداخت مهر

لازم به ذکر است پرداخت مهر هنگام اجرای صیغه عقد، لازم است و اگر شوهر نخواست آن را همان زمان پرداخت کند بر ذمه‌ی وی است و باید پرداخت نماید. ناگفته نماند هر چند مهر ملك زن است ولی زن نباید در گرفتن آن سخت‌گیری کند و اسباب زحمت و احیاناً شرمساری شوهرش را فراهم نماید. نباید مهر ثبات کانون خانواده را متزلزل کند و ابزاری برای تضعیف آن شود. به همین علت بر زن مستحب است مهر خود را بر شوی خویش ببخشد و الفت بین خود و او را با این عمل دوچندان نماید.

مهر مقدم

گاهی زمان تعیین مهر، مبلغی را معین می‌کنند که باید پسر آن را نقداً به خانواده عروس بپردازد. این مقدار که در اصطلاح عامیانه شیربها می‌نامند، در واقع بخشی از مهر است که مقدماً پرداخت می‌شود و لذا در صورت قباله‌ها به نام «مهرالمقدم» از آن یاد می‌شود. توافق دو خانواده بر این مبلغ جایز است و منع شرعی ندارد، اما باید دانست که مالک این مقدار چون باقی مهر، دختر خواهد بود و هر تصرفی از آن باید به اجازه دختر باشد. مثلاً اگر بخواهند آن را صرف خرید جهیزیه کنند، باید دختر به آن اجازه دهد.

البته اگر تعیین این مبلغ واقعا به عنوان بهای شیر و به خاطر زحمات والدین باشد و حق والدین محسوب شود، صحیح نبوده و حرام شرعی است و تصرف در این پول جایز نمی‌باشد. بلی اگر داماد، مبلغی را نه به عنوان شیربها و یا هر چیز معین شده و مورد توافق قرار گرفته شده، و بلکه به صورت اختیاری و تبرعی به پدر و مادر عروس دهد، چون هر هدیه دیگری جایز است. ناگفته نماند تعیین شیربها به عقد ضرری نمی‌رساند و عقد را باطل نمی‌نماید.

۴- غیرت

مرد بایستی حریم خانواده خود را نگهدارد و اجازه ندهد کسی به آن حریم تعدی نماید.

<sup>۱</sup> - ما من امرئة تصدقت علی زوج قبل أن یدخل بها إلا کتب الله تعالی لها مکان کل دینار عتق رقبة. قيل یا رسول الله فکیف بالهبة بعد الدخول؟ فقال: إنما ذلك مودة و اللفة. بحار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۲.

چراکه حفظ عفت زن، وظیفه اساسی مرد است و یکی از ابزارهای آن غیرت‌ورزی اوست. او نباید اجازه دهد زن آگاهانه و ناآگاهانه اسباب و مقدمات آلودگی خود را فراهم سازد. چه اینکه بی‌غیرتی و بی‌عفتی دوقلوی از هم جدا ناشدنی هستند. حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: عفت مرد به اندازه غیرت اوست.<sup>۱</sup>

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: اگر زنی با شمایل زینت شده از خانه شوهرش خارج شود، شوهرش دیوث است و اگر کسی او را به این نام بنامد گناه نکرده است.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: حضرت امیر علیه‌السلام به مردم کوفه فرمود: ای مردم عراق خبر یافتم که زنان شما در کوچه‌ها با مردها برخورد می‌کنند (شانه به شانه‌ی مردها می‌زنند) آیا حیا نمی‌کنید؟<sup>۳</sup>

آن حضرت نیز می‌فرماید: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زنانتان به بازار می‌روند و با فرومایگان و تناوران مراوده می‌کنند.<sup>۴</sup>

ناگفته پیداست که زن بیشتر مورد تعدی هوس‌بازان قرار می‌گیرد و از آنجا که عقد ازدواج، او را مختص به مردی می‌سازد، هرگونه کجروی او تعدی به حقوق شوهر شمرده می‌شود. از سوی دیگر رحم زن، ظرف انعقاد نطفه از او و همسرش می‌باشد. بی‌تردید صاحب این ظرف می‌بایست مصون از هر لغزش بوده تا طهارت فرزند محرز گردد و والدین کاملاً معین باشند. فایده چنین غیرتی تنها به مرد بر نمی‌گردد بلکه سلامتی و عفت زن و نیز طهارت انتساب فرزند و در نهایت تمام اهل خانواده را در بردارد. بنابراین مرد نباید اجازه دهد همسرش در بازیچه‌ی دست بیگانگان باشد، بی‌غیرتی برخی مردان از وقیح‌ترین گناهان کبیره است.

مع‌الاسف افراط در غیرت از سوی برخی موجب شده است برخی اساس آن نپذیرند و بر آن خرده گیرند. این خرده‌گیری منطقی نیست. چه اینکه غیرت موجب حفظ خانواده و در نتیجه اجتماع است. اگر غیرت نباشد، طهارت جامعه خدشه دار می‌شود. فرزند پدر خود را و پدر فرزند خود را نمی‌شناسد، رابطه‌ی آنان قطع شده و تعهد پدران به فرزندان جای خود را با لایبالی‌گری می‌دهد و اساس اجتماع و زندگی اجتماعی انسان فرو می‌ریزد. این است نتیجه بی‌غیرتی که متأسفانه جوامع زیادی به آن آلوده‌اند و اندیشمندان آنان آرزوی بازگشت به گذشته می‌نمایند.

پس در واقع غیرت موجب امنیت اجتماعی شده و اجرای تعهدات و وظایف والدین در برابر اولاد را به دنبال دارد.

<sup>۱</sup> - عَفْتُهُ الرَّجُلُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ. نهج البلاغه، حکمت ۴۴.

<sup>۲</sup> - أَيْمَا رَجُلٍ تَنَزَّيْنِ امْرَأَتَهُ وَ تَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيْوُوثٌ وَ لَا يَأْتُمُ مَنْ يُسَمِّيهِ دَيْوُوثًا. بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

<sup>۳</sup> - يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَانَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

<sup>۴</sup> - أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ لَا تَعَارُونَ، نِسَانَكُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ؟ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

رفت و آمد افراد ناباب

قابل انکار نیست که بسیاری از مفاصد اخلاقی از معاشرت‌های دوستانه ایجاد می‌شود. پس اجازه ورود افرادی که اطمینان به سلامت نفس آنان نیست، به منزل خود ندهید.

حضرت امیر علیه‌السلام ضمن نامه‌ای در سفارش‌های خود به امام مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: چشمان زنان را از نامحرم بپوشان زیرا پوشش آنان را سالم‌تر و پاک‌تر خواهد ساخت. خارج شدن و بیرون رفتن آنان بدتر از این نیست که افراد غیر مطمئن را به میان آنان راه دهی. اگر بتوانی غیر از تو کسی را نشناسند، چنین کن.<sup>۱</sup>

ستایش غیرت مردان

لازم است انسان زمینه‌های هتک عرض خود را فراهم نکند و اجازه توجّه نامحرم به ناموس خود ندهد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: پدرم ابراهیم علیه‌السلام غیور بود و من از او غیورترم، و خداوند بینی مؤمنی که غیرت نداشته باشد به خاک می‌مالد.<sup>۲</sup>

عبدالله ابن ابی‌یعفور می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه‌السلام که می‌فرمود: مردی که غیرت نوزد، قلبش واژگون است.<sup>۳</sup>

حرمت غیرت بیجا

چنانچه گفتیم نباید غیرت از حد خود بگذرد. غیرت بیجا موجب می‌شود زن در موضع تدافعی واقع شده و گاه دست به اعمالی که تاکنون مرتکب نشده، بزند. چه اینکه عقوبت هر کس به خاطر عملی که مرتکب نشده، عاملی است برای کشاندن وی به همان عمل.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: حضرت امیر علیه‌السلام در نامه‌اش خطاب به امام مجتبی علیه‌السلام نوشت: از غیرت‌ورزی در غیر محل خود بپرهیز زیرا که چنین عملی موجب می‌شود زن پیراسته از گناه، معیوب شود.<sup>۴</sup>

۵- حسن معاشرت

هر چند ایجاد عشق و محبت متقابل زن و شوهر از مقدس‌ترین برنامه‌های دین اسلام است، ولی نمی‌توان از بسیاری روایات در باره لزوم محبت به زنان، این مطلب را استنباط نکرد که در اسلام به علل مختلفی شدت محبت به زن تقویت شده است.

رسول خدا علیه‌السلام می‌فرماید: هر چه ایمان بنده افزایش یابد، عشق وی به زنش بیشتر می‌شود.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - وَكَفَّفَ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ أَيَّاهُنَّ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَلَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ مِنَ الرِّجَالِ فَافْعَلْ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۳.

<sup>۲</sup> - كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمَ غَيُورًا وَأَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ وَأَرَعَمَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يُعَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

<sup>۳</sup> - إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مُنْكَوسُ الْقَلْبِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰۸.

<sup>۴</sup> - أَيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوَاضِعِ الْفِتْرَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُوا الصَّحِيحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

<sup>۵</sup> - كَلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا أَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۷.

بنابر این روایت، میزان ایمان، با میزان محبت به زن ارتباط مستقیم دارد و هر قدر ایمان زیادتر شود میزان عشق به زن بیشتر می‌گردد. امام صادق علیه‌السلام در روایتی دیگر میزان محبت به خاندان پیامبر را با عشق به زنان می‌سنجد و می‌فرماید هر قدر محبت به اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر باشد میزان محبت به زنان بیشتر است.<sup>۱</sup> در روایتی دیگر امام صادق علیه‌السلام برای کسی که با همسرش به نیکی رفتار کند، دعا می‌فرماید.<sup>۲</sup>

حضرت امیر علیه‌السلام خوش رفتاری با زن را موجب صفای زندگی می‌داند و به پسرش محمد می‌فرماید: در هر حال با همسرت مدارا کن و خوش معاشرت باش تا زندگی تو صفا یابد.<sup>۳</sup>

يك شیوه‌ی عملی برای افزایش محبت خانواده این است که هر از گاهی مرد در کنار همسرش نشسته و با وی به دور از هیاهوی زندگی اقتصادی و معیشتی به گفتگو بپردازد، مشکلاتش را بشنود و راه چاره‌ای برای آنها بیابد و از ایجاد هرگونه عقده‌ای نامطلوب جلوگیری کند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: نشستن مرد نزد همسرش نزد خداوند متعال، از اعتکاف او در این مسجد من، دوست داشتنی‌تر است.<sup>۴</sup>

مرد باید بداند يك همسر خانه‌دار که ساعتی را در خانه سپری کرده، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد؛ لذا باید برای بیان گفته‌هایش مجالی به او بدهد، اگر زن مرد را شنوای حرف خود ببیند، انس وی با همسرش بیشتر می‌گردد و در غیر این صورت، نشاط زندگی از او گرفته می‌شود و شاید خود را شکست‌خورده تلقی کند و در نهایت بگوید: همسر مرا درک نمی‌کند!

#### ۶- عدالت بین همسران

کسی که بیش از يك زن دارد، باید بین آنان به عدالت رفتار کند و کوچک‌ترین اظهار رفتار ناعادلانه ستم محسوب می‌شود. این حکم چنان مهم است که قرآن کریم برای کسانی که بنای رفتار غیر عادلانه با همسران دارند، جز يك همسر را تجویز نمی‌فرماید.

... فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - كُلُّ مَنْ اِسْتَدَلَّنَا حُبًّا اِسْتَدَلَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا... وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱.

<sup>۲</sup> - رَحِمَ اللهُ عَبْدًا اَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۴۳.

<sup>۳</sup> - فَدَارِهَا عَلٰى كُلِّ حَالٍ وَ اَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا فَيَصْفُوْ عَيْشَكَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

<sup>۴</sup> - جُلُوْسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ اَحَبُّ اِلَى اللّٰهِ تَعَالٰى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِى مَسْجِدِىْ هَذَا. تنبيه الخواطر، ص ۳۶۲.

<sup>۵</sup> - نساء، ۳.

اگر ترس از آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها يك زن اختیار کنید.

البته مراد، عدالت ظاهری است و الا اجرای عدالت واقعی امری ناممکن است. زیرا عواطف و عوامل ایجاد آن گستره‌ای عظیم دارد و شدت و ضعف آن به واسطه اختلاف عوامل مرتبط با حبّ و عشق یکسان نیست. قرآن کریم نیز این مهم را انگشت گذاشته و گو اینکه می‌فرماید، می‌دانیم میل باطنی شما به یکی از زن‌هایتان ممکن است به خاطر زیبایی، یا محبت، یا ادب و... بیشتر باشد، ولی شما هیچ‌گاه نباید این شدت و ضعف میل را در ظاهر هم بارز کنید و یا یکی را از چشم خود بیندازید.

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوا كَالْمَعْزَةِ...<sup>۱</sup>

شما هرگز نمی‌توانید میان زنان‌تان به عدالت رفتار کنید هر چند جدیت نمایید، پس حداقل همه علاقه‌ی خود را در يك جاتب قرار ندهید تا دیگری را بلا تکلیف کنید و به وی اعتنا ننمایید.

۷- خرید هدیه

یکی دیگر از شایسته‌های مرد، اهداء هدیه به همسر در برخی مناسبت‌های مختلف و اعیاد و جشن‌ها می‌باشد. هدیه قلوب را به هم نزدیک‌تر می‌سازد و صلح و صفا را با خود به ارمغان آورده و کینه‌های گذشته را می‌زداید.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که وارد بازار شود و هدیه‌ای خریداری نموده به سوی خانه‌اش برد، همانند حامل صدقه برای گروهی محتاج است.<sup>۲</sup>

تهیه هدیه در سفر برای همسر، اثری جذاب‌تر از آنچه گذشت، در دل زن ایجاد می‌کند. امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: وقتی یکی از شما مسافرت کرد و از سفر برگشت به آنچه که در توان دارد، چیزی برای اهل خانه بخرد.<sup>۳</sup>

۸- توجه یکنواخت به فرزندان

در خانه‌هایی که همه‌ی فرزندان یا برخی از آنان دخترند، زن انتظار دارد، شوهرش به آنان توجه بیشتری بنماید و بی‌میل و بی‌رغبت به دختران نباشد. و یا حداقل به دختران و پسران به يك شکل بنگرد، و فرزندان را بر هم ترجیح ندهد. چه اینکه ترجیح دادن ظاهری فرزندان، عامل بسیاری از کدورت‌های بین برادران و خواهران در آینده خواهد بود. قسمتی از این حدیث را قبلاً آورده‌ایم، اکنون به تمام حدیث توجه فرمایید.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: کسی که وارد بازار شود و هدیه‌ای خریداری نموده به سوی خانه‌اش ببرد، ثواب وی همانند حامل صدقه برای گروهی محتاج است، و بایستی اول به دخترها هدیه را اعطاء کند. همانا کسی که دخترش را خوشحال کند مانند آنست که بنده‌ای از اولاد حضرت اسماعیل علیه‌السلام را آزاد کرده باشد. و کسی که چشم پسرش

<sup>۱</sup> - نساء، ۱۲۹.

<sup>۲</sup> - مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تَخَفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ... وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

<sup>۳</sup> - إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ بِمَا تَيْسَّرُ. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۱.

را روشن بدارد (وی را خوشحال کند)، مانند آنست که از خوف خداوند گریسته باشد و کسی که از خوف خدا بگرید، خداوند وی را داخل بهشت پرنعمت خواهد ساخت.<sup>۱</sup>

#### ۹- تدارك سرگرمی

زن در منزل علاوه بر کارهای متداول، بایستی مقداری به تکامل روانی خود بیندیشد، از این رو بهتر است، برای او شرایط و مقدمات مطالعه مخصوصا فراگیری واجبات فراهم گردد و وی به این مهم ترغیب شود.

غیر از مطالعه، کارهایی که معمولاً زن‌ها انجام می‌دهند، همانند خیاطی، بافندگی و... نیز موجب می‌شود ضمن پر شدن وقت بیکاری، اغواها و فریب‌های شیطان کاسته شود و تقوای زن مصون و محفوظ بماند.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: سه چیزند که حجاب‌ها را کنار می‌زنند و تا پیشگاه خداوند می‌رسند: صدای قلم علماء بر کاغذ، صدای پای مجاهدین فی‌سبیل‌الله، صدای چرخ ریسندگی زن‌های عقیفه.<sup>۲</sup>

تعلیمات عقیدتی و واجبات دینی و علمی و آنچه که رعایت آن لازمه زندگی زناشویی است و زن از پیش آنها را فرا نگرفته و یا وقت عمل به آنها نرسیده است، می‌بایست در منزل شوهر و با کمک او فرا گیرد.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی، خطاب به «حَوَّلَا» که از زنان پاکدامن آن عصر بوده، می‌فرماید: ای حوَلَاء: حق زن بر مرد این است که... به وی نماز و روزه یاد دهد و اگر در اموال وی حقی نهفته است، زکات به وی بیاموزد.<sup>۳</sup>

#### ۱۰- عقیف بودن

این هم وظیفه‌ای دیگر از وظایف مرد در مقابل همسر خویش است. مردی که نوامیس دیگران را هتک کند، با زنان نامحرم مزاح و شوخی نماید، قهقهه بزند، و احياناً مرتکب معاصی دیگر شود، همسرش را آزرده است و علاوه اینکه همسر خودش نیز قطعاً مورد تعرض دیگران قرار می‌گیرد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: متعرض عفت زنان مردم نشوید، تا عفت زنان شما مورد تعرض قرار نگیرد.<sup>۴</sup>

#### ۱۱- حرمت آزار زن برای بخشش مهر

<sup>۱</sup> - مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُخْفَةَ فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ، وَ لَيْدَةٌ بِالْأُنْثَى قَبْلَ الذُّكُورِ، فَإِنَّ مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَحَقَّقَ رَقَبَةً مِنْ وَوَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَ مَنْ أَقْرَبَ بَعَيْنِ ابْنِ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۸.

<sup>۲</sup> - ثَلَاثٌ تَخْرُقُ الْحُجْبَ وَ تَنْتَهِي إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، صَرِيرُ أَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ وَ وَطْئُ أَقْدَامِ الْمَجَاهِدِينَ، وَ صَوْتُ مَغَازِلِ الْمُحْصَنَاتِ. اعيان الشيعة، ج ۱، ص ۳۰۱.

<sup>۳</sup> - ... يَا حَوَّلَاءُ! لِلْمَرْثَةِ عَلَى زَوْجِهَا... وَ يُعَلِّمُهَا الصَّلَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الزَّكَاةَ إِنْ كَانَ فِي مَالِهَا حَقٌّ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

<sup>۴</sup> - عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّوا نِسَائِكُمْ. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۷۰.

چه زشت است این داستان که، مردی با چندین واسطه به خانه‌ی کسی برای خواستگاری دخترشان وارد شود و یگانه انتظارش در آن لحظات، رضایت اولیای آن دختر باشد و با دخترک پس پرده با هزاران امید و آرزوی خوشبختی، عقد بندد و به خانه‌ی خود آورد ولی پس از مدتی بنای ناسازگاری نهد و برای گریز از مهریه‌ی سنگین، زن خویش را آزار دهد تا مهر را ببخشد. چنین عملی از انسانیت به‌دور است، این مرد اگر خود را مسلمان می‌داند باید بداند خداوند و رسولش از او بیزارند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: آگاه باشید که خداوند عز و جل و رسولش از کسی که به زنش آزار می‌رساند تا وی مهرش را ببخشد، بری هستند.<sup>۱</sup>

## مسئولیت زن

مسئولیت ویژه خانم‌ها عبارت است از:

### ۱- شوهرداری

مدیریت زن در اداره زندگی و وظیفه‌ی سنگین و حساسی است که همه‌ی وظایف او را پوشش می‌دهد.

سنگینی این وظیفه چنان است که مدیریت بر خانه که از آن به تدبیر منزل تعبیر می‌کنند کاری بس پیچیده‌تر از مدیریت بر یک کشور و اعمال سیاست در بلاد می‌باشد. و این به خاطر نوع وظایف و اصطکاک بیشتر در منزل است. اینکه امام علی علیه‌السلام جهاد زنان را نیکو شوهرداری آنان دانسته است<sup>۲</sup>، گویای همین مدعاست.

<sup>۱</sup> - أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولَهُ بَرِينَانِ مِمَّنْ أَضَرَ بِالْمَرْئَةِ حَتَّى تَخْتَلِعَ مِنْهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۴۹۰.

<sup>۲</sup> - إِنَّ مِنْ جِهَادِ الْمَرْئَةِ حُسْنَ التَّبَعْلِ لِرَوْجِهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۶، در وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵ این روایت به نقل از امام کاظم علیه‌السلام به این صورت آمده است: «جِهَادُ الْمَرْئَةِ حُسْنَ التَّبَعْلِ».

در روایات دیگر، شوهرداری با رعایت حق خدا قرین شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زن حق خدای متعال را ادا نمی‌کند مگر اینکه حق همسرش را ادا کرده باشد.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گروهی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و عرض کردند: ما عده‌ای را مشاهده کردیم که در مقابل یکدیگر سجده می‌کردند. حضرت فرمود: اگر دستور می‌دادم کسی برای کسی سجده کند، دستور می‌دادم زن برای شوهر خویش سجده نماید.<sup>۲</sup>

و در روایات دیگر کسب رضایت شوهر بر زن الزامی دانسته شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر زنی شب را به صبح سپری کند در حالی که همسرش در امر حقی از او ناراحت باشد تا زمانی که از او راضی نشده، نمازش پذیرفته نیست و هر زنی برای غیر شوهرش خود را بیاراید و عطر زند تا زمانی که مانند غسل جنابت از آن عطر غسل نکند، نمازش پذیرفته نیست.<sup>۳</sup>

علی بن جعفر می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم، زنی که شوهرش از او ناراحت است، آیا نماز دارد؟ و نیز وضعیت نماز او چگونه است؟ حضرت فرمودند: دائماً در حال گناه است، مگر اینکه شوهرش از او راضی باشد.<sup>۴</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر زنی با یکدست بپزد و با دیگری کباب کند، حق شوهرش را ادا نکرده است و اگر با این حال به‌قدر چشم برهم زدن نافرمانی شوهر کند، در پایین‌ترین درکات جهنم انداخته می‌شود مگر اینکه توبه کند و برگردد.<sup>۵</sup>

دوری از آزار شوهر  
شوهر آزاری که امروزه به عنوان يك بیماری مورد توجه متخصصان قرار گرفته، حرام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر زنی، شوهرش را آزار دهد، اگر زن همه عمر را روزه بگیرد و شب‌ها را به عبادت بپردازد و بندگانی را از قید بردگی

<sup>۱</sup> - لَا تُؤَدِّي الْمَرْأَةُ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تُؤَدِّيَ حَقَّ زَوْجِهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

<sup>۲</sup> - إِنْ قَوْمًا آتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ: إِنَّا رَأَيْنَا أَنَا سَأَ يَسْجُدُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَخِي لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

<sup>۳</sup> - أَيْمًا امْرَأَةً بَاتَتْ وَزَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ فِي حَقِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةً حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا وَأَيْمًا امْرَأَةً تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَلَاةً حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبٍ كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

<sup>۴</sup> - لَا تَزَالُ عَاصِيَةٌ حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

<sup>۵</sup> - لَوْ أَنَّ امْرَأَةً وَضَعَتْ إِحْدَى يَدَيْهَا طَبِيخَةً وَالْآخَرَى مَشْوِيَةً، مَا أَذَّتْ حَقَّ زَوْجِهَا وَلَوْ أَنَّهَا عَصَتْ مَعَ ذَلِكَ زَوْجُهَا طَرَفَةَ عَيْنٍ، أَلْقَيْتُ فِي الذَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ تُتُوبَ وَتَرْجَعَ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

آزاد نماید و اموالی را در راه خدا انفاق کند، خداوند از او نه نمازی و نه هیچ کار نیکی را نخواهد پذیرفت، مگر اینکه شوهرش را از خود راضی و خشنود سازد و او را یاری کند و الا او نخستین کس باشد که وارد آتش شود. سپس آن حضرت فرمود: مرد نیز همین وزر و عذاب را خواهد داشت، اگر زنش را آزار دهد و در باره اش ستم کند. و هر مردی بر ناسازگاری و بدخویی همسرش صبر کند و بردباری نماید و طلاقش ندهد پروردگار به قدر هر شبانه‌روزی که با وی به سر برده و شکیبایی نموده، پاداشی که به ایوب در مصیبت‌هایش داده به وی نیز عطا می‌فرماید و برآن زن به قدر شن‌های متراکم بیابان‌ها گناه خواهد بود و اگر پیش از اینکه سراغ همسرش رود و قبل از اینکه او را راضی کند، بمیرد، روز قیامت سرنگون و با منافقین در آخرین درکات جهنم محشور خواهد شد. و آنکه همسرش زنی ناموافق بوده و با شوهرش تفاهم نداشته باشد و به روزی خدا داده قناعت نکند و بر مرد سخت گیرد و چیزی را که در قدرت او نیست بر وی تحمیل کند، خداوند از آن زن مادامی که چنین است هیچ‌کار نیکی که مانع حرارت آتش باشد، نخواهد پذیرفت و همواره در غضب و خشم خداوند متعال، گرفتار است.<sup>۱</sup>

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: شفاعت کننده‌ای برای زن، که شفاعتش نزد خداوند مورد پذیرش باشد، چون رضایت شوهرش نیست.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: از رحمت حق مطرود است، از رحمت حق مطرود است، زنی که شوهرش را آزار دهد و سعادت‌مند است، سعادت‌مند است، زنی که شوهرش را احترام کرده و او را آزار ندهد و در همه‌ی احوال و نیازهای او، وی را اطاعت کند.<sup>۳</sup>

لذا ناراحت کردن و آزار دادن همسر حرام و گناه بوده و شدیدترین عقوبت‌ها را به همراه خواهد داشت و البته اولین کسی که از این عمل زشت لطمه خواهد دید، خود زن خواهد بود. زندگی با صفا بر وی بسان جهنم تلخ می‌گردد، رحمت الهی را از خود دفع می‌کند و در قیامت نیز عذابی دردناک در انتظار عمل قبیح اوست. به این روایات توجه

<sup>۱</sup> - مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَتَرْضِيَهُ وَإِنْ صَامَتِ اللَّيْلَ وَقَامَتِ اللَّيْلَ وَأَخْتَقَتِ الرِّقَابَ وَأَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّ النَّارَ، ثُمَّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَالْعَذَابُ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا وَمَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ اعْطَاهُ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مَرَّةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَى بَلَائِهِ وَكَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ فَإِنْ مَاتَتْ قَبْلَ أَنْ تَعْقِبَهُ وَقَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا خُبِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْكَوسَةً مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَمَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ وَلَمْ تُوَافِقْهُ وَلَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ وَتَشَقَّتْ عَلَيْهِ وَحَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهَا حَسَنَةً تَتَّقَى بِهَا النَّارَ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۳۱۵.

<sup>۲</sup> - وَلَا شَفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْجَحَ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۴۵.

<sup>۳</sup> - مَلُوءَةٌ، مَلُوءَةٌ، امْرَأَةٌ تُؤَى زَوْجِهَا وَسَعِيدَةٌ، سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرَمُ زَوْجِهَا وَلَا تُؤِيهِ وَتُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۷.

کنید:

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: زنی که همسرش را آزار می دهد، خداوند نماز آن زن و نه هیچ عمل حسنه ای از او نمی پذیرد، مگر اینکه شوهرش را یاری و راضی نماید، هر چند تمام روزها را روزه بگیرد و شبها را نماز بخواند و بنده آزاد کند و اموال در راه خدا انفاق کند. و نیز اولین کسی است که وارد آتش می شود. البته مرد نیز اگر زن را اذیت کند و ظلم نماید همین وزر و عذاب را دارد.<sup>۱</sup>

## ۲- تمکین

تمکین یعنی اطاعت زن از شوهر در امور مربوط به زندگی مشترک اعم از روابط جنسی و سایر مسائل مربوط به خانواده.

در مقدمه این بحث گذشت که فرمانبری از هرکس برای انسانی که خدا او را آزاد آفریده است، قابل انکار نیست اما اگر برای زن این مهم حل شده باشد که همسرش خود اوست نه کس دیگر، اطاعت و فرمانبری از وی آسان می گردد و امر و نهی او را به جان می پذیرد. نگاه اسلام به زن و شوهر نگاهی به دو عنصر دور از هم نیست، اسلام آنان را یگانه می خواهد، یگانه در تصمیم گیری، یگانه در اجرا و یگانه در اطاعت از خدا.

آری! فرمانبری زن از شوهر، محیط امنی ایجاد می کند که خود زن از آن محیط امن بیشترین بهره را می برد. خاموش کردن غریزه جنسی شوهر موجب می شود شوهرش به غیر او چشم ندوزد، از خانه خارج نشدنش بدون اجازه شوهر، موجب می شود اعتماد شوهرش را به خود جلب کند و شوهر نیز به خطا نرود. اطاعت او از شوهر، موجب جلب محبت شوهر می شود و در نهایت در محیط خانه، زندگی آرمانی هم برای زن و هم برای مرد و هم فرزندان ایجاد می شود. این آثار مهم موجب شده است که قرآن کریم زن فرمانبردار را ستایش کند.

فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ<sup>۲</sup>

*زنان پاکدامن فرمانبردارند و اسرار همسران خود را نگه می دارند.  
اطاعت همه جانبه*

یکی از وظایف مهم زن که نقش محوری نسبت به سایر وظایف وی دارد، اطاعت همه جانبه اش از شوهر می باشد. اطاعتی از خود و برای خود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: مرد بر زن حقی دارد، وقتی وی را خواند جواب مثبت دهد، و وقتی وی را دستوری داد اطاعت کند و جواب منفی ندهد و با وی به مخالفت

<sup>۱</sup> - مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُوذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرَضِّيَهُ، وَإِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَقَامَتِ اللَّيْلَ وَ اعْتَقَتِ الرَّقَابَ وَ انْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ تَرَدُّ النَّارَ... وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرُ وَ الْعَذَابُ إِذَا كَانَ مُؤْذِيًا ظَالِمًا.

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

<sup>۲</sup> - نساء، ۳۴.

برنخیزد.<sup>۱</sup>

رسول خدا در این باره فرموده است: بر زن لازم است که به بهترین عطرش خود را خوشبو کند و بهترین لباس را بپوشد و به بهترین شیوه آرایش نماید و صبح و شام خود را بر شوهرش عرضه کند.<sup>۲</sup>

توجه زن به خواسته‌های جنسی مرد چنان ضروری است که هیچ چیزی حتی واجبات الهی نمی‌تواند مانع آن باشد، مگر اینکه وقت انجام عبادت واجب تنگ گردد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: جایز نیست زن بخوابد مگر اینکه خودش را به همسرش عرضه کند به این معنی که خویشتن را برهنه نماید و زیر لحاف او برود و بدنش را به بدن او بمالد، هرگاه چنین کرد خود را بر شوهر خود عرضه کرده است.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: زنی به حضور رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و گفت: حقّ مرد بر زن چیست؟ حضرت فرمودند: اگر او را خواست هرچند بر پالان شتر باشد، جواب مثبت دهد؛ چیزی بدون اجازه‌اش به کسی ندهد و اگر بدهد او وزر عملش را می‌بیند و شوهرش اجر آن؛ و هیچ شبی را صبح نکند در حالی که شوهرش از او ناراحت باشد. زن پرسید: هرچند ظالم باشد؟ حضرت فرمود: بلی.<sup>۴</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: زنی به حضور پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رسید و پرسید: حقّ مرد بر زن چیست؟ حضرت فرمودند: خیلی بیش‌تر از این حرف‌هاست. زن گفت: چیزی از آنها را بیان فرما. پیامبر فرمود: زن نبایست بدون اجازه‌ی شوهر روزه مستحیی بگیرد و نباید بدون اجازه‌ی او از خانه خارج شود و زن باید به بهترین عطرها خود را خوشبو کند و بهترین لباس را بپوشد و به بهترین زینتش خود را آرایش کند و

<sup>۱</sup> - إِنَّ لِلرَّجُلِ حَقًّا عَلَى امْرَأَتِهِ، إِذَا دَعَاها تُرْضِيهِ وَإِذَا أَمَرها لَا تَعْصِيهِ وَلَا تُجَاوِزُهُ بِالْجِلَافِ وَلَا تُخَالِفُهُ... مستدرک‌الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

<sup>۲</sup> - ... وَعَلَيْهَا أَنْ تُطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَرْتَبَّ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غَدُوَّةً وَعَشِيَّةً... فروع کافی، ج ۵، ص ۵۰۸.

<sup>۳</sup> - لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تَنَامُ حَتَّى تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَى زَوْجِهَا، تَخْلَعُ ثِيَابَهَا وَتَدْخُلُ مَعَهُ فِي لِحَافِهِ فَتَلْزُقُ جِلْدَهَا بِجِلْدِهِ فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ عَرَضَتْ. وسائل‌الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۲۶.

<sup>۴</sup> - أَتَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَقَالَتْ: مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ قَالَ: أَنْ تُجِيبَهُ إِلَى حَاجَتِهِ وَإِنْ كَانَتْ عَلَى قَسَبٍ وَلَا تُعْطَى شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَإِنْ فَعَلَتْ فَعَلَيْهَا الْوِزْرُ وَهُوَ الْأَجْرُ وَلَا تَبِيتَ لَيْلَةً وَهُوَ عَلَيْهَا سَاحِطٌ، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ ظَالِمًا؟ قَالَ: نَعَمْ. وسائل‌الشيعة، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

صبح و شام خود را بر او عرضه کند و البته حقوق مرد بر زن بیشتر از اینهاست.<sup>۱</sup> امام باقر علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای زن ها فرمودند: نماز های تان را برای اینکه مانع همبستری شوهرانتان شوید، طول ندهید.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: زنی برای برخی سوال ها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. حضرت فرمود: شاید تو از «متسوفات» هستی؟ زن گفت: یا رسول الله متسوفات کیانند؟ پیامبر فرمود: زنی است که شوهرش وی را می خواند و او دائماً معطل می کند تا اینکه شوهرش چرت می زند و به خواب می رود، این زن را ملائکه دائماً لعن می کنند تا اینکه شوهرش از خواب بیدار شود.<sup>۳</sup>

پس کنار گذاشتن حیا از شوهر که حیا جاهلانه نام گرفته است، لازم است. چراکه حیا دو گونه است. حیای عقل و حیای حُوق. حیای عقل همان حیا از خداوند متعال و ترک معاصی و انجام واجبات مانند حیا و عفت زنان در برابر نامحرمان است. حیای حُوق نیز مصادیقی دارد که از اقسام آنها حیای زن از شوهر خود می باشد. پرهیز از مقدمات همخوابی و بی توجهی به دیگر امور مستور زناشویی از این جمله اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: دو گونه حیا داریم. حیای عقل و حیای از روی جهالت و احمقی.<sup>۴</sup>

و نیز می فرماید: بهترین زنان شما زنی است: بچه زار، پرمحبت، باعفت، عزیز نزد خانواده اش، ذلیل نزد شوهرش، عیان کننده زینت نزد همسرش، محفوظ دارنده ی آن نزد بیگانگان، آنچنان زنی که سخن شوهرش را بشنود، وی را اطاعت کند و در خلوت هر چه خواست در اختیارش بگذارد و مانند مردان، سخاوتمندانه از اموال شوهر انفاق نکند.<sup>۵</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: بهترین زنان شما زنی است که در خلوت با شوهرش، لباس حیائش را در آورد و آنگاه که از او مخفی است، لباس حیاء و پاکدامنی و عفت

<sup>۱</sup> - جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال: أكثر من ذلك. قالت: فخيرني عن شيء منه، قال: ليس لها أن تصوم إلا بإذنه يعني تطوعاً ولا تخرج من بيتها بغير إذنه وعليها أن تطيب بأطيب طيبها وتلبس أحسن ثيابها وتزين بأحسن زينتها وتعرض نفسها عليه غدوة وعشيّة وأكثر من ذلك حقوقه عليها. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

<sup>۲</sup> - لا تطولن صلواتكن لتسمنن أزواجكن. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

<sup>۳</sup> - المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه، حتى ينس زوجها فينام، فتلك التي لا تزال الملائكة يلغنها حتى يستيقظ زوجها. فروع كافي، ج ۵، ص ۵۰۸.

<sup>۴</sup> - الحياء حياءان، حياء عقل و حياء حوق. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۴۹.

<sup>۵</sup> - إن خير نسايتكم أولود، الودود، العفيفة، العزيزة في أهلها، الذليلة مع بعلها المترجعة مع زوجها، الحصان على غيره، التي تسمع قوله، وتطيع أمره، وإذا خلاها بدلت له ما يريد منها، ولم تبدل كبدل الرجل. وسائل الشريعة، ج ۱۴، ص ۱۴.

بیوشد.<sup>۱</sup>

نشوز

نشوز به معنای بالا طلبی، برتری جویی، عصیان، امتناع کردن، ناسازگاری کردن، دشمنی نمودن و بر زمین زدن طرف مقابل آمده است.

مرحوم صاحب جواهر می‌گوید برداشت از کتب لغوی چون صحاح و قاموس و مجمع البحرین این است که نشوز زن یعنی نافرمانی کردن و کینه شوهر به دل گرفتن و نشوز مرد یعنی زدن و ستم کردن به زن.<sup>۲</sup>

مصباح المنیر نیز نشوز زن را عصیان و امتناع کردن زن از مرد و نشوز مرد را ترک کردن و ستم روا داشتن مرد به زن می‌داند.<sup>۳</sup>

مجمع البحرین نیز نشوز زن را نافرمانی از مرد و کینه مرد را به دل گرفتن و نشوز مرد را زدن و ستم کردن به زن دانسته است.<sup>۴</sup>

نهایه نیز نشوز زن را نافرمانی و خروج از اطاعت مرد و نشوز مرد را ستم کردن و ضرر رساندن و زشت شمردن زن و نیز بد دانستن مصاحبت با زن دانسته است.<sup>۵</sup> در مفردات راغب، نشوز به معنای بغض زن نسبت به مرد و عدم اطاعت معنا شده است.<sup>۶</sup>

به هر حال مردی که وظایف بایسته‌ی خود را انجام ندهد، به حقوق زن تعدی کند، بر او دست بلند نماید، مصاحبت با او را مکروه بداند، یا وی را ترک گوید، ناشز است و زنی که حقوق بایسته خویش را انجام ندهد، شوهرش را از آمیزش جنسی باز دارد، او را نافرمانی کند، کینه او را به دل گیرد ناشزه است.

### ۳- حفظ عفت و صیانت نفس

از بایسته‌های مهم زن، حفظ حجاب و عفت و پوشش مناسب در برخورد با غیر محارم است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِرِزْوَانِكُمْ أَتَىٰ قُلُوبِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ

<sup>۱</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمْ، الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَّتْ لَهُ دِرْعُ الْحَيَاءِ وَإِذَا لَبَسَتْ لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعُ الْحَيَاءِ. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

<sup>۲</sup> - جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۲۰۱.

<sup>۳</sup> - مصباح المنیر، ذیل واژه.

<sup>۴</sup> - مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۸.

<sup>۵</sup> - نهایه ابن اثیر، ج ۵، ص ۵۶.

<sup>۶</sup> - مفردات راغب، ص ۵۱۴.

يُعرفنَ فلا يُؤذِنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً.<sup>۱</sup>

ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو: روسری های بلند خود را بر رو افکنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است.

رسول خدا در مورد حفظ نگاه زن از نامحرم می فرماید: غضب خداوند بر زنی که چشم خود را از دیدن غیر شوهر خود و هر نامحرمی پرکند شدید است، اگر چنین کند خداوند تمام اعمال نیک وی را نابود می کند.<sup>۲</sup>

نیز پوشیدن لباس شهرت، یعنی لباسی که بدان افتخار شود و مایه برتری نسبت به دیگران به حساب آید و موجب جلب توجه بینندگان گردد، چه بر مرد و چه بر زن حرام است.

پیامبر مکرم نهی فرمود از اینکه زن هنگام خروج از منزل، لباس شهرت بپوشد، یا به چیزی صدادار خود را زینت دهد.<sup>۳</sup>

تزیین برای غیر که نشان دهنده بی توجهی یا کم توجهی زن به همسر خود است، نیز ممنوع می باشد زیرا جمال زن متعلق به همسر خود است و آرایش برای دیگران میزان این اختصاص را می کاهد.

امام باقر از پدرانش علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از اینکه زن خود را برای غیر شوهرش بیاراید و زینت کند و اگر چنین کند سزاوار است خداوند او را با آتش بسوزاند.<sup>۴</sup>

استفاده خانمها از عطر در بیرون منزل به خاطر همین تبعات منفی ممنوع شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هر زنی که برای غیر شوهر خود عطر بزند، نماز وی را خداوند نمی پذیرد مگر اینکه مانند غسل جنابت غسل کند.<sup>۵</sup>

نهی از چشم دوختن به نامحرم زن نباید همواره به مردان چشم بدوزد، آنکه به شوهر خویش عشق می ورزد، هرگز نیابست قطره ای از عشق و توجه خود را به غیر او معطوف دارد.

<sup>۱</sup> - احزاب، ۵۹.

<sup>۲</sup> - اِسْتَدَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَى الْمَرْثَةِ ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مُحْرَمٍ مِنْهَا فَأَنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

<sup>۳</sup> - نَهَى أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْثَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْباً مَشْهُوراً أَوْ تَتَحَلَّى بِمَا لَهُ صَوْتٌ يُسْمَعُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

<sup>۴</sup> - نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَتَزَيَّنَ لِعَيْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخْرِقَهَا بِالنَّارِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

<sup>۵</sup> - وَ أَيْمًا إِمْرَأَةً تَطَيَّبَ لِعَيْنِ زَوْجِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَلَاةً حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۳.

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نهی فرمودند از اینکه زنان به مردان بنگرند.<sup>۱</sup> آن حضرت می فرماید: غضب و خشم خداوند شدید است بر زن شوهرداری که چشم به غیر شوهر خود و غیر محارم خویش می دوزد، زن اگر چنین عملی را انجام دهد، خداوند تمام اعمال انجام داده اش را نابود می کند و اگر شرایط نزدیکی و همجواری دیگری را با خودش فراهم کند سزاوار است خداوند بعد از آنکه در قبر عذابش کند در آتش قیامت بسوزاند.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام می فرماید: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، آن حضرت به اصحاب فرمودند: مرا خبر دهید که چه چیزی برای زنان بهتر است؟ همه می ما از پاسخ به این پرسش عاجز بودیم، تا اینکه متفرق شدیم من نزد حضرت صدیقه طاهره علیها السلام آمدم و ایشان را از آنچه گذشت خبر دادم و گفتم: هیچ کدام از ما نمی دانستیم و جواب پرسش را آگاه نبودیم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: ولی من می دانم، بهترین چیز برای زن این است که مردان را نبیند و مردان نیز او را نبینند.<sup>۳</sup> من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: از ما چنین سؤال کردید و جوابش چنین است. حضرت فرمودند: چه کسی تو را از این جواب باخبر ساخته است؟ تو که نزد من بودی و نمی دانستی، گفتم: زهرا علیها السلام مرا خبر داد، حضرت از دانش دخترش در شگفت شد و فرمود: فاطمه پاره تن من است.<sup>۴</sup>

امام صادق از پدرش علیها السلام نقل می کند: حضرت زهرا علیها السلام از مرد کوری که اجازه گرفته بود و سرزده وارد نشده بود، خود را پوشانید و مخفی شد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: او که تو را نمی بیند، چرا خود را مخفی کردی؟ در پاسخ فرمود: اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم، علاوه اینکه او بو را احساس می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی.<sup>۵</sup>

منع دوستی دو نامحرم  
آری! اعتماد بی جای زن به نامحرم، موجب می شود به گمان تسخیر قلب وی به

<sup>۱</sup> - أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الرِّجَالِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹.

<sup>۲</sup> - اسْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلِ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا، فَأَنَّمَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَخْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كُلَّ عَمَلٍ عَمَلْتُهُ، فَإِنْ أَوْطَأَتْ فَرَأَسَهُ غَيْرُهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

<sup>۳</sup> - فَقَالَتْ وَلَكِنِّي أَعْرِفُهُ، خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ.

<sup>۴</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳.

<sup>۵</sup> - يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ وَهُوَ يَتِيمٌ رِيحٌ.

<sup>۶</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹.

صورت عروسك خیمه شببازی درآید و خود را در اختیار او قرار دهد و وی را از لذت‌های خود متنعم کند. او با خیانتی که مرتکب شده و خدائی که از خود ناخشنود ساخته، تنها امیدش آن مرد است تا بلکه محبتش را از وی دریغ نکند. اما آن بلهوس، که عشق دروغینش با وصال مرده‌است، راهش را کج می‌کند و دامی دیگر برای لذتش می‌گسترد. بی‌شک بازنده‌ی اصلی این ارتباط زن است؛ رهاپش کنند، او می‌ماند حسرتی ماندگار! با او باشند، برده‌ای بیش نیست چه اینکه مرد او مرد خیانت است و با او بودنش حاصل خیانت بوده است.

چندین چراغ دارد و بی‌راهه می‌رودبگذار تا بیفتد و ببیند سزای کار آری! کم نیستند دخترانی که از دوستی دختر و پسر می‌پرسند و با لطائف‌الحیل در پی پاسخی مثبت، آسمان به ریسمان می‌یابند. این است نتیجه شوم آن ارتباط.

خواهرم تو را به خدا دقت کن! اسلام آزادی تو را با رعایت حریم و حجاب و... سلب نکرده است، دین می‌خواهد تو خود را در شرایطی قرار ندهی که آزادی خود را در انتخاب راه صحیح از خود سلب کنی.

پس به نگاه و وعده‌های به ظاهر عاشقانه آن پسرک بی‌حیا بی‌توجه باش. او اگر قصد ازدواج سالمی داشت، باید با تعلیمات پدر و مادر و معلم خیرخواهش، می‌فهمید که رسوم دینی خاطرخواهیش را رعایت کند.

سر چشمه شاید گرفتن به بیلچو پر شد نشاید گذشتن به پیل ۴- خارج نشدن بی‌اجازه از منزل یکی از حقوق شوهر بر زن این است که بی‌اجازه وی از منزل خارج نشود چه اینکه خروج بی‌خبر علاوه بر زایل نمودن این حق، امکان آلوده شدن او را به معاصی آسان‌تر می‌کند.

پیامبر مکرم نهی فرمود از اینکه زن بدون اذن شوهر از منزل خارج شود، اگر چنین کند تمام فرشتگان آسمان و هر آنچه وی در زمین بر آن می‌گذرد از انسان‌ها و جنیان تا هنگام بازگشتنش او را لعن می‌کنند.<sup>۱</sup>

همچنین می‌فرماید: هر زنی بدون اجازه همسر از منزلش خارج شود، هرآنچه خورشید و ماه بر آن بتابد، او را لعن کنند تا اینکه شوهرش از او راضی شود.<sup>۲</sup>

نیز فرمودند: هر زنی عطر زند و خود را خوشبو کند و از منزل خارج گردد، او مطرود از رحمت خداوند است مادامی که به منزل برگردد، هر قدر طول بکشد و تا هر زمان که برگردد.<sup>۳</sup>

۱- وَ نَهَى أَنْ تُخْرَجَ الْمَرْثَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا، فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ مِمَّا تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵ و ۱۵۴.

۲- أَيْمَا امْرَأَةٍ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ، لَعَنَهَا كُلُّ شَيْءٍ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، إِلَى أَنْ يَرْضَى عَنْهَا زَوْجُهَا. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۸.

۳- أَيْ امْرَأَةً تَطَيَّبَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلْعَنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مردی از انصار برای برخی از کارهایش از منزل خارج و به سفر رفت. او از زنش عهد گرفته بود که تا برگشت وی از خانه خارج نشود. پدر زن مریض شد و زن می‌خواست در بالین پدرش باشد، ولی نمی‌دانست با عهد همسرش چه کند؟ کسی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد تا از او اجازه خواهد و نزد پدرش به عیادت او رود. حضرت اجازه نداد و فرمود: در خانه‌ات بنشین و همسرت را اطاعت کن. حال پدر بدتر شد و زن به شدت دوست داشت نزد پدر باشد و به همین خاطر برای دومین بار کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد تا بلکه از او اجازه بگیرد. ولی حضرت فرمودند: در خانه‌ات بنشین و شوهرت را اطاعت کن. پدر مرد و زن نزد حضرت فرستاد و به او خبر داد پدرم از دنیا رفته، مرا اجازه ده تا بر او نماز بگذارم. حضرت باز هم همان پاسخ را تکرار فرمود: و زن مؤمنه همانند دو مورد سابق پذیرفت و از خانه‌اش خارج نشد تا اینکه پدر را دفن کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله قاصدی را نزد زن فرستاد و به او فرمود: خداوند به خاطر اطاعت تو از شوهرت، تو و پدرت را آمرزید.<sup>۱</sup>

منزل امن‌ترین مکان

منزل برای زن امن‌ترین مکان برای حفظ عفت اوست و بیشتر مفاسد هر چند ممکن است در منزل صورت گیرند اما از بیرون منزل ناشی شده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: از خداوند بترسید در مورد زنان که آنان خود را به خستگی و اداشته و ناآگاهند و نیز مایه عفت انسانند و شما امانات الهی را نزد خود حلال شمرده‌اید و آنان نزد شما آسرایند، پس خستگی و مشاجره و جهل آنان را با سکوت درمان کنید و دفع نمایید و عیوب آنان را با خانه‌ها بپوشانید.<sup>۲</sup>

یونس بن یعقوب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زنان در عید فطر و اضحی و روز جمعه برای اقامه نماز خارج شوند؟ حضرت فرمودند: خیر، مگر پیرزنان.<sup>۳</sup>

صرف وقت در خانه به آموزش دین، فراگیری سوره نور، نخ ریسی و انجام کارهای جاری منزل و مخصوصا پرورش و تربیت فرزندان از اساسی‌ترین کارهای زن است. زن باید بداند انجام این امور بر وی واجب شرعی نیست، بلکه از محسنات زندگی او و عامل تداوم و بقاء آن می‌باشد. و البته همسر وی در مقابل این احسان‌های بزرگ باید بر وی ارج نهد و زحماتش را شاکر باشد.

زحماتی چون تربیت فرزندان که از دست هیچ‌کس دیگر بر نمی‌آید. البته شاید زن برای به انجام رسانیدن برخی امور بایسته و شایسته‌ی خود، محتاج به

<sup>۱</sup> - إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَلَا يَبُكِي بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۵.

<sup>۲</sup> - اتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّهُنَّ عَى وَعَوْرَةٌ وَأَنْكُمُ اسْتَحْلِلْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَهُنَّ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ فَادْرُؤُوا فَادْرُؤُوا عَنَّهُنَّ بِالسُّكُوتِ وَوَارُوا عَوْرَاتِهِنَّ بِالْبَيُوتِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲.

<sup>۳</sup> - لا، إِلَّا امْرَأَةٌ مُسِنَّةٌ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۷.

خروج از منزل شود. اسلام برای مصونیت او خروجش را جایز و منوط به اجازه مرد نموده است تا او که بیش‌تر با اجتماع بیرون از منزل در ارتباط است، تدبیری عاقلانه برای حفظ عفت همسر خود برگزیند. علاوه اینکه به کسب اجازه همسرش از وی آرامش یابد و اعتماد خود را نسبت به وی از دست ندهد. بنابراین آنچه گفتیم ممنوعیت کامل از خروج زن از خانه مورد نظر دین نیست و روایات تنها خارج شدن را ممنوع کرده‌اند که بدون اجازه شوهر باشد. طبعاً اگر زن از خانه به قصد گناه خارج شود، اجازه همسر روا نبوده و آن خود معصیتی مضاعف است. امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: هرآنکه اطاعت زن کند خداوند با صورت وی را در آتش اندازد. گفته شد: مراد چه نوع اطاعتی است؟ حضرت فرمودند: از مرد می‌خواهد به حمام و مجالس عروسی و جشن و عزا برود و در این حال لباس نازک بپوشد.<sup>۱</sup>

#### ۵- شکر نعمت

شکر نعمات الهی بر هر کسی واجب است. موهبت وجود شوهری که مکمل زندگی زن شود، و او را از گناه و معاصی باز دارد، نعمتی بزرگ است و وظیفه‌ی زن این است که برای این نعمت و نیز زحماتی که همسرش برای او متحمل می‌شود، شاکر باشد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: بهترین زن‌های شما آنانند که اگر به آنان چیزی عطا شود شکر می‌گذارند و اگر از آن عطاها منع شوند راضی می‌باشند.<sup>۲</sup> و بدترین زنان آنانند که نیکی‌های شوهر را فراموش کنند و همواره بدی‌ها را در نظر داشته‌باشند.

هر زنی به شوهر خود بگوید هیچ‌گاه از تو خیری ندیده‌ام، اعمال نیکش نابود می‌شود.<sup>۳</sup>

#### ۶- توقعات متعادل

این تصور که هرچه دیگران از آن برخوردارند، من نیز باید داشته باشم، نگاهی اشتباه و موجب بسیاری از بیماری‌های روانی است. حاصل این نگاه غلط، صبری حسرت‌آور و یا دست یازیدن به برخی از لغزش‌ها برای رسیدن به آن خواسته‌است. پیامبر خدا فرموده‌اند: از زن‌ها آن کسی برکتش بیشتر است که خرج او کم باشد.<sup>۴</sup> امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: از برکات زن، کم خرج بودن او و آسانی وضع حمل و بچه‌زایی اوست و از شومی وی هزینه‌ی سنگین و سختی و شدت در حمل و زاییدن

<sup>۱</sup> - مَنْ أَطَاعَ امْرَأَةً أَكَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ قِيلَ: وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ؟ قَالَ: تَطَلَّبُ إِلَيْهِ الذَّهَابُ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالْعِيدَاتِ وَالتَّايِحَاتِ التَّبَاحَاتِ وَالتِّيَابِ الرَّفَاقِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۳۰.

<sup>۲</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ وَإِنْ مُنِعَتْ رَضِيََتْ. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۹.

<sup>۳</sup> - أَيُّمَا امْرَأَةٍ قَالَتْ لِرَوْجِهَا مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهٍ خَيْرًا فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

<sup>۴</sup> - أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَهً أَيْسَرُهُنَّ مَوْتُهُنَّ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

اوست.<sup>۱</sup>

#### ۷- پرهیز از غیرت‌ورزی

غیرت زنان از حبّ و عشق‌شان به همسر خود ناشی می‌شود. آنان چون شوهرشان را دوست دارند، نمی‌خواهند محبت آنان از کسی دیگر باشد.<sup>۲</sup> اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: زن غیرت می‌ورزد و شوهر خود را آزار می‌دهد؟ حضرت فرمود: این از حبّ و عشق زن به شوهر خود است. اما به هر حال آشکار شدن این غیرت ورزی، مجاز نیست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌می‌فرماید: خداوند جهاد را بر مردان امّت و غیرت را بر زنان امّت واجب گردانیده است، پس اگر زنان صبر پیشه کنند و خود را نگه دارند، خداوند اجر شهید به آنان عطا می‌فرماید.<sup>۳</sup>

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: در آنچه خدا حلال کرده است، غیرت نیست.<sup>۴</sup> زن نباید از روی هوی و هوس و نیز خودبینی، و بدون توجه به کاستی‌های خود، همسرش را که به خاطر کمک به دیگران و یا رفع نیاز بالای جنسی خویش، از ازدواج دیگر به طور دائم یا موقت، منع کند.

#### ۸- میان‌روی در معیشت

افراط در معیشت اقتصادی، عامل تباهی زندگی انسان است و قناعت موجب تقویت نفس انسانی و اصلاح زندگی می‌شود. حضرت امیر می‌فرمایند: هرگاه میل به اصلاح نفس خود داشتی، به میان‌روی و قناعت و کم‌چیزی، روی آور. و نیز فرموده‌اند: قناعت بهترین یاور برای اصلاح نفس است.<sup>۵</sup> همچنین قناعت مانعی بزرگ بر سر راه فقر است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: برای کسی که در مصرف میانه روی کند، ضامن می‌شوم که فقیر نگردد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - مِنْ بَرَكَةِ الْمَرْأَةِ خَفَةُ مَوْتِهَا وَتَبَسُّرُ وَلَدِهَا وَمِنْ شَوْمِهَا شِدَّةُ مَوْتِهَا وَتَعْسِيرُ وَلَدِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۷۸.

<sup>۲</sup> - ذَاكَ مِنَ الْحُبِّ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

<sup>۳</sup> - كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى رِجَالِ أُمَّتِي وَالْعَفْوَ عَلَى نِسَاءِ أُمَّتِي فَمَنْ صَبَرَ مِنْهُنَّ وَأَخْتَسَبَ أَعْطَاهَا اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۶.

<sup>۴</sup> - لَا غَيْرَةَ فِي الْحَالِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۷.

<sup>۵</sup> - إِذَا رَغِبْتَ فِي صَلَاحِ نَفْسِكَ فَعَلَيْكَ بِالْاِقْتِصَادِ وَالْقُنُوعِ وَالْقَلِيلِ. غررالحکم.

<sup>۶</sup> - أَعُونَ شَيْءٌ عَلَى صَلَاحِ النَّفْسِ الْقَنَاعَةُ. غررالحکم.

<sup>۷</sup> - ضَمِنْتُ لِمَنْ اِقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ. اصول کافی، ج ۴، ص ۳۱۵.

امام صادق علیه السلام از قول پدر مکرّمشان می فرماید: به بنده، فایده‌ای بالاتر از این نرسیده است که زنی صالحه داشته باشد، وقتی به وی نگاه کند او را خوشحال نماید و وقتی غایب باشد خود و اموال شوهرش را حفظ کند.<sup>۱</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: مرد، مراقب اهل بیت خود است و هر مراقبی در مورد رعیتش از او سؤال می شود، زن نیز مراقب مال شوهر بوده و از همان، مورد بازخواست قرار می گیرد.<sup>۲</sup>

### جهیزیه

منزل به لوازم زندگی احتیاج دارد، چه کار نیکی است که دختر و پسر در آغاز زندگی دغدغه‌ی وسایل زندگی نداشته باشند. تهیه این وسایل نیز از سوی خانواده دختر و دختر که مدیر منزل خواهد شد کار نیک تری است. آری بذل و لطف خانواده دختر به تهیه ابزار زندگی دخترشان کاری پسندیده است. اما آیا آنچه امروزه به نام جهاز رواج یافته صحیح است؟

مطابق شریعت اسلام، پسری، دختری را می پسندد و او را به عنوان شریک زندگی خویش بر می گزیند. دختر ندای پسر را پاسخ مثبت می دهد و پسر نیز به فراخور حال خود چیزی نثار پاسخ مثبت همسرش می کند.

این دو برای زندگی مشترک خود محتاج به ابزار و وسایلی هستند، تهیه این ابزار با کیست؟

سه راه برای تهیه این وسایل قابل طرح است. راه اول آنکه مرد خود ابزار زندگی را فراهم کند. ابزار زندگی چون سایر مخارج زندگی، نفقه محسوب می شود و نفقه بر عهده مرد است.

راه دوم آنکه زن از مهریه خویش اقدام به تهیه ابزار زندگی نماید. این راه همان شیوه‌ای است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در زندگی حضرت زهرا علیها السلام و همسرش پیش گرفتند.<sup>۳</sup>

راه سوم اینکه زن از اموال خود یا پدر و مادر خویش اقدام به تهیه وسایل زندگی نماید.

<sup>۱</sup> - ما أفادَ عَبْدُ فَائِدَةَ خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ، وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۲ و ۷.

<sup>۲</sup> - الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ كُلُّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى مَالِ زَوْجِهَا وَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

<sup>۳</sup> - صورت این جهیزیه که با بخشی از بهای زره امام علیه السلام خریداری شد عبارت است از:

پیراهن سفید یک عدد، روسری بزرگ یک عدد، حله سیاه خبیری یک عدد، تشک کتانی دو عدد، تخت از پوست خرما یک عدد، بالش چهار عدد، حصیر یک عدد، آسیای دستی یک عدد، کاسه‌ی مسی یک عدد، مشک چرمی یک عدد، طشت لباس شویی یک عدد، کاسه شیر یک عدد، ظرف آبخوری یک عدد، برده ابریشمی یک تخته، آفتابه یک عدد، سیوی گلی یک عدد، پوست زیرانداز یک عدد، کوزه سفالین دو عدد، عبا یک عدد.

طبعاً این راه منوط به رضایت دختر و و پدر و مادر وی است چه اینکه دین اسلام هرگز چنین چیزی را بر آنان واجب ننموده است. و اگر آنان راضی به آن نباشند، تصرف در آن اموال صحیح نیست.

اکنون متأسفانه به جای دو شیوه صحیح اول، شیوه سوم مرسوم شده است و چنانچه دیدیم این شیوه، کاملاً تبرعی و از باب احسان و فضل والدین دختر صورت می‌گیرد، پس:

- ۱- الزامی نمودن این کار که حتماً جهیزیه باید از سوی دختر فراهم شود دینی نیست.
- ۲- چشمداشت پسر و خانواده او به جهیزیه دختر دینی نیست.
- ۳- ایراد از کیفیت و کمیت جهیزیه از سوی پسر و خانواده او دینی نیست. علاوه بر آنچه گفته شد، بر شیوه تهیه جهیزیه‌ای که امروزه متداول شده است، اشکالات بسیار دیگری قابل طرح است و از جمله آنها:
  - ۱- تهیه وسایلی که گاه در طول عمر به‌کار نمی‌آید، این عمل جدای از اسراف، موجب بلوکه شدن ثروت در جایی که اساساً مورد نیاز نیست، شده و تبعات اقتصادی منفی خاص خود را به دنبال دارد.
  - ۲- استقرار و احیانا گرفتن پول نزول برای تهیه جهیزیه و هرگونه زحمت دیگر متأسفانه آثار مخرب جسمی و روحی، بر خانواده گذاشته و دختر و پسر هم از تبعات منفی استفاده از مال ربوی بی‌نصیب نمی‌مانند.
  - ۳- چشم و هم چشمی، به خاطر خرید کالاهای بیش‌تر و مرغوب‌تر، افزایش می‌یابد.
  - ۴- حس بدبینی و کشمکش خانوادگی در آغاز زندگی از دیگر آثار جهیزیه‌ی امروزی است.
  - ۵- آثار وضعی منفی مجموعه‌ی این خطاها و لغزش‌ها در زندگی زن و شوهر قابل انکار نیست.

و...

پس ای دختر و پسر با ایمان، چرا دستورات دینی را که برای صلح و صفای زندگی تو وضع شده، کنار گذاشته‌ای و خود را به دامی ناپاک و شیطانی سپرده‌ای که جز نابودی الفت شما به چیزی نمی‌اندیشد؟ چرا؟

## روایت حواء

روایت «حولاء» دارای مضامین عالی تربیتی در بخش تربیت خانواده و امور زناشویی است. توجه به این روایت دیدگاه اسلام را در خصوص مسائل زناشویی و اهمیت مودت و محبت دو همسر بیان می‌کند.

«حولاء که نام اصلی وی زینب است، عطر فروش بود. وی به خانه پیامبر و همسران ایشان رفت و آمد داشت، و به آنان عطر می‌فروخت، روزی همسرش او را خواند ولی وی ایبا کرد؛ تا اینکه شب شد و شوهر از دستش همچنان ناراحت بود، وقتی عازم مسجد شد تا نماز بگذارد، حولاء به دنبالش رفت ولی او روی برگرداند. به سویش رفت و دست راست و سر او را بوسید، ولی شوهر همچنان محبت او را نمی‌پذیرفت. حولاء فهمید که او به شدت از وی عصبانی است، به رخسار می‌زد و خاک به صورت می‌ریخت و به شدت و بلند بلند و زار زار می‌گریست و از ترس خدای جهانیان و اضطراب از آتش جهنم و روزی که میزان‌ها برپا و نامه‌ها باز می‌شود و ترس از عذاب مالک قیامت، می‌لرزید.

او سپس جعبه آرایش و عطرها را آورد و خویش را معطر ساخت و پاکیزه نمود و چنان کرد که عروس در شب زفاف می‌کند، سپس رختخواب را پهن نمود و زیر لحاف خود را بر همسرش عرضه نمود ولی شوهر همچنان از او روی برمی‌گرداند، او دیگر بار به سویش آمد تا بلکه قبولش کند ولی شوهر باز صورتش را از وی برگردانید، حولاء چون وضعیت را چنین دید، سیلی به صورت خود نواخت و با صدای بلند گریه سر داد. او از خدا می‌ترسید و از عذاب قیامت اضطراب داشت و از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هایند، به شدت بی‌تاب بود و آن شب را لحظه‌ای به خواب نرفت و البته شبی طولانی‌تر از روز قیامت برای او بود، چون شوهر خود را خشمگین از خود دید و مقصر در ادای حق او می‌شناخت.

صبح که شد، نماز خویش اقامه نمود، پوشیه (مقنعه) بر صورت زد، عبایش را بر سر افکند و راهی منزل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله شد. چون رسید بدین شیوه سلام کرد: سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، ای معدن علم و رسالت، ای مکان ورود و خروج فرشتگان، آیا اجازه می‌فرمایید بر شما وارد شوم، خدای شما را رحمت فرستد؟

ام‌سلمه زوجه مکرمه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله صدایش را شنید و او را شناخت، به کنیزش گفت برو و در را باز کن، کنیز در را باز کرد و حولاء وارد شد، ام‌سلمه گفت: چه شده است و در چه حالی؟ و البته حولاء بهترین زمانه‌ی خود بود، او پاسخ داد، بی‌بی از خداوند عالمیان خائفم، شوهرم بر من خشم گرفته و می‌ترسم من هم به کینه‌ی او دچار شوم و از او خشم گیرم. ام سلمه گفت: بنشین، عصبانی مشو تا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بیاید. حولاء نشست و با ام‌سلمه شروع به گفتگو نمود و در این اثنا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شدند و فرمودند: حولاء را نزد شما می‌بینم آیا به شما از عطرهاش نداده است؟ ام‌سلمه عرض کرد: نه به خدا ای پیامبر، خدا به تو و اهل بیت طاهر تو درود فرستد او آمده از حق همسرش بر وی سؤال کند و سپس داستان را برای ایشان بازگفت و حضرت در جواب و در بیان حقوق شوهر فرمودند:

۱- ای حولاء! هیچ زنی نیست که به خشم به شوهرش نگاه کند مگر اینکه به خاکستری از آتش جهنم سر مه کشیده شود.

- ۲- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، زنی نیست که حرف شوهرش را برگرداند مگر اینکه در روز قیامت به زبانش آویزان می‌شود و با میخ‌های آهنی کوبیده می‌گردد.
- ۳- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت برانگیخت، زنی نیست که دست دراز کند و بخواهد موی سر شوهرش را بکشد یا پیراهنش را پاره کند مگر اینکه خداوند دودستش را با میخ آهنی می‌کوبد.
- ۴- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت برانگیخت، زنی نیست که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود و در عروسی یا مجلس عزا و تشییع جنازه‌ای شرکت کند مگر اینکه خداوند چهل لعنت از راست و چهل لعنت از چپ بر او نازل کرده و لعنت بر او از پشت سرفرستاده تا وی را دربرگیرد، تا اینکه در لعنت خداوند از سر تا به پا غرق می‌شود و خدای متعال به قدر هر قدمی که بر می‌دارد چهل گناه تا چهل سال می‌نویسد و اگر چهل سال برسد، آن گناهان به تعداد کسانی که صدایش را شنیده‌اند بر او نوشته می‌شود، سپس هیچ دعایی از او مستجاب نمی‌شود مگر اینکه شوهرش به مقدار نفرینی که بر او فرستاده، به همان تعداد برایش از خداوند طلب غفران کند و الا این لعنت با این گستره تا مرگ وی و برانگیختنش ادامه دارد.
- ۵- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برگزیده، زنی نیست که بی‌اذن همسر، نمازش را بیرون از خانه بخواند مگر اینکه روز قیامت با همان نماز می‌آید و آن به صورتش زده می‌شود، سپس دستور می‌یابد که وارد آتش شود، پس او چون ماهی از هم پاشیده و چون گوشت در آتش جهنم قطعه قطعه می‌شود.
- ۶- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برگزیده، هیچ زن شوهرداری نیست که تنها در صحرا باشد و یا در آب رودخانه‌ای برهنه بوده باشد مگر اینکه خداوند در قیامت او را به یکی از صحراهای جهنم پرتاب نماید و او آتش بزرگی را شعله‌ور کند و آن زن در آن آتش چون موج بلندی بایستد همانند ایستادن ماهی وقتی که در آتش افکنده شود.
- ۷- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت و رسالت برانگیخته است، زنی نیست که مهر را بر شوهر سنگین کند مگر اینکه خداوند زنجیرهایی از آتش جهنم را بر او سنگین سازد.
- ۸- ای حولاء! به حق کسی که مرا به نبوت و رسالت مبعوث کرده است، زنی نیست که مهرش را بر شوهرش تا روز قیامت به تأخیر اندازد و نگیرد و آن روز مطالبه کند مگر اینکه خداوند رسوایی دنیا را به او خواهد چشاند و البته عذاب قیامت بزرگتر است اگر می‌دانستند.
- ۹- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، زنی نیست که بی‌اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد (البته نه واجبات ماه مبارک رمضان و یا هر آنچه به نذر و عهد و قسم مشروع واجب شده است). مگر اینکه از جمله گناهکاران است.
- ۱۰- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت و رسالت برانگیخت، سزاوار نیست زن از اموال شوهرش بدون اذن او صدقه دهد که اگر چنین کند ثوابش از آن مرد و گنااهش و وزر و وبالش بر عهده زن است.

- ۱۱- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، جانشین پروردگار متعال برزن، مرد است پس اگر مرد از زن راضی باشد، خدا از او راضی است و اگر مرد از زنش ناخشنود باشد و بر او کینه داشته باشد، خداوند بر او خشمگین است و او مغضوب خدا و فرشتگان اوست.
- ۱۲- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت و هدایت کننده و هدایت شونده برانگیخت، اگر شوهر بر زن خشم گیرد خداوند بر او خشم گرفته است و او در قیامت سرازیر محسور شود و با صورت به نهایت جهنم و قعر آن با منافقین در پائین ترین درکات آتش انداخته می شود و خداوند مارها و عقربها و افعیها از کوچک و بزرگشان بر او مسلط کرده و آنها گوشتنش را می گزند و البته هر ماری چون درخت و کوههای ثابت بر او باشند.
- ۱۳- ای حولاء! هیچ زنی نیست که نمازش را بگذارد و ملازم خانه اش باشد و همسرش را اطاعت کند مگر اینکه خداوند گناهان گذشته و آینده او را ببخشد.
- ۱۴- ای حولاء! جایز نیست زن بیش از حد توان مرد بر او تحمیل کند و جایز نیست شکوهی همسرش را نزد احدی از خلائق چه دور یا نزدیک ببرد.
- ۱۵- ای حولاء! واجب است زن بر ضرر و نفع شوهرش و بر تنگدستی و گشاده دستی او صبر کند، همانطور که همسر ایوب علیه السلام بر او صبر کرد، این زن هجده سال بر او صبر کرد، او را بردوش خود حمل می کرد و خودش گندمها را آرد می نمود و لباسها را شستشو می داد، نان برای همسرش می آورد، خدای را سپاس می گفت، او را در پارچه می پیچاند و بر روی دوشش حمل می کرد و همه را به خاطر شفقت و احسان و تقرب به سوی خدا انجام می داد.
- ۱۶- ای حولاء! به کسی که مرا بحق به نبوت و رسالت برانگیخت هر زنی در سختی و راحتی بر شوهرش صبر کند و مطیع او و اوامرش باشد، خداوند او را با همسر ایوب علیه السلام محسور کند.
- ۱۷- ای حولاء! زینت خود را برای غیر همسرت آشکار منما، زیرا جایز نیست زن مچ و قدم خود را برای غیر شوهرش از مردان آشکار نماید. که اگر چنین کند دائما در لعنت خدا و خشم اوست، خدا بر او خشم گیرد و فرشتگانش او را لعن کنند و برای او عذاب دردناک مهیا نمایند.
- ۱۸- ای حولاء! بدان هر زنی داخل حمام عمومی شود، ابلیس ملعون دستش را بر عورتش می گذارد و او را در اختیار خود قرار می دهد تا اینکه از حمام خارج شود زیرا حمام خانه ای از خانه های جهنم و از خانه های کفار و شیاطین است. (احتمال هر معصیتی در آنجا و در بین میسر وجود دارد).
- ۱۹- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخت، مرد حقوقی بر زن دارد و از آن جمله اگر او را خواند راضی اش کند، و اگر به چیزی فرمانش داد، سرکشی نکند، به خلاف خواسته اش جواب او ندهد، مخالفت با او ننماید، در حالی که شوهرش از او ناخشنود است ولو اینکه بناحق باشد، شب را به صبح سپری نکند و هر وقت که او خواست هر چند بر کوهان شتر باشد خود را از وی منع ننماید.
- ۲۰- ای حولاء! اگر مرد برزن خشم گرفت، زن می بایست شوهرش را از خود راضی

کند و جایز نیست به غضب به صورت شوهرش بنگرد. بلکه او باید خود را به پای شوهر اندازد و دست برپاهایش بکشد تا اینکه خدا از او راضی گردد، چه اگر شوهر از او ناراضی باشد، خدای متعال هم از او ناخشنود است.

۲۱- ای حولاء! حق زن بر شوهر این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بپوشاند و نماز و روزه و زکوة (البته اگر اموالی دارد) به وی بیاموزد، و البته زن در اینگونه واجبات نباید با او به مخالفت پردازد.

۲۲- ای حولاء! به کسی که مرا به حق به نبوت و رسالت برانگیخته است، همانا پروردگارم به من مقام محمود عطا فرمود و بهشت و جهنمش را به من نشان داد پس مشاهده کردم که اکثر اهل جهنم زنانند. من گفتم: ای دوستم جبرئیل چرا چنین است؟ وی گفت: به خاطر کفرشان، گفتم: به خداوند کفر می‌ورزند؟ گفت: نه، آنان کفران نعمت می‌کنند. چگونه؟ گفتم: اگر شوهر همواره به آنان نیکی کند سپس خطایی از وی سرزند، گوید من از تو هیچ‌گاه خیری ندیده‌ام.

۲۳- ای حولاء! بیش‌تر آتش جهنم از هیزم شعله ور شده‌ی زنان است؟ حولاء پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود: چون زنان وقتی بر شوهرانشان خشم گیرند، گویند: من از تو هرگز خیری ندیده‌ام؛ شاید از آن شوهر فرزندان به دنیا آورده باشند!

۲۴- ای حولاء! مرد را بر زن حقی است، باید او ملازم خانه‌اش باشد، شوهرش را دوست داشته باشد و نسبت به او مهربان باشد، از خشم او دور بوده و رضایت او را کسب کند، عهد و وعده با او را وفا کند، آنچه که شوهر را به خشم می‌آورد ترک کند، و کسی را شریک در اولادش قرار ندهد (مرتکب فحشایی نشود) و او را اهانت نکند. در خانه جای گیرد، برای شوهرش خود را بیاراید، نمازش را بگذارد و از جنابت و عادت غسل کند.

اگر او چنین کند روز قیامت باکره با صورتی درخشان محشور می‌شود. پس اگر شوهرش فردی با ایمان و صاحب عمل صالح بوده باشد، در بهشت نیز همسر او خواهد بود وگرنه با شهیدی از شهداء ازدواج خواهد کرد. حضرت در نهایت فرمود: اگر شوهرت نزد تو نیست خود را معطر نساز.

۲۵- ای حولاء! هرکدام از شما زنان ایمان به خدا و روز قیامت دارد، زینتش را برای غیر همسرش قرار ندهد و حجاب خود را باز نکند و مچ دست خود را آشکار نکند و هرزنی هرکدام از اینها را برای غیر شوهرش قرار دهد، دینش را تباه کرده و خدا را بر خود خشمگین ساخته است.

۲۶- ای حولاء! جایز نیست برای زن، که جوان بالغی وارد خانه‌اش شود و او حق ندارد چشمانش را از او پرکند و سیر به او نگاه کند. و حق ندارد اجازه دهد جوان نیز به او سیر نگاه نماید. و نباید با وی بخورد یا بیاشامد مگر اینکه آن جوان با وی محرم باشد و اینها در حضور شوهر صورت گیرد. در این هنگام عایشه گفت: هرچند آن جوان بنده و مملوک باشد؛ حضرت فرمود: هرچند او مملوک باشد، زن نباید هیچ‌کدام از این کارها را انجام دهد که اگر زن چنین کرداری از او سرزند خداوند بر او خشم گرفته و او و تمام ملانک وی را لعن می‌کنند.

۲۷- ای حولاء! هیچ زنی نیست که آبی پاکیزه برای شوهرش آورد، مگر اینکه خداوند

از هر رنگی در بهشت برای او خلق کند و به او بگوید: بخور و بیاشام در مقابل اعمالی که در گذشته انجام داده‌ای.

۲۸- ای حواء! زنی نیست که سخنی از شوهرش را بشنود و بر آن صبر کند، مگر اینکه خداوند به قدر هر کلمه‌ای که شنیده و بر آن صبر نموده است، برای او مزد روزمگیر و مجاهد در راه خدا را بنویسد.

۲۹- ای حواء! زنی نیست که از شوهرش شکایت کند، مگر اینکه خداوند بر او غضب نموده و زنی نیست که لباسی بر شوهرش بپوشاند، مگر اینکه خداوند در قیامت هفتاد خلعت بهشتی که هر خلعتی از آنها چون گل سرخ و زیبا و ریحان باشد، به او بپوشاند و چهل کنیز از حوریان به او عطا گردد تا خدمتش کنند.

۳۰- ای حواء! به کسی که مرا به نیوت و رسالت و تیشیر و انذار فرستاده، زنی نیست که از همسرش حامله شود مگر اینکه زیر چتر رحمت الهی و زیر سایه خداست تا اینکه درد زایمانش آغاز شود و او هر بار که درد به سراغش آید، همانند این است که کنیزی مؤمنه را در راه خدا آزاد کرده باشد و چون فرزندش را به دنیا آورد و شروع به شیر دادن او کرد، فرزند سینه‌ی مادر را نمی‌مکد مگر اینکه از بین دو دست مادر نوری تا روز قیامت ساطع می‌شود به طوری که همه‌ی گذشتگان و آیندگان با دیدنش تعجب می‌کنند. و او چون کسی است که همواره روزه‌دار و هر شب به قیام بگذراند و ثوابش به وی عطا می‌شود و هر چند به ظاهر روزه‌دار نباشد (یا هر چند ماه مبارک به خاطر ضرر روزه برای او و یا فرزندش روزه نگیرد)، ثواب روزه‌دار و نمازخوان در همه‌ی عمر به وی عطا می‌شود. و چون او فرزندش را از شیر بازگیرد، خدای متعال می‌فرماید: ای زن هر آنچه از گناهان داشتی بر تو بخشیدم، اعمالت از سر گیر، خداوند به تو رحم نماید. حواء پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، خداوند بر تو درود فرستد، همه‌ی اینها به نفع مرد است. حضرت فرمود: آری. حواء عرض کرد: زنان چه امتیازی دارند؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: برادرم جبرئیل همواره مرا در مورد زنان سفارش می‌کرد به طوری که من گمان بردم جایز نیست شوهرش به وی آف گوید. او به من گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله از خدای متعال در مورد زنان بترس، زیرا آنان اسیران دست شما هستند. شما امانات الهی را گرفته‌اید به فرمان خدا و سنت و شریعت محمد صلی الله علیه و آله آنان را بر خود حلال ساخته‌اید.

لذا برای آنان بر شما حقی است واجب، زیرا جسم آنان را بر خود حلال ساخته و بدنشان به شما رسیده و فرزندان‌تان را در رحمشان نگه می‌دارند تا اینکه درد زایمان آنان را بگیرد، بنابراین با آنان مهربانی کنید، روحشان را شاد نمایید تا اینکه با شما باشند، آنان را ناراحت نکنید و به خشم نیاورید و از آنچه به آنان داده‌اید جز به رضای خودشان بازپس نگیرید. و آن حضرت نیز فرموده‌اند: هر مردی يك سیلی به زنش بزند خدای متعال به مالك که خازن جهنم است امر می‌کند و او هفتاد سیلی آتشین در آتش جهنم به صورتش خواهد زد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۳.

## دو خبر دیگر

۱- امام صادق از پدرانش علیهم السلام در بیان حدیث مناهی می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرمود از اینکه زن بی‌اذن شوهر از منزل خارج گردد که اگر چنین کرد، هرملکی در آسمان و هر چیزی از جنیان و انسان‌ها که او بر آنان عبور می‌کند تا وقتی برگردد، نفرینش می‌کنند. نیز آن حضرت نهی فرمود از اینکه زنان برای غیر همسرانشان خود را بیارایند و اگر چنین کنند سزاوار است خداوند آنان را به آتش بسوزاند. و نیز نهی فرمود از اینکه زن بیش از پنج کلمه که به آن ناچار باشد با غیر شوهر و غیر محارم صحبت کند. و نیز نهی فرمود از اینکه دو زن بدون لباس بدنشان به هم برسند. و نیز نهی فرمود زن از خلوت‌های خود با شوهرش، برای زن دیگر صحبت کند. و نیز فرمود: هر زنی با زبان شوهرش را بیازارد خداوند تا زمانی که شوهر را راضی کند نه عمل و نه فدیة و نه حسنه‌ای از او نخواهد پذیرفت. هر چند روزها را به روزه و شبها را به عبادت بگذراند و بندگان آزاد کند و اسبها و استرها را در راه خدا به جهاد

فرستد و او البته اولین کسی خواهد بود که وارد آتش می‌شود. و همین‌طور اگر مرد به زن ستم کند. سپس آن حضرت افزود: هر زنی به شوهرش رحم ننماید و با او مدارا نکند، و وی را به بیش‌تر از توانش و افزون‌تر از طاقش مجبور کند، هیچ عمل نیکی از او پذیرفته نشده و خدا را در حالی ملاقات می‌کند که بر او خشم گرفته است.<sup>۱</sup>

۲- حضرت عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از امام جواد از پدرانش علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت امیر علیه‌السلام فرمود: من و صدیقه طاهره علیه‌السلام بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شدیم، دیدیم او به شدت گریه می‌کند. گفتیم: پدر و مادرم به فدایت چه شده است که گریه می‌کنی؟ حضرت فرمودند: شبی که مرا به معراج بردند زنانی از امتم در عذاب سخت دیدم، از حال آنان ناراحت شدم و از شدت عذاب‌شان گریستم، آنگاه آن حضرت احوال زنان را برشمرد. زهرا علیه‌السلام به پدر گفت: عمل آن زنان چه بوده است؟ حضرت فرمودند: آنکه به مویش آویزان بود، مویش را از نامحرم نمی‌پوشانید؛ آنکه به زبانش آویزان بود، همسرش را آزار می‌داد؛ و آنکه به سینه‌اش آویزان بود، فرزندان دیگران را بدون اجازه شوهرش شیر می‌داده است؛ و آنکه به پایش آویزان بود، بدون اجازه همسرش از خانه خارج شده بود؛ و آنکه از گوشت بدن خود می‌خورد، بدنش را برای نامحرم آرایش می‌کرد؛ و آنکه دستانش به پاهایش بسته و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط گشته بودند، بد وضو بوده، لباسش کثیف و اغسال واجبه را انجام نمی‌داده و نظافت نمی‌کرده و نماز را کوچک می‌شمرد؛ و آنکه کور و کر و گنگ بود، از زنا بچه می‌زاید و آن را از شوهرش می‌خواند؛ و آنکه گوشتش را با مقراض‌ها می‌پریدند، خودش را به مردان عرضه می‌کرد؛ و آنکه صورت و بدنش را با آتش می‌سوزانند و امعاء بدنش کشیده می‌شد، دختران را به مردان می‌رسانده؛ و آنکه سرش چون خوک و بدنش چون الاغ بود، سخن‌چینی و دروغ‌گویی می‌کرده؛ و آنکه صورتش چون سگ و آتش از نشیمن‌گاهش وارد و از دهانش خارج می‌شد، ترانه‌خوان، نوحه‌گر و حسود بوده است. در پایان آن حضرت فرمود: وای بر زنی که شوهرش را به خشم آورد و خوشابحال زنی که شوهرش از او راضی باشد.<sup>۲</sup>

#### نتیجه

خلاصه آنچه که گفتیم این است که اسلام چنان بهایی به زندگی زناشویی می‌دهد که گویی در بحث از این زندگی و شیوه رفتار و معاشرت‌ها، با دو نفر صحبت نمی‌نماید و وظایف دو نفر را معین نمی‌کند. بدون اغراق می‌توان گفت هر کسی اندک آشنایی با روایات وارده در این زمینه و تفسیر آیات مربوطه داشته باشد، به این نتیجه که اسلام زن و شوهر را يك روح در دو کالبد می‌داند، خواهد رسید.

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۴.

<sup>۲</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵۵.

... هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ...<sup>۱</sup>

تعبیر از لباس و پوشش برای این دو در این آیه و اینکه هر کدام پوشش دیگری هستند، نگاهی دقیق به ارتباط عمیق زناشویی از دیدگاه اسلام است. لباس برای انسان مایه حفظ آبرو و زینت است، او را از خطر سرما و گرما حفظ می‌نماید، عیوب احتمالی جسمی او را می‌پوشاند و... مرد و زن همدیگر را آبرو می‌دهند و از گناه باز می‌دارند، و عیب‌های همدیگر را مخفی می‌نمایند. و علاوه بر همه‌ی این نکات که در برخی تفاسیر آمده است، آیه مطلبی بسیار دقیق‌تر را بیان می‌نماید، و آن این است که: تن و لباس دو چیز جدا از هم نیستند، هیچکس به انسان ملبس، نمی‌گوید دو چیز است. اگر شما کسی را مشاهده کردید، نمی‌گویید که مثلاً زید را با لباس مشاهده کردم. انسان و لباسش یک چیزند همان طوری که انسان و دست و پاهایش و سایر اعضاء بدنش، یک نفر به حساب می‌آیند.

قرآن کریم که می‌فرماید زنان لباس شمایند، یعنی زنان با شما همراه هستند. شما همدیگر را کامل کرده‌اید، شما به لباس نیاز داشته و لباس به بدنی که آن را بپوشاند محتاج بوده و هر دو به نیاز خود رسیدید.

طبیعی است اگر آیه قسم دوم نداشت مفهومی یک‌طرفه می‌داشت و چنین وانمود می‌شد که زنان وسیله‌اند، لباس هستند و شما مردان اصل و اساس می‌باشید. اما قسم دوم آیه این توهم را از بین می‌برد و می‌فرماید: مردان هم لباس زنانند، مردان هم زنان را کامل کرده‌اند. بنابراین زن بدون مرد و مرد بدون زن، مانند تنی عریان و یا لباسی بدون استفاده‌اند. همان طوری که لباس را برای تن می‌دوزند، مرد را برای زن و زن را برای مرد خلق کرده‌اند. با این بیان تا حدودی به ژرفای آیه پی‌بردیم.

نهایت اینکه لذت این زندگی مشترک را کسی درک می‌کند که بفهمد همسر وی خود اوست نه کس دیگر، اگر این مطلب برای زنان و مردان جامعه جای خودش را باز کند، بسیاری از اختلافات خانوادگی و حتی شبهاتی که با دیدگاه‌های فمینیستی مطرح می‌شود، از بین می‌رود و اصلاً آن اختلاف‌ها، خنده‌آور می‌شود زیرا انسان سالم با خودش لجاجت نمی‌ورزد و کسی نیست که حرف خودش را قبول نکند. اگر این فهم ایجاد شود صفا و صمیمیت بر زندگی سایه می‌افکند.

مزایای ازدواج موفق

مزایای ازدواج موفق بدان حد ملموس هست که لازم نیست با استدلال و برهان به آن پرداخته شود. فرزندان چنین ازدواجی از سلامت جسمی بهتری برخوردارند، مؤدب و مرتب‌ترند، از نظر علمی در شرایط بهتری بسر می‌برند، احساس و عاطفه متعادل‌تری دارند، ابتلا به بیماری روحی روانی بین آنان کمتر است، در مشکلات زندگی توان تصمیم‌گیری قوی‌تری دارند، احساس نیاز جدی به دوست بیرون از خانه نمی‌یابند و به همین خاطر به دوستان ناباب پناه نمی‌برند، به مشروبات الکلی و مواد مخدر روی نمی‌آورند، در زندگی آتی خود موفق‌تر عمل می‌کنند.

<sup>۱</sup> - بقره، ۱۸۷.

همچنین زن و شوهر از روابط بین خود احساس رضایت می‌کنند، روابط بهتری با فرزندان خود دارند، خلأهای روحی روانی آنان کمتر است، گرفتاری‌های اجتماعی حل نشدنی ندارند، توجهی به مشروب و مخدر نمی‌کنند، در مقابل پیری و بیماری‌های جسمی از خود سستی نشان نمی‌دهند.

بی‌شک اجتماع نیز از آثار ازدواج سالم بهره‌مند می‌شود. پائین آمدن آمار بزه در جامعه، تعادل روحی روانی جامعه، کاهش مهاجرت‌های غیر معقول، کاهش فاصله طبقاتی، افزایش روابط دوستانه، از آثار ازدواج موفق است. و البته ازدواج‌های ناموفق از این مزایای بی‌بهره‌اند. ازدواج تحمیلی از سوی پدر و مادر یا سایر بستگان و دوستان، ازدواجی که در پی تهدیدهای اجتماعی شکل گرفته، نیز ازدواجی احساسی که از بلهوسی و یا ترحم ناشی شده‌باشد و یا ازدواجی که تنها به‌خاطر ناتوانی در تحمل بار سنگین مخارج روزانه محقق شده و یا ازدواجی که تنها هدف آن تولد فرزند از سوی کسی که بعد از مدت‌ها فرزند نداشته‌است و یا هر ازدواجی که بدون از معیارهای دینی باشد، ازدواج موفق محسوب نمی‌شوند.

و...

### جدایی

طلاق به معنای رهایی از پیمان و یا باز کردن گرهی زوجیت است. در زبان فقه، رها ساختن زن از قید ازدواج با صیغه‌ی مخصوص را طلاق نامند. چنانچه ما در بحث‌های گذشته، ازدواج را مطابق فطرت بشری دانستیم، طلاق خروج

از این قاعده فطری است.

علاوه اینکه طلاق یکی از آسیب‌های مهم اجتماعی محسوب می‌شود. آثار نکان دهنده‌ی طلاق در تمام جوامع خاصه جوامع غربی که برخی از آن به انقلاب جنسی یاد کرده‌اند، ما را بر این وامی دارد که هر چه بیشتر با جوانب مختلف این بلای فردی و اجتماعی آشنا شویم تا از آفاتی که خواسته یا ناخواسته زمینه‌ی آن را فراهم می‌آورند به دور باشیم.

در این قسمت از بحث، نگاه جوامع و دین به طلاق، عوامل طلاق، آثار فردی و اجتماعی آن و در نهایت راه‌های ثبات و پایداری خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### طلاق در گذشته

طلاق در میان ملل گذشته امری پذیرفته شده بود. ایرانیان قدیم، مصر باستان، یونان و روم در شرایط ویژه‌ای به طلاق تن می‌دادند. قانون حمورابی که به وسیله‌ی پادشاه بابل نوشته شده بود و قدیمی‌ترین قانون مدنی شمرده می‌شود طلاق را با شرایط خاص پذیرفته است.

آئین برهما در هند و کنفوسیوس در چین طلاق را با شرایط پذیرفته بودند. جاهلیت عرب نیز طلاق را با شرایط ویژه قبول کرده بود. در آئین زرتشت طلاق با اجازه حاکم و با شرایط محدودتری نسبت به سایر آئین‌ها انجام می‌شد.

آئین یهود نیز طلاق را پذیرفته است؛ هرچند طلاق در این آئین، به عنوان پدیده‌ای نفرت‌انگیز مطرح شده است.

در آئین مسیحیت برخلاف تمام آئین‌های موجود، طلاق ممنوع شده است. در این آئین جدائی زن و مرد امکان‌پذیر نیست. تنها راه جدایی اینست که یکی از آنان از دنیا برود. محاکم قضایی نیز به پیروی از کلیسا حق طلاق نداشته و در موارد خاصی تنها حکم جدایی زن و مرد صادر می‌کردند. البته در مدت جدایی آنان حق اختیار همسر جدید نداشتند.

مشروع نبودن طلاق در بین مسیحیان، دشواری‌های بسیاری در کشورهای غربی آفرید و موجب ناهنجاری‌های وسیعی در این جوامع شد. این امر باعث شده است که حقوق‌دانان آنان قانونی را به نام قانون فسخ ازدواج به اجرا درآورند. مطابق این قانون اگر یکی از زن و مرد، ادعا می‌کردند که حین اجرای عقد ازدواج، مورد اجبار قرار گرفته‌اند و یا یکی از آن دو ادعا کند که زمان اجرای عقد در تعیین همسر اشتباه کرده و یا مدعی شود همسرش توان روابط زناشویی ندارد، عقد نکاح فسخ می‌شود و قانون حکم به بطلان عقد می‌دهد. این قانون هرچند راه را برای جدا شدن زن و مرد ناسازگار هموار کرد، اما چون غالباً با تبانی‌های ضد اخلاقی زن و شوهر ناسازگار و غالباً ادعای بی‌اساس آنان، به اجرا گذاشته می‌شود، باز هم نتوانسته است جای خالی جواز طلاق را پر نماید.

در برخی از جوامعی که برشمردیم فحش‌های زن، سزای بسیار شدید به دنبال داشت. در یونان باستان سزای مرد فاجر قتل و یا دادن فدیة بود. در غالب این جوامع که طلاق را مشروع شمرده‌اند حقی برای زن معین نکرده‌اند، منع ازدواج مجدد وی، یا اجبار به کنیزی خانه شوهر و معبد داری از قوانینی بود که در آیین حمورابی برای زن مطلقه

وضع کرده بودند.<sup>۱</sup>

### چرا اسلام طلاق را پذیرفته است؟

شاید این پرسش به ذهن خطور کند که با این همه مذمت که برای طلاق وارد شده است،

### چرا اسلام طلاق را پذیرفته است؟

در پاسخ باید گفت که: اجبار و اکراه انسان به رفتاری اعتباری امکان‌پذیر است. می‌توان آدمی را وادار نمود که در شرکتی کار کند، می‌توان او را مجبور ساخت که در کلاسی تدریس نماید، می‌توان صنعت‌گری را به حرفه‌ای ملزم نمود. اما هرگز نمی‌توان او را مجبور نمود که کسی را دوست داشته باشد. دوستی و محبت او اعتقادی است که با اجبار امکان‌پذیر نیست.

اسلام ازدواج را چنان پربها جلوه می‌دهد که همه به ازدواج روی آورند و چنان طلاق را مذمت می‌کند که هر کدام از زن و شوهر اسباب و عوامل طلاق را از خود و زندگی خویش دور سازند. اما اگر آن دو نتوانستند همدیگر را دوست داشته‌باشند، اجبار آنان به محبت، معقول به نظر نمی‌رسد. چنین اجباری مردود و مخالف قانون فطرت است.

علاوه اینکه اسلام، دنیا و زندگی دنیوی را نادیده نگرفته است، بلکه دنیا را به اندازه مقدمه بودنش برای زندگی اخروی پذیرفته است. اسلام امر به زندگی سخت و گاه غیرممکن زن و مرد نمی‌کند. اگر زندگی مشترك بر آن دو سخت شود، اجبار آنان به تحمل شدائد زندگی معقول نیست.

چنین اجباری، تبعات فاسد دیگری به دنبال خواهد داشت که اسلام با آن موافق نمی‌باشد. در این صورت هدف زندگی مشترك که ایجاد آرامش باشد، از دست می‌رود. لذا اگر چاره‌ای جز بریدن پیوند ازدواج نباشد، باید امکان قطع این وصلت وجود داشته باشد. بنابراین قانون طلاق با آن همه مبعوضیتی که اسلام نسبت به آن روا داشته است، قانونی برای رفاه حال زن و مردی است که ادامه زندگی مشترك بر آنان طاقت فرسا شده است.

## نکوهش طلاق

بیان شرایط متعدد برای طلاق چون پاك بودن زن از عادت ماهیانه و جایز نبودن طلاق زن حائض، کراهت شدید و یا جایز نبودن طلاق زن مریض، حضور دو شاهد عادل در جلسه طلاق و امکان رجوع در اصلی‌ترین نوع طلاق یعنی طلاق رجعی، گویای این مهم است که دین با طلاق میانه‌خوشی نداشته و حتی به شدت از آن بیزار می‌جوید.

در آیه زیر شرایطی برای طلاق بیان شده است.

<sup>۱</sup> - ر. ک: تاریخ تمدن، ویل دورانت؛ انحلال نکاح، منصور اباذری فومنی؛ حقوق زن در اسلام، یحیی نوری؛ طلاق در فرانسه و

ایتالیا، محمود عرفانی؛ طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، یاقر ساروخانی.

وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ<sup>۱</sup>

زنان طلاق گرفته، تا پاکی منتظر بمانند و اگر به خدا و روز جزا ایمان دارند روا نیست چیزی را که خدا در رحمهایشان خلق کرده، پنهان دارند و اما شوهرانشان اگر سر اصلاح دارند در رجوع به ایشان در عده طلاق سزاوارترند زنان را نیز مانند وظایفشان حقوق شایسته است و مردان را بر آنان مرتبتهای و برتری هست و خدا عزیز و حکیم است.

قرء در این آیه به معنای عادت ماهیانه یا پاکی آمده است. در روایات سه قرء را، سه بار پاک شدن از عادت ماهیانه دانسته‌اند.

آنچه از این آیه قابل برداشت است، عبارت است از:

- ۱- زن به محض طلاق، حق ازدواج با دیگری را ندارد. (وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ).
- ۲- حتی اگر زن می‌خواهد طلاق گیرد نباید دروغ بگوید و چیزی از شوهر خود پنهان نماید. (وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ)
- ۳- در طلاق نباید فرزندان از حقوق خود محروم شوند، نیز طلاق نباید خسارتی به جنین وارد سازد. (مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ)
- ۴- ادامه زندگی سابق اولویت داشته و لذا حتی اگر زن خواستگاری دارد، شوهر سابق وی برای ادامه زندگی مقدم است. (وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ)
- ۵- معیار جواز رجوع مرد به زن، حسن نیت در رجوع، و اصلاح شدن وی است. (انْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا)
- ۶- زنان بر مردان حقوقی شایسته دارند که باید این حقوق به شایستگی اعمال شود. (وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ)
- ۷- مردان نیز حقوقی بر زنان دارند و البته قوام خانواده به آنان است. (وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ)

۸- عده نگه داشتن از برنامه‌های حکیمانه الهی است. (وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ).

در آیه اول سوره طلاق نیز شرایطی برای طلاق بیان شده است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ

<sup>۱</sup> - بقره، ۲۲۸.

بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا.<sup>۱</sup>

ای پیامبر! هرگاه زنان را طلاق دهید در زمان پاک‌شان طلاق گویند و حساب عده را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بترسید. نه شما آنان را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنان بیرون روند، مگر آنکه کار قبیح آشکاری انجام دهند؛ این حدود الهی است. هر کس از حدود خدا تجاوز کند، به خود ستم کرده است. تو نمی‌دانی امید است خدا از آن پس وضع تازه‌ای فراهم آورد.

شرایطی که در این آیه برای صحت طلاق آمده است به شرح زیر است.  
 ۱- طلاق باید در زمانی صورت پذیرفته باشد که زن از عادت ماهیانه پاک شده و با همسرش نزدیکی نکرده باشد. (فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ)

۲- مرد حق ندارد بعد از طلاق، زن سابق خود را از خانه اخراج نماید. (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ

بُيُوتِهِنَّ)

۳- باقی ماندن زن مطلقه بعد از طلاق در خانه شوهر سابق به این جهت است که شاید بین آنان اصلاحی صورت گیرد. (لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا)

در آیه دوم این سوره حضور دو شاهد عادل در جلسه طلاق واجب شده است.

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ...<sup>۲</sup>

وقتی عده آنان سر آمد، به صورت شایسته از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید و شهادت را برای خدا به‌پا دارید.

در آیه چهارم این سوره عده زن، سه ماه برای غیر باردار و فارغ شدن از حمل برای زنان حامله دانسته شده است.

وَأَلَّئِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِن نِّسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا.<sup>۳</sup>

و از زنان، آنان که از عادت ماهیانه مأیوس هستند، اگر در باردار بودنشان شك کردید، عده آنان سه ماه است. و همچنین کسانی که عادت ماهیانه ندیده‌اند. و عده زنان باردار وضع حمل آنان است و هر کس تقوای الهی پیشه کند خدا کار را بر او آسان می‌سازد.

هدف از لزوم گذشت این زمان نیز این است که شاید بین زن و شوهر سابق سازشی

<sup>۱</sup> - طلاق، ۱.

<sup>۲</sup> - طلاق، ۲.

<sup>۳</sup> - طلاق، ۴.

صورت پذیرفته و طلاق مشروط گذشته، با نبود شرط منتفی شود.  
در آیه ششم این سوره، پرداخت نفقه زن بارداری که طلاق داده شده است، تا وضع حمل او بر عهده شوهر سابق دانسته شده است.

أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ  
فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ  
تَعَاسَرْتُمْ فَسَتْرُضِعْ لَهُ أُخْرَى.<sup>۱</sup>

هر جا خودتان ساکن هستید، زنان مطلقه را سکونت دهید. و به آنان زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ گیرید. اگر باردارند، نفقه آنان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزندان را شیر می‌دهند، اجرت آن را بپردازید و امور مربوط به فرزند را با مشاوره او انجام دهید. اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیردهی را بر عهده گیرد.

رفت و آمد مرد با زن طلاق داده شده در طول این مدت برای پرداخت نفقه، نیز یکی از تدابیر مهمی است که اسلام برای ایجاد زمینه صلح احتمالی و ادامه زندگی اندیشیده است.

آیات حکمیت نیز از آیاتی است که در پی از بین بردن زمینه‌های طلاق از راه برهان و حضور هیئت حاکمه از خویشان است.

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمَا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَ إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا.<sup>۲</sup>

و اگر از ناسازگاری میان آنان بیم داشتید داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن انتخاب کنید؛ اگر این دو قصد اصلاح داشته باشند خداوند آنان را به توافق خواهد رساند، زیرا خدا دانای آگاه است.

مطابق این آیه اگر زن و مرد دچار اختلاف نظر حاد شدند و خود قادر به رفع خصومت خویش نشدند، الزاماً بایستی برای حل اختلاف خانوادگی خود دو قاضی خانوادگی بیابند و حکم آن دو را تبعیت کنند. حکم این دو قاضی بر ادامه زندگی نافذ است ولی حکم آنان بر مفارقت، احتیاطاً روا نیست.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است که یکی از آن دو معصوم فرموده‌اند: آن دو حق طلاق ندارند مگر اینکه از شوهر اذن طلاق داشته باشند.<sup>۳</sup>

### روایات و طلاق

روایات متعددی در مذمت طلاق وارد شده است.

<sup>۱</sup> - طلاق، ۶.

<sup>۲</sup> - نساء، ۳۵.

<sup>۳</sup> - لَيْسَ لِلْحَكَمَيْنِ أَنْ يُفْرَقَا حَتَّى يَسْتَأْمِرَا. فروع کافی، ج ۶، ص ۱۴۶.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: زن بگیرد و طلاق ندهد که خدا مردان و زنانی که مکرر ازدواج می‌کنند دوست ندارد.<sup>۱</sup>

نیز می‌فرماید: ازدواج کنید و طلاق ندهید که عرش خدا از طلاق می‌لرزد.<sup>۲</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هیچ چیزی نزد خدا مبعوض‌تر از خانه‌ای که با طلاق خراب شود، نیست.<sup>۳</sup>

ثوبان، مرفوعه‌ای از پیامبر نقل کرده است که حضرت فرموده‌اند:

هر زنی بدون عذر از شوهرش درخواست طلاق کند استشمام بوی بهشت بر او حرام است.<sup>۴</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا خشم می‌گیرد یا از رحمت خود دور می‌کند هر مردی که میل به طلاق داشته باشد و هر زنی که میل به طلاق داشته باشد. (مرد و زن پر طلاق).<sup>۵</sup>

طبری در مکارم الاخلاق آورده است که حضرت فرمودند: ازدواج کنید و طلاق ندهید که طلاق عرش خدا را به لرزه درمی‌آورد.<sup>۶</sup>

رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنین فرموده است: خداوند نزد خودش چیز حلالی مبعوض‌تر از طلاق قرار نداده است.<sup>۷</sup> مثل این روایت از امام باقر علیه السلام نقل شده است.<sup>۸</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند خانه‌ای را که در آن عروسی باشد دوست دارد و از خانه‌ای که در آن طلاق باشد خشم دارد. و چیزی مبعوض‌تر نزد خدا از خانه‌ای که

<sup>۱</sup> - تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الذَّوَّاقِينَ وَلَا الذَّوَّاقَاتِ. نهج الفصاحه، حدیث ۱۱۴۶.

<sup>۲</sup> - تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ. نهج الفصاحه، حدیث ۱۱۴۷.

<sup>۳</sup> - مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بُيْتٍ يَخْرُبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفِرْقَةِ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

<sup>۴</sup> - أَيُّمَا إِمْرَأَةٍ سَأَلَتْ زَوْجَهَا الطَّلَاقَ مِنْ غَيْرِ بَأْسٍ، فَحَرَامٌ عَلَيْهَا رَائِحَةُ الْجَنَّةِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۸۰.

<sup>۵</sup> - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلَّ ذَوَّاقَةٍ مِنَ النِّسَاءِ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷؛ فروع کافی، ج ۶، ص ۵۵.

<sup>۶</sup> - تَزَوَّجُوا وَلَا تَطْلُقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۸.

<sup>۷</sup> - مَا أَحَلَّ اللَّهُ شَيْئًا أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ. كنز العمال، ج ۹، ص ۶۶۱.

<sup>۸</sup> - لَا شَيْءٌ مُبَاحٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الطَّلَاقِ. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۹.

در آن طلاق باشد نیست.<sup>۱</sup> همچنین می‌فرماید: از پدرم شنیدم که می‌گفت: خدا از انسان پر طلاق هوسران بدش می‌آید.<sup>۲</sup> همچنین می‌فرماید: به پیامبر خبر رسید که ابویوب می‌خواهد زنش را طلاق دهد، حضرت فرمودند: طلاق دادن مادر ایوب از سوی همسرش ابویوب گناه است.<sup>۳</sup> فقهاء شیعه علاوه بر کراهت اصل طلاق، طلاق زن مریض را با شدت بیشتری مکروه دانسته‌اند و حتی در کتاب مقنعه شیخ مفید و تهذیب الاحکام شیخ طوسی فتوای به عدم جواز طلاق بیمار داده شده است.<sup>۴</sup> این نظریه مستند به روایاتی از امام صادق است که فرموده‌اند طلاق زن بیمار جایز نیست.<sup>۵</sup>

#### اجرای صیغه خاص

طلاق شرعی علاوه بر شروط گذشته، باید با عبارتی خاص از سوی مرد یا وکیل او و نیز با قصد ایجاد و انشاء طلاق گفته شود. پس اگر مرد با حصول تمام شرایط دیگر، عبارتی غیر دیگر بر زبان آورد که همان معنای طلاق را داشته باشد، کافی نیست و طلاق محقق نشده است. محمد بن مسلم می‌گوید به امام صادق علیه‌السلام گفتم: مردی به زنش می‌گوید: تو بر من حرام هستی. چه حکمی دارد؟ حضرت فرمودند: این نه کفاره دارد و نه طلاق محسوب می‌شود.<sup>۶</sup> همچنین وی از امام باقر علیه‌السلام پرسیده است مردی به زنش بگوید: تو زن من نیستی، تو شوهر نداری، پیوندی بین ما نیست، حکم آن چیست؟ حضرت فرمودند: این کلمات چیزی نیستند.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> - إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْغُرْسُ وَ يُبْغِضُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الطَّلَاقُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أْبْغَضُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ الطَّلَاقِ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

<sup>۲</sup> - إنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كُلَّ مَطْلَاقٍ وَ ذَوَاقٍ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

<sup>۳</sup> - إنَّ طَلَاقَ أُمِّ أَيُّوبَ لِحُوبٍ ائِمَّ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۶۷.

<sup>۴</sup> - جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۱۴۸.

<sup>۵</sup> - لا یَجُوزُ طَلَاقُ الْمَرِيضِ وَ یَجُوزُ نِكَاحُهُ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۸۴.

<sup>۶</sup> - لیس علیه کفارة و لا طلاق. فروع کافی، ج ۶، ص ۱۲۵.

<sup>۷</sup> - لیس بشیء. فروع کافی، ج ۶، ص ۱۳۵.

حلی و سماعه نیز مثل این روایات را از امام نقل کرده‌اند و پاسخی مشابه گرفته‌اند.<sup>۱</sup> لازم است یادآوری شود که کتابت صیغه، در اجرای طلاق کافی نیست بلکه نطق به آن الزامی است. زرارة بن اعین می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم مردی طلاق زنش را نوشته است حکم آن چیست؟ حضرت فرمودند: این چیزی نیست مگر اینکه آن را بر زبان آورد.<sup>۲</sup>

صحیح نبودن طلاق به غیر صیغه‌های خاص و سایر شروط آن، نشانه‌ی دیگری بر ناپسند بودن طلاق نزد شارع می‌باشد.

#### فلسفه عده

هدف از وجوب عده را می‌توان به دو صورت تحلیل نمود. اول آنکه: گاهی هیجان ایجاد شده بعد از دیدن و شنیدن چیزی موجب می‌شود کارهای انسان بدون تعقل و تدبیر صورت گیرد، چه‌بسا چیزی موجب شعله‌ور شدن دشمنی شود و اغوای شیطان بر آن دامن زند و کسی چنین تصور کند که با خاموش شدن کانون زندگی، نجات می‌یابد و طلاق پایانی برای دردهای اوست.

وی پس از اینکه به خواست نفس خویش تن داد و صیغه طلاق جاری شد، از فشارهای عصبی گذشته نجات می‌یابد. او اینک می‌تواند بدور از احساس گذشته عاقلانه و مدبرانه در تصمیم خود تجدید نظر کند، شاید زن و مرد رفتار گذشته خود را ناپسند ببینند و به فکر چاره بیافتند. این دو ممکن است در برابر کولاک حوادث آینده قرار گیرند و تصمیم سابق خود را که بی‌توجهی به این حوادث بوده است به باد سخریه گیرند؛ شاید بخواهند برگردند و گذشته را برای ایجاد آینده‌ای زیبا جبران نمایند.

خدا این فرصت را در اختیار آنان قرار داده است و با شکل دهی مسأله‌ای به نام عده؛ وقتی را برای خاموش شدن احساسات و به‌کارگیری قوه‌ی عاقله در اختیار زن و مرد قرار داده است.

دومین تحلیلی که می‌توان از هدف وجوب عده بیان کرد این است که عده فرصتی است تا حامله بودن احتمالی زن آشکار شود و پدر بچه معین باشد. این کار موجب می‌شود که باب افتراء به زن به خاطر حامله بودنش بسته شود و از سوی دیگر وی از تعرض گمان‌های باطل مردم نجات یابد. چه اینکه ممکن است کسی چنین تصور کند که عشق زن به ازدواج جدید، موجب طلاق او شده باشد.

#### فلسفه وجود دو شاهد عادل

لزوم وجود دو شاهد عادل و بطلان طلاق در صورت عدم حضور آن دو، گامی دیگر در تأخیر طلاق با هدف امکان آشتی زن و شوهر است.

چه اینکه حضور يك‌جای دو شاهد عادل که بتوانند شاهد فروپاشی خانواده‌ای شود به سادگی امکان ندارد.

<sup>۱</sup> - فروع کافی، ج ۶، ص ۱۳۶.

<sup>۲</sup> - لیس بشیء حتی یُنطق به. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۹۱.

علاوه اینکه احساس شرم زن و شوهر از این دو شاهد عادل، يك سوی دیگر زیبایی این حکم است.

### فلسفه وجود مهر

شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که مخالفت نکردن اسلام با مهر بسیار، از این زاویه قابل ارزیابی است که مهر هر چند نمی‌تواند مانع مطلقاً برای طلاق باشد اما در کنار سایر موانع بی‌اثر نبوده و توان آن را دارد که تصمیم به طلاق را از حالت احساسی خارج ساخته و گاه از آن صرف نظر شود. بلکه شاید بتوان گفت برای بسیاری از مردان به علل مختلفی چون پول پرستی و...، پرداخت مهر زیاد سنگین است، خاصه اگر عامل طلاق چیزی سبک و خرده‌پا باشد، در این صورت مهر می‌تواند مانعی محکم برای ترك طلاق بوده باشد.

با توجه به آنچه گذشت، هر طلاقى بر خلاف مقررات مطرح شده صورت گیرد، نافذ نبوده و باطل است. این نظریه متن روایتی از امام باقر و نیز امام صادق علیهما السلام است.<sup>۱</sup> همچنین طلاقى که در حال عصبانیت صورت پذیرد و یا سوگندی که بر طلاق دادن زن جاری شود، قابل اعتناء نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

## عوامل طلاق

چرا درصد زیادی از ازدواج‌ها پس از مدتی منجر به طلاق می‌شود؟ چه حادثه‌ای رخ

<sup>۱</sup> - كُلُّ طَلَاقٍ خَالَفَ الطَّلَاقَ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِهِ فَلَيْسَ بِطَلَاقٍ. مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۲۸۴.

<sup>۲</sup> - عن ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام: كُلُّ طَلَاقٍ فِي غَضَبٍ أَوْ يَمِينٍ فَلَيْسَ بِطَلَاقٍ. وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸۴.

می‌دهد که دختر و پسر فدایی هم، در مقابل یکدیگر می‌ایستند و بی‌توجه به هر آنچه از عشق گذشته خود گفته‌اند و شنیده‌اند، از یکدیگر شکوه بغض آلود می‌نمایند و به محاکم قضایی راه پیدا می‌کنند.

تأثیر روانی و عاطفی فروپاشی خانواده بر افراد و آثار مخرب آن بر اجتماع و تحمیل هزینه‌های سنگین بیماری و بزه در جامعه، بایستی همه‌ی نهادهای دولتی را وادار تا برای برون رفت از این مشکل و دور ماندن از تبعات آن چاره اندیشی کنند.

در این قسمت از بحث عوامل پدید آورنده‌ی طلاق مورد بررسی قرار می‌گیرد. امیدواریم بتوانیم با تأمل عمیق در این عوامل و پرهیز از ایجاد زمینه‌های آن در زندگی، موجبات ثبات در کانون خانواده را فراهم کنیم. عوامل طلاق را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد.

۱- ناتوانی مدیریتی و نبود مهارت‌های زندگی در برخورد با مشکلات اجتماعی و خانوادگی.

۲- بحران شخصیتی ناشی از بیماری‌های جسمی و اختلالات روانی مؤثر در کاهش آستانه صبر و نیز آرمان زدگی.

۳- قوانین و مقررات اجتماعی و همچنین آشنایی زنان با حقوق خود. اینک این عوامل را به تفصیل بررسی می‌کنیم.

## عوامل فرهنگی

### ۱- درک ناصحیح از تقدس ازدواج

تضعیف عقاید دینی، سهم بسزایی در افزایش طلاق دارد. این مهم در جوامع غیر اسلامی بسیار شایع است. بی‌توجهی بسیاری از به‌ظاهر مسیحیان به مراسم مذهبی کلیسا در ازدواج، موجب افزایش روند جدایی بین آنها و زوال کانون خانواده شده است. در جوامع اسلامی با اینکه در قرآن و حدیث، از ازدواج به عنوان امری مقدس و عبادی یاد شده است اما کمتر کسی به عبادی بودن آن توجه می‌نماید. اگر این بی‌توجهی در طول زندگی مشترک ادامه یابد، طبعاً روحیه قدسی انسان را در مقابل بحران‌های زندگی، از بین خواهد برد.

### ۲- نادیده انگاری زشتی طلاق

افزایش طلاق در جامعه، موجب می‌شود قبح این کار ضدارزشی شکسته شده و زشتی این خطا نادیده انگاشته شود. در چنین جامعه‌ای، بر خلاف یک جامعه دینی که در آن بایستی ازدواج بسیار ساده‌تر از طلاق باشد، طلاق آسان‌تر از ازدواج خود را نشان می‌دهد و دختر و پسر که مدتی مدید در مسیر ازدواج معطل شده‌اند، به آسانی آب خوردن از هم جدا می‌شوند و گاه به آن می‌بالند.

مع الاسف، امروزه برخی به طلاق به عنوان راه میان بری نگاه می‌کنند که می‌تواند آنان را از وضع فعلی به تحقق خواسته‌هایشان برساند. قطعاً اگر به طلاق به عنوان راهی برای حل مشکل زندگی‌های به بن بست رسیده نگاه می‌شد، به آنچه که امروز به آدامسی برای شیرین شدن ذائقه نگاه می‌شود، نمی‌رسیدیم.

این مسأله چنان حاد شده است که گاه بی‌توجهی به رنگ مورد علاقه همسر، کوتاهی و بلندی قد، مدل ماشین و...، باعث طلاق می‌شود.

### ۳- ناآگاهی از زندگی مشترک

یکی از دلایل عمده طلاق، عدم آگاهی زن و مرد از زندگی مشترک و وظایف هر دو در خانواده و اجتماع است. ناآگاهی و در نتیجه جهل مرکب و غفلت محض از سویی و نبود سیستم‌های متمرکز مشاوره‌ای در جامعه از سوی دیگر، کانون گرم خانواده را چنان سرد و بی‌روح می‌کند که به راهی جز طلاق نینجامد.

### ۴- تقلید از غرب

گسترش ارتباط فیزیکی و مجازی با کشورهای غربی و تقلید کورکورانه از آنان در افزایش طلاق سایر کشورها تأثیر بسزایی دارد.

کارشناسان امور اجتماعی که از این مسأله به عنوان عبور از جامعه سنتی به جامعه مدرن غرب تعبیر می‌کنند، بر این مطلب صحه گذاشته‌اند و عنوان کرده‌اند این عبور که با شتاب بسیاری انجام می‌گیرد موجب شده است که ظرفیت فرهنگی برای تحمل آثار آن مهیا نشده و عواقب سوء این آثار، به شکل‌های مختلف و چند برابر خودنمایی کند.

### ۵- ناپختگی عقلی

به نظر من، بسیاری از زوج‌های جوان فقط بلوغ جنسی یافته‌اند و تصور کرده‌اند همان برای ازدواج کافی است. تصور آنان از ازدواج، همخوابی جنسی است. در حالی که ازدواج زندگی مشترک با انسان دیگر است که او هم صاحب فکر و اندیشه است. زندگی مشترک به بلوغ فکری و عقلی نیاز دارد. کسی که به رشد فکری نرسیده باشد، در ادامه راه زندگی دچار وقفه می‌شود. متأسفانه برخی زندگی مشترک را رویایی راحت و آرام در خیال خود تصور کرده‌اند که همین امر توان مقابله آنان در برابر حوادث زندگی را از آنان سلب می‌کند. تار و پود این عده در برخورد با کوچک‌ترین حادثه زندگی از هم گسسته می‌شود و توان ادامه زندگی را به امید رسیدن به زندگی آرام دیگر از آنان سلب می‌کند.

### ۶- توجه به ذائقه‌های سطحی

بررسی بخش عمده‌ای از طلاق‌ها، نشان می‌دهد که ازدواج آنها برپایه ذائقه‌های سطحی بوده است. غالب کسانی که به‌سادگی طلاق گرفته‌اند، به همان سادگی و بلکه ساده‌تر ازدواج کرده‌اند، و اساساً علت آشنایی آنان چیزی جز نگاهی خیابانی و یا در محل کار و تحصیل مقطعی نبوده است. طبعاً سرنوشت چنین ازدواجی که از آشنایی محدود و مملو از احساس و به‌دور از تعقل صورت پذیرفته است، مطلوب نخواهد بود.

### ۷- اختلاف دیدگاه‌ها

یکی از عوامل طلاق، تفاوت نگرش‌ها در حوزه‌های مختلف اعتقادی و عملی و برخورد ناصحیح با بینش‌های مذهبی و اجتماعی است. همسان نبودن فرهنگ دینی و اجتماعی زن و شوهر اگر نتواند در زیر چتر محبت از بین رود و حتی‌المقدور کم رنگ شود، تأثیر عمده‌ای در ایجاد اختلاف و افزایش کشمکش بین آن دو دارد. تضادهای طبقاتی خانواده‌های زن و شوهر و اختلاف سلیق آنان و نیز برخورد نادرست با آنها می‌تواند به ایجاد تنش بین زن و شوهر بینجامد.

### ۸- بی‌توجهی به دین

احکام دین برای اصلاح امور دنیوی انسان و بهره‌بری بهتر از آن در آخرت است. هرگز خداوند و اولیاء در بیان و تفسیر کلام او، چیزی را حرام نکرده‌اند مگر اینکه ضرری داشته است. حال اگر ضرر آن کمتر بوده، دستور به بیزاری از آن و اصطلاحاً کراهت داده‌اند و هرگز چیزی واجب ننموده‌اند مگر اینکه نفعی غیر قابل گذشت داشته است. حال اگر نفع آن بدان حد نبوده، دستور به استحباب آن داده شده است.

حرمت خودآرائی، چشم‌چرانی، موسیقی، شراب، رقص و پایکوبی در شب زفاف؛ توجه صحیح به معیارهای واقعی مانند ایمان، عمل صالح، اخلاق، اصالت خانوادگی، مسئولیت‌پذیری و ... در گزینش همسر؛ نحوه گزینش صحیح و نه احساسی؛ بی‌توجهی به تشریفات در مراسم عقد و عروسی؛ رعایت وقت مناسب برای زفاف، رعایت آداب همجواری و ... همه برای پایداری کانون خانواده و استفاده بهینه از دنیا برای آخرت است.<sup>۱</sup>

بی‌تردید تأکید اسلام بر این امور و اعطاء برنامه‌ای مدون با بیان جزئیات، بدان جهت است که این هدف اساسی تأمین گردد.

#### ۹- مقایسه همسر خود با دیگران

یکی از مشکلات سر راه جوانان بعد از عقد و احیاناً عروسی مقایسه همسر خود با توهمات ذهنی گذشته است. گاهی جوان قبل از ازدواج از همسر آینده خود تصویری در ذهن خویش ایجاد کرده و اینک همسر خود را با آن موهومات می‌سنجد.

نیز گاهی پسر، همسر خود را با دخترانی که پاسخ منفی به خواستگاری وی داده‌اند مقایسه می‌کند و دختر شوهر خود را با خواستگاران سابق خود تطابق می‌دهد. این مقایسه‌های بیجا و بی‌اثر خانواده‌ی نوپای آنان را در هم می‌شکند. نهایت چنین افکار شومی یا افسردگی است و یا در نهایت به طلاق می‌انجامد.

درک این نکته لازم است که خدای متعال همه خوبی‌ها را به یکی نداده است؛ آنکه همسر خود را با وی مقایسه می‌کنیم بنده‌ای از بندگان خداست که فقط به خاطر موهوم بودن و یا دور بودنش، از عیوب وی مطلع نشده‌ایم. و آنکه اینک در کنار ماست انتخاب ما بوده است که به خاطر آشنائی بیشتر ما با وی احیاناً عیوبی از او آشکار گشته است.

#### ۱۰- مقررات ویژه طلاق

برخی مواد قانون طلاق نیز در افزایش آن بی‌تأثیر نیست. قوانین طلاق بایست باز دارنده باشند، این مقررات باید به صورتی طراحی شده باشند که موانع بر سر راه طلاق‌های ذوقی و بی‌برهان را چنان اضافه نمایند که طلاق در خیال چنین افرادی راه نیابد.

در این باره، الزام زن و شوهر در همه‌ی انواع طلاق به مشاوره توسط مشاوران دلسوز ضروری است.

#### ۱۱- کوتاهی نهادهای دولتی

<sup>۱</sup> - در این باره به کتاب زفاف اثر مؤلف رجوع کنید.

یکی از عوامل افزایش طلاق، بی‌توجهی نهادهای دولتی به این مهم است. وظیفه اصلی دولت این است که شرایط مطلوب زندگی خانوادگی و اجتماعی را ایجاد نماید. وظیفه‌ای که اگر به شکل زیبایی تحقق یابد در از بین بردن سایر مشکلات جامعه و حتی مشکلات اقتصادی و سیاسی سهم زیادی خواهد داشت. بی‌تردید تأثیر روانی و عاطفی فروپاشی خانواده‌ها بر افراد و آثار زیانبار آن بر اجتماع و تحمیل هزینه‌های سنگین بیماری و امنیتی، باید نهادهای دولتی را وادار به کشف علل طلاق و تهیه قوانین لازم برای از بین بردن ریشه‌های آن نماید.

## عوامل اجتماعی

### ۱۲- اعتیاد

تأثیر منفی مواد مخدر بر نظام خانواده چنان عیان است که آن را «بلای خانمان سوز» نامیده‌اند. این گول ویرانگر از آدمی چنان قیافه‌ای نامتعادل و بی‌آبرو می‌سازد که آثار بسیار زشت آن گویای زشتی آن بوده و ما را از تعریف و بیان مصادیق و انواع آن معاف می‌سازد.

انسان موجودی کمال طلب است. او می‌خواهد بماند و بهتر بماند و برای ماندگاری خود فکر می‌کند و عمل می‌نماید. گاه ماندگاری خود را در کنار خدایش جستجو می‌کند لذا به او پناه می‌برد و گاه ماندگاری خویش را در کنار غیر خدا می‌جوید و چون بعد از اینکه چند صباحی به او پناه برد، خود را نارسیده می‌انگارد برای درمان یأس خود به هر برگی پناه می‌برد که الغریق یتشبث بکل حشیش<sup>۱</sup>، رغبت به دوستان ناشایست، بی‌توجهی

والدین به فرزندان، مشاجرات پدر و مادر، بیکاری، بی‌همسری و...، از عوامل یأس‌زایی هستند که جوان را به سوی موادی می‌کشاند که تصور می‌کند می‌تواند او را از خود بیخود کند و از قال زمانه نجات دهد.

او که چاله‌های زندگی را نتوانسته است با درایت خویش اصلاح کند در چاهی عمیق گرفتار می‌گردد که گاه خلاصی از آن به مرگش می‌انجامد.

پیامبر مکرّم می‌فرماید: ضرر رساندن به خود و دیگری در اسلام روا نیست.<sup>۲</sup> رسول خدا ﷺ، خطر این مواد را پیش‌بینی فرمود، و طی خطاب‌های شدید اللحنی امر به پرهیز مسلمانان از آن داده است؛ توجه کنید:

زمانی بر امتّم خواهد رسید که چیزی به‌نام بنج می‌خورند. من از آنان بریء و آنان از من بریء هستند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - مثلی عربی است که می‌گوید انسان غرق شده به هر برگی از درخت در سطح آب هم پناه می‌برد و به آن چنگ می‌زند.

<sup>۲</sup> - لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.

<sup>۳</sup> - سیّاتی زمان علی اُمّتی یأکلون شیئاً اسمهُ البَنج، انا بریءٌ مِنْهُمْ وَهُمْ بریئون مِنّی. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۸۵.

بنج معرّب بنگ است و استعمال تخدیری دارد. این لغت در فارسی به حشیش معنا شده است.

هر آنکه بنج بخورد، همانند آن است که هفتاد بار خانه‌ی کعبه را ویران کند، هفتاد فرشته را به قتل رساند، هفتاد پیامبر مرسل را شهید نماید، هفتاد مصحف را به آتش کشد، هفتاد سنگ به‌طرف خداوند پرتاب نماید. چنین کسی از شرابخوار، رباخوار، زانی، نمّام و سخن چین، دورتر است.<sup>۱</sup>

آن حضرت در جای دیگر فرموده‌اند: به یهودی و مسیحی سلام کنید ولی به استفاده کننده از این مواد سلام ننمائید.<sup>۲</sup>

فروپاشی کانون خانواده، بی‌اعتباری اجتماعی، از دست دادن شغل، هدر رفت ثروت و بیماری‌های جسمی و... ارمغانی است که آن نایافته راه کمال را احاطه می‌کند.

### ۱۳- زوال خویشاوندی

خویشاوندان نقش مهمی در استحکام خانواده دارند، چرا که از سوئی طلاق امری ناخوشایند برای فامیل شمرده می‌شود و از سوی دیگر بزرگان فامیل همواره خود را موظف به حمایت فکری از جوانان خود می‌دانند. اگر خویشی گذشته در زندگی مدرن امروزی به فراموشی سپرده شود، چشمان خویشان مصلح که باید همواره نظاره‌گر ثبات زندگی مشترک جوانان باشد، برداشته می‌شود و زندگی دختر و پسر بدون این پشتوانه‌های حیاتی، متزلزل می‌شود.

### ۱۴- دخالت دیگران

برآوردهای آماری نشان می‌دهد که حتی دخالت بی‌هدف خانواده‌ها و اطرافیان توانسته است نقش زیادی در ایجاد ناسازگاری بین زن و شوهر و احیاناً افزایش کدورت داشته باشد.

این دخالت‌ها در مورد مسائل اختلافی زن و شوهر نقش بسیار مخرب‌تری ایفا می‌کنند و دامنه‌ی اختلاف را شعله‌ورتر می‌سازد. گاه این دخالت‌ها چنان جدی می‌شود که اساس اختلاف زن و شوهر فراموش شده و جای خود را به جانبداری از اطرافیان می‌دهد.

### ۱۵- ارتباط خانوادگی ناقص

ارتباط ضعیف و یا ارتباط ناصحیح با اقوام و خویشان همسر، از عوامل ایجاد کدورت‌های خانوادگی است. هم ضعیف بودن این شکل از رابطه و هم شکل غیر اصولی ارتباط با خویشان همسر، نقش مخربی در سست شدن بنیاد خانواده دارند.

### ۱۶- ادامه همنشینی‌های مجردی

<sup>۱</sup> - مَنْ أَكَلَ الْبُنْجَ فَكَانَ هَدْمَ الْكُفَّةِ سَبْعِينَ مَرَّةً، وَكَانَ قَتَلَ سَبْعِينَ مَلَكًا مُقْرَبًا، وَكَانَ قَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا مُرْسَلًا، وَكَانَ أَحْرَقَ سَبْعِينَ مُصْحَفًا، وَكَانَ رَمَى إِلَى اللَّهِ سَبْعِينَ حَجْرًا، وَهُوَ أَبْعَدُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ وَأَكِلِ الرِّبَا وَالزَّانِي وَالنَّمَامِ. مستدرک الوسایل، ج ۱۷، ص ۸۶.

<sup>۲</sup> - سَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَلَا تَسَلِّمُوا عَلَى أَكْلِ الْبُنْجِ. مستدرک الوسایل، ج ۱۷، ص ۸۶.

یکی از عوامل طلاق این است که شاید مردان نتوانند به سادگی از زندگی گذشته و مجردی خود فاصله گیرند. لذا دوست دارند ساعاتی و گاه نامحدود با دوستان خویش بگذرانند و همسر خود را تنها رها کنند. این دوری در کنار افکار باطلی که احیاناً بخشی از خیالات همسر را پر می‌سازد، می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای جدایی فراهم آورد.

#### ۱۷- اختلاف مدرک تحصیلی

متأسفانه گاهی اختلاف مدرک تحصیلی نیز عامل طلاق شده است. دختر و پسری که دوستی عاشقانه، آنان را چشم بسته و ادا به زندگی مشترک کرده بود، اینک با نگاهی کاملاً مادی به زندگی خود می‌نگرند و اختلاف در کاغذ نوشته‌ای اداری را بر زندگی مشترک خود ترجیح می‌دهند. آیا مدرک تحصیلی می‌تواند سعادت آنان را تضمین کند که چنین وابسته به آن شده‌اند؟ و آیا اساساً علاقه قلبی و معنوی دو انسان می‌تواند وابسته به آن شود؟ هرگز!

#### ۱۸- اعمال خشونت از سوی مرد

برخی مردان، گاه محیط خانه را با میدان کارزار اشتباه گرفته و برای رسیدن به اغراض خود از توان جسمانی خویش و یا خشونت زبان بهره می‌برند. تحمل این رفتار برای زنان، خاصه زنان جوامع امروزی که هم سطح آگاهی افزون‌تری دارند و هم در عرصه‌های بین‌المللی بازیگر کسانی هستند که در پی برابری جنسیتی آنان می‌باشند، سخت دشوار است.

#### ۱۹- آشنایی اتفاقی و غیر سنتی

از عوامل مهم طلاق آشنایی اتفاقی دختر و پسر در کوچه و خیابان، پارک، اتوبوس، مترو و... است. گاه این آشنایی‌های اجمالی به خواستگاری منجر شده و با تحقیقی گذرا از جانب طرفین به ازدواج می‌انجامد. تحقیقی که غالباً به جهت نداشتن اسلوب صحیح، نتیجه آن از حب و بغض‌های ویژه‌ای نشأت گرفته و به همین علت ارزش خود را از دست می‌دهد. بی‌شک این نوع ازدواج‌ها واقع‌نگری انسان را به خطر می‌اندازد و خیال‌پردازی و نیز اسطوره‌سازی خیالی را جانشین آن می‌سازد. افزایش انتظارات غالباً بی‌جا که حاصل چنین ازدواجی است، ناکامی‌های ایجاد شده را سنگین‌تر جلوه می‌دهد.

#### ۲۰- فاصله آشنایی تا عقد

فاصله‌ی زمان آشنایی تا عقد بسیار شکننده است. ارتباط دختر و پسر در این مدت و آشکار شدن برخی چیزهایی که چه‌بسا از نظر دیگری عیب محسوب می‌شود، حال چه عیب منطقی باشد یا نه، می‌تواند در ایجاد فاصله و انحلال آنچه بوجود آمده است مؤثر باشد.

ممکن است علاقه دختر و پسر در این فاصله زمانی چنان قوی نباشد که بتواند این عیب‌ها را تحلیل منطقی کند و حتی گاه آنها را نوعی تقابل با خواسته‌های پیشین خود می‌شمارد.

در این رابطه کم شدن فاصله‌ی بین خواستگاری تا عقد سفارش می‌شود. باید توجه داشت که ارتباط غیر صحیح دوره‌ی خواستگاری تا عقد، مشروع نیست.

## ۲۱- دوره طولانی عقد

احساس عاشقانه از سویی و نیز آماده نبودن برای تحمل تشنجات خانوادگی در دوران عقد، استحکام خانواده را تهدید می‌کند.

اگر بین زمان عقد تا زمان عروسی، فاصله‌ای طولانی باشد، بگو و مگوهای جزئی به پتکی گران تبدیل می‌شوند و بر آمال و آرزوهای غالباً عاشقانه خواهند کوبید.

حیاء بسیاری از دختران پس از زمان عقد و آماده نبودن آنان برای معاشقه‌های مورد نظر پسر، و معطوف شدن ذهن به برخی مسائل جزئی در رفتارهای خانوادگی یکدیگر و غیر اینها، شاید موجب تزلزل عقد ازدواج شود. این کدورت‌ها می‌بایست با مودت و رحمت حاصل از ازدواج جبران گردد ولی نبود این رحمت و صفا بین دختر و پسر، بر افزایش تنش‌ها سرعت بیش‌تری می‌دهد و گاه دختر و پسر را از هم متنفر ساخته و به سوی درخواست طلاق سوق می‌دهد.

قابل توضیح است که مودت و رحمتی که در سایه ازدواج حاصل می‌شود، با آغاز زندگی مشترک شکل می‌گیرد.

## ۲۲- نازایی

از عوامل طلاق، نازایی است. نمی‌توان از کنار این باور پذیرفته شده گذشت که فرزند رکن قوی خانواده و عامل جدی بقاء آن است. طبعاً مرد عقیم با زنی که مشکلی برای باردار شدن ندارد و یا زنی نازا که شوهرش مشکلی برای بارور کردنش ندارد، این رکن را در محیط خانگی خود نمی‌بینند. گذشت زمان و زوال فدایت شوم‌های اول زندگی، غالباً مرد را به تکاپو وامی‌دارد که برای بقاء نسل خویش به هر اقدامی دست بزند، البته امروزه به لطف پروردگار متعال راه علاج غالب این بیماری معین شده است.

## ۲۳- دختر زایی

در گذشته در برخی جوامع، زنی که دختر می‌زائید، از اعتبار خانوادگی ساقط می‌شد. متأسفانه این رویه ناشایست در حال حاضر نیز در برخی جوامع ادامه دارد. این عادت غلط گاه چنان پررنگ شده که حتی زندگی مشترک به خاطر زائیدن دختر در معرض تهدید قرار می‌گیرد. خوب است بدانیم قرآن کریم، مرد را عامل تعیین جنسیت می‌داند<sup>۱</sup>، مسأله‌ای که پیشرفت‌های تجربی جدید توانست آن را در نیمه‌های قرن نوزدهم میلادی یعنی پس از سیزده قرن از اعلان آن در قرآن بیان نماید.

## عوامل اقتصادی

### ۲۴- فقر اقتصادی

مرد مسئول اقتصاد خانواده است و احساس فقر اقتصادی بر هیمنه‌ی او لطمه می‌زند و این باور که وی فرد نالایقی در اداره زندگی است برای زن و حتی خود وی ایجاد می‌شود. حاصل این باور، یا پررنگ شدن سایر مشکلات و در نتیجه مشاجره برای تعیین مقصر است و آن قدم اولیه برای جدایی است و یا مرد اجتماع را مقصر در فقر

<sup>۱</sup> - ر.ک: تفسیر علمی آیات ۳۹ سوره قیامت و ۴۶ سوره نجم.

خود می‌پندارد و با بزه در پی انتقام‌گیری از جامعه می‌شود. سرقت، قتل و سایر بزه‌کاری‌های اجتماعی حاصل این عقیده ناصحیح است. از سوی دیگر فقر اقتصادی می‌تواند مرد را به کارهای بیش از توان خود مجبور نماید. پدیده چند شغله بودن مردان و یا کار در شیفتهای متعدد می‌تواند جدایی روحی وی از زن و فرزند را به دنبال آورد و ضربه‌ی بزرگی بر زندگی عاطفی با همسر و فرزند وارد سازد.

بیان این نکته ضروری است که فقر اقتصادی را باید از دو زاویه مورد ارزیابی قرار داد که عبارت است از تهیدستی واقعی و احساس فقر؛ و این دو یکی نیستند. بینوایی همان فقر اصطلاحی است که شاید فقیر از جهان‌بینی وسیعی برخوردار باشد و حتی آن را نعمت بداند و یا حداقل به طمع رسیدن به فیض آخرت، با آن کنار آید. اما احساس فقر به معنای افزایش مطالبات است. در اینجا ممکن است شخص اساساً تهیدست نباشد، اما خود را تهیدست پندارد. لذا این نوع فقر اقتصادی، توأم با فقر فرهنگی است. بی‌تردید، کلان‌نگری‌های اقتصادی اگر با زیربنای فرهنگی صحیحی شکل نگیرد، چون برخی خود را فقیر می‌پندارند، آمار فقر را گسترش داده و این موجب افزایش مطالبات جامعه خواهد شد.

#### ۲۵- ثروت بی‌ضابطه

شاید کمی بعید به نظر برسد که ثروتی که بی‌جا بدست آمده و مدیریت صحیح در مصرف آن اعمال نشود، نیز می‌تواند عامل طلاق باشد. ثروتی که صرف عیاشی و خوش‌گذرانی شود هم برای زن و هم برای مرد زمینه‌ای می‌شود تا توجه دیگران را جلب نماید و آنان که از این ثروت بی‌بهره‌اند و اداری تا در پی شریک شدن با آنان شوند. ورود افراد دیگر در کانون خانواده، قطعاً آغازی برای انهدام کامل آن است. چنین ثروتی اگر در مسیر باطل چون اعتیاد، قمار و شراب نیز مصرف شود، هر کدام خود می‌توانند عامل مجزایی برای طلاق محسوب شوند.

#### ۲۶- توجه به موقعیت همسر

برخی می‌خواهند با کسی ازدواج کنند که آنان را به سرعت به قله‌های دنیوی برساند به طوری که می‌توان گفت که برخی ازدواج‌ها در واقع ازدواج دختر و پسر نیست، ازدواج با شغل، درآمد اقتصادی، موقعیت اجتماعی و... است.

ازدواج‌های مصلحتی که با تحمیل خانواده، دوستان صورت می‌پذیرد و یا مثل ازدواجی که به خاطر فرزنددار شدن شکل می‌گیرد و هر ازدواجی که بر اساس غیر عشق حقیقی آغاز شود، ثبات ندارد. دوام چنین ازدواجی به احراز همان هدفی بسته است که ازدواج برای آن صورت گرفته است. در این نوع ازدواج‌ها، بی‌میلی زن و مرد پس از مدتی کوتاه از زندگی مشترک، چنان شدت می‌گیرد که حتی با رسیدن به آمال دنیایی باز صحبت از جدایی می‌شود و البته بازنده اصلی این ازدواج، کسی است که قدرت مالی و اجتماعی او موجب چنین ازدواجی شده است، او خود را مالباخته اصلی می‌پندارد و خویشن را به خاطر انتخاب نازیبا سرزنش می‌کند.

#### ۲۷- توقعات نامحدود

توقع غیر متعادل، بیماری روانی مهلکی است و حد اشباع ندارد. این بیماری، زندگی را

با خواسته‌های غیر متعارف و به‌دور از شأن، از مسیر خود خارج می‌سازد. توقعات بالای هر کدام از زن و مرد از عوامل مهم افزایش کج خلقی‌ها، پرخاشگری‌ها و در نهایت طلاق است. توقع برآورده شدن خواهش‌ها و از جمله خواسته‌های مادی، طرف مقابل را یا به گناه می‌کشاند و یا مجادله‌های پنهان و آشکار زندگی را می‌افزاید.

#### ۲۸. اشتغال زنان

هر چند برخی شغل‌های زنان در بیرون از خانه با شریعت اسلام در تضاد نیست و حتی اشتغال زن در تمام شغل‌های مربوط به زنان گاه جزء فرائض و واجبات محسوب می‌شود. اما به هر حال کار زن به عنوان مصطلح امروزی که می‌بایست بهترین ساعات روز را به خود و خانواده خویش اختصاص دهد، از عوامل مهم طلاق شمرده شده است. آمار بسیار درخواست طلاق از سوی زنان شاغل این ادعا را تقویت می‌بخشد.

ترویج کار زنان از سوی جوامع غربی خاصه پس از انقلاب صنعتی برای به حرکت درآوردن چرخ کارخانه‌ها، صورت گرفت و نگاه به خانه‌داری به عنوان بیکاری و نقص زندگی، از عوامل اصلی خروج زن از منزل و توجه به مشاغل بیرون از خانه بود.

مشاغل بیرون از خانه، از سویی زن را خسته جسمی می‌نماید و از سوی دیگر چون از توقع شوهر از انجام کارهای خانه چیزی نمی‌کاهد، خستگی روحی نیز به آن افزوده می‌شود. این دو در کنار بی‌توجهی به فرزندان، کوله باری از مشکلات را بر سر خانم خانه خواهد ریخت که لطافت روحانی و نحافت جسمانی او تاب تحمل آن را ندارد.

این امر موجب می‌شود که زن خود را باخته‌ی بی‌عدالتی در هستی پندارد و از زندگی احساس رضایت ننماید. وی به خاطر کمک مالی همسرش هم باید کار بیرون را به نحو احسن انجام دهد، چون در غیر این صورت کارش را از دست خواهد داد و هم باید غرولند شوهرش را بشنود.

اثر این خستگی، کسالت و خواب آلودگی آنان در محیط خانه و در نتیجه بی‌توجهی به وظایف زناشویی است و این به نوبه خود از مهم‌ترین عوامل طلاق می‌باشد.

غالباً دیده می‌شود مردان به طمع حقوق همسرشان، کار او را در بیرون از خانه می‌پذیرند ولی چون او را در انجام وظایف کوتاه می‌بینند، باب بگو مگو و احياناً سخن از جدایی باز می‌شود.

کسی که با دختری شاغل ازدواج می‌کند باید بداند همسرش چون خودش شاغل است و قطعاً همسر شاغل توان خانه‌داری و شوهرداری مانند سایر زنان را ندارد. او باید بهترین ساعات عمر خود را در اختیار شغل خود باشد. خانه برای او چون شوهرش بایستی محل استراحت باشد. طبعاً انتظار وظایف خانه‌داری و همسرداری و تربیت فرزند از او بجا نیست. به این مردان باید گفت یا توقع خود را پایین آورید و یا با آن توقع به این زندگی راضی باشید.

در این باره تذکر این نکته لازم است که چون برخی پسران توقعات خاصی از زندگی دارند که از خانم‌های شاغل بر نمی‌آید، بایستی قبل از ازدواج این مسأله کاملاً شفاف شود.

## ۲۹- استقلال اقتصادی زنان

با ورود زن به عرصه‌ی تلاش بیرون از خانه و کسب درآمد، این روحیه در جوامع سنتی که مرد نان‌آور است و نگاه زن به دست مرد است از بین رفت. اکنون زن گاه بیش از مرد در تکاپوی بدست آوردن نان است. او خود را در این باره مستقل دیده و بی‌توجه به دست مرد می‌داند. این تغییر نگاه، اگر در کنار نارضایتی زن از زندگی زناشویی قرار گیرد، از شوهر تصویری جز موجودی اضافی نخواهد ساخت. او که خود را به تنهایی کافی در اداره زندگی می‌بیند، دیگر حاضر نیست امر و نهی شوهر را بپذیرد، برای او جدایی، رهایی تصور می‌شود. لازم به توضیح است که استقلال مالی زن، پدیده‌ای منفی نبوده و دین هم با آن مخالف نیست. اسلام با نداشتن ظرفیت این استقلال و بهره‌بری از آن در جهت منافع شخصی و نامشروع و بی‌توجهی به حق شوهر مخالف است.

## عوامل اخلاقی

### ۳۰- رذائل اخلاقی

از عوامل مهم طلاق، فساد اخلاقی است. بد اخلاقی هر کدام از مرد و زن موجب زوال شخصیت فردی و اجتماعی طرف مقابل شده و به همین علت تأثیر نامطلوب روانی ایجاد می‌کند.

بهتر است به مصادیقی از بدخلقی که بیش‌ترین تأثیر را در طلاق دارند، بپردازیم.

#### ۱- بدخویی

هر چند بدخو بیش از هر کسی از خلق بد خود متنفر می‌شود اما تأثیر زشت بدخویی بر خانواده هم قابل انکار نیست.

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: هر کس اخلاقش زشت باشد، خانواده‌اش را ملول خواهد کرد.<sup>۱</sup>

انسان بدخو، با اخلاق بد خود دائماً آرامش خانواده را به هم می‌زند، اضطراب و وحشت به جای آرامش و امنیت بین اهل آن خانه حکمفرما می‌شود و در نهایت به از هم پاشیدگی کانون گرم خانواده می‌انجامد.

اینکه حضرت امیر علیه‌السلام از بدخلقی به وحشت تعبیر کرده است از همین نگاه قابل توجه است. حضرت می‌فرماید: وحشتی ترسناک‌تر از بدخلقی نیست.<sup>۲</sup>

بد اخلاقی چنان سایه شومی بر خانه می‌افکند که اهل خانه را از خود هم متنفر می‌سازد. اگر اهل خانه نتوانند بر این خلق بد صبر کنند، کانون خانواده فرو می‌ریزد.

#### ۲- بدزبانی

زبان به طعن و ناسزا نیز آتش لجاجت را مشتعل می‌سازد. این رذیله‌ی اخلاقی اگر خوی هر دوی زن و مرد باشد آرامش خانواده را سلب می‌کند و اگر خلق یکی باشد،

<sup>۱</sup> - مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلَهُ. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۳.

<sup>۲</sup> - لَا وَحْشَةَ أَوْحَشَ مِنْ سُوءِ الْخُلُقِ. غررالحکم و دررالکلم.

کاسه‌ی صبر دیگری را لبریز می‌سازد.

۳- دروغ گویی

دروغ اثر تخریبی وسیعی در کانون خانواده دارد و عامل مهمی برای ایجاد بی‌اعتمادی است.

دروغ انسان را همسنگ می‌کند، چه اینکه برتری زنده بر مرده این است که مردم از او نفعی ببرند و از اعتماد به او بهره گیرند. کسی که مورد اعتماد و اطمینان هم‌نوعش نباشد، زنده نیست، مرده‌ای بین زندگان است. به این حدیث توجه کنید:

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: دروغگو و میّت مساوی هستند. زیرا برتری زنده بر مرده به این است که زنده مورد اطمینان می‌باشد، اگر زنده‌ای مورد اطمینان دیگران نباشد، حیاتش بی‌فایده است.<sup>۱</sup>

۴- بدگمانی

سوء ظن نسبت به هر کسی از گناهان کبیره محسوب می‌شود. بدگمانی زن و مرد نسبت به یکدیگر علاوه بر گناه بودنش موجب فروپاشی کانون خانواده می‌شود. زیرا بدگمان نه به غیر اعتماد دارد و نه کسی به او اعتماد می‌یابد.

بی‌تردید بدگمانی زن و مرد نسبت به یکدیگر، موجب اتهام‌های بی‌اساس و کنش‌ها و واکنش‌های نامعقول می‌شود و آرامش خانواده را از بین می‌برد و به جای عشق و محبت، وقت مفید زندگی، صرف جمع‌آوری دلیل و برهان برای اثبات گمانه‌زنی‌ها می‌شود.

اینکه اسلام سفارش اکید دارد که زن و مرد خود را در موضع تهمت قرار ندهند، زن چیزی را از شوهرش مخفی ننماید، بدون اجازه‌اش از خانه خارج نشود و... به همین علت است که آتش بدگمانی شوهر را شعله‌ور نسازد که او خود در این آتش خواهد سوخت.

۵- عیب جویی

بدیهی است هر انسان عاقلی با تأملی هر چند کوتاه در می‌یابد که هرگز نمی‌تواند عیوب متعدد خود را نادیده انگاشته و به عیب دیگران زبان گشاید. پس آنکه از خود غافل شده و به دیگران پيله می‌کند، جاهلی بیش نیست.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: کافی است در ظهور جهالت و نادانی انسان که وی به عیب خودش ناآگاه باشد.<sup>۲</sup>

پس عیبجو با بیان عیب دیگران، نخست عیوب خود را بر ملا می‌سازد و همین نشانه حماقت است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: همین عیب برای انسان کافی است که چیزی را در خود نمی‌بیند در دیگران ببیند، و نسبت به عیب دیگران بینا و به همان عیب از خود، کور

<sup>۱</sup> - الْكَذَابُ وَالْمَيْتُ سِوَاهُ، لِأَنَّ فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيْتِ، الثَّقَةُ بِهِ، فَإِذَا لَمْ يُوثِقْ بِكَلَامِهِ فَقَدْ بَطَلَتْ حَيَاتُهُ. غررالحکم.

<sup>۲</sup> - كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ عَيْبَهُ. غررالحکم.

باشد.<sup>۱</sup>

از طرفی غفلت از عیب خود، باعث می‌شود عیب دیگری هر چند اندک باشد، بزرگ جلوه کند، چرا که عیجو در صدد است برای خود هم‌تا بسازد. عیب‌جوئی علاوه بر نافرمانی خداوند، حقّ الناس نیز شمرده می‌شود و نوعی سلب حقوق معنوی و عرضی می‌باشد و آثار مخربی بر جای می‌گذارد که از جمله آنها زدودن مهر عیجو از دلها است. طبعاً دافعه عیجو نسبت به جاذبه‌اش کمتر شده و لذا همه از وی دوری می‌گزینند تا روزی در معرض عیب‌جوئی او قرار نگیرند. کشف عیوب عیجو، سقوط در لغزش معاصی دیگر، ارتکاب همان نقص در آینده، سرایت آثار مخرب عیب‌جوئی در خانواده، عذاب قیامت از دیگر آثار زیانبار عیب‌جوئی است که هر کدام به نحوی در زوال کانون گرم خانواده مؤثر است.

۶- تکبر

عجب گناهی اخلاقی است که بیمار به این مرض حاضر به شنیدن کلام حقّ نیست، موعظه در گوش او اثر نمی‌کند، علم دیگران نزد او ناچیز و حتی معاشرت مردم را حاکی از ضعف آنان می‌شمارد.

امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: عجب آدمی را از طلب علم باز می‌دارد.<sup>۲</sup>

عجب موجب تحقیر دیگران شده و زن و شوهر را در نگاه هم خرد و حقیر می‌نماید. مهمترین اثر مخرب عجب، کبر است. وقتی عجب‌کننده برای خود ارزش‌هایی خیالی و موهوم را تصور نمود، چه بسا به یکی از بدترین معاصی از گناهان کبیره یعنی تکبر دچار می‌شود. و تصویری پوشالی او را به کاری پر مخاطره و امی‌دارد. کاری که زندگی خود و فرزندانش را تباه سازد.

۷- استبداد

محدود شدن نقش یکی از زن و مرد در محیط خانه که اثر استبداد است، دو اثر بد باقی می‌گذارد. اولاً: طرف مقابل را تضعیف ساخته و آتش لجابت او را شعله‌ور می‌سازد و در محیط خانه بحران ایجاد می‌نماید. اگر وی عاقلانه تصمیم گیرد و عکس العمل نشان ندهد، حداقل دیگری را از نظرات گاه صائب خویش بی‌بهره می‌نماید. ثانیاً: بر فرزندان آنان تأثیر منفی گذاشته و روحیه سلطه‌گرایی در آنان ایجاد می‌کند. این روحیه در محیط بازی و مدرسه و حتی در مدیریت‌های کلان اجتماعی، تأثیر نامطلوب خود را به‌جا می‌گذارد.

۸- بخل

در روایات از بخل در کنار حرص و ترس، به عنوان عامل سوء ظن یاد شده است. حرص نسبت به جمع دنیا، ترس از دیگران و یا از خود به واسطه انجام برخی گناهان، بخل و حسادت به خاطر ترقی کسی، هر سه مجموعاً گناهی بنام «سوء الظن» خلق می‌کنند.

<sup>۱</sup> - كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يُعْمَى عَنْهُ مِنْ نَفْسِهِ. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۹۳.

<sup>۲</sup> - الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۹.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: همانا ترس، بخل و حرص غریزه‌ای واحد هستند و سوء ظن آنها را جمع می‌کند.<sup>۱</sup>

همچنین پیامبر خدا فرموده‌اند: بخل و ایمان در قلب بنده‌ای جمع نمی‌شوند.<sup>۲</sup>  
امام هادی علیه‌السلام نیز می‌فرماید: بخل مذمومترین رفتار هاست.<sup>۳</sup>

### ۳۱- فساد اخلاقی

فحشا و منکرات از عوامل ناسازگاری بین زن و مرد است. زن و مردی که مرتکب گناه و مخصوصاً گناهان جنسی می‌شوند، از دو منظر آمادگی بیش‌تری برای نابود کردن کانون خانواده خود دارند، اول آنکه لذت طلبی آنان را وادار به تکرار گناه می‌نماید و چون گاهی تکرار گناه با بقاء خانواده امکان‌پذیر نیست، بی‌بندوباری بر کانون گرم خانواده ترجیح داده می‌شود. دوم آنکه بی‌بندوباری جنسی، جذابیت هر کدام از زن و شوهر را برای دیگری از بین می‌برد.

این دو موجب می‌شود در جامعه ما (که هنوز قبح معاصی و خاصه گناهان جنسی تا حدودی ناشکسته باقی مانده است)، تن دادن به زندگی در کنار همسری که آلوده به گناه است، سخت جلوه کند و بقاء چنین زندگی امکان‌پذیر نباشد.

### ۳۲- ناپایداری شخصیت

برخی شخصیت ثابتی ندارند، بر خود مسلط نیستند، اراده آنان ضعیف است، بدون تفکر به کاری دست می‌زنند و گاه به سرعت پشیمان می‌شوند، به شدت تلقین پذیرند. چنین افراد ناپایداری نه توان زندگی مشترك دارند و نه زندگی در کنار آنان آسان است. اینان همان افرادی هستند که به تعبیر حضرت امیر علیه‌السلام با هر بادی سر خم می‌کنند.<sup>۴</sup>

### ۳۳- اختلالات روانی

هر چند لطافت روحی زن و مرد مانع از این می‌شود که با بیمار شدن یکی، دیگری طلاق را به میان کشد اما برخی از انواع بیماری‌های روحی زوجین که به دیگری سرایت کند از عوامل طلاق شمرده شده است. مثلاً برخی از انواع اختلال شخصیت موجب می‌شود بیمار، نیاز مفرطی به محبت دیگران بیابد به طوری که کوچک‌ترین بی‌توجهی او موجب آشفته شدن شخصیت وی گردد. کسی که به این بیماری دچار شده است، از اظهار محبت همسرش ارضاء نمی‌شود و لذا با اینکه همسرش نهایت توجه به او را دارد اما همواره زبان شکوه دارد. این امر باعث افزایش تنش بین آن‌دو شده و زمینه‌های طلاق را می‌آفریند.

<sup>۱</sup> - إِنْ الْجُبْنَ وَالْبُخْلَ وَالْحِرْصَ غَرِيظَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۴.

<sup>۲</sup> - لَا يَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالْإِيمَانُ فِي قَلْبٍ عَبْدٍ أَبَدًا. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۲.

<sup>۳</sup> - الْبُخْلُ أَدْمُ الْأَخْلَاقِ. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۹.

<sup>۴</sup> - يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيؤُوا بِنُورِ الْعِلْمِ. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

#### ۳۴- تجمل پرستی

اسراف و تبذیر از گناهان کبیره محسوب می‌شود. این گناه در محیط خانواده چون هر گناه دیگری روح ایمان را از خانواده برمی‌دارد و زمینه‌ی جلب رحمت خدا را ریشه کن می‌سازد. آنانکه به نظر خود در پی تهیه خوبترین جلوه‌های زندگی مادی هستند، تا آن را وسیله فخر فروشی به دیگران نمایند از این نکته غافلند که هر خوبی تنها چند صباح باقی است. آنچه ماندگار است، آه و افسوس برای تباه کردن لحظاتی از عمر است که به جای استفاده از آن در مسیر لذتی ماندگار، در مسیر خواهشی زودگذر به‌کار گرفته شده است. بی‌شک باید گفت بهانه‌گیری، بگو و مگو، مجادله و گاه نزاع، از عوارض زندگی تجمل‌گرایانه است که ناشی از پذیرفتن الگوی زندگی غربی است. آنان که طلاق از پس‌دادن کفش، برایشان راحت‌تر است.

#### ۳۵- چشم و هم چشمی

از عوامل طلاق نگاه به زندگی دیگران است. برخی برای رسیدن به هر خواسته‌ای گاه بدون اینکه بهره کافی از آن برده باشند، در پی تحقق خواسته بعدی خود هستند و زندگی خود را همواره در این مسیر تباه می‌نمایند. توجه به نکات مثبت و یا به ظاهر مثبت زندگی دیگران و بیگانه شدن از همه‌ی زیبایی‌های زندگی خود از عوامل ایجاد خسونت و کدورت در زندگی و در نهایت طلاق است. آری چشم و هم چشمی رضایت از زندگی را هدف قرار می‌دهد و موجب تباه شدن آرامش می‌شود.

#### ۳۶- معاشرت آزاد

از عوامل طلاق معاشرت آزاد و بی‌قید با نامحرم است. آرایش سر و صورت در انظار نامحرمان، رفت و شده‌های بیجا، سخن گفتن بی‌مورد، شوخی و خنده بین خویشان نامحرم، همسایگان و در محیط کار و... عامل مهمی برای ایجاد روابط بیشتر است، روابطی که حرمت‌ها را کنار گذاشته و ارکان خانواده‌ها را نابود می‌سازد. تأکید اسلام بر رعایت مسائل مربوط به نامحرم، برای جلوگیری از این توالی فاسده است. اگر اسلام بیزاری می‌جوید از اینکه زن لباس محرکی بپوشد، خود را در منظر غیر شوهر آرایش کند، زیورآلاتش به نامحرم نشان دهد، بدون اجازه همسر از خانه بیرون رود و...، برای به‌دور ماندن زندگی او از حيله مکارانی است که در پی نابودی کانون خانواده وی هستند.

#### ۳۷- روابط پنهانی دختر و پسر قبل از ازدواج

روابط پنهانی دختر و پسر موجب ایجاد عشقی کاذب شده که گاه مشاوره‌های خیرخواهانه پدر و مادر و سایر مشاوران، توان زدودن خیالات آنان را ندارند. نبود تعقل، تنها مشکل این روابط نیست؛ بلکه منفعل شدن پدر و مادر پس از خبر یافتن آنان و احیانا مقابله آنان، بخش دیگر نابسامانی‌هایی است که روابط پنهانی ایجاد می‌کند. بی‌شک ازدواجی که با این مشکلات شکل گیرد، کم‌ترین اثر منفی آن از بین رفتن پشتوانه‌های فکری پدر و مادر و سایر خیر اندیشان از خویشان است و این خود گامی بزرگ در مسیر طلاق بعد از پیدایش جزئی‌ترین مشکل در زندگی است.

## عوامل زناشویی

### ۳۸- بی‌توجهی به نیازهای جنسی

از عمده عوامل طلاق بین زن و شوهر، بی‌توجهی به نیازهای جنسی یکدیگر است. این بی‌توجهی به سردمزاجی و در نهایت فشارهای روحی و روانی می‌انجامد. حاصل چنین فشار عصبی بهانه‌های واهی، درک نکردن همدیگر و به اصطلاح نبود تفاهم است. دوام چنین حالتی یا موجب انزوای خانوادگی می‌گردد و یا موجب می‌شود نیازهای جنسی از طریق شخص ثالث برطرف شود. ورود چنین شخصی از دو منظر به خانواده لطمه می‌رساند. اولاً: پذیرفته نشدن این امر در نگاه عرف، خاصه اگر خارج از ضوابط شرعی صورت گیرد. ثانیاً: تقسیم محبت زن یا مرد که می‌بایست به یکدیگر منحصر شود.

ناگفته نماند که مع الاسف بی‌توجهی به این نیاز مهم و حیاتی به خاطر حجب و حیا و یا نیافتن درد اصلی، به شکل بهانه‌های دیگری ظهور می‌کند و آن بهانه‌ها گاه چنان قوت می‌گیرد که ریشه‌ی آنها فراموش شده‌است. این مسأله گاه زن و مرد و حکمین را هم اغفال می‌کند. آنان وقت بسیاری را برای خشکاندن آن بهانه‌ها متحمل شده‌اند و شاید تصور کنند اختلاف زن و شوهر را از بین برده‌اند، اما پس از چند صبحی باز همان مشکل، موجب ایجاد بهانه‌های دیگر اختلاف‌زا می‌شود.

### ۳۹- فیلم و داستان شهوی

بهره‌بری از تکنولوژی جدید هرچند در بسیاری عرصه‌ها مفید و گاه حیاتی است، اما بخشی از آن در زوال فرهنگ اصیل خانواده و افزایش بروز اباحی‌گری، سهم به‌سزایی داشته است. در این راستا تشکل‌های غیر اخلاقی برای زوال اخلاق جامعه برنامه‌ریزی قابل توجهی دارند. امروزه برخی به بی‌بندوباری جنسی به عنوان ابزار اقتصادی و کسب درآمد و صنعت توجه می‌کنند. این در حالی است که فیلم‌ها و داستان‌های مبتذل، قبح فحشا را در جامعه برداشته و انحرافات جنسی را سرعت می‌بخشد و این سهم بسزائی در افزایش طلاق دارد.

یکی دیگر از آثار این قبیل فیلم‌ها، توجه بیننده به توانایی‌های ساختگی بازیگران این فیلم‌هاست. وی چه‌بسا این توانائی‌ها را با خود و یا همسرش مقایسه کند، طبعاً ناتوان پنداشتن خود و همسر ضربات جسمی و روانی بر پیکر هر کدام وارد می‌سازد، علاوه اینکه رواج عادات غیر اخلاقی و تنفرزا در برخی از این فیلم‌ها، نیز در افزایش تنش بین زن و شوهر مؤثر بوده و آماری از طلاق را به خود اختصاص داده است.

ایجاد کلوپ‌های فحشا و منکرات و استخدام افراد برای این کار نیز از آثار این فیلم‌ها است که هر کدام می‌تواند در جذب زنان و مردان با اوصاف ویژه و خارج کردن آنان از حریم خانواده‌های خود تأثیر بسزایی داشته باشد.

#### آثار منفی فیلم‌های جنسی

آثار منفی بسیاری برای این گونه فیلم‌ها قابل بیان است که عبارت است از:

۱- ساخت این فیلم‌ها با بی‌توجهی به بسیاری از گناهان چون زنا، هم‌جنس‌بازی، نگاه به عورت دیگران، نگاه به نامحرم و... همراه است. این گناهان در همه ادیان الهی و

- شریعت مقدس اسلام به شدت تحریم شده است و توجه به این فیلم‌ها نوعی کمک به این قبیل گناهان محسوب می‌شود.
- ۲- رواج این قبیل فیلم‌ها، اشاعه منکر شمرده می‌شود و اشاعه گناه، گناه است.
- ۳- نگاه به بدن نامحرم و همچنین نگاه به عورت او از سوی فاعل و مفعول و همه کادر فیلم سازی حرام است.
- ۴- از آثار توجه به این فیلم‌ها، مبتلا شدن به استمناء است که از گناهان کبیره شمرده می‌شود.
- ۵- بر حسب آمار، نگرستن به این فیلم‌ها در رواج فحشا و منکرات بیرون از محیط خانواده تأثیر جدی دارد. فحشا با محارم، فحشا در نشست‌های خانوادگی نیز از آثار این فیلم هاست.
- ۶- آمار مرگ و میر در مردان و زنان بازیگر این فیلم‌ها به‌خاطر استفاده از مواد نیروزا افزایش می‌یابد.
- ۷- این فیلم‌ها عادت‌های غلط در آمیزش جنسی که اسلام آنها را حرام یا مکروه دانسته است، رواج می‌دهد.
- ۸- قهرمانان این فیلم‌ها با مواد نیروزا، توانایی‌های ویژه‌ای از خود بروز می‌دهند، زنان در این فیلم‌ها به طمع رسیدن به پول کارهای تنفرزایی انجام می‌دهند. انتظار این کارها در محیط خانوادگی اصیل، تنش‌زاست.
- ۹- برخی حرکاتی که در این فیلم‌ها صورت می‌گیرد، ساختگی است و انتظار آن حرکات از جانب همسر نامعقول بوده و تنش خانوادگی ایجاد می‌کند.
- ۱۰- در این فیلم‌ها با شیوه‌های رایج در مونتاز، از جمله تکرار صحنه‌ها، پخش زاویه‌های مختلف و... مرحله‌ای که قبلاً اتفاق افتاده، به تأخیر می‌افتد تا توانی غیر عادی از مرد و زن را نمایش دهد. نتیجه این مهم سرخوردگی زوجین از آمیزش خود و نیز کاهش اعتماد به نفس آنان خواهد بود.
- ۱۱- پناه بردن به داروهای مخرب برای تقویت جنسی نیز از آثار این فیلم هاست.
- ۱۲- کاهش غیرت مردان از آثار زیانبار اجتماعی این فیلم هاست. غیرت مردی که همسرش به عورت مردان می‌نگرد و به این وسیله تحریک می‌شود در معرض زوال قرار می‌گیرد.
- ۱۳- نگاه به این فیلم‌ها در افزایش خارج از عادت آمیزش جنسی مؤثر بوده و طبیعتاً افراط در آمیزش آثار زیانبار جسمی و روحی دارد.
- ۱۴- شهوی شدن نگاه به جنس مقابل در کوچه و خیابان، محل کار و نیز در همنشینی‌های دوستانه و فامیلی از آثار مخرب نگاه به این فیلم‌ها است.
- ۱۵- نگاه به این فیلم‌ها، علاقه زن و شوهر به مردان و زنان دیگر را افزایش داده و جذابیت همسر را کاهش می‌دهد.
- ۱۶- نگاه به این فیلم‌ها در ساختگی شدن روابط جنسی و رفع نیاز واقعی خود و ارضا طبیعی مؤثر است.
- ۱۷- این فیلم‌ها موجب می‌شود زن و شوهر با تصور هنر پیشه‌ها، اوقات خصوصی خود را سپری کنند و این علاقه‌ی کاذب بین زوجین می‌آفریند.

- ۱۸- ناخرسندی از روابط جنسی حلال، از آثار نگاه کردن به این فیلم‌هاست.
- ۱۹- در این فیلم‌ها، رابطه‌ی عاشقانه، جای خود را به رابطه مکانیکی با فائده اقتصادی داده است.
- ۲۰- تعریف این فیلم‌ها برای سایر جوانان و کودکان، اثر مخرب بیش‌تری بر ذهن آنان گذاشته و تشویق به نگاه کردن را در آنان ایجاد می‌کند.
- ۲۱- وجود این فیلم‌ها در منزل، موجب اضطراب زن و شوهر به خاطر نگرانی از توجه فرزندان می‌شود.
- ۲۲- تحقیر زن به عنوان یک بازیچه، مجبور کردن وی به کارهای خلاف میل وی، بی‌اصالت شدن رابطه جنسی و... از جمله معایب این فیلم‌هاست.

#### ۴۰- ازدواج مجدد

عامل برخی طلاق‌ها ازدواج مجدد شوهر است. قبل از اینکه به این عامل بپردازیم، لازم است علت توجه مرد به ازدواج مجدد مورد بررسی قرار گیرد. طبعاً بر مردی که تمام احتیاجات او در منزل فراهم است، شاید ازدواج مجدد شایسته به نظر نرسد؛ اما اگر چنین نباشد، باز اکراه و اجبار او بر عدم ازدواج مجدد درست است؟ آیا این نوعی نادیده انگاری حق مرد نیست؟ اسلام در این باره چه می‌گوید؟ در قرآن کریم تا چهار زن برای مرد به شرط رعایت عدالت و توان اداره زندگی جایز شمرده شده است.

... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...<sup>۱</sup>

با زنان پاک ازدواج کنید دو یا سه یا چهار همسر. اگر می‌ترسید بین همسران به عدالت رفتار نکنید پس فقط به یک همسر اکتفا کنید.

البته چنانچه گفتیم این حکم یله و رها نیست بلکه شرایط و ضوابطی دارد و مهم‌ترین شرط آن همان است که در ادامه آیه آمده است. و آن رفتار به عدالت است و مردی که نتواند در نفقه و همجواری و... به عدالت رفتار کند، حق گرفتن بیش از یک همسر را ندارد، با ملاحظه این مقدمه، آیا باز هم از پذیرش ازدواج مجدد مردان با این شرط مهم گله دارید؟ جهت بیان پاسخ مطلوب‌تر به شبهه، به مقدمات زیر توجه نمایید.

- ۱- مرگ و میر مردان نسبت به زنان به‌واسطه حوادث و اتفاقات، جنگ‌ها و... بسیار بیش‌تر است، این امر در کنار کثرت جمعیت زنان بی‌شوهر، تعادل طبیعی جامعه را بهم می‌زند. بدیهی است اگر هر مرد یک زن را برگزیند، جمع کثیری از زنان بی‌شوهر می‌مانند و قادر به رفع نیاز فطری خود از راه مشروع نخواهند بود.
- ۲- رغبت مردان جوان به برخی از زنان که به علل گوناگونی، همسران خود را از دست داده‌اند و بیوه شده‌اند، کم است و این زنان همواره بدون شوهر می‌مانند.
- ۳- یکی از بیماری‌های جنسی زنان، برخلاف مردان سردمزاجی است، این مرض

<sup>۱</sup> - نساء، ۳.

امروزه به شکل معضل اجتماعی در آمده و اساس کانون خانواده‌ها را در معرض خطر جدی قرار داده و ریشه بسیاری از موارد بروز اختلاف بین زن و شوهر شده است.

۴ - هرچند بروز میل جنسی در مردان شدیدتر است؛ به طوری که غالباً مردان شهوت جنسی خود را آشکار می‌نمایند و حتی در میان حیوانات، غالباً جنس نر سراغ ماده می‌رود، ولی میل جنسی زنان پس از مشتعل شدن بسیار قوی‌تر می‌گردد و اطفاء آن حق طبیعی آنانست.

۵ - زن در برخی ایام چون ایام عادت ماهیانه، نفاس، ممنوعیت عمل جنسی دارد ولی در میان مردان چنین محدودیت‌هایی دیده نمی‌شود.

۶ - میل جنسی مردان از نظر سنی دوام بیش‌تری دارد و غالباً زنان در سنین خاصی میل جنسی آنان محدود می‌شود و یا اساساً میل خود را از دست می‌دهند.

بعد از بیان این مقدمات، اینک در پاسخ شبهه می‌توان گفت: این ایراد تنها پرداخته همسر اول است و به واسطه غیرت خود که از عشق بیکران به شوهرش سرچشمه می‌گیرد، می‌خواهد عشق او نیز متقابلاً خاص وی باشد و بس.

اسحاق بن عمار می‌گوید، به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم، زن بر شوهر غیرت می‌ورزد و او را به این سبب آزار می‌دهد و (مانع از دواج مجدد او می‌شود)؟ حضرت فرمود: این نشانه عشق است.<sup>۱</sup>

و لذا ممنوعیت تعدد زوجات به منزله رعایت نسبی خواسته زن است، ولی آیا او تنها ذی‌حق است؟ آیا مرد حقی ندارد؟ زن‌های دیگری که امید به ازدواج دارند برکل جامعه حقی ندارند؟ آیا رعایت حق آنها لازم نیست و آیا با این وصف، انحصارطلبی زن اول مشروع است؟ و آیا عقل عقیده‌ی او را تحسین می‌کند؟

حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرماید: غیرتی در حلال نیست.<sup>۲</sup>

بی‌تردید در اینجا باید سه حق را رعایت نمود. نخست هم حق همسر اول است. شوهر باید بر مقتضای عدالت عمل کند و با آمدن همسر دوم، همسر اول را رها ننماید. آنان را مثل هم ببینند و نفقه‌ی هم‌طراز به آنان اعطا کند و نیز عدالت در همخوابی را رعایت نماید. حق دوم حق شوهر است. حق او نیز باید رعایت گردد و او در ایام ممنوعیت زن و نیز در مواردی که زن کم میل گردیده و یا اساساً کم میل می‌باشد، بتواند میل فطری خود را در مجرای صحیح قرار دهد، به فحشا روی نیاورد و هرزگی را رواج ندهد و ناموس دیگران را محترم شمارد. حق سوم حق بیوه‌زنانی است که به هر علتی شوهر از دست داده‌اند و نیز حق زنانی که به خاطر عوامل دیگری رغبت کم‌تری به آنان می‌شود و نیز دخترانی که به واسطه بسیاری آنان نسبت به پسران در اجتماع بی‌همسر مانده‌اند؛ این حق نیز باید رعایت شود.

رعایت این سه حق به این است که قانون تعدد زوجات با شرائط مربوطه که از

<sup>۱</sup> - ذاک من الحب. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

<sup>۲</sup> - لا غیرة فی الحلال. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۳۷.

مترقی‌ترین قوانین مدنی اسلام است در جامعه حاکم گردد. گذشته از آنچه گفتیم، فساد و فحشای موجود در جهان غرب که بنا بر اعتقاداتشان تعدد زوجات را نمی‌پذیرند، زاویه‌ای دیگر از عظمت حکم اسلامی را آشکار می‌سازد. «گوستاولوبون» مورخ مشهور فرانسوی می‌گوید: قانون تعدد زوجات در اسلام، که به صورت محدود و مشروط است، یکی از مزایای این آئین به‌شمار می‌رود. در غرب ما وحدت همسر را فقط در کتاب قانون می‌بینیم و الا قابل انکار نیست که در معاشرت‌های واقعی اثری از این قانون دیده نمی‌شود. راستی من متحیرم که تعدد زوجات مشروط و محدود شرق از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه کم دارد؟ بلکه من می‌گویم اولی از هر جهت برتر و بهتر از دومی است.<sup>۱</sup>

#### ازدواج موقت

در این قسمت از بحث، مناسب به نظر می‌رسد نگاهی گذرا به ازدواج موقت داشته باشیم.

متعّه یا نکاح موقت با شرایط و ضوابط خاص خود، مشروع می‌باشد.<sup>۲</sup> عبدالله بن سلیمان از امام باقر علیه‌السلام آورده است که آن حضرت فرمود: حضرت علی علیه‌السلام همواره می‌فرمود: اگر قبل از من، این خطاب متعه را تحریم نمی‌کرد، احدی الا شقی مرتکب زنا نمی‌شد.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که به رجعت ایمان ندارد و نیز متعه را حلال نشمارد، از ما نیست.<sup>۴</sup>

نیز امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: مستحب است مرد متعه کند و من دوست ندارم کسی از

<sup>۱</sup> - تاریخ تمدن، ترجمه گیلانی، صفحه ۵۰۹.

<sup>۲</sup> - آیه‌ی شریفه از چند نظر دلالت بر جواز ازدواج موقت می‌کند.

...فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً... نساء، ۲۴. «... و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید.»

در منابع دست اول اهل سنت نیز ازدواج موقت مشروع دانسته شده‌است. مسند احمد حنبل به نقل از ابونضره آورده است: به جابر گفتم: عبدالله ابن زبیر از متعه نهی می‌کند و ابن عباس به آن امر می‌نماید؟ گفت: در زمان رسول خدا متعه می‌کردیم و نیز در زمان ابوبکر متعه روا بود، وقتی عمر به خلافت رسید، خطبه خواند و گفت: متعتان کانتا علی عهد رسول الله، احدهما متعه الحج و الاخر متعه النساء، فنهانا عتھما. یعنی «دو متعه در زمان رسول خدا جایز بودند، متعه حج و متعه زنان، ما از آن دو نهی کردیم». مسند احمد، ج ۱، ص ۵۲. نیز رجوع کنید به کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹، ش ۴۵۷۱۵.

<sup>۳</sup> - لَوْلَا مَا سَبَقَنِي بِهِ بَنِي الْخَطَّابِ، مَا زَنَا إِلَّا شَقِيًّا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۶.

<sup>۴</sup> - لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْنِ بِكُرْتِنَا وَلَمْ يَسْتَحِلِّ مُتَعْتَنَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۳۸.

شما از دنیا برود و برای يك بار هم که شده متعه ننماید.<sup>۱</sup>

در مورد حکمت تشریح چنین قانونی باید گفت که:

اولاً: غرائز جنسی که برخی آن را تنها غریزه اصیل دانسته و سایر غرائز را به آن باز می‌گردانند، در وجود هر انسانی نهفته شده و از بین بردن آن نه شدنی است و نه عاقلانه.

ثانیاً: ممنوعیت ارضاء جنسی مردانی که همسرانشان به جهت سردمزاجی یا عوامل طبیعی مانند ایام عادت ماهیانه و نفاس، توان یاری شوهرانشان را ندارند، عقلایی نیست.

ثالثاً: رغبت مردان جوان به برخی از زنان که به علل گوناگونی، همسران خود را از دست داده‌اند و بیوه شده‌اند و یا به هر علتی چون نازیبائی شرایط ازدواج را ندارند کم است، طبعاً حق چنین زنانی است که از نعمت شوهر بی‌بهره نمانند.

رابعاً: اگر آثار فاسد بی بندوباری‌های جنسی که موجب تزلزل شدید خانواده و شیوع انواع بیماری‌های مقاربتی می‌شود، در نظر گرفته شود، زیبایی تشریح چنین قانونی افزون‌تر می‌گردد.

البته هر چند جواز متعه مشروط به ضرورت نیست، ولی از برخی روایات بر می‌آید کسانی که زنان دائمی در محل زندگی خود دارند، برای اطفاء شهوت به همان‌ها رجوع کنند. نیز زمانی که احتمال اتهام فساد می‌رود، استحباب ازدواج موقت بدین صراحت بعید به نظر می‌رسد.

مفضل می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام در مورد متعه شنیدم که فرمودند: آن را کنار بگذار؛ آیا شما حیا نمی‌کنید که متعه کنید و خبر آن به برادران و دوستان صالح و نیکوکار شما برسد.<sup>۲</sup>

فتح بن یزید می‌گوید: از امام کاظم علیه‌السلام در مورد متعه پرسیدم، حضرت فرمودند: متعه، مباح و حلال است برای آن کس که توان مالی برای ازدواج دائم ندارد. او می‌تواند عفت خود را به وسیله متعه حفظ نماید. و اگر با وجود شرایط مالی و ازدواج دائم، از متعه بی‌نیاز شد در زمانی که از همسرش دور است، متعه برایش جایز است.<sup>۳</sup> ناگفته نماند، شیوه‌ی بیان امام در پاسخ به سؤال در این روایات و غیر آنها، این نکته را برای کسانی که با سخنان ائمه آشنا هستند، آشکار می‌سازد که حمل این نوع از بیان بر

<sup>۱</sup> - يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمُتَعَةَ وَمَا أَحْبَبُ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَزَوَّجَ الْمُتَعَةَ وَلَوْ مَرَّةً. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۳.

<sup>۲</sup> - دَعَوْهَا أَمَّا يَسْتَحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يُرَى فِي مَوْضِعِ الْعَوْرَةِ فَيَحْمَلُ ذَلِكَ عَلَى صَاحِبِ إِخْوَانِهِ وَأَصْحَابِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۰.

<sup>۳</sup> - هِيَ خِلَالُ مُبَاحٍ مُطْلَقٍ لَمَنْ لَمْ يُغْنِهِ اللَّهُ بِالتَّزْوِيجِ فَلْيَسْتَعْفِفْ بِالْمُتَعَةِ، فَإِنْ اسْتَعْنَى عَنْهَا بِالتَّزْوِيجِ فَهِيَ مُبَاحٌ لَهَا إِذَا غَابَ عَنْهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۴۹.

تقیّه کار آسانی نیست.<sup>۱</sup> پس یله بودن ازدواج موقت برای کسانی که از راه ازدواج دائم ارضاء جنسی می‌شوند، و کسانی که تمام رغبت خود را در لذت‌های شهوی خلاصه نمی‌کنند، قابل بررسی بیشتر و البته تأمل است.

## انواع طلاق

در این بخش از بحث، اطلاعاتی در مورد انواع طلاق ارائه می‌شود. هدف از طرح این موضوع فقهی، توجه به این نکته است که مع الاسف الگوی طلاق در جامعه از طلاق با شرائط سخت به طلاق ساده‌تر و کم هزینه‌تر تغییر یافته است و حاصل این تغییر الگو، سهولت طلاق و افزایش چشمگیر آن بوده است.

طلاق بر چهار قسم کلی است.

### ۱- طلاق بائن

بائن به معنای قطع و دوری آمده است و اصطلاحاً طلاق را گویند که امکان رجوع مرد به زن وجود ندارد مگر اینکه عقد مجددی بین آن دو اجرا شود. طلاق بائن در موارد خاص صورت می‌گیرد. طلاق که قبل از همخوانی صورت گرفته باشد، طلاق زن یائسه، طلاق سوم پس از دو طلاق که در پی هر کدام، مرد از طلاق پشیمان شده و رجوع کرده است، موارد طلاق خلع و مبارات از موارد طلاق بائن است.

### ۲- طلاق خلع

---

<sup>۱</sup> - توضیحات بیشتر کلیه مطالب این بحث را در کتاب «ازدواج و آئین زناشویی در آینه حدیث» اثر مؤلف، دنبال نمایید.

خلع، به معنای کندن و بیرون آوردن لباس از تن می‌باشد و طلاق خلع در اصطلاح به طلاقی گویند که زن از ادامه زندگی اکراه دارد و به همین سبب باید به شوهرش که از طلاق دادن وی اکراه دارد فدیهای دهد تا او را طلاق گوید. این فدی می‌تواند بیش‌تر از میزان مهری باشد که به او تعلق گرفته است.

### ۳- طلاق مبارات

مبارات از مشتقات فعل «برأ» و به معنای جدایی آمده است. طلاق مبارات به طلاقی گویند که هر کدام از زن و مرد از یکدیگر نفرت داشته باشند و زن با دادن مالی به شوهرش که حداکثر به میزان مهر است، از او درخواست طلاق می‌نماید.

### ۴- طلاق رجعی

رجوع به معنای انصراف و بازگشت به ادامه زندگی است. طلاق رجعی به طلاقی گفته می‌شود که مرد پس از طلاق تا قبل از پایان سه بار پاک‌ی زن می‌تواند به سوی زن برگردد و در این صورت این دو بدون نیاز به عقد جدید، زن و شوهر محسوب می‌شوند.

پس به طلاقی که کراهت از ادامه زندگی از سوی مرد باشد، طلاق رجعی گویند. در این طلاق مرد باید تاوان کراهت خود را بپذیرد و باید تمام مهر، و نفقه زمان عده را بپردازد. وی حق اخراج زن را از خانه‌اش در زمان عده ندارد.

### الگوی جدید طلاق

طلاق در اسلام در اختیار مرد است ولی زن می‌تواند در مواردی درخواست طلاق کند. این موارد عبارت است از: عدم تأمین نفقه، متهم شدنش به فحشا از سوی مرد، خوداری یا ناتوانی مرد از انجام همجواری و همچنین ناپیدا شدن مرد، و هر آنچه موجب عسر و حرج بر زن شود. مرد نیز می‌تواند در صورت بیماری صعب‌العلاج زن و یا آلوده شدن زن به فحشا و... همسر خود را طلاق دهد.

هر چند فقهاء فتوا به کراهت طلاق و خاصه طلاق بدون دلیل و یا طلاق زن بیمار داده‌اند ولی در صورت ناسازگاری زوجین و ناتوانی در ادامه زندگی مشترک، راه طلاق را بسته ندانسته‌اند.

یکی از انواع طلاق که اخیراً در کشور ما رواج یافته است، طلاق توافقی است. در این نوع از طلاق، مرد و زن در مورد طلاق و تمام مسائل جانبی آن از قبیل مهر، جهیزیه، نگهداری کودکان به توافق می‌رسند. این طلاق در واقع همان طلاق خلع و یا مبارات است و بایستی زن و مرد یا فقط زن درخواست طلاق نماید و بدون مهر و یا بذل مالی از سوی زن، طلاق صورت گیرد. در این نوع از طلاق فرصت حکم‌ین و ارشاد و اصلاح از دست رفته تصور می‌شود و در برابر زن و مرد راهی جز طلاق باقی نمی‌ماند. در واقع این نوع طلاق، گذشت کامل زن از تمام حقوق خود است.

بر اساس آمارهایی که از منابع رسمی منتشر می‌شود، طلاق توافقی بخش عمده‌ای از طلاق‌های کشور ما را به خود اختصاص داده است. آمار این طلاق چنان وحشتناک است که جمعی را به پوشاندن آمار آن و یا توجیهات غیر عقلانی واداشته است.

### چرا طلاق توافقی؟

شاید این پرسش مطرح شود که چرا الگوی طلاق تغییر کرده است و از طلاق رجعی که در واقع نوعی طلاق مشروط است به طلاقی روی آورده شده است که زمینه سازش

پس از طلاق را از بین برده است؟! در پاسخ این سؤال باید گفت: متأسفانه خلاء قانون جامع در این باره یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به این نوع طلاق است. در واقع می‌توان گفت: مطابق مقررات کنونی، ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین و کوتاه‌ترین راه برای جدا شدن زن و شوهر طلاق توافقی است. مع‌الاسف برابر این مقررات، محکمه با شرایط بسیار آسان، درخواست صدور عدم سازش زوجین را صادر و آنان را برای اجرای صیغه طلاق به دفاتر می‌فرستد.

### طلاق خاموش

از انواع جدایی‌ها، زندگی زن و شوهر با هم از نظر جسمی و دور از هم از نظر روحی و عاطفی است. این نوع زندگی به ظاهر مشترک که بدتر از طلاق است، دامنگیر طیف وسیعی از خانواده‌هایی شده است که شرایط اجتماعی و محیطی، به آنان اجازه طلاق نمی‌دهد.

این نوع زندگی از کجا شروع می‌شود؟ اختلاف زن و شوهر اگر ریشه‌یابی نشود و با درمان مناسب معالجه نگردد، با گذشت زمان تبدیل به کینه و عداوت شده و چهره خصمانه به خود می‌گیرد. حتی این حالت از دشمنی، قابل علاج است ولی بی‌توجهی به درمان این پدیده ضد اخلاقی، به بی‌تفاوتی آنان در مقابل مشکلات منجر می‌شود و ادامه این روند می‌تواند صورت واقعی زندگی مشترک را از بین برده و محبت و عاطفه خانوادگی را نابود کند و حتی روابط زناشویی را به حداقل رساند. در این حالت زن و شوهر با هم هستند ولی کیلومترها از هم دورند. تبعات فاسدی چون ارتباط نامشروع جنسی، اعتیاد و یا ضعف اعصاب و بیماری‌های شدید جسمی، از آثار زیانبار این نوع از زندگی است.

### پشیمانی پس از عقد

یکی از بحران‌های شدید پس از عقد که غالباً برای یکی از دو طرف دختر و پسر پیش می‌آید، احساس ناخشنودی از همسر و احیاناً تنفر و عدم امکان زندگی مشترک است. چنین امری زاییده دو راه منفی است که ما قبلاً آن دو را نکوهش کرده بودیم. اول آنکه: گاهی ازدواج بر اساس معیار درستی نیست، سرخیابانی و سرکلاسی است، با هوسی زودگذر شروع شده و با همان هوس می‌خواهد به پایان برسد. دوم آنکه: فاصله زیاد عقد تا عروسی، تبدیل به ابزاری برای کشف عیوب دختر و پسر و احیاناً تغییر تصمیمشان بر ازدواج شده است. دختر و پسر به جای اینکه از این زمان که بهترین زمان آماده شدن برای زندگی مشترک است، خاطرات نیکی بیافرینند، به بررسی طرف مقابل پرداخته و در جزئیات همسر خود کنجکاو می‌شوند و اساساً گاه به جای پی‌گیری کمالات وی، در پی یافتن نقص او می‌شوند.

چنانچه در بحث از عوامل طلاق گفتیم، هم ازدواج‌های هوسی و هم فاصله زیاد بین عقد و عروسی مذموم است. ولی آیا چنین اشتباهی را می‌توان با خطای دیگری اصلاح کرد.

البته بی‌شک پیگیری نقص همسر کار مطلوبی نیست. دختر و پسر باید بدانند اگر زندگی را با هوس شروع کرده‌اند، با تدبیر عاقلانه ادامه دهند. هوس تا کی؟ هوی و هوس تا

شخصی باشد، قابل تحمل است اما آیا هوسی که موجب تباهی زندگی دیگری شود با عقل هیچ عاقلی سازگار است؟!

آن دو باید بدانند اگر تا قبل از این در امر ازدواج خود دقت نداشته‌اند، اینک باید جور بخشی از کاستی‌های پیشین را متحمل شوند و تنها در پی آن نباشند که شانه‌ی خود را از انتخاب نادرست خود خالی کنند، هر چند به تباهی زندگی دیگری بینجامد! پس به هر حال دختر و پسری که قبل از عروسی پشیمان شده‌اند، به خود آیند، دست از بلهوسی بردارند توقعات خود را از داشتن همسری بی‌عیب و نقص پایین آورند که اگر همه‌ی عمر در پی چنین همسری باشند به آن نخواهند رسید، چه اینکه هنوز چنین کسی آفریده نشده است.

الزما آنان باید با ناصحان خیرخواه مشورت کنند، اگر به نتیجه‌ای رسیدند که امکان زندگی مشترك ندارند، باید جدا شوند چون قطعاً جدایی امروز از تباهی فردا برتر است. البته اگر برای رضای خدا، از خواسته‌های بلند خود کوتاه آیند، خدا را در زندگی خویش به زیبایی خواهند دید. انشاءالله تعالی.

## پیامدهای طلاق

پرداختن به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که چرا شرع و عرف با طلاق سر ناسازگاری دارد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: بخش عمده‌ای از بار مذمت طلاق، بر دوش آثار مخرب و زیانبار آن است. طلاق يك ناهنجاری اجتماعی با تأثیر در سطوح مختلف جامعه است و طبعاً هم در فرد و هم در جامعه آثار منفی به بار می‌آورد. همین کافی است تا شرع و عقل با آن در ستیز باشند. در اینجا لازم است به تفصیل به بررسی پیامدهای طلاق که موجب مخالفت دین و عرف با آن شده است، بپردازیم.

### ۱- ناامیدی

سروری که ازدواج می‌آفریند، موجب شده تا از آن به بهترین لحظات زندگی یاد شود. طبعاً ناکامی در ازدواج به همان میزان یأس آور است. حاصل این ناامیدی از زندگی مشترك، افسردگی است، بیماری سنگینی که امروزه دامن بسیاری از از جوامع را آلوده کرده است. پیداست که افسردگی چون درد اعضای جسمانی بدن نیست که تنها انسان را در بخشی از امور زندگی ناتوان سازد، این بیماری سراسر حیات آدمی را متأثر از خود می‌نماید. ناگفته پیداست که روح لطیف زن بیش‌ترین اثر منفی طلاق را می‌پذیرد.

### ۲- مشکلات اقتصادی

از پیامدهای سوء طلاق برای زنان، مشکلات اقتصادی است. آنان که تا قبل از طلاق نگران مخارج زندگی خود نبودند، پس از طلاق یا باید خود را بر خویشان نزدیک خود تحمیل نمایند و یا خود بار مصائب اقتصادی را متحمل شوند. و البته سنگینی برخورد

خویشان کمتر از نگاه آلوده اجتماع به آنان نیست. راه برون رفت از این مشکلات، ازدواج مجدد است. اما وجود باورهای غلط در اجتماع، ازدواج زنان مطلقه را سخت و سخت‌تر نموده است، تا حدی که گاه حضور زن مطلقه در اجتماع ناپسند شمرده می‌شود.

### ۳- تباهی فرزندان

تأثیر سوء طلاق بر فرزندان، چنان گسترده است که امروزه یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی «فرزندان طلاق» است، فرزندی که آستان عقده‌های کور والدین و سپس جدایی آنان شده و اجتماع نیز نگرشی منفی به آنان یافته است. کیست که تهدیدهای اجتماعی از سوی هنجارشکنان بی‌قید را انکار کند؟ تهدیدهایی که فرزندان جامعه را هدف قرار داده است.

اگر عواطف زیبایی والدین پشتوانه‌ای محکم در مقابل این سیل تهاجمی ایجاد نکند، فرزندان در مقابل آن شبیخون‌های بی‌امان چه خواهند کرد؟ افسردگی روحی و افتادن در دام شیادان هوس‌پرست که برای ارضای اهداف سوء خود، کودکان مظلوم را طعمه‌ی اعتیاد، فحشاء، فروش اعضاء، فرار از خانه و گاه سرقت و قتل می‌نمایند، سرنوشتی است که کودکان طلاق را به شدت تهدید می‌کند و البته پدر دیگر و یا زن پدر، بسادگی نخواهد توانست کودک را از دام این مهلکات نجات دهند. شما خود که اینک خواننده این مطالب هستید چند ناپدری و یا نامادری می‌شناسید که بتواند کمبود عطف پدر و مادر واقعی را برای فرزندان جبران نماید؟ چند فرزند می‌شناسید که پدر و مادر جدید را قلباً به رسمیت شناخته‌اند و آنان را شریک احساسات و عواطف خود دانسته‌اند؟

بی تردید فرزندی که با پدر و مادری ناسازگار زندگی کرده‌اند و سپس جدایی آنان را از هم دیده‌اند و مشکلات پس از طلاق را چشیده‌اند، همانند فرزندی نیستند که در دامن پر مهر مادر و احسان پدر رشد کرده و آغاز استقلال زندگی خود را در کنار آنان جشن گرفته‌اند.

کشمکش والدین در مورد فرزند نیز اثر منفی خواهد گذاشت، وادار نمودن فرزند به انتخاب یکی از والدین و سخت بودن پذیرش این ایده برای او از ناهنجاری‌هایی است که در زندگی آینده وی مؤثر خواهد بود.

رفتارهای ضد اجتماعی از قبیل فرار از خانه، ترک و یا افت تحصیلی، اختلال روحی، انزوای طلبی، دیگر آزاری، و انواع خشونت اجتماعی؛ همچنین مشکلات تربیتی چون زوال شخصیت؛ گرفتاری‌های جسمی چون بی‌خوابی و سوء تغذیه؛ بیماری‌های روحی مانند نداشتن قاطعیت، کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و افسردگی، بدبینی و شاید خودکشی از عوارض طلاق برای فرزندان طلاق می‌باشد.

### ۴- انحراف جنسی

از پیامدهای مهم طلاق، انحراف جنسی است. کسی نمی‌تواند افزایش آمار بزه بین زنان مطلقه را انکار کند. نگاه حرام، خودآرائی، همنشینی با افراد آلوده، فرزندان نامشروع، سقط جنین، تهیه فیلم‌های مستهجن، انجام جرائم خشن، همجنس‌بازی، روابط چندگانه همه از پیامدهای طلاق است و حداقل می‌توان گفت طلاق زمینه مساعد آنها را فراهم

می‌سازد. و البته اگر طلاق در کنار وضع زیانبار اقتصادی (فقر) قرار گیرد، دیگر به هیچ عنوان نمی‌توان این پیامد را اصلی و مهم نشمرد.

#### ۵- بیماری‌های جسمی

پیامد دیگر طلاق، افزایش بیماری‌های جسمی و از جمله حملات قلبی است. با نگاهی به آمار، افزایش احساسات منفی، نفرت، خشم و کینه در زنان و مردان پس از طلاق کاملاً آشکار است.

البته احساس منفی زنان با حمایت دیگران کاهش می‌یابد ولی غرور مردان به آنان اجازه بیان نگرانی‌های خود را نمی‌دهد و این نگرانی‌ها به صورت بیماری‌های قلبی و دردهای عضلانی، حواس پرتی و حتی افزایش تصادفات رانندگی خود را نشان می‌دهد.

#### ۶- بیماری روانی

نامیدی برخی زنان از زندگی شکست خورده، و ناتوانی آنان در اداره اقتصادی خود، شنیدن پیشنهادهای غیر معقول و غالباً زشت از برخی، تحمل بار حضانت فرزندان در موارد خاص خود و نیز عذاب وجدان برخی زنان به خاطر مسئولیت ناپذیری در زندگی گذشته، مسئولیت ناپذیری در مقابل مشکلات همسر و بی‌مسئولیتی در مقابل فرزندان و... کابوسی از اضطراب روانی در آنان ایجاد می‌کند که گاه تا آخر عمر باقی می‌ماند. این بیماری مردان را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار داده و گاه شدت تأثیر منفی در آنان بیش‌تر است. طبیعتاً ناموفق بودن مرد در اداره زندگی، بار گرانی خواهد بود که بر مردان آسیب جدی خواهد رساند. آنان در زندگی آینده نیز در موفقیت خود به شدت تردید خواهند داشت. برخی از این مردان در زندگی مجدد چون موش مرده‌ای زندگی می‌کنند که حاضرند برای حفظ زندگی، هر ذلتی را بپذیرند.

#### ۷- افزایش هزینه عمومی

طلاق بر جامعه هزینه‌های سنگینی تحمیل می‌کند. تقریباً دوبرابر شدن مشکلات اقتصادی چون مسکن، شغل، همچنین هزینه‌های فرهنگی و انتظامی پیشگیری از بزه، هزینه‌های برطرف کردن آثار بزه در جامعه، ایجاد محاکم قضایی ویژه و زندان برای بزهکاران، جمع‌آوری کودکان خیابانی، تکدی‌گری، کاهش مالیات‌ها به خاطر افزایش سرقت و... بخشی از این موارد است.

#### ۸- طلاق مسری

آثار مخرب طلاق، زشتی طلاق در عرف عمومی و امکان سرایت طلاق به دیگران باعث شده است که اطرافیان و خویشان زن و شوهر مطلقه از آنان فاصله بگیرند و گاه کوچک‌ترین ارتباط را هم محدود کنند. زیرا از آنان می‌ترسند.

این امر موجب شده است که این تز مطرح شود که طلاق مسری است. آری. زن و شوهر مطلقه گاهی برای روپوش گذاشتن بر خطایی که مرتکب شده‌اند و برای دور ماندن از آثار مخربی که پس از طلاق دامنگیر آنان شده است؛ شاید طلاق گذشته خود را، علی‌رغم میل باطنی زیبا جلوه دهند و با این وسیله هم به ظاهر مرحمی بر زخم خود نهند و هم دیگران را از سرزنش خویش باز دارند و هم برای خود رفقایی

بیافرینند.

# پایداری ازدواج

## پایداری

بعد از بررسی عوامل ایجاد زمینه‌های طلاق، اینک جای پاسخ به این سؤال است که چه عواملی می‌تواند در مسیر پایداری ازدواج ما را یاری رساند.

### عوامل پایداری

در این قسمت از بحث، به عوامل پایداری ازدواج پرداخته و برخی را مورد بررسی بیش‌تر قرار می‌دهیم.

عوامل مؤثر در پایداری ازدواج را می‌توان در تعریف انسان از زندگی، توان قوی‌تر تعامل، دوری از محیط آلوده، رفع نیازها، مدارا و پذیرش رأی خیرخواهان فهرست نمود و البته نقش اساسی حکومت و قوانین مربوطه و نیز شیوه اجرای آنها نباید دور از نظر بماند.

### ۱- جهان بینی

شیوه‌ی نگرش به دنیا از عوامل بسیار مهم در دوام زندگی است. به دنیا به دو شیوه می‌توان نگریست. اول آنکه دنیا بالاصاله ارزش داشته باشد. چنین نگاه استقلالی به دنیا موجب می‌شود آدمی، لذت‌های دنیا را مهم شمارد و تلخی‌های آن را پست بداند.

کسی که چنین به دنیا بنگرد، همواره در پی لذت و پرهیز از دردهای دنیوی است. زندگی خانوادگی هم از شعاع این نگاه، در امان نیست و بلکه بارقه‌های چنین نگرشی می‌تواند بیشترین تأثیر را بیافریند. زن و مردی که این رویکرد را برای خود پسندیده باشند در برابر کوچک‌ترین مشکلات زندگی حاضر به بردباری نیستند.

نگاه دوم، نگاه ابزاری است. در این نگاه، دنیا ابزاری برای رسیدن به زندگی جاویدان اخروی است. صاحب این نگاه، چشم به آخرت دوخته است و صلاح و فساد خود را در آنجا واکاوی می‌کند. برای او مشکلات زندگی دنیوی که آسایش اخروی بیافریند، سختی نیست. وی در محیط خانواده هم حاضر به تحمل شدائد زندگی برای رسیدن به صلاح اخروی است. بر این اساس آستانه تحمل او در برابر مشکلات بالا می‌رود و اعتماد به بقاء زندگی بیش و بیش‌تر می‌گردد.

پس می‌توان گفت شیوه‌ی نگرش به دنیا تأثیری بسیار مهم در تمام زندگی و نیز زندگی خانوادگی داشته باشد.

اگر ما جهان را جوری بنگریم که قبلاً با ذهن خود ساخته‌ایم، جهانی محدود خواهیم داشت. به صراحت می‌گویم خود ساخته‌هایی که پایه استدلالی ندارند، دور بریزیم و جهان اطراف خود را آنگونه که هست ببینیم نه آنگونه که ما خوش داریم.

#### اعتماد به مقدرات الهی

نمی‌توان انکار کرد که چیزی از مقدرات خداوند خارج نیست و هر آنچه شده و خواهد شد، تقدیر الهی است.

پس از جنگ صفین و پایان شوم آن، مردی به امام علی علیه‌السلام رسید و گفت: آیا این جنگ، و کار این مردم (شام)، تقدیر الهی بود. امام فرمود: از هیچ بلندی بالا نرفتید و بر هیچ پستی فرود نیامدید مگر اینکه قضا و قدر الهی بود.<sup>۱</sup>

در مورد ازدواج نیز پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: اگر اسرافیل و جبرائیل و میکائیل حاملان عرش و نیز من دعا کنیم، با زنی جز آنکس که برای تو نوشته شده، ازدواج نمی‌کنی.<sup>۲</sup>

البته کسی تصور نکند این جبر است؛ خیر، مقدرات الهی ریشه در زمینه‌هایی دارند که انسان برای خود خلق نموده است. یعنی آدمی با افعال و حرکاتش زمینه‌هایی در زندگی بوجود می‌آورد که نتیجه‌ی آنها به آنچه می‌شود، می‌انجامد.

چه نیک است دختر و پسر به رضای الهی تن دهند و همواره به جای سعی در تغییر وضعیت و تحمیل مشقت بر دیگران و تحمل غصه‌ها و نگرانی‌ها و احیاناً ابتلاء به افسردگی در مسیر پر پیچ و خم زندگی، از وضع موجود استفاده‌ی بهینه برند و زندگی را بر خود و دیگران شیرین نمایند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی هر چه پیش می‌آید بر اساس قضا و قدر الهی است، پس غصه چرا؟<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - نهج البلاغه، حکمت ۷۸.

<sup>۲</sup> - لَوْ دَعَا لَكَ إِسْرَافِيلُ وَجِبْرَائِيلُ وَمِكَائِيلُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ أَنَا فِيهِمْ مَا تَزَوَّجْتُ إِلَّا الْمَرْثَةَ الَّتِي كُتِبَتْ لَكَ. مستدرک سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۴؛ جامع الصغير، ج ۲، ص ۴۳۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۸.

<sup>۳</sup> - إِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَقَدَرٍ، فَالْحَزَنُ لِمَاذَا؟ بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۰.

### ایمان و عمل صالح

ایمان و عمل صالح، نقش بی‌بدیلی در پایداری زندگی مشترک دارد. اعتقاد زن و مرد به يك مبدأ، برای آن دو، فصل مشترکی در زندگی ایجاد می‌کند که در اطراف این کانون واحد، شاید سایر مشکلات و حتی عوامل آنها از بین رود. این فصل مشترک موجب اعتماد و تقویت آن در محیط خانه می‌گردد.

حسن اعتماد زن و مرد به یکدیگر به عنوان یکی از مهم‌ترین کارهای نیک، عامل مهمی در نادیده گرفتن برخی مشکلات کوچک زندگی و یا احیاناً توهم‌های حاصل از برخی رفتارها در زندگی است.

می‌دانیم یکی از عوامل مهم در افزایش تنش خانوادگی، کنجکاوی‌هایی است که گاه سر از مشکلات بزرگ درمی‌آورد، حسن اعتماد زن و مرد به یکدیگر دقت‌های بی‌مورد را در زندگی از بین برده و در دفع تنش مؤثر است.

نقش اعمال صالح در این باره نباید نادیده گرفته شود. کار نیک می‌تواند اطمینان همسر را بیش از پیش جلب نماید.

در این باره اقامه‌ی نماز شب برای گرم‌تر شدن فضای خانواده و روابط خانوادگی توصیه می‌شود.

امام صادق علیه‌السلام در اهمیت این فریضه می‌فرماید: نماز شب را ترک ننما که مغبون و ضرر دیده، کسی است که از آن محروم ماند.<sup>۱</sup>

### توکل

نقش توکل به مبدأ ازلی را نباید در زندگی نادیده گرفت.

بی‌تردید، آدمی نمی‌تواند تمام مشکلات خود را، شخصا حل و فصل نماید و گاه هموعان او نیز در رساندن خدمت به وی عاجز هستند. لذا توجه به مبدئی نامتناهی برای رسیدن به خواسته‌ها و آرامش روحانی ضروری است. به همین جهت است که قرآن کریم بارها به آن اشاره کرده است.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.<sup>۲</sup>

و هر کسی بر خدا توکل کند، او کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان او را به انجام می‌رساند و او برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

رسول خدا در شب معراج از خداوند پرسید برترین اعمال چیست؟ خداوند در پاسخ پیامبرش توکل و راضی بودن به قسمت خداوند را به عنوان برترین اعمال شمرد.<sup>۳</sup>

البته توکل به معنای دست بردن نهادن و انتظار نیست. بلکه توکل به معنای کوشش و

<sup>۱</sup> - لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمُغْبُونَ مِنْ حَرَمِ قِيَامِ اللَّيْلِ. بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۴۲ به بعد.

<sup>۲</sup> - طلاق، ۳.

<sup>۳</sup> - يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ اللَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلُ عِنْدِي مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَالرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۱،

ص ۲۲۰.

تلاش در مسیر آرزوها با توجه به پشتوانه‌ای غیر مادی است. پشتوانه‌ای که به آدمی پشتکار بخشد و از حوادث پیش آمده ناامید نگرداند؛ پشتوانه‌ای که از بار سنگین مشکلات دنیوی بکاهد و در قیامت نیز به آدمی بهره‌ای برساند. توکل در لحظه لحظه‌ی زندگی موجب ایجاد این پشتوانه وثیق می‌گردد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که به خدا توکل کند، سختی‌ها در برابرش آسان شوند.<sup>۱</sup>

#### توجه به مبانی دینی

دین، مجموعه مقرراتی از سوی خدای حکیم است که هدف آن ایجاد خوشبختی دنیوی و سعادت اخروی است.

ادیان الهی و خاصه دین اسلام که کامل‌ترین دین خداست، نیامده‌اند که زندگی را بر مردم تنگ گیرند؛ بلکه آمده‌اند تا بشر را با واقعیت در پس پرده امور آشنا سازند. امر و نهی دین فقط از این زاویه باید تحلیل شود که خدا آگاه به ضرر و نفع انسان برای رسیدن به هدف از خلقت یعنی خوشبختی دنیوی و سعادت اخروی است. او می‌داند بشر چه کند تا در مسیر صحیح قرار گرفته و دچار زیان نشود و از چه چیز پرهیز نماید تا گمراه نگردد.

آنچه دین در مورد ازدواج از شیوه‌ی انتخاب همسر، تا ازدواج و فصول متعدد برنامه‌ی زندگی، بیان می‌کند تنها از همین منظر باید ارزیابی شود.

پس توجه به این مبنا، عاملی ریشه‌ای برای حفظ و تقویت بنیان خانواده و افزایش هرچه بیش‌تر لذت زندگی است.

#### صبر در امتحان

نامالیقات زندگی امتحان الهی است و هر کس به خدا نزدیک‌تر شد امتحان او سخت‌تر خواهد گردید.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: همانا مؤمن همانند کفه‌های ترازو است، هر چه بر ایمانش افزوده شود، بلایش بیشتر است.<sup>۲</sup>

این رویکرد، نگاهی نو در زندگی ایجاد می‌کند، نگاهی که مشکلات زندگی را آسان ببیند و بلکه آنها را در راستای وصال خود به محبوب واقعی انگارد. نگاه زینب صلی‌الله‌علیه‌وآله به مصائب عاشورا از همین زاویه قابل ارزیابی است. زمانی که در پاسخ طعن دشمن چنین گفت: ما رأیتُ إلاَّ جَمِلاً.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی قدسی، مزد صابران را چنین بیان نموده است. کسی که راضی و یا تسلیم قضاء من شود و نعمت مرا شکر گذارد و بر بلایم صبر کند از

<sup>۱</sup> - مَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ هَانَتْ لَهُ الصَّعَابُ. غررالحکم.

<sup>۲</sup> - إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَاءِهِ. بحارالأنوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰.

<sup>۳</sup> - دیدی خداوند چه بر سر برادرت حسین آورد؟ حضرت در جواب فرمود: جز خوبی ندیده‌ام. زیارتنامه حضرت علیها‌السلام.

صدیقین نزد من شمرده می‌شود.<sup>۱</sup>

صبر ام سلیم

«ام عقیل» در بیابانی تفتیده، چادر نشین بود. روزی که همسرش به سفر رفته بود بر وی مهمان آمد. او مشغول تدارک اسباب پذیرایی بود که ناگاه مردی خبر تلخی برای وی آورد. در کنار چاه شترها هجوم آورده بودند و فرزند ام عقیل در چاه افتاده و از دنیا رفته بود. ام عقیل گوسفندی را به آن مرد سپرد تا ذبح کند و غذای مهمانانش را مهیا نماید. پس از صرف غذا، به مهمان‌ها گفت: کسی از شما قرآن می‌داند؟ قاری آیاتی از سوره بقره را تلاوت کرد. ... وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. ام عقیل چند رکعت نماز گذارد و عرضه داشت: خدایا من دستور تو را اطاعت کردم، اگر قرار بود کسی بماند رسول خدا می‌ماند.

بی‌تردید چنین برخوردی از زن هنگام نزول بلا و مصیبت، بار غم شوهر را می‌کاهد، و کانون خانواده را استحکامی دو چندان می‌بخشد.

«ام سلیم» و شوهرش «ابوطلحه» از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. خداوند پسری به آنان مرحمت کرده بود. پسر مدتی مریض شد، شوهر هر شب که از کار بر می‌گشت بالین فرزند مریض خود می‌رفت. غروبی فرزند از دنیا رفت. شب ابی‌طلحه خواست فرزند را ببیند زن گفت: آرمیده است. مرد خیال کرد بهبود یافته است. صبح زن از شوهرش پرسید: اگر کسی امانتی بسپارد و آن را طلب کند و امانت گیرنده از دادن آن اکراه داشته باشد و یا در فراق آن اشک بریزد صحیح است؟ مرد گفت: نه، این دیوانگی است. زن گفت: خداوند عاریه خود را از ما گرفته است؛ برخیز او را تجهیز کن. وقتی این خبر به پیامبر رسید، هر دو را دعا کرد. آنان دارای فرزند دیگری به نام عبدالله شدند که او هم از یاران پیامبر گردید.<sup>۲</sup>

بی توجهی به دیدگاه‌های فیمینستی

امروزه تأثیر اخلاق فیمینستی در افزایش تنش خانوادگی بر کسی پوشیده نیست. تبلیغات گسترده، مخصوصاً از سوی کشورهای صنعتی جهان برای بیان اصل تساوی حقوق زن و مرد و دفاع از حقوق زن، از آنان به ظاهر ملت‌هایی طرفدار حقوق زن ساخته است، شعاری زیبا که خود را در پس پرده‌ای شوم مخفی نموده است.

پس از انقلاب صنعتی و شکوفایی اقتصاد و ایجاد زمینه‌های بسیار برای کار و تولید در جهان، به خاطر تأمین نیروی کار ارزان، توجه به زن شکل جدیدی به خود گرفت. شعارهایی چون تساوی حقوق زن و مرد، فرزند کمتر زندگی بهتر، دایگانی بهتر از مادر از آنان ساخت و این باعث شد زنان از محیط خانه خارج شوند و وارد بازار کار گردند. و البته پدید آورندگان این ایده، هدفی جز پیشرفت اقتصادی خود در بهره‌گیری

<sup>۱</sup> - من رَضِيَ إِسْمَاعِيلُ بِقَضَائِي وَ شَكَرَ نِعْمَائِي وَ صَبَرَ عَلَيَّ بِلَائِي كَتَبْتُهُ فِي الصَّدِيقِينَ عِنْدِي. بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۲۲۴.

<sup>۲</sup> - ر.ک: بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۵۰.

از نیروی زن نداشتند.

ترك خانه آثار زیانباری بر جا گذاشت، در نتیجهی این اقدام، کودکان سرپرست خود را از دست دادند، بزه در جامعه افزایش یافت، فرزندان که زمانی امیدی برای پدر و مادر خود بودند، به عنوان رقیبانی برای والدین خود شمرده می‌شدند. این روند ناپخته موجب شد تا پدران و مادران به بهانه‌ی ناتوانی در تربیت فرزند، گاه اساساً به لزوم وجود فرزند که شالوده ارتباط و ادامه روابط والدین است، اعتقاد نداشته باشند؛ کانون خانواده فرو ریزد و پسر و دختر دیگر حاضر به ازدواج و زندگی مشترک نشوند.

تبعات زشت این فکر غلط را می‌توان در افزایش فاحشه‌خانه‌ها و توجه به زندگی کثیف یا زندگی مشترک بدون ازدواج، مشاهده کرد. فحشا به عنوان صنعت پردرآمد معرفی شد و با افزایش و ترویج رسانه‌های مستهجن، تبلیغات وسیعی با هدف گسترش آن شکل گرفت.

رشد جمعیت در همان کشورها به شدت پایین آمد و پیری شهروندان دامن آنها را گرفت. امری که برای همان کسانی که ایجادش کردند، سنگین و غیر قابل تحمل رخ می‌نمود و موجب رکود صنعت در جهان به خاطر نبود نیروی کار می‌گشت. هر چند بشر خواسته است این مسأله را با تکنولوژی نوین (ربات) حل کند، ولی می‌داند این موجود بی‌فکر، احتیاج به مدیری دارد تا برنامه‌ای کامل برای او بریزد.

تنها راه برون رفت از این معضل جدی، که اکنون در پیش گرفته است، حمایت از خانواده و توصیه به داشتن فرزند است. هم‌اکنون تبلیغات گسترده چون بیان عوارض جسمی و طبی بر مادرانی که قصد باردار شدن ندارند، اعطاء تسهیلات مالی، بیان زشتی کار زن در بیرون خانه و توجه او به همسر داری و فرزند داری آغاز شده است تا او را به خانه داری تشویق کند. وی نه دیروز که به دروغ داعیه حمایت از زن را داشت در فکر زن بود، و نه امروز که او را وادار می‌کند با ابزارهای تشویقی به خانه برگردد. او در پی حرکت چرخ‌های صنعت خودش است. حال آیا اعتماد به این گروه صحیح است؟

#### دفع تصورات رویایی

در پیشگاه خدا، ارزش هر انسانی به تقوای اوست و نزد او هیچ چیز به غیر تقوا بر کرامت آدمی نمی‌افزاید.

بر همین اساس، انسان نمی‌تواند دیگری را به خاطر ظاهر او سرزنش کند. ارتباط تنگاتنگ زن و شوهر قطعاً باعث برملا شدن برخی عیوب آن دو برای هم می‌شود. آنان باید درک این مهم را داشته باشند که کشف عیوب حاصل این ارتباط است، و اگر با هر کسی این ارتباط را می‌داشتند، شاید عیوبی بدتر و بیش‌تر از یکدیگر را می‌فهمیدند. پس تصور اینکه اگر با فلان کس ازدواج می‌کردم خوشبخت می‌شدم، تصویری بچه‌گانه و یا ابلهانه است. بچه‌گانه اگر درک ندارد و ابلهانه است اگر این حرف را بهانه برهم زدن نظام زندگی کرده است.

بسیاری از جوانان به واسطه تأخیر در ازدواج، در افکاری رویایی، شب را به صبح می‌رسانند. افکاری بی‌پایه که جز تصویری آرمانی، اثر دیگری ندارد. اگر جوان فرق

بین واقعیت و احساس را درک نکند و بر احساسات خود پیروز نگردد، در پی آن است که پس از ازدواج، زندگی خود را با آن تصورات بسنجد و اگر به گمان خودش آنان را مطابق ندید، خود را شکست خورده پندارد.

جوان عزیز، تطبیق واقعیت با پندارهای احساسی در زندگی دنیایی امکان‌پذیر نیست. به جای پرداختن به این تصورات رویایی به واقعیت بیندیش، زندگی خود را با حقایق عالم هستی تطبیق ده، آن وقت خواهی دید تو نیز زندگی زیبایی و بلکه بهتر از زندگی دیگران داری. اینک برای زندگی خود ارزش قائل شو و در پایداری آن همت خویش را به‌کار گیر.

#### رعایت مقررات ازدواج

تمام آنچه که دین در باره انسان بیان می‌کند، برای رساندن او به سعادت دنیوی و اخروی است.

مقررات اسلام اعم از واجب و حرام و نیز مستحب و مکروه بیان‌گر نگاه خدای متعال به بنده‌ای است که او را دوست دارد و با علم به ذره ذره وجود او و حقایق عالم به چیزی فرمان داده است که بتواند او را به نیک‌بختی برساند.

آنچه در قرآن و روایات در مورد ازدواج از همسریابی تا چگونگی زندگی مشترک وارد شده است، همه در این راستا قابل تحلیل است که خدای حکیم اصلاح زندگی بشر را در آن دیده است. بی‌شک رعایت این مقررات می‌تواند زندگی سرشار از مهر و عاطفه‌ای را بین زن و شوهر ایجاد نماید و شادکامی آنان را به آخرت متصل سازد.

#### ۲- تعامل بیشتر

زمانی که زن و مرد قادر باشند از خواسته‌های شخصی خود بگذرند و با احترام متقابل، ایجاد رابطه دوستانه، گفتگو و... تعامل قوی‌تری داشته باشند، خوشبختی نیز با تمام زیبایی و شکوهش در کانون خانواده، فرصتی برای شکوفایی پیدا خواهد کرد.

#### احترام به همسر، احترام متقابل

بسیاری از اختلافات زندگی، ناشی از بی‌توجهی زن و شوهر به هم است. از این رو، زن و شوهر باید برای نظریات یکدیگر احترام قائل شوند.

این احترام در حضور دیگران لازم‌تر است، ممکن است زن و شوهر به خاطر رفاقت بسیار با هم، بسیاری از رسومات عرفی را کنار گذاشته باشند، ولی هرگز نباید در منظر دیگران به هم بی‌احترامی نمایند و یا حتی کاری کنند که شائبه‌ی بی‌احترامی را در ذهن دیگران ایجاد کند. رعایت این نکته دو اثر عمده دارد. اول آنکه موجب می‌شود هرکدام نزد دیگران، احساس شخصیت کنند و دوم آنکه مانع حضور و دخالت کسانی در زندگی آنان خواهد شد که دوست دارند از گاه کوه بسازند، همانها که حیات خود را در ایجاد آشوب بین دیگران می‌بینند.

طبعاً آندو باید از آنچه موجب آزار یکدیگر است، بپرهیزند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: ملعون است، ملعون است زنی که شوهرش را بی‌آزارد و محزون کند، و سعادت‌مند است، سعادت‌مند است زنی که شوهرش را اکرام کند و آزارش ندهد و در همه حال مطیع وی

باشد.<sup>۱</sup>

**پرهیز از تحقیر و توهین**

تحقیر هیچ مخلوقی از آفریده‌های خداوند صحیح نیست. هر آفریده‌ای به اندازه‌ی شأن خود که آفریدگارش به او بخشیده، احترام دارد و البته به همان اندازه در چرخه‌ی طبیعت مؤثر است.

انسان، در میان آفریده‌های خدا با سایر مخلوقات او قابل مقایسه نیست. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هیچ‌یک از مسلمانان را تحقیر مکن که کوچک آنان نزد خداوند بزرگ است.<sup>۲</sup>

**پرهیز از تمسخر**

در آئین اسلام، هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگر را مورد استهزاء قرار دهد. مومن در جامعه‌ی اسلامی، بایستی از امنیت روانی برخوردار باشد. باید عرض وی، چون اموال، نوامیس و جان او محفوظ باشد. تعدی به حقوق وی گناه بزرگ و موجب حد شرعی در دنیا و عذاب قیامت است.

هر نوع تعدی زن و شوهر به حقوقی که خدا برای هر یک قرار داده است، و خاصه تمسخر که نشان از بی‌توجهی به حرمت انسانی انسان است، امنیت و آرامش خانواده را از بین می‌برد.

زن و مردی که به تمسخر هم روی آورده‌اند از کجا خبر یافته‌اند مخاطب تمسخر آنان در پیشگاه خداوند مقامی والا ندارد. قرآن کریم در زشتی تمسخر می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ...<sup>۳</sup>

*ای مؤمنین نباید گروهی از شما جمع دیگر را استهزاء کنند، شاید آنان از اینان بهتر باشند...*

**پرهیز از سوء ظن**

شخصیت هر انسانی همانند مال و جان او محترم است و هتک حرمت اشخاص کمتر از قتل آنان نیست و شاید اهمیت بیش‌تری داشته باشد. قرآن کریم سوء ظن را ناپسند دانسته است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...<sup>۴</sup>

*ای مؤمنین از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید زیرا برخی از آنها گناه است.*

حسن ظن موجب راحتی روح و روان است. وجدان کسی که نسبت به همسرش حسن

<sup>۱</sup> - مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُوذَىٰ زَوْجَهَا وَ تَعْمَهُ، وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تَكْرُمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَهْوَالِهِ. وسائل‌الشيعة،

ج ۱۱، ص ۵۱۴.

<sup>۲</sup> - لَا تَحْقِرَنَّ أَحَدًا مِّنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمُ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ. تنبيه الخواطر، ص ۲۵.

<sup>۳</sup> - حجرات، ۱۱.

<sup>۴</sup> - حجرات، ۱۲.

ظن دارد آرام است و از اضطراب و ناراحتی محفوظ می‌باشد. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: حسن ظن غصه را کم و انسان را از پیروی گناه می‌رهاند.<sup>۱</sup> دیگر از آثار حسن ظن، افزایش محبت و مودت می‌باشد. آنکه عرض و آبروی همسرش نزد وی محترم باشد و شخصیت او را محفوظ دارد، امنیت روانی وی را در مورد خویش بالا برده و مورد مهر و مودت او قرار می‌گیرد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: بدترین مردم کسی است که به‌خاطر بدگمانی، به کسی اطمینان نمی‌کند و به همان علت کسی به وی اطمینان نمی‌یابد.<sup>۲</sup> ناگفته نماند بی‌خیال بودن نسبت به تغییرات روحی همسر، کاری شایسته نخواهد بود. این تحولات مانند کم حرفی، خیره شدن به نقطه‌ای خاص، احساس شرمندگی در برابر لطف دیگری، افزایش پرخاشگری، تمایل نبودن به روابط جنسی، مخفی کردن وسائل ارتباطی شخصی، سستی در انجام وظایف و همچنین تغییر ظاهری قیافه و لباس، می‌تواند حکایت از میل همسر به سوی غیر نماید. البته باز هم یادآور شوم که در اینگونه موارد سوءظن، ناشایست بوده و باید با عصای احتیاط پیش رفت. بهترین کار علت‌جوئی این تغییرات از همسر در محیطی بدون تنش است. چرا که خیانت دلیل محکم می‌خواهد و با احتمال نمی‌توان کسی را متهم نمود.

در پی ایرادگیری نبودن

اسلام سفارش می‌کند که کار دیگران حمل بر صحت شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: کار برادرت را به بهترین وجه حمل نما، حتی اگر چیزی از او به تو برسد که امکان حمل بر صحت نداشته باشد. و به سخنی که از برادرت صادر می‌شود و محمل نیکی دارد، بدگمان مشو.<sup>۳</sup>

البته حسن‌ظن و سوءظن به میزان عقل بستگی دارد. آنکه کار دیگران را حمل بر صحت می‌نماید و نسبت به آن حسن ظن می‌یابد، عقلی کامل‌تر دارد نسبت به کسی که دائماً در پی فاسد نمودن کار دیگران و توجه به زشتی‌هاست و همواره دنبال توجیهات نادرست آنهاست. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: گمان انسان به اندازه عقل اوست.<sup>۴</sup>

پرهیز از خود رأیی

از آفات مهم زندگی خودرأیی است. هر انسانی افکار و نظراتی خاص خود دارد و هیچ‌کس دو انسانی نیست که مثل هم بیندیشند و لذا اختلاف‌نظر در جزئیات زندگی، جزء جدائی

<sup>۱</sup> - حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ اللَّهُ وَيُنْجِي مِنَ تَقَلُّدِ الْأَثَمِ. غررالحکم.

<sup>۲</sup> - شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِي بِأَخْذِ لِسْوَةِ ظَنِّهِ وَلَا يَتَّقِي بِهِ أَحَدٌ لِسْوَةَ فِعْلِهِ. غررالحکم.

<sup>۳</sup> - ضَعُ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ وَلَا تَطْنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءٌ وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۶.

<sup>۴</sup> - ظَنُّ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ. غررالحکم.

ناپذیر زندگی انسانی است.

در این راستا تحمیل عقیده‌ی خود بر دیگران و خاصه همسر، که نوعی استبداد در رأی شمرده می‌شود، کاری نامطلوب است. این گناه موجب افزایش میزان لغزش در کارها می‌شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: انسان خود رأی در خطا و اشتباه کاری، بی‌باک است.<sup>۱</sup>

این گناه از عجب و کبر ناشی می‌شود. چنین کسی از افتادن در دام خطرات مصون و محفوظ نیست. همان امام همام می‌فرماید: هر کس به رأی خود قناعت کند خود را به خطر افکنده است.<sup>۲</sup>

بی‌شک تمرین صبر در برابر افکار و عقائد دیگران، موجب تقویت روح در مواجهه با مشکلات خواهد شد.

دوری از اقدامات شتابزده

عجله، کار آدمی را ضایع، خودش را هلاک، و پشیمانی او را در پی دارد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: انسان‌ها را عجله هلاک می‌کند و اگر آنان تأنی داشته باشند، احدی هلاک نمی‌شود.<sup>۳</sup>

همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: سلامتی با تأنی؛ و پشیمانی با عجله همراه است.<sup>۴</sup> اقدام شتاب زده پس از مشاجرات خانوادگی، اقدام عاقلانه نیست. چنین کاری مخصوصاً از سوی کسانی که از عجب و تکبر بی‌بهره نیستند، و نزد مردم فُد و یک دنده شناخته می‌شوند، بسی بدتر است. اصولاً این عده بیش‌تر باید از اقدامات عجولانه پرهیز کنند تا ماندگاری آنان بر آراء سابق بیش‌تر عقلانی جلوه کند و خود کم‌تر در معرض نقد دیگران قرار گیرند.

شفاف بودن

از عوامل مهم اختلاف در زندگی، پنهان کاری، دروغ و ریا می‌باشد. این گناهان و امثال آن، اعتماد میان زن و شوهر را سلب می‌نماید و آرامش خانه را به هم می‌زند.

شفاف بودن زندگی، انسان را از اضطراب اینکه مبدا روزی عیوبش کشف شود، نجات می‌دهد. همچنین استرس انسان را برای یافتن راه‌های فرار از آشکار شدن عیوبش، از بین می‌برد. پس هر که با خود و دیگران شفاف زندگی کند، زندگی آرامی خواهد داشت.

<sup>۱</sup> - الْمُسْتَبِدُّ مُتَهَوِّرٌ فِي الْخَطَا وَالْعَلَطِ. غررالحکم.

<sup>۲</sup> - وَقَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۲ به ترتیب فیض و ۲۱۱ به ترتیب صبحی.

<sup>۳</sup> - أَمَا أَهْلَكَ النَّاسَ الْعَجَلَةَ وَكَلُوا أَنَّ النَّاسَ تُبْتُوا لَمْ يَهْلِكُوا أَحَدٌ. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

<sup>۴</sup> - مَعَ التَّثَبُّتِ تَكُونُ السَّلَامَةُ وَمَعَ الْعَجَلَةِ تَكُونُ الدَّمَامَةُ. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸.

چه خوب است زن و مرد حوادث و اتفاقات زندگی را به همان صورت که بوده‌اند در محیطی آرام طرح کنند و برای حل آنها از یکدیگر طلب راهنمایی نمایند و راه مناسب برون رفت بیابند.

حادثه‌ای که امروز در کوچه و خیابان و محل کار اتفاق افتاده است. یا تماس تلفنی غیر معمول امروز و... شاید فردا زندگی را متلاشی کند. چرا این موارد از ابتدا و به زیبایی مطرح نشوند تا هر کدام بتوانند اینگونه حوادث را بهتر تحلیل کنند و پای گمان‌های ناصحیح به ذهن آنان باز نشود؟

#### مشورت

اسلام سفارش بسیاری به مشاوره که کم‌گرفتن از عقل دیگران است، کرده است. مشاوره زن و شوهر با هم خصوصاً در امور زندگی، نشان از همدلی و احترام متقابل آنان به یکدیگر دارد. این امر میان آن‌دو بذر محبت کاشته و موجب صفای دوچندان زندگی می‌شود.

مشورت، بار موفقیت یا شکست را تقسیم می‌کند و این موجب می‌شود که آدمی نه گاه موفقیت، به خود مغرور گردد و نه گاه شکست، متأثر شده و احیاناً افسرده گردد. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: لازم است که عاقل، آراء عقلا را به رأی خود اضافه نماید و علوم حکماء را به علم خویش بیفزاید.<sup>۱</sup>

#### گفتگوی سازنده

قهر طولانی زن و شوهر، زندگی آنها را ویران می‌کند. چاره کار این است که آن‌دو بنشینند و با هم حرف بزنند. چرا در این مواقع حساس زن و شوهر از هم فرار می‌کنند و با هم نمی‌نشینند؟ چرا مشکلات خود را با هم در میان نمی‌نهند؟ چرا پای دیگران را به مشکلات خود باز می‌کنند؟ کسانی که ممکن است به خاطر اغراض شخصی، آنان را به جان هم اندازند.

اینکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید يك لحظه نشستن مرد در کنار همسر خود از اعتكاف در مسجد من برتر است<sup>۲</sup>، به این جهت است که آن دو از این لحظات، برای افزایش طراوت زندگی و یا رفع کدورت‌های احتمالی بین خود، بهره‌برند.

ارتباط گفتاری زن و شوهر با هم یکی از راه‌های مهم رفع کدورت‌های حاصله از اصطکاک زندگی است. زن و مرد باید فضایی را هر روز یا هر هفته و یا حداقل پس از هر اصطکاک بین خود فراهم کنند تا بتوانند با فراغ بال، حوادث مثبت و منفی زندگی خویش را در بوته‌ی نقد و بررسی قرار دهند.

مهارت در گفتگو مثل بیان کلمات دلگرم‌کننده و تلاش در برطرف شدن کدورت، با کارهای اصلاحی و نیز تحمل خشونت‌های احتمالی که ممکن است در مراحل گفتگو پیش آید، می‌تواند آثار اختلاف را به حداقل رساند و قدرت تفاهم نسبی بین زن و شوهر

<sup>۱</sup> - حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَيَضُمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ. غررالحکم.

<sup>۲</sup> - جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ إِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا. تنبيه‌الخواطر، ص ۳۶۲.

را بیش‌تر نماید. پس گفتگو را می‌توان اکسیر اعظم در زیبایی روابط خانوادگی نامید. لازم به یادآوری است که گفتگو باید طرفینی باشد، اینکه يك طرف وجهی غالب به خود گیرد و دیگری را مغلوب فرض کند، ضربه‌ای مهلك به گفتگو می‌زند و آن را ناکارآمد کرده بلکه موجب افزایش شکاف می‌شود.

در این نوع گفتگوها بیان محسنات یکدیگر چون تربیت بچه، آشپزی، خانه‌داری، ویژگی‌های خاص اخلاقی، حضور به موقع در منزل و لطافت‌های ظاهری جسمی و کلامی جهت پیشرفت گفتگو بسیار حیاتی است. نیز استعمال واژه‌های پی‌گیر به جای سمج، انعطاف‌پذیر به جای دهن‌بین، حساس به جای عصبی، خوش‌بین به جای ساده لوح و... بکار ببرید. نیز بجای «نه» به علت آن اشاره کنید. به جای اینکه بگوئید «نمی‌توانم» بگوئید کار دیگری دارم.

#### مثبت‌اندیشی و مثبت‌نگری

واکنش مثبت در برابر دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، نقش مهمی در سلامتی روح آدمی دارد. مثبت‌اندیشی، که گاه از آن به خوش‌بینی هم تعبیر می‌توان کرد، نفس انسان را آرام می‌نماید، دغدغه‌های ذهنی را می‌کاهد و پی‌گیری او را نسبت به اموری که به وی مربوط نیست از بین برده و وقت و عمر را از صرف بیهوده باز می‌دارد. از سوی دیگر انسان موجودی اجتماعی است و بدون شك شرط حیات اجتماعی او تعامل با دیگران است و مثبت‌اندیشی یکی از خمیرمایه‌های اصلی تعامل و عامل مهمی برای تعامل بهتر است.

بی‌شك اگر مثبت‌اندیشی و مثبت‌گرایی يك واجب شرعی نباشد، زمینه‌ای برای بسیاری واجبات است و اگر منفی‌نگری حرام شرعی محسوب نشود، دست کم زمینه ایجاد بسیاری از گناهان است.

البته اگر مثبت‌اندیشی به مثبت‌کاری بینجامد، نور علی نور می‌شود چه اینکه مثبت‌کاری ناشی از مثبت‌اندیشی، تعامل با دیگران را تقویت می‌نماید. در مقابل، نگرش منفی نقش معنی‌داری در ایجاد و افزایش بیماری‌های روحی دارد و بدون شك استرس روانی می‌تواند منشأ برخی بیماری‌های جسمی نیز بشود. تبعات اجتماعی نگرش منفی نیز قابل انکار نیست. بدون شك هیچکس حاضر نیست با انسان منفی‌گرا مرآوده داشته باشد و یا بشاشت صورت مثبت‌نگر، را با آن معاوضه نماید.

#### راههای نگرش مثبت

اصل اساسی برای ایجاد و تقویت روحیه مثبت‌اندیشی، پرهیز از سوءظن به دیگران و حمل بر صحت افعال و اقوال آنان می‌باشد. امری که در شریعت اسلام در ابواب متعدد اخلاقی و فقهی به آن تاکید بسیار شده است.

حرمت سوءظن، لزوم حمل بر صحت، اصالة البرائة، اصالة الطهارة و چندین اصل دیگر در اصول فقه، مایه‌ای مهم برای مثبت‌اندیشی می‌آفریند.<sup>۱</sup> پس:

<sup>۱</sup> - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... حجرات - ۱۲ ای مؤمنین از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید چرا که برخی از آنها گناه است.

۱ - به خود ببندیشیم و از صرف وقت در مورد دیگران صرف نظر کنیم.  
۲ - همواره گوش و چشم خود را در مورد دیگران تکذیب نماییم.  
۳ - هیچگاه داوری نکنیم مگر اینکه مجبور شویم، میل داوری را به سوی چیزی سوق دهیم که با خواهش‌های نفسانی ما، موافق نیست.  
۴ - بر خوبی‌ها تمرکز نماییم. خوبی‌های دیگران را توصیف کرده و آنان را در خفا بستاییم.

۵ - با مثبت اندیشان تعامل بیشتر داشته باشیم و از معاشرت با افراد بدبین صرف نظر کنیم. چه اینکه اخلاق به شدت مسری است. البته با اشخاص منفی نگر هم باید مثبت اندیش و مثبت گرا باشیم.

ناگفته نماند این همه توصیف مثبت نگری، در صورتی است که این نگرش موجب کوتاهی از حق شخصی خود شود و در صورتی که مثبت نگری موجب زیانی به دیگران و یا عموم مردم گردد، نامشروع است.  
نیز امام کاظم علیه السلام مثبت اندیشی را در جامعه‌ی آلوده نمی‌پسندد و آن را موجب خسران می‌داند.<sup>۱</sup>

#### نزدیک کردن فرهنگ‌ها

هر چند خلق آدمی تابع شرائط محیطی خود است و کسی که مثلاً سال‌ها در محیطی آرام چون کتابخانه مشغول کار است، رفتار وی با داد زدن در باغ و مزرعه مناسبتی ندارد؛ ولی این قبیل اختلاف‌ها، اگر در راستای هدفی مقدس و مهم قرار گیرند، باید نادیده گرفته شوند. چه اینکه هزینه هماهنگ ساختن فرهنگ‌ها در مسیر حرکت مشترک، بسی کمتر است از اینکه کانون خانواده در هم ریزد. پس زیبنده‌ترین کار در این باره، نزدیک کردن فرهنگ‌هاست.

به بیان دیگر، نیازهای فردی مربوط به منطقه‌ای خاص و یا گروه اجتماعی خاص،

---

می‌باشد، حضرت امیر علیه السلام در این باره می‌فرماید: حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَسَلَامَةُ الدِّينِ (حسن ظن موجب راحتی قلب و باعث سلامتی دین است). (غرر الحکم).

نیز می‌فرماید: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِي بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَلَا يَتَّقِي بِأَحَدٍ لِسُوءِ فِعْلِهِ (بدترین مردم سی است که به واسطه سوء گمانش به کسی اطمینان نداشته باشد و به همان علت کسی به وی اطمینان نیابد). (غرر الحکم).

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی پنجاه سوگند یاد کرد و گفت: فلانی چنین گفته و یا چنین کرده است. ولی متهم آن را تکذیب نمود، حرف آن متهم را بپذیر و سخن همه قسم خورندگان را رد نما. (كَذَّبَ سَمْعَكَ وَبَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ وَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَقَالَ لَكَ قَوْلٌ فَصَدِّقْهُ وَكَذِّبْهُمْ). (گوش و چشم خود را در مورد برادرت تکذیب کن (خود را تکذیب کن و نسبت به خویشتن بدگمان شو، نه به او) و اگر پنجاه نفر سوگند یاد کردند که برادرت چیزی گفته یا عملی مرتکب شده ولی خود وی انکار کرد، حرف او را بپذیر و سخن پنجاه نفر را رد نما). (تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۸۲).

<sup>۱</sup> - إِذَا كَانَ الْجَوْرُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ لَمْ يَجَلْ لِأَحَدٍ أَنْ يُظَنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ مِنْهُ وَقَتِي سَتَمَ بِرِ حَقِّ غَالِبٍ غَرَّدَ، جَائِزٌ نَيْسَتْ بِرِ كَسَى مَادَامِي كَهْ عِلْمٌ نَدَاشْتَهْ بَاشَد، بَهْ دِيْغِرِي حَسَنُ ظَنِّ يَابَد. (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۱).

نیازهای ذاتی انسان نیستند که نتوان از آنها جدا شد. زن و مرد لازم است آداب و سنن فرا گرفته‌ی خود را به هم نزدیک کنند و در این راستا از برخی نیازهای شخصی و اجتماعی خود چشم‌پوشی نمایند.

آری. عقل در وجود انسان باید حاکم بر سایر رفتارهای او باشد، وقتی می‌بیند پی‌گیری یک نیاز، موجب تنش می‌شود، چه لزومی دارد با اصرار ورزیدن بر آن، زندگی را تلخ گرداند؟

به نظر من، زن و مرد بایستی در روزهای آغاز زندگی با کیاست ویژه از امیال یکدیگر باخبر شوند و هرکدام میل خود را در حد امکان برای رعایت شریک خود متعادل سازند. این رویکرد، آنان را کمک خواهد کرد تا فرهنگ‌های خود را به هم نزدیک سازند. البته ایجاد هماهنگی در اینجا دقت بیش‌تری می‌طلبد زیرا احتیاج به زمینه‌هایی دارد که ممکن است بالفعل وجود نداشته باشد، بهتر است در این باره، پس از انتخاب سبک و سیاق صحیح زندگی، آن دو همدیگر را برای رسیدن به آن نقطه‌ی مشترک یاری کنند. این امر بر علاقه‌ی آنان به یکدیگر افزوده و زمینه تنش‌های آینده را برمی‌دارد، پس می‌تواند تأثیر مهمی در پایداری ازدواج داشته باشد.

#### قناعت اقتصادی

اسراف، زندگی را آلوده می‌کند؛ میل به هوس بازی را افزایش می‌دهد؛ لذت‌های زودگذر را جایگزین لذت‌های ارزش‌آفرین در زندگی می‌کند؛ توجه زن و شوهر را به خود جلب نموده و از یکدیگر غافل می‌نماید.

از سوی دیگر خواسته‌های مادی حد و مرز نمی‌شناسد. هر روز خواسته‌ای جدید جایگزین دموده‌های دیروز می‌شود. پرداختن به این امور، عرصه را بر آدمی تنگ می‌کند و از محیط به ظاهر پرتفنن زندگی، زندانی خواهد ساخت که گاه فرصت نفس کشیدن را هم از انسان می‌گیرد.

من فکر می‌کنم در این باره نقش زنان حساس‌تر و بسی پر اثرتر است. خانم‌ها، با مدیریت صحیح اقتصادی در خانه، توان آن را خواهند داشت الگویی مناسب شأن خود را یافته و متد صحیح زندگی خود را بر راستایی منظم، قرار داده و خود را از عوارض منفی زندگی پر زرق و برق برهانند.

#### ایجاد آرامش در خانه

خانه، امن‌ترین مکان برای زن است. زن در منزل از چشم شوخ چشمان پوشیده می‌ماند و زمینه‌ای بسیار گسترده‌ی انواع گناهان را از خود دور می‌سازد. اینکه در آیین اسلام، به ماندن زن در خانه بسیار سفارش شده است برای رسیدن به همین مقصود مهم است. مدیریت زیبایی زن در خانه به این است که سعی خود را به‌کار گیرد تا خانه را محیطی آرام برای خود و همسر و فرزندانش قرار دهد. به همین علت اختیار او در خانه برای انجام این مدیریت کامل و بدون معارض است. استحباب نخ‌ریسی در خانه برای زنان که پیامبر به آن سفارش کرده است<sup>۱</sup> و نیز تهیه امکانات آن از سوی مرد می‌تواند وقت

<sup>۱</sup> - نَعَمْ شَغَلُ الْمَرْأَةِ الْمُؤْمِنَةِ الْعَزْلُ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۹.

فراغت زن را به شغلی مناسب و تأثیرگذار در اقتصاد خانواده پر نماید و در ایجاد بخشی از این آرامش مؤثر باشد.  
زن می‌تواند بخش دیگر این آرامش را با رفتار خود بیافریند، رفتاری که از تنش کاسته و نگرانی‌های ایجاد شده را التیام بخشد.  
البته در محیط آرام خانه، مرد هم از دست هوس بازان و هرزگان خیابانی و نیز دوستان ناباب در امان می‌باشد علاوه اینکه چنین آرامشی، می‌تواند نواقص محیط کار او را جبران نماید.

#### توجه به فرزندان

فرزند، عامل مهمی برای پایداری زندگی زناشویی است. فرزند، می‌تواند بیش از پیش رابطه پدر و مادر را مستحکم کند و فصلی جدید در افزایش روابط آن دو بیافریند.  
توجه هرکدام از مرد و زن به فرزندشان مایه دلگرمی دیگری می‌گردد و در واقع توجه به دیگری محسوب می‌شود.  
به خانواده‌ای که فرزند ندارند و امکان فرزند داشتن دارند، توصیه می‌شود برای گرمی بیش‌تر زندگی، از این موهبت الهی بهره‌نمایند.  
امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: وقتی خداوند بخواهد به بنده‌اش خیری برساند، وی را نمی‌میراند تا فرزندانش را ببیند.<sup>۱</sup>  
مانع شدن زن و شوهر از بچه دار شدن، از عوامل پیدای پنهان ناپایداری خانواده است.  
**حذف عوامل تنش قبل از ازدواج**

برطرف کردن عوامل احتمالی ایجاد تنش در زندگی، قبل از ازدواج ضروری است.  
لهذا توصیه می‌شود که تمامی عوامل اختلاف از جمله نارضایتی پدر، مادر، خواهر، برادر، و حتی خویشان تأثیرگذار و دوستان مؤثر در زندگی، قبل از ازدواج از بین برود.

رفع این عوامل با استفاده از ابزار عقل و عاطفه، همیشه سنگین نیست؛ بهره‌بری از عاطفه و مدارا می‌تواند مایه‌های کدورت را از ریشه بخشکاند.  
خضوع و خشوع دختر و پسر پس از ازدواج در برابر افراد فامیل، پرهیز از لجاجت، دور شدن از نقاط قرمز هرکدام از خویشان، می‌تواند از بار فشار بر آنان بکاهد و کسانی که دیروز از مخالفان و صلت دختر و پسر بوده‌اند، اینک آنان را از دوستان جدی قرار دهد.

#### بیان نکردن حوادث تلخ

چه بسا قبل از ازدواج برای زن و مرد، حوادثی پیش آمده باشد که اینک باخبر شدنشان از آن حوادث موجب تألم خاطرشان گردد. به عنوان مثال ممکن است هرکدام قبل از ازدواج، متمایل به ازدواج با کس دیگری بوده‌اند، یا احیاناً قبلاً روابطی بین آنان بوده و شاید مرتکب گناهی شده‌اند. آنان اکنون ازدواج کرده و زندگی تازه‌ای آغاز نموده‌اند. یادآوری آن خاطرات و بیان آنها برای شریک زندگی، هرگز به صلاح نیست. طبیعتاً هرگز زن و شوهر نباید از گذشته‌ی یکدیگر سؤال نمایند و همسر خود را در اضطراب

<sup>۱</sup> - إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا لَمْ يُؤْتَهُ حَتَّىٰ يَرِيَهُ الْخَلْفَ. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۹۶.

بیان کردن و نکردن واقعیت قرار دهند و احیانا او را مجبور به دروغ کرده و یا ترس از برملا شدن حقیقت گذشته آزارشان دهد.

باید دانست بیان حوادث گذشته، نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه تألم بیش‌تری ایجاد کرده و هرگز به صلاح زندگی مشترک نیست. باید دانست اندکی سوء ظن کافی است که هرکدام از زن و شوهر، کوچک‌ترین اتفاقات امروز را به گذشته نسبت دهند و زندگی را پر از گردوغبار نموده و احیانا تاریخ کنند.

پرهیز از مداخله دیگران

محور و کانون خانواده می‌بایست بر پایه‌ی عشق استوار شده باشد، و ارزش هر چیزی در این محیط به قدر تأثیر آن در ایجاد مهر و عطف است. و البته چه بد است که زن و شوهر با کارهای بی‌حاصل خود و یا با سخنان بی‌هوده و توجه به دخالت‌های دیگران، زندگی را بر خود تلخ کرده و محیط خانواده را ناامن نمایند. پس ضروری است که زن و شوهر از ایجاد زمینه برای مداخله دیگران بپرهیزند. نباید اقوام و وابستگان، آنان که عمری سپری کرده‌اند و سردی و گرمی روزگار را چشیده‌اند، در زندگی زناشویی فرزندان دخالت بیجا نمایند، آنان می‌بایست عاملی برای رفع کدورت‌های احتمالی شوند. **پدرها و مادرها!**

پدر و مادرها! آیا شما فرزندان را دوست دارید؟ شما که پسران داماد شده‌اید، آیا پسران را دوست دارید؟ دختران اینک عروس شده‌اند آیا دختران را دوست دارید؟

پدر شوهر و مادر شوهر، باید بدانید که عروس مایه‌ی زینت شماست و البته به همین دلیل وی را «عروس» نامیده‌اند. هر چند وی بایستی نصایح شما را چون پدر و مادر خود به عنوان دلسوزی مجرب بپذیرد، اما باید توجه داشت که دخالت بیجا در زندگی عروس، موجب سلب آسایش از پسر شما می‌گردد، زیرا قطعاً این‌گونه ناملايمات به گوش فرزندان خواهد رسید و متأثر خواهد گشت.

بر شماست آنان را که در آغاز راهی دشوار (راه زندگی) قرار دارند، همراهی نمایید و مراد خود را با آنان بیش‌تر کنید، نصیحت خیرخواهانه داشته باشید، اما هرگز در زندگی آنان دخالت نکنید؛ بگویید اما دخالت نکنید؛ ببینید اما دخالت نکنید؛ سعی نکنید آنچه شما می‌خواهید، عمل کنند و آنچه شما می‌بینید، ببینند. دخالت بیجا شما و سعی شما بر اعمال خواسته‌هایتان نشانگر دوستی شما نیست. عروس و داماد در مقابل خواسته‌های شما چه کنند؟ اگر آنچه شما می‌خواهید باشند، ممکن است به جدایی آنان منجر شود و اگر خواسته‌های شما را نادیده بگیرند و بخواهند باهم باشند، از شما جدا می‌شوند؛ که هر دو برای آنان سخت خواهد بود. پس اگر شیرینی زندگی فرزندان را می‌خواهید در کارهای آنان به قصد کمک دخالت کنید نه به قصد آشوب. با آنان باشید ولی دخالت بیجا نکنید، فرشته آرامش آنان شوید نه دیو کشمکش.

بدانید هرگونه که با عروس خود رفتار کنید، با دختر شما در خانه‌ی دامادتان همان طور رفتار خواهند نمود. پس دوست داشته باشید برای دیگران، آنچه برای خود دوست دارید.

عروس و دامادها!

حیثیت و اعتبار شما به پدر و مادرتان وابسته است. اطاعت از پدر و مادر بر شما واجب است به طوری که خدا شکر والدین را در کنار شکر خودش قرار داده است.

آنان را نرنجانید؛ کاری نکنید در لحظه‌های نوش زندگی، آنان را غایب ببینید؛ بگذارید همواره از آنان بهره‌مند شوید؛ حرف آنان را به گوش جان بخرید؛ با دیده‌ی دخالت بیجا به سخنانشان ننگرید؛ در مقابل آنان کوتاه بیایید و با آنان مدارا کنید. با این کار هم آنان را دارید و هم آرامش زندگی خود را تأمین کرده‌اید. و بی‌تردید چنین خانواده‌ای مورد عنایت خدای متعال است.

البته عروس نیز باید بداند که روزی وی مادر خواهد شد و شاید برای فرزندش عروس به خانه آورد. بی‌شک عروسش با وی رفتاری مطابق رفتار خودش با مادر همسرش خواهد داشت.

#### روابط دوستانه و عاشقانه

بر زن و مرد لازم است دو گونه ارتباط را در زندگی مشترک بیافرینند، رابطه‌ای دوستانه که از آنان دو رفیق بسازد، رفقایی که حاضرند از خواسته‌های خود بگذرند و رابطه‌ای عاشقانه که زندگی زناشویی آن دو را به بهترین وجه تأمین کند.

پیامبر خدا در تبیین شیوه‌ی ارتباط مرد با زن می‌فرماید: دائماً مرا به رعایت حال زنان سفارش می‌کرد آن قدر که گمان بردم شوهرش حق ندارد به وی افّ گوید.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر امام صادق علیه‌السلام برای کسی که با همسرش به نیکی رفتار کند، چنین دعا می‌فرماید: خدا کسی را رحمت کند که بین خود و همسرش را نیک می‌گرداند.<sup>۲</sup>

لازم است مرد همواره از بیان عبارت «عاشق تو هستم» دریغ نکند. به فرموده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه توجه کنید: سخن مرد که به همسرش می‌گوید «دوستت دارم» هرگز از قلب وی بیرون نمی‌رود.<sup>۳</sup>

و زن نیز باید شوهر خود را چنان ستایش کند که او را شفیع خود در قیامت پندارد، قیامت هراسناک برای زنی که با شوهرش بهتر زندگی کند، سرایی زیبا خواهد شد.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: شفاعت کننده‌ای برای زن، که شفاعتش نزد خداوند مورد پذیرش باشد، چون رضایت شوهرش نیست.<sup>۴</sup>

#### ابراز عاطفه

ابراز نکردن عواطف به خاطر غرور و تکبر و جهالت مردود شمرده شده و آثار زیان بارتر بدنبال خواهد داشت.

هرچند زن و مرد به ابراز عاطفه همسر خود احتیاج دارند، ولی بی‌شک خانم‌ها نیاز بیشتری از خود نشان می‌دهند. از همین روست که بانوان به شنیدن جزئیات مسائل

<sup>۱</sup> - وَ لَمْ يَزَلْ يوصيني بالنساءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَجِلُّ لِرُؤُوسِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أَفَّ. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

<sup>۲</sup> - رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۲.

<sup>۳</sup> - قَوْلَ الرَّجُلِ لِلْمَرْثَةِ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

<sup>۴</sup> - وَ لَا شَفِيعَ لِلْمَرْثَةِ أَنْجَحُ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۴۵.

رغبت بیشتری نشان می‌دهند تا بتوانند با شنیدن، تأمل کردن، امکان یافتن راه حل برون رفت از مشکلات و... عواطف را به سوی خود جلب کنند؛ در حالی که بیان کلی مسائل، آقایان را راضی نگه می‌دارد.

توجه مرد به زنان دیگر با چشم چرانی، توصیف زنان دیگر و...، پتکی گران بر زندگی زناشویی خواهد نواخت. نزد زنان تحمل مرد بد اخلاق بسیار راحت‌تر است از مردی که عواطف پاک زن را به بازی گیرد. پرهیز جدی زن از پذیرش هوو، ناراحتی زن از محبت شوهرش به هرکسی حتی به پدر و مادرش و گاهی به فرزندشان و... در همین راستا قابل ارزیابی است که زن نمی‌خواهد کسی را شریک عاطفه شوهرش ببیند. البته افراط در ابراز محبت ممکن است جای خود را به عاطفه‌های کاذب بدهد که ضرر چنین نوعی از عاطفه بسیار بیشتر از بی‌عاطفگی خواهد بود.

راههای افزایش تفاهم

تفاهم، واژه‌ای زیبا است که بارها در زندگی شنیده‌ایم. اگر از زوج‌های خوشبخت پرسید رمز موفقیت در زندگی شما چیست، بی‌شک از تفاهم به عنوان کلمه‌ای جادویی استفاده می‌کنند.

اما آیا تفاهم به معنای واقعی کلمه، حاصل شدنی است؟ آیا دو انسان می‌توانند یک فهم داشته باشند؟ آیا می‌توانند یک اراده داشته باشند؟ بی‌شک دو انسانی که علایق و سلیق همانند داشته باشند، آفریده نشده‌اند. آنان را که شما متفاهم دانسته‌اید، به خاطر هدفی مادی و یا معنوی رأی یکدیگر را پذیرفته‌اند و بر این پذیرش به احترام هدفشان خرسند هستند.

اما به هر حال گذشته از تحقق یافتن و نیافتن این واژه، به راه‌هایی نه چندان سخت برای نیل به مقصود از تفاهم در زندگی توجه کنید:

- ۱- هیچگاه خود را حق بجانب ندانید، خاصه زمانی که دلیل کافی در اختیار ندارید.
- ۲- هرگز ابزار عذر خواهی را از دست ندهید، به‌ویژه زمانی که مقصر بودن شما قطعی به نظر می‌رسد.
- ۳- خطاهای همسر خود را بی‌رحمانه بازگو نکنید.
- ۴- نخواهید با اصرار از نیات و انگیزه‌های همسر خود، اطلاع یابید.
- ۵- از همسر خود انتظار نداشته باشید که نیاز شما را درک کرده و فوراً آن را برآورده سازد.
- ۶- اولویت‌های همسر خود را در زندگی نادیده نگیرید.
- ۷- خیال اینکه نیازهای جنسی شما و همسرتان یکسان و مشابه می‌باشد، از سر خود دور کنید.
- ۸- به خطا اعتراف کنید و زود خشم نگیرید. نباید مرد، زن را در هنگام خشم تنها بگذارد؛ ولی حتماً زن، شوهرش را در آن لحظات تنها بگذارد تا خود را با شرایط وفق دهد.
- ۹- نخواهید از عیوب و کاستی‌های شخصیتی همسر و اسرار خانوادگی وی، برای پیروزی در مشاجرات، استفاده کنید.
- ۱۰- از عذاب وجدان و احساس گناه برای به بازی گرفتن ایده‌ی همسر و دستیابی به

- اهداف خود و یا مجازات وی، سوء استفاده نکنید.
- ۱۱- در پی آشکار کردن بدی‌ها و معایب همسر و پنهان کردن خوبی‌های وی نباشید.
  - ۱۲- کوتاه آمدن در مشاجرات را امتحان کنید و لذت آن را بچشید.
  - ۱۳- گذشته را رها کنید و بنای محکم آینده را بازسازی کنید. زود فراموش کردن بدی‌های دیگران را یاد بگیرید.
  - ۱۴- تنبیه بدنی و حتی کلامی، مشکل را حل نکرده و حس تلافی را در طرف مقابل تقویت می‌دهد؛ از آن پرهیز کنید.
  - ۱۵- علاقه‌ی قلبی خود را به همسر خود علنی کنید، و به علاقه‌های وی ابراز علاقه نمائید.
  - ۱۶- به وعده‌ی خود عمل کنید و از آنچه عمل نکرده‌اید پوزش بخواهید.
  - ۱۷- به کاری دست نزنید که مجبور به عذر خواهی شوید، عذر خواهی را زیاد نکنید.
  - ۱۸- کار اشتباه خود را توجیه غیر منطقی نکنید و عذر تراشی همیشگی را کنار بگذارید.
  - ۱۹- بر این خیال نباشید که همواره حرف شما از حرف همسرتان و کار شما از کار او مهم‌تر است.
  - ۲۰- به نظر همسرتان هر چند آن را نمی‌پذیرید، احترام بگذارید.
  - ۲۱- به خویشان همسرتان احترام بگذارید و آنان را مانند اقوام خود بدانید.
  - ۲۲- در شبانه روز حداقل نیم ساعت و در هفته دو ساعت با هم باشید و راه حل مشکلات حل نشده را بیابید.
  - ۲۳- به چشمان هم خیره شوید، معاشقه با چشم را از دست ندهید.
  - ۲۴- با هم پیاده روی، ورزش و بازی کنید.
  - ۲۵- نگرانی‌های پنهانی را جدی بگیرید و سریع برای حل آنها چاره اندیشی کنید.
  - ۲۶- ابراز قدردانی در مقابل کارهای همسرتان را فراموش نکنید.
  - ۲۷- اگر دورید، همواره بیاد هم باشید و پیام‌های زیبا بفرستید.
  - ۲۸- برخی کارهای هم را به نیت همراهی بی‌منت انجام دهید.
  - ۲۹- احساس یکدیگر را جریحه دار ننمائید و ریاست خانه را از شوهرتان سلب نکنید.
  - ۳۰- هرگز دروغ نگوئید و برای هیچ کاری با دروغ، اعتماد همسرتان را از خود سلب نکنید.
  - ۳۱- خشم خود را با بلند کردن صدا به دعا و قرائت قرآن، نگر بستن به آسمان یا مکان دوردست یا سبزه، پیاده‌روی، راه رفتن با پای برهنه و نیز زیر باران و... کنترل کنید.
  - ۳۲- دعا و مناجات با خدا را از دست ندهید و برای موفقیت همسرتان دعا کنید.
  - ۳۳- برنامه‌های مشترک عبادی داشته باشید. بخشی از عباداتتان را با هم انجام دهید.
- در پایان این بخش لازم است یادآوری شود که بزبان آوردن الفاظ زیبایی چون دوستت دارم، در قلب من جا داری، قلب مرا از عشق خود پر ساختی، چقدر دلربا شده‌ای، قابل مقایسه نیستی، زرنگ و با هوشی، چه خوب مدیریت می‌کنی، همسر نمونه، پدر یا مادر نمونه و... آرامش و اعتماد زندگی را افزایش می‌دهد. البته اعتقاد به این سخنان ضرورتی انکار ناپذیر است؛ چه اینکه ادعاهای آمیخته به دروغ و یا توریه‌ی همیشگی،

نه تنها اثر مثبتی بر جای نخواهند گذاشت بلکه بیشترین تهدید برای زندگی است.

### ۳- دور ماندن از اجتماع آلوده

دور شدن از اجتماع آلوده و مظاهر آلوده‌ی آن، بر استحکام خانواده می‌افزاید. مقرراتی که اجتماع وضع می‌کند باید مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و هر آنچه برای تداوم ثبات خانواده مضر است بایستی کنار گذاشته شود. در این راستا هراس از سخن این و آن بی‌معنا است چه اینکه زندگی شوخی نیست که مسیر آن با چگونگی نگاه دیگران به بازی گرفته شود.

#### بی‌توجهی به عکس و فیلم نامحرمات

حساسیت و دقت شما به تصویر برهنه دیگران، خاصه خویشان، آثاری منفی به دنبال دارد که در پایدار نبودن ازدواج مؤثر است.

اول آنکه همسران را وادار به مقایسه‌ی خود با صاحب عکس می‌نماید. این کار باعث می‌شود که همسران به عیوب خود که در صاحب عکس نیست، بیندیشند و آنها را نزد همسر خویش بزرگ ببینند.

دوم آنکه بین همسران و صاحب عکس رقابت ایجاد می‌شود. این رقابت ممکن است به کینه و عداوت و حتی انتقام منجر شود.

سوم آنکه باب غیبت و تهمت در طول زندگی به صاحب عکس باز می‌شود. مخالفت شما با این کار موجب می‌گردد همسران تصور کند شما علاقمند به او نیستید.

#### نگاه عقیف

یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری خانواده نگاه عقیف مرد و زن به دیگران است. چشم، عضو حساسی از بدن است، حرف می‌زند، می‌پذیرد، اعتراض می‌کند، گاه در يك نگاه ده‌ها نکته نهفته است. عفت زن و مرد در نگاهشان به زنان و مردان دیگر، هر چند از اقوام و خویشان باشند، می‌تواند تأثیر بسیاری بر گره خوردن قلب زن و شوهر با هم داشته باشد. اینکه اسلام این همه به حفظ نگاه، توجه دارد از این منظر هم قابل بررسی است.

يك نگاه نابجا شما می‌تواند در قلب همسران نقطه‌ای سیاه ایجاد کند، نکته‌ای سیاه که حکایت از بی‌میلی شما به همسران می‌نماید. این نگاه عاطفه همسر را به شدت تحریک می‌کند و زمینه‌ای می‌گردد تا از این پس از گاه کوهی ساخته شود و اختلافات جزئی و کوچک، بزرگ و عمده جلوه کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: غضب خداوند بر زنی که چشم خود را از دیدن غیر شوهر خود و هر نامحرمی پرکند شدید است، اگر چنین کند خداوند تمام اعمال نیک وی را نابود می‌کند.<sup>۱</sup>

روایت‌هایی که در مورد حرمت زینت کردن زن و مرد برای نامحرمات وارد شده است در اینجا قابل استفاده است. در حدیث مناهی آمده است که پیامبر خدا نهی فرمود از اینکه زن برای غیر شوهرش خود را زینت کند که اگر چنین کند بر خداوند لازم

<sup>۱</sup> - ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

است که با آتش گناهش، وی را بسوزاند.<sup>۱</sup>  
بی تردید در فقه اسلامی زینت مرد نیز برای نامحرمان حرام است و حتی اگر زن نامحرمی، با دیدن موی سر مردی به گناه بیفتد، شانه کردن مو نیز حرام می‌باشد.  
**کاهش فاصله‌های زمانی قبل از عروسی**

برخی از دوران نامزدی خود چنان با شور و شغف یاد می‌کنند که دل هر شنونده‌ای را می‌رباید و حتی وادار می‌کند که او هم فاصله تا عروسی را بیش‌تر کند تا مبدا از این فیض، چیزی دستگیر وی نشود! در حالی بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که زیبا شمردن دوران نامزدی، ویژه زندگی‌های پایدار است، و برای آنان که زندگی صحیحی ندارند همه‌ی آن خوشی‌ها، کاذب و حتی نوعی حماقت تلقی می‌شود.

به عقیده‌ی من، زن و مرد پس از عروسی، به خاطر روابط جدیدی که میان آنان شکل گرفته، علاقه‌ای واقعی به یکدیگر می‌یابند. این علاقه از مودت و رحمتی که خداوند میان آنان قرار داده، ناشی شده است، و **جَعَلْنَا بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً**؛ چنین علاقه‌ای باعث

می‌شود که اگر آنان نقصی از هم مشاهده کردند، در پی خرده‌گیری برنیابند و بلکه به دنبال رفع آن باشند. آری. آن علاقه، گاه چنان سنگین و عمیق می‌شود که زن و شوهر حاضر نمی‌گردند در برابر مشکلات پیش آمده از یکدیگر فاصله بگیرند.

اما قبل از عروسی، چنین مودت و رحمتی، یا اساساً شکل نگرفته و یا بسیار کم رنگ است؛ زیرا علاقه‌ی قبل از عروسی، غالباً علاقه‌ای احساسی است. طبعاً ظهور عیب و نقص‌ها در این مرحله می‌تواند ضربه‌ی مهلکی به زندگی وارد کند.

به همین خاطر توصیه اکید می‌شود که فاصله نامزدی تا عقد و عقد تا عروسی به شدت کاهش یابد، من فاصله‌ای بیش از یکی دو ماه را صحیح نمی‌دانم و البته ارتباط زیاد حتی در این فاصله‌ی محدود را مجاز نمی‌شمارم. در این مدت باید ابهت هر کدام از دختر و پسر برای یکدیگر حفظ شود و بخش عمده‌ای از شرم و حیا باقی بماند.

#### **۴- رفع نیاز جنسی همسر**

یکی از ستون‌های محکم ازدواج و پایداری آن، ارضای نیازهای جنسی است به طوری که اگر این مهم از زندگی مشترک زن و شوهر برداشته شود، این زندگی، تبدیل به زندگی خواهر برادری می‌شود.

البته این به آن معنا نیست که هر کسی رابطه‌ی جنسی بهتری با همسرش داشته باشد، زندگی پایدارتری دارد؛ ولی می‌توان گفت زندگی پایدار در گرو رعایت اسبابی است که یکی از مهم‌ترین آن اسباب، روابط صحیح جنسی است.

مراد ما از روابط صحیح، هم دقت در زیبایی رابطه است (کیفیت) و هم توجه به میزان آن (کمیت).

**میزان همجویی**

<sup>۱</sup> - وَ نَهَى أَنْ تَنْتَهِينَ لِعَمِيرٍ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُخْرِقَهَا بِالنَّارِ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۱۵ و ۱۵۴.

<sup>۲</sup> - روم، ۲۱.

میزان همخوانی به دو چیز بستگی دارد. اول آمادگی جهاز تناسلی و دوم درخواست طبیعی بدن که غالباً پس از آمادگی دستگاه تناسلی ایجاد می‌شود و چون این دو برای هرکس بنا بر شرایط جسمی و روحی وی مختلف است، نمی‌توان به طور کلی میزان معینی برای این روابط در هفته و ماه معین کرد. طبعاً وادار کردن خود به ایجاد شرایط قبل از اینکه غدد بدن ترشحات طبیعی خود را داشته باشند، تأثیر منفی زیادی بر جسم گذاشته و موجب بروز انواع ناراحتی‌های جسمی و روحی و از جمله سردمزاجی خواهد شد.

ایجاد جذابیت دائمی از سوی زن برای افزایش همخوانی مؤثر خواهد بود. این جذابیت می‌تواند در تغییر پوشش، و پوشیدن یا نپوشیدن لباس‌های مختلف، استفاده محدود از وسایل آرایشی و یا جاذبه‌های کلامی صورت گیرد که البته جاذبه‌های کلامی بسیار مؤثرتر و ماندنی‌تر است. چه اینکه بهره‌گیری از وسایل آرایشی، به خاطر تکراری شدن، رغبتی در همسر ایجاد نمی‌کند.

در مورد مسائل جنسی توجه به چند نکته ضروری است.

۱- الزام خود به تقلید از شیوه‌های مقاربتی مطرح در فیلم‌ها و داستان‌ها و نیز کتاب‌های مربوطه صحیح نیست، شاید همسر شما تمایل به چیزی نداشته باشد، حالتی را انتخاب کنید که برای هر دوی شما سودمندتر و برای هر دو نشاط‌فروان‌تری ایجاد کند.

۲- برخلاف دیدگاه برخی که تصور می‌کنند روابط عاشقانه زن و شوهر خاص دوران جوانی است، باید گفت که هر چند در این دوران روابط جنسی پرحرارت‌تر است، اما در دوران میان‌سالی و بعد از آن به خاطر بالا رفتن سطح فهم و ادراک طرفین، انتظار روابط زیباتر بیشتر می‌شود. به بیان دیگر افرادی که سن بالاتری دارند از روابط جنسی لذت بیشتری را خواستارند، برخلاف جوانان که در پی هیجانی ساده هستند.

۳- رابطه جنسی که بر اساس علاقه و توان جسمی باشد، آثار مثبت متعددی بر سلامتی انسان دارد که از جمله آن:

بر اساس برآورد محققان، یک رابطه جنسی حدود دویست کالری انرژی بدن را می‌سوزاند. افزایش شدید ضربان قلب، افزایش جریان خون و در نتیجه افزایش غذایی ارگان‌های مختلف بدن، انقباض و انبساط ماهیچه‌ها، کاهش وزن، کاهش کلسترول بد خون، بهبودی حس بویایی، استحکام عضلات و استخوان‌ها، کاهش شدید افسردگی و اضطراب، بهبودی اخلاق به واسطه ترشح هورمون پروستاگلاندین، استروژن و پروژسترون، تسکین درد به واسطه ترشح هورمون اکسی‌توسین، تقویت سیستم ایمنی به واسطه افزایش سطح پادتن ایمنوگلوبین آ، جلوگیری از انباشته شدن عوامل سرطان‌زا در غده پروستات، از آثار مثبت روابط جنسی است.

البته آنچه گفته شد به معنای جایز بودن افراط در رابطه جنسی نیست، چه اینکه آمار زیانبار افراط نیز چیزی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

۴- یکی از خطاهای عمده که زنان را به دروغ متهم به سردمزاجی کرده است این است که خانم‌ها تصور می‌کنند هر قدر باحیاط‌تر باشند بهتر است. این عقیده هر چند در مواجهه با نامحرم، تفکری زیبا و برگرفته از اعتقادات دینی است، اما در مقابل همسر، زشت و

کریه است. زن باید خود را برای شوهرش همواره جذاب نماید و احساس زیبا بیافریند تا مانع تصورات ناپسند شوهر در مورد خودش شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بهترین زنان شما کسی است که چون با شوهرشان خلوت کند لباس حیا را از تن می‌گند و چون گاه پوششش برسد، عفت خود را حفظ می‌نماید و لباس حیا می‌پوشد.<sup>۱</sup>

۵- همخوابی تنها يك رابطه عادی نیست، يك تکلیف است، تکلیفی برای بقاء نسل و زیباتر شدن زندگی. بی‌تردید چنین نگرشی باعث می‌شود که زن و شوهر خود را بیش‌تر و بیش‌تر به آن راغب نشان دهند نه اینکه در پی راهی برای فرار از آن باشند.

### ۵- مدارا

واژه‌ی مدارا به معنای آگاهی از راه مقدمات پنهان به قصد همراه کردن با خود است و یا به معنای دفع بدی دیگران با برخورد ملایم است.<sup>۲</sup>

ابن منظور در لسان العرب می‌گوید: مدارا با مردم یعنی ملایمت و نیکوئی معاشرت و تحمل آنان تا مبادا فاصله گیرند.<sup>۳</sup>

چنانچه از تعریف لغوی واژه استفاده شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که مدارا ابزاری برای رسیدن به مقصود می‌باشد.

در قرآن کریم و روایات واژه‌های دیگر که هم‌نوا با مدارا هستند، استعمال شده است که عبارت است از: سهل<sup>۴</sup>، رفق<sup>۵</sup>، لین<sup>۶</sup>، عفو<sup>۷</sup>، صفح<sup>۸</sup>، صرف<sup>۹</sup> و...

مدارای اصطلاحی به معنای افزایش سعه صدر عالم و ایجاد فضای تعامل در محیط و

<sup>۱</sup> - خَيْرُ نِسَائِكُمْ أَلَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَّتْ لُهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَإِذَا لَبَسَتْ، لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۵.

<sup>۲</sup> - ر. ک: مجمع البحرين؛ مقائیس اللغه؛ لسان العرب.

<sup>۳</sup> - لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

<sup>۴</sup> - اعراف، ۷۴.

<sup>۵</sup> - نساء، ۶۹.

<sup>۶</sup> - آل عمران، ۱۵۹؛ طه، ۴۴.

<sup>۷</sup> - آل عمران، ۱۵۵ و موارد دیگر.

<sup>۸</sup> - تغابن، ۱۴؛ نور، ۲۲؛ مائده، ۱۳؛ حجر، ۸۵ و...

<sup>۹</sup> - آل عمران، ۱۵۲.

تأثیر افزون‌تر در مخاطب می‌باشد. پس در واقع مدارا را می‌توان رابطه مثبت با خود، محیط و مخاطب دانست.

در آیات قرآن کریم، بارها به مدارای انبیاء در برابر اقوام احیاناً لجوج خود مانند مدارای نوح گاه ساخت کشتی، ابراهیم هنگام بیان معبود حقیقی، موسی وقت نصیحت فرعون و ... اشاره شده است. که برخی از نمونه‌های آن خواهد آمد.

در روایات اسلامی نیز بین مدارا با واژه هائی چون عقل، ایمان و عمل صالح ارتباطی بیان شده است. در این روایات گاه فعل (مدارا) و گاه فاعل (مدارا کننده)، مورد توجه قرار داده‌اند.

به چند روایت توجه کنید:

۱- قال رسول الله صلى الله عليه وآله: **أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ**.<sup>۱</sup>

*عاقلم‌ترین مردم کسی است که بیش‌تر با مردم مدارا کند.*

۲- در روایت زیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مدارا با مردم را نیمی از ایمان دانسته است. **مُدَارَةٌ**

**النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ**.<sup>۲</sup>

۳- همچنین می‌فرماید: پروردگرم چنان مرا به مدارا فرمان داد که مرا به اقامه واجبات فرمان داد.<sup>۳</sup>

۴- قال علي عليه السلام: **ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ**.<sup>۴</sup>

*میوه‌ی عقل، مدارا با مردم است.*

۵- امام به پسرش محمد حنفیه می‌فرماید: **رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، مُدَارَةُ**

**النَّاسِ**.<sup>۵</sup>

*سر چشمه‌ی عقل پس از ایمان، مدارا با مردم است.*

۶- امام علی علیه‌السلام مدارا را بالاترین عمل نیک شمرده است.

<sup>۱</sup> - مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۹.

<sup>۲</sup> - اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

<sup>۳</sup> - **أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ**. کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

<sup>۴</sup> - غررالحکم.

<sup>۵</sup> - من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۸۷.

## مُدَارَةُ الرَّجَالِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ<sup>۱</sup>

۷- در روایتی که آن را بحار الانوار نقل کرده است، خضر در ضمن سفارش‌هایی به موسی علیه السلام می‌فرماید: مدارا محبوب‌ترین کار نزد خداست، هیچ کس با بندگان خدا مدارا نمی‌کند مگر اینکه خدا در قیامت با او مدارا می‌کند.<sup>۲</sup> راه مدارا این است که کاملاً خود را جای دیگری قرار دهیم، بطوری که تمام فشارهای درونی و برونی بر وی را حس کنیم. موفقیت وی را موفقیت خود و احیاناً شکست او را شکست خود بدانیم، آن وقت حتماً عبارت «تنها حق با من است» جای خود را به عبارت «گاهی حق با اوست» خواهد داد.

### زندگی پیامبر

قرآن کریم در وصف مدارای پیامبر می‌فرماید:

فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...<sup>۳</sup>

پس با رحمتی از سوی خدا، با آنان نرم‌خویی ورزیدی و اگر درشت‌خو و سنگ دل می‌بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

تاریخ اسلام موارد بسیاری از مداراهای پیامبر با مردم از همسران خود گرفته تا خویشان، قبیله، اصحاب و حتی منافقان و دشمنان را به تصویر کشیده است که مطالعه‌ی آن عظمتی توصیف‌ناپذیر از روح بلند پیامبر، در ذهن انسان ترسیم می‌کند. به چند نمونه توجه کنید:

#### ۱- داستان شکمبه

داستان شکمبه، حکایت کسی است که بر سر راه پیامبر خار مگیلان می‌ریخت و بر سر ایشان شکمبه‌ی گوسفند خالی می‌کرد. پیامبر روزی حال وی را که گویی یهودی بوده است جویا شد، اصحابش گفتند مریض است، پیامبر با عده‌ای به عبادت او رفتند. همسرش وقتی از پشت در صدای پیامبر را شنید، با حیرت خبر آمدن رسول خدا را به شوهر بیمارش داد. مرد دستاری خواست تا از خجالت بر سرش بیاندازد. و چون رسول خدا سلام کرد، عرض نمود چه بگویم تا مسلمان شوم؟

#### ۲- قاتل حمزه

دلآوری‌های حمزه چه در مکه و چه در مدینه وصف ناشدنی است و به همین خاطر بی‌تردید قتل حمزه ضربه‌ای مهلك بر اسلام و پیامبر بود، مخصوصاً وضع دلخراش جسد حمزه و بدن مثله شده‌ی وی بر این بار گران می‌افزود. وقتی وحشی از پیامبر طلب عفو کرد، پیامبر حکم خدا مبنی بر عفو را به او ابلاغ

<sup>۱</sup> - غررالحکم.

<sup>۲</sup> - بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۲۹۴.

<sup>۳</sup> - آل عمران، ۱۵۹.

نمود. او و بسیاری از یارانش با شنیدن آیات رحمت به اسلام گرویدند.<sup>۱</sup>

۳- هبار

هبار بن اسود مطلب، زینب دختر پیامبر را با نیزه ترسانید بطوری که وی فرزندش را سقط کرد. پیامبر وی را که به او پناه آورده بود، مورد عفو و بخشش قرار داد.<sup>۲</sup>

۴- درخواست بیجای بادیه نشین

عربی بادیه نشین، بر سر راه پیامبر ایستاد و با خشم عبای ایشان را کشید به طوری که عبا بر گردن پیامبر کشیده شد و گفت: دستور ده که از اموالی که در اختیار توست، چیزی به من بدهند. اصحاب خواستند متعرض او شوند، اما پیامبر مانع شد و خندید و او را راضی نمود.

و...

خدا به پیامبرش دستور داده بود که:

... وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ.<sup>۳</sup>

برای مؤمنان، بالهای رحمت خود را بگستران.

چنین بود که خداوند مدال افتخار به او داد و او را دارای بالاترین خُلق نیک شمرد. وَ

أَنْتَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ.<sup>۴</sup>

و البته این میثاق خدا با همه‌ی شایستگان است که باید با مردم مدارا کنند و البته اولیاء خدا نیز همه چنین بودند.

گفته شده روزی امام علی علیه‌السلام غلامش را چند بار صدا زد و غلام خود را به خواب زده بود. غلام خوابید و امام با او کاری نداشت تا از خواب برخاست. امام فرمود: چرا جوابم را ندادی؟ غلام گفت: چون مطمئن بودم آزارم نمی‌دهی. امام او را در راه خدا آزاد کرد.

پس مدارا با مردم، سیره‌ی مستمره‌ی انبیاء بوده است، اوصیای انبیاء نیز به نوبه‌ی خود این سیره‌ی مستمره را ادامه داده‌اند. به طوری که جای جای زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام مملو از مدارا با دشمنان، بدگویان و فحاشان است.

۵- اسرای بدر

مدارای پیامبر با اسرای بدر حتی برای برخی اصحاب ایشان گران به نظر می‌رسید؛ وقتی هفتاد نفر از مشرکان مکه در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمدند، عده‌ای

<sup>۱</sup> - ر. ک: تفسیر مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۱۰۰.

<sup>۲</sup> - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۷۰.

<sup>۳</sup> - حجر، ۸۸.

<sup>۴</sup> - قلم، ۴.

پیشنهاد قتل آنان را مطرح کردند اما پیامبر همه را به شرط باسواد کردن مسلمانان و یا دادن فدیة بخشید.<sup>۱</sup>

۶- مدارا در بیان احکام دینی

مدارای پیامبر با برخی مردم که توان شنیدن ولایت علی علیه السلام را نداشتند، چنان به طول انجامید که خداوند به وی ابلاغ کرد که اگر اکنون ابلاغ نکنی رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...<sup>۲</sup>

۷- مدارا در نماز

او همواره توصیه می‌کرد نماز را طول ندهید تا مردم اذیت نشوند، ایشان گاه نمازش را به خاطر گریه‌ی بچه‌ای خلاصه می‌کرد تا مادرش بتواند به او بپردازد.<sup>۳</sup>

۸- مدارا با منافقان

مدارای پیامبر با منافقان نیز مثال زدنی است. در زمان ایشان هرگز به منافقی تعرض نشد، هرگز منافقی به قتل نرسید. وقتی که عبدالله ابی سرکرده‌ی منافقان مدینه، هنگام بازگشت از غزوه بنی مصطلق چنین گفت که وقت رسیدن به مدینه، مهاجران دلیل را از شهر اخراج خواهیم کرد؛<sup>۴</sup> پیامبر سوی او فرستاد و چون وی انکار کرد، پیامبر انکار او را پذیرفت.

پسرش که از مؤمنان به پیامبر بود، به حضور پیامبر آمد و عرض کرد: اگر قصد قتل پدرم را دارید، فرمان قتل را به کسی جز من نسپارید، چون ممکن است من توان دیدن قاتل پدرم را نداشته باشم. خزر جیان می‌دانند که بین آنان، نیکوکارتر از من به پدرش نیست. می‌ترسم نتوانم قاتل پدرم را ببینم و او را به قتل برسانم و من مؤمنی را به خاطر کافری کشته باشم. پیامبر به فرزند مؤمن عبدالله فرمود: ما قصد چنین کاری با پدر تو نداریم. تو نیز تا مادامی که پدرت با ماست، با او مدارا کن.<sup>۵</sup>

امام علی علیه السلام می‌فرماید: پیامبر مجرم را به جزای عملش می‌رساند و زنا کار را سنگسار می‌کرد ولی بر پیکرش نماز می‌خواند و ارثیه‌اش را به خانواده‌اش می‌داد. دست دزد را می‌برید، فاحشه را تازیانه می‌زد ولی سهم آنان را از بیت المال قطع

<sup>۱</sup> - سیره، ج ۲، ص ۳۰۰.

<sup>۲</sup> - مائده، ۶۷.

<sup>۳</sup> - ر.ک: صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۱.

<sup>۴</sup> - منافقون، ۸.

<sup>۵</sup> - تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۴۳ زیر آیه اول سوره منافقون.

نمی‌کرد. آری. پیامبر می‌فرمود: ما انبیا همان طوری که به ادای واجبات امر شده‌ایم، به مدارای با مردم دستور یافته‌ایم.<sup>۱</sup>  
همچنین می‌فرمود: ما به مدارا با مردم فرمان داده شده‌ایم. *أُمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ*.

۹- مدارا با مشرکان

مشرکان مکه، پیامبر و دوستان وی را با شیوه‌های مختلف تمسخر می‌کردند و آزار می‌دادند. خدای متعال ضمن دل‌داری پیامبرش، او را از گرفتن انتقام منع می‌کند و می‌فرماید: از آنان به شایستگی بگذر.

... *فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ*.<sup>۲</sup>

امام رضا علیه‌السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید:

*عَفْوٌ مِنْ غَيْرِ عَقُوبَةٍ وَلَا تَعْنِيفٍ وَلَا عَتَبٍ*.<sup>۳</sup>

*عَفْوِي بَدْوِي مِنْ اِتِّقَامٍ وَسَخْتِ گِیرِی وَ زَبْرِي*.

۱۰- عفو عمومی مکه

مکیان ضربه‌های سنگینی بر پیامبر وارد کردند، به جای ایمان آوردن به وی و ایجاد ظرفیت زمانی مناسبی برای پیامبر خدا تا بتوان با بیان شریعت اسلام به ترویج آن پردازد، با او ناسازگاری کردند و به جنگ و ستیز روی آوردند و حتی قصد قتل او را نمودند و ایشان را مجبور به هجرت از کاشانه‌اش کردند. اما وقتی پیامبر بر آنان غلبه یافت همه را عفو کرد.

روز فتح مکه صدای «الیوم یوم الملحمة» از سوی برخی مسلمانان سر داده شد. این شعار که حکایت از جوشش حس انتقام‌جویی مسلمانان می‌کرد، می‌رفت تا خونین‌ترین جنگ‌های تاریخ را بیافریند.

پیامبر خدا، فوراً فرمان خاموش شدن این صدا را صادر کرد و شعار «الیوم یوم المرحمة» امروز روز رحمت است، را جایگزین آن ساخت. این هشام می‌گوید شعار دهنده سعد بن عباده بوده است. وی پرچمدار گروهی بود که از قسمت کداء مکه وارد شهر می‌شدند. وقتی خبر به پیامبر رسید، ایشان علی علیه‌السلام را مأمور ساخت تا پرچم را از وی بازستاند.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - *إِنَّا أَمَرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْنَا بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ*. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۵۳.

<sup>۲</sup> - حجر، ۸۵.

<sup>۳</sup> - بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۷.

<sup>۴</sup> - نام محله‌ای در شهر مکه.

<sup>۵</sup> - السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۰۶.

بحار الانوار شعار انحرافی مؤمنان را چنین ثبت کرده است:  
 الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ - الْيَوْمُ تُسَبَّى الْحُرْمَةُ - الْيَوْمُ إِذَالَةُ قُرَيْشًا. (امروز روز انتقام و از بین رفتن حرمت جان و مال و روز نلت قریش است).  
 رسول خدا فرمود آن شعار عدوات جو، به شعار رحمت تبدیل شود و مسلمانان بگویند:  
 الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ - الْيَوْمُ اعْزَلَّ اللَّهُ قُرَيْشًا. (امروز روز رحمت و عزت قریش است). سپس اعلام عفو عمومی کرد و به اهل مکه فرمود: همه آزادید. اذْهَبُوا فَانْتُمُ الطَّلَاءُ.<sup>۱</sup>

#### مدارای خدا با فرعون

روزی بهلول بر هارون فریاد کشید تا او را نصیحت کند. هارون وی را خواست و گفت: بهلول تو برتری یا موسی؟ بهلول گفت: موسی پیامبر خدا بود. هارون گفت: من بدترم یا فرعون؟ بهلول گفت: فرعون کافر بود. هارون گفت: خدا چون موسی را به سوی فرعون فرستاد تا او را نصیحت کند، به او فرمود تا به نرمی با وی سخن گوید، شاید متذکر شود و باز گردد؛ تو چرا به درشتی با من سخن می‌گویی؟ فرمان خدا به موسی در قرآن کریم چنین آمده است:

إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى \* فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى.<sup>۲</sup>

موسی تو و برادرت هارون به سوی فرعون بروید که سرکشی کرده است. با او به نرمی سخن گویند شاید پند پذیرد یا بترسد.

فرعون در قرآن

فرعون در قرآن به قاتل فرزندان پسر از بنی اسرائیل<sup>۳</sup>، برتری طلبی در زمین<sup>۴</sup>، طغیانگری<sup>۵</sup>، گمراه کننده‌ی قوم<sup>۶</sup>، خطاکار<sup>۷</sup>، غیر کاردان<sup>۱</sup>، مدعی الوهیت<sup>۲</sup>، معرفی شده

<sup>۱</sup> - بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۰۹.

<sup>۲</sup> - طه، ۴۳ و ۴۴.

<sup>۳</sup> - ...يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ... بقره، ۴۹.

<sup>۴</sup> - وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ. يونس، ۸۳.

<sup>۵</sup> - إِذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى. طه، ۲۴.

<sup>۶</sup> - وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى. طه، ۷۹.

<sup>۷</sup> - إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ. قصص، ۸.

است؛ وی با این اوصاف باز هم لیاقت آن را دارد که پیامبر الهی نزد او رود و موظف شود تا با زبان خوش با او سخن گوید.

**نتیجه‌ی مدارا**

مدارا يك وظیفه‌ی دینی است و به همین جهت برای آن در قرآن چهار ثمر مثبت و میوه‌ی شیرین مطرح شده است که عبارت است از:

۱- غفران

مدارا با انسان‌ها، موجب می‌شود خداوند از خطاهای آدمی بگذرد و گناهان او را نادیده انگارد.

...وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ<sup>۳</sup>

**باید عفو کنند و بگذرند، آیا دوست ندارید خدا شما را ببخشد.**

یعنی هر کس امید بخشش از خدا دارد باید بندگان او را ببخشد، به آنان یاری رساند و از کاهلی‌های آنان بگذرد.

۲- تبدیل دشمنی به دوستی

مدارا، دوستان را دوست‌تر می‌نماید و از دشمنی دشمنان می‌کاهد و گاه آنان را در صف دوستان قرار می‌دهد. خداوند می‌فرماید بدی را به خوبی جواب ده تا دشمنان در صف دوستان در آیند.

وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ<sup>۴</sup>

**نیکی با بدی برابر نیست؛ به بهترین شیوه دیگران را از چالش با خود باز دار، ناگاه آن کس که میان تو و او دشمنی‌بی است، چون دوستی مهربان می‌گردد.**

حمیم به معنای آب سوزان است. به دوستان پر محبت هم حمیم گویند. نظیر این مفهوم در سوره‌ی مؤمنون نیز آمده است.

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ...<sup>۵</sup>

**بدی را به دوستی نیکوتر پاسخ گو.**

مطابق این آیه، خداوند می‌فرماید بدی دیگران را به خوبی جواب ده که اگر بین تو و او

<sup>۱</sup> - وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ. هود، ۹۷.

<sup>۲</sup> - وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي... قصص، ۳۸.

<sup>۳</sup> - نور، ۲۲.

<sup>۴</sup> - فصلت، ۳۴.

<sup>۵</sup> - مؤمنون، ۹۶.

دشمنی سختی باشد، به دوستی تبدیل خواهد شد. بنابراین، مدارا می‌تواند از عداوت (دشمنی آشکار شده)، که مرحله‌ی پس از حقد و کینه است، محبت و دوستی بیافریند.

۳- تالیف قلب کفار

مدارا با همه کس حتی کفار رواست. به همین خاطر بخشی از مصارف زکات، مؤلفه قلوب نام گرفته است. یعنی می‌توان زکات را به مصرف کفار رسانید تا بلکه در دل آنان محبتی نسبت به اسلام و مسلمانان ایجاد شود. این مهم از آیه زیر که مصارف زکات را بر شمرده است، آمده است.

أَمَّا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَىٰ قُلُوبِهِمْ...<sup>۱</sup>

زکات تنها از آن تهیدستان و بیچارگان و مأموران دریافت آن و دل جویی شدگان ... است.

۴- حاصل اخروی

نتیجه‌ی چنین مدارایی در آخرت، جایگاهی خاص در بهشت است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: در شب معراج خانه‌هایی بر بلندترین مراتب بهشت دیدم. به جبرئیل گفتم: این خانه‌ها از آن کیست؟ گفت: برای آنان است که خشم خود را فرو نشانند و از مردم بگذرند و نیز برای محسنان است.<sup>۲</sup>

ایشان مدارا را با شهادت یکی دانسته و مدارا کننده را شهید نامیده است و می‌فرماید: هر که با مدارا بمیرد، شهید شده است.<sup>۳</sup>

آری دوستان! مدارا در منابع دینی از قرآن و روایات و تاریخ، سهم بسیار بزرگی به خود اختصاص داده است و آن نیست مگر به خاطر تأثیر عمیق آن در زندگی آدمی. هر چند بحث به درازا کشید اما به نظرم آمد اگر آن را به صورتی که خود می‌خواهم پایان ندهم، اثری که من از آن انتظار دارم، عاید کسی نشود.

پس از توجه به این بحث، تردیدی باقی نمی‌ماند که غالب مشکلات زندگی حاصل شده از مرافعات بین مردم از همکاران و خویشان و همسایگان گرفته تا والدین و اولاد و زن و شوهر، به علت نبود مدارا در زندگی است. طبعاً آنکه دنیا را گذرگاهی برای رسیدن به زندگی نیک عاقبت می‌داند، لذت آنی انتقام را با زیبایی جاوید مدارا تعویض نخواهد ساخت و همواره در زندگی، در تمام مشکلات و مصائب و همه قفل‌های زندگی، از شاه‌کلید مدارا غافل نخواهد شد.

ایراد

برخی می‌گویند توصیه به مدارا نوعی ظلم پروری است و از این دستورات چنین برمی

<sup>۱</sup> - توبه، ۶۰.

<sup>۲</sup> - فی لیلۃ المعراج رأیتُ عُرفاً فی اعلی الجنۃ، فقلتُ لِمَنْ هِی؟ قال: لِّلکاظمینَ الغیظِ والعافینَ عَنِ النَّاسِ وَ لِلْمُحْسِنینَ. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۳.

<sup>۳</sup> - مِنْ مَاتَ مُدَارِياً مَاتَ شَهِیداً. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۵.

آید که اسلام انسان‌های ستمکش تربیت می‌نماید و این کار توسعه ظلم و ابزاری در دست ظالمان برای ادامه‌ی ستم خواهد بود. در پاسخ این ایراد باید گفت: مدارا با ظالم اگر باعث جری شدن او بر ظلم وی شود جایز نیست.

قرآن رکون و خضوع در برابر ظالم را مشروع نمی‌داند.

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ.<sup>۱</sup>

و تکیه بر ستمگران نکنید که موجب می‌شود آتش شما را در برگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و یابوری نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.

جواز تقابل از برخی آیات از جمله آیات زیر قابل استفاده است.

... فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...<sup>۲</sup>

اگر به شما تعدی کردند شما نیز حق مقابله به مثل دارید.

وَأَنْ عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ...<sup>۳</sup>

هرگاه خواستید مجازات کنید به اندازه‌ای که به شما تعدی شده، کیفر دهید.

در این باره اسلام ظلم ستیزی را که نماد واقعی آن جهاد است، تجویز کرده است.

پس در برابر ظالم، هرگز جای مدارا نیست. دستور اسلام به مدارا در جایی است که مدارا به عنوان اسبابی برای رفع کدورت بین مؤمنان به‌کار رود. جایی که بتوان محبت را جایگزین عداوت بی‌حاصل نمود و پشیمانی جانکاه پس از عداوت را دفع کرد.

علاوه بر آنچه گفته شد، مدارا گذشت از حق خود است و در واقع در مسائل فردی جاری است نه روابط اجتماعی که مدارا در مسائل اجتماعی گذشت از حق دیگران و بخشش از کیسه خلیفه است.

لطفاً در این باره خواهش‌های نفسانی خود را رها کنید و دیگران را ظالم نخوانید و کینه‌های خود نسبت به آنان را موجه نسازید.

به هر حال اگر شما دایره مدارا را با بهانه ظلم پروری محدود کنید، نمی‌توانید به سهولت خانه را محیط ظلم و ستم معرفی نمائید تا تقابل بین زن و شوهر و بین آنان و فرندانشان را مثبت جلوه دهید.

رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: جبرئیل چنان مرا در مورد زنان سفارش می‌کرد که گمان کردم بجز در فحشای آشکار، طلاق آنان جایز نیست.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - هود، ۱۱۳.

<sup>۲</sup> - بقره، ۱۹۴.

<sup>۳</sup> - نحل، ۱۲۶.

<sup>۴</sup> - اوصانی جبرئیل بالمرأة حتی ظننت أنه لا ينبغي طلاقها إلا من فاحشة مبينة. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۱.

امام صادق علیه السلام با نقل حدیث مناهی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هر مردی بربدی اخلاق زن بدخلفش صبر کند و آن را به گمان اجر و پاداش تحمل نماید، خداوند به او ثواب شاکرین عطا خواهد کرد.<sup>۱</sup>

ایراد دیگر که ممکن است مطرح شود این است که آیا مدارای يك سويه صحيح است؟ آیا درست است زن و یا مرد همواره کوتاه بیاید و همواره وی صبر پیشه کند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت: پیداست که مدارا باید دوطرفه باشد. انتظار اینکه يك طرف همواره کوتاه بیاید و طرف دیگر دائماً تحقیر کند به استبداد می انجامد. اما آنچه از گستره‌ی مدارا آموختیم ما را به این نکته رهنمون می سازد که مدارا ابزاری برای رسیدن به هدف در دنیا و آخرت است. پس هرکدام از زن و مرد بیش تر راغب هستند به این هدف برسند بایستی سهم بیش تری در این باره داشته باشند. قطعاً نقش آفرینی هرکدام که بیش تر باشد، او را زودتر به هدف خواهد رساند.

### ۶- مدیریت بعد از اختلاف

اصطكاك بين زن و شوهر به خاطر ارتباط بیشتر بین آنان است و لذا نمی توان پیش آمدن اختلاف در خانواده را حتی از پیش انکار نمود.

پس نباید از ایجاد اصطكاك هر اسید، مهم این است که نگرانی ها با مدیریتی توانمند هدایت شوند.

قرآن کریم در صورت ادامه مشکلات بین زن و شوهر و ناتوانی آنان از رفع آن حکمیت دو حکم از هر دو طرف را مطرح کرده است.

#### پذیرش رأی حکمین

قرآن کریم در صورت ناتوانی زن و شوهر از رفع اختلافات خانوادگی، پیشنهاد می کند که آن دو، هرکدام حکمی از جانب خود برگزینند.

دو حکم دلسوز پس از بررسی موضوع، با هم به مشاوره برخیزند و زن و شوهر از نظر آنان، تبعیت نمایند.

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمَا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا.<sup>۲</sup>

و اگر از ناسازگاری میان آنان بیم داشتید، داورى از کسان مرد و داورى از کسان زن انتخاب کنید، اگر این دو قصد اصلاح داشته باشند خداوند آنان را به توافق خواهد رساند، زیرا خدا دانای آگاه است. اینکه بایستی مشکلات خانوادگی اول در محیط خانواده و فامیل حل شود از مترقی ترین مقررات قرآن کریم است. زیرا اولاً: محیط خانه، محیط احساس و عواطف است و مقایسه آن با مرافعات اجتماعی که صحنه خشونت و تندى است و در محکمه‌ی عمومی بررسی می شود، متفاوت است. ثانیاً: حکم خانوادگی، دلسوزتر است زیرا شاید مجبور

<sup>۱</sup> - وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَتِهِ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَالْحَسْبُ فِي ذَلِكَ الْأَجْرُ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ. وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

<sup>۲</sup> - نساء، ۳۵.

شود بخشی از آثار منفی جدایی زن و شوهر را خود بپذیرد. ولی در محاکم عمومی، قاضی هیچ ضرری از جدایی زن و شوهر نمی‌بیند. ثالثاً: شرم از حکم فامیل، موجب می‌شود اسرار خانوادگی نزد نامحرمان فاش نگردد. امری که شاید در محاکم عمومی، مایه سوء استفاده برخی گردد و یا جرمی به وسیله‌ی آن اثبات شود و ضرر جبران ناپذیری بیافریند.

تحلیل نشدن هزینه محاکم عمومی، باز نشدن پای زن و شوهر به محاکم عمومی، تأثیرات سوء آشنایی با جرائم عمومی و معاشرت با مجرمان اجتماعی و... از آثار مثبت این قانون زیبایی قرآن است.

لازم به ذکر است که ایمان، تجربه و قدرت حکمین در رفع مرافعات خانوادگی هر قدر بیش‌تر باشد، امکان صدور رأی متین و عاقلانه که مورد توافق زن و شوهر باشد، بیش‌تر می‌شود. زیرا شاید يك حرف ساده از حکمی مؤمن و دلسوز بتواند گره‌های سخت زندگی را باز کند و عشق و علاقه به ادامه‌ی زندگی را بیش از گذشته افزایش دهد و زن و شوهر درگیر را واله و حیران یکدیگر نماید.

#### ۷- وظایف دستگاه‌های حکومتی

به شدت اعتقاد دارم که بخش عمده‌ای از پایداری خانواده، به مقررات حکومتی ارتباط دارد.

حکومت‌ها برای ثبات خانواده و جلوگیری از جدایی، بایستی استراتژی بلند مدت داشته باشند به طوری که تمام مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی در هر موضوعی که کمتر از درصدی از آن به خانواده مربوط می‌شود، در جهت ثبات خانواده سوق داده شود.

#### چند پیشنهاد

در این باره چند پیشنهاد قابل طرح است.

#### انسجام تشکلهای فرهنگی

از هم گسیختگی تشکلهای فرهنگی کشور موجب می‌شود که حدود وظایف هر کدام ابهام داشته باشد. هر کدام فقط به اموری که ساده‌تر و بازدهی سریع‌تری دارد بپردازد و از سایر وظایف مهم شانه خالی کرده و آثار سوء بی‌توجهی به آن را بر دوش دیگری بگذارد.

#### ورود مهندسی فرهنگی در مسائل ریز

گردش توجه از کلیات به جزئیات در مذاکرات فرهنگی ضروری است. طرح چند مسأله کلی فرهنگی بدون حل جزئیات و بیان راهکارهای برون رفت از مسائل و حواشی احتمالی آن، ارزش عملی ندارد.

#### ورود به مباحث اصلی

به جای پرداختن به مباحث حاشیه‌ای باید اصول عوامل و آثار را با توجه به بررسی‌های آماری مورد ارزیابی قرار داد. نباید اصل را فدای فرع و حاشیه نمود. البته ضروری است که در اصلاح قوانین و مقررات اجرایی نیز به شاهلوده‌های اصلی پرداخته شود.

#### تقویت سیستم مشاوره دینی

حکومت‌ها باید با ایجاد زمینه‌های مناسب، مشاوران خانواده را سازمان دهی کنند. در این راستا استفاده از مستشاران آگاه و متعهد ضروری است. بایستی اطلاعات این

مشاوران به روز شود و آموزش‌های ضمن کار آنان گسترش یابد.

دقت در مقررات اجتماعی

مقررات حکومتی و جانبداری‌های حکومت از مقررات، در هر حوزه‌ای هر چند در مسائل سیاسی و اقتصادی شاید تأثیر بسیاری در خانواده‌ها ایجاد کند و احیاناً موجب ایجاد تنش بین اعضا خانواده شود.

ایجاد ظرفیت در اجتماع برای پذیرش این مقررات، ضروری به نظر می‌رسد. يك قانون اقتصادی شاید عده‌ای را ورشکست نماید، و خانواده‌های آنان را متلاشی کند. يك حرکت سیاسی گاه موجب ایجاد تنش اجتماعی می‌شود.

نپرداختن بیش از حد به مشکلات

نباید مشکلات رفتاری و اخلاقی مانند اعتیاد و سیگار و... بیش از حد بزرگ شوند. اعتیاد هر چند بلای خانمان سوز است، ولی صرفاً بیان تأثیرات ناصحیح آن هم بدون ارائه راهکار مطلوب نیست.

وقتی اعلام می‌شود که اعتیاد موجب افزایش طلاق است؛ خانواده‌ای که اکنون با اعتیاد کنار آمده‌اند، تحریک می‌شود. چه راهکاری برای این تحریک‌های مضر اندیشیده شده است؟

اصلاح و بازبینی کتب درسی

افزایش روحیه امید به زندگی در همه کتاب‌های درسی به فراخور سن و نیازها لازم است.

روحیه امید و اعتماد به نفس می‌تواند نقش مهمی در رویارویی با حوادث اجتماعی بیافریند. تقویت امیدواری موجب واکنش شدن افراد در برابر مشکلات شده و آستانه صبر و بردباری را بالا برد.

ایجاد اشتغال مثبت و نه حاشیه‌ای در جامعه

بایستی به ایجاد اشتغال مثبت و نه حاشیه‌ای و زودگذر در جامعه توجه جدی و همه جانبه و حداکثری شود.

بر حسب آمار، بیکاری و یا کار نامناسب سهم زیادی در ایجاد خشونت اجتماعی و خانوادگی دارد و این خود یکی از ابزارهای مهم بزرگ جلوه دادن عوامل طلاق است.

آسیب‌شناسی عوامل ایجاد شکست در جامعه

ضروری است که دستگاه‌های حکومتی هرگونه انحراف اجتماعی را پی‌گیری کنند و بدور از نگاه‌های گروهی و سیاسی آن را آسیب‌شناسی عمیق و دلسوزانه نمایند. بررسی عوامل ایجاد شکست در جامعه در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای دفع جنون نسبی در اجتماع و هر گونه نا امنی فکری بسیار ضروری است.

این امر موجب طرح برنامه‌هایی برای رفع و دفع معضلات اجتماعی خواهد شد.

توجه به آثار افزایش سن ازدواج

آمار پایین ازدواج و نیز تأخیر آن، نکته‌ای نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. آثار مخرب افزایش سن ازدواج بر فرد و اجتماع و تحمیل آثار سنگین رفتاری، سیاسی و اقتصادی آن بر جامعه خطری جدی هستند. افزایش آمار بزه، ناخرسندی‌های اجتماعی، بیماری و... از امور خرده پا نیستند. اینگونه مسائل اگر مورد دقت ویژه قرار نگیرند، بر تنش‌های اجتماعی و خانوادگی می‌افزایند.

به روز شدن آمار طلاق و موضوعات مربوط به آن

اعطای به روز آمار طلاق، علل طلاق، بررسی آماری آثار طلاق و میزان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم هر کدام از عوامل در ناهنجاری‌های اجتماعی، وظیفه مهم دستگاه‌های حکومتی است. این سازمان‌ها بایستی آمار بروز و صحیح ارائه دهند و مسئولان ذی ربط و خانواده‌ها را متوجه آن نمایند. این امر می‌تواند کارشناسان را وادارد تا راه حل کارآمد را ارائه دهند.

تشکیلات اداری ازدواج

نهایت اینکه، حکومت‌ها باید تشکیلاتی برای اجرای وظایف خود طراحی نمایند. وظیفه این تشکیلات، پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های سازمان یافته برای سهولت ازدواج است. اهم وظایف این تشکیلات عبارت است از:

- ۱- اعطای تسهیلات ازدواج.
- ۲- تبیین مقررات چگونگی پایداری ازدواج.
- ۳- مدیریت مراکز مشاوره‌ای.
- ۴- اشراف بر دادگاه‌های خانواده.
- ۵- بررسی راه‌های افزایش ازدواج و ارائه به مسئولان ذی ربط...
- ۶- آسیب‌شناسی طلاق در سطح کلان و خرد
- ۷- بررسی آمار طلاق و تحولات آن
- ۸- آنالیز و تحلیل بررسی‌های آماری
- ۹- ارائه راهکار کاهش آمار طلاق
- ۱۰- اطلاع‌رسانی مستمر به خانواده‌ها در رسانه‌های جمعی

الحمد لله رب العالمین و صل الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و صحبه المنتجبین

امیدوارم این جهد ناچیز، مورد رضایت خدای متعال و رسول مکرّمش و نیز پیشوایان معصوم خاصه وجود ذی‌جود امام عصر عجل الله تعالی فی فرجه قرار گیرد و موجب ثبات و استحکام زندگی و خوشبختی زوج‌های جوان و سعادت دنیوی و اخروی خانواده‌های محترم آنان گردد.

ان شاء الله تعالی

## مأخذ

بعد از قرآن كريم، نهج البلاغه

- ارشاد القلوب - ابو محمد حسن بن ابوالحسن ديلمى - متوفى - ٧١١ق.
- الاستبصار - أبوجعفر محمد بن الحسن طوسى - م ٤٦٠ - چاپ چهارم ١٣٦٣ش - خورشيد - قم - دارالكتب الاسلامية.
- اسدالغاية فى معرفة الصحابه - ابن اثير - داراحياء التراث العربى.
- الاصابه - ابن حجر عسقلانى - م ٨٥٢ - چاپ اول ١٤١٥ - دارالكتب العلمية بيروت.
- اعيان الشيعة - سيد محسن امين - دار التعارف للمطبوعات - بيروت.
- الامالى صدوق - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى شيخ صدوق - م ٣٨١ - چاپ اول ١٤١٧ - مؤسسة بعثة.
- الامالى سيد مرتضى - شريف المرتضى - م ٤٣٦ - چاپ اول ١٣٢٥ هجرى - كتابخانه حضرت آيت الله العظمى المرعشى النجفى قم.
- الامالى - الشيخ الصدوق - م ٣٨١ - جامعه مدرسين.
- امالى شيخ طوسى - م ٣٨٥ - چاپ اول ١٤١٤ - مؤسسه البعثة.
- امالى شيخ مفيد - م ٤١٣ - اسلاميه - جامعه مدرسين قم.
- بحار الانوار - محمد باقر مجلسى - م ١١١٠ - چاپ دوم ١٤٠٣ - دارالوفاء - بيروت.
- بحار الانوار - محمد باقر مجلسى - م ١١١٠ - چاپ دوم ١٤٠٣ - دارالوفاء - بيروت.
- بحار الانوار فى تفسير المأثور القرآن - چاپ ايران.

- البرهان - سيد هاشم حسيني بحراني - بعثة - قم.
- التبيان في تفسير القرآن - أبو جعفر محمد بن الحسن طوسي - م ٤٦٠ - چاپ اول ١٤٠٩ - دفتر تبليغات اسلامي.
- تحف العقول - ابن شعبه حراني - م قرن چهارم - چاپ دوم ١٤٠٤ق - جامعه مدرسين.
- تهذيب الاحكام - أبو جعفر محمد بن حسن طوسي - م ٤٦٠ - چاپ چهارم ١٣٦٥ شمسي - دارالكتب الاسلامية - قم.
- تنبيه الخواطر و نزهة النواظر - ابوالحسين ورام بن فراس - م ٦٠٥ق.
- ثواب الاعمال - ابو جعفر محمد بن علي بابويه قمي شيخ صدوق - م ٣٨١ - چاپ دوم ١٣٦٨ - منشورات رضی - قم.
- جامع البيان عن تأويل آي القرآن - أبو جعفر محمد بن جرير الطبري - م ٣١٠ - چاپ ١٤١٥ دارالفكر - بيروت.
- جامع الصغير - جلال الدين سيوطي - م ٩١١ هجري - چاپ اول ١٤٠١ هجري - دارالفكر بيروت.
- جواهرالكلام - محمد حسن نجفي - دارالترتات العربي - بيروت ١٩٨١.
- الخصال - ابو جعفر محمد بن علي بابويه قمي شيخ صدوق - م ٣٨١ - جامعه مدرسين حوزه علميه - قم.
- الدر المنثور - جلال الدين سيوطي - چاپ اول ١٣٦٥ الفتح - جده - دارالمعرفة - بيروت.
- دعائم الاسلام - نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حيون التميمي المغربي - م ٣٦٣ - دارالمعارف.
- سنن ابن ماجه - حافظ ابو عبدالله محمد قزويني - م ٢٧٥ - دارالفكر - بيروت.
- سنن ابى داوود - سليمان بن اشعث سجستاني - م ٢٧٥ - دارالفكر - بيروت.
- سنن ترمذى - محمد بن عيسى ترمذى - م ٢٧٩ - دارالفكر - بيروت.
- سنن دار القطنى - على بن عمر دار القطنى - م ٣٨٥ - دارالكتب العلمية - بيروت.
- سنن كبرى - احمد بن حسين بن على بيهقي - م ٤٥٨ - دارالفكر - بيروت.
- سنن الكبرى - ابى عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائي - م ٣٠٣ - چاپ اول ١٤١١ هجرى ١٩٩١م - دارالكتب العلمية - بيروت لبنان.
- سنن الكبرى - بيهقي - م ٤٥٨ هجرى - دارالفكر - بيروت.
- سنن التبي - طباطبائي - معاصر - م ١٤١٦ - مؤسسه نشراسلامى - جامعه مدرسين.
- سنن نسائي - احمد بن شعيب نسائي - م ٣٠٣ - دارالفكر - بيروت.
- سنن نسائي با شرح سيوطى و حاشيه سندی - چاپ اول ١٣٤٨ دارالفكر - بيروت.
- السيرة النبوية - ابن هشام حميرى - م ٣١٨ق - چاپ ١٩٦٣ - محمدعلى صبيح و اولاده - قاهره.
- شرح نهج البلاغه - ابن ابى الحديد - م ٦٥٦ - منشورات مكتبة آيت الله العظمى مرعشى نجفى - داراحياءالكتب العربية.
- صحيح بخارى - محمد بن اسماعيل بخارى - م ٢٥٦ - دار ابن كثير.
- صحيح بخارى - محمد بن اسماعيل بخارى - دارالفكر - بيروت - مطبعة الاعتدال - دمشق.
- صحيح مسلم - مسلم بن حجاج نيسابورى - م ٢٦١ - دار الفكر - بيروت.
- صحيح مسلم با شرح نووى - م ١٤٠٧ - دارالكتب العربي - بيروت.
- الصحيفة السجادية (الاصلية) - امام زين العابدين عليه السلام - م ٩٤ - دفتر انتشارات اسلامى - جامعه مدرسين حوزه علميه - قم.
- الصحيفة السجادية (ابطحى) - امام زين العابدين عليه السلام - م ٩٤ - چاپ اول ١٤١١ نمونه قم - مؤسسه الامام المهدي عليه السلام.
- عده الداعي - احمد بن فهدالحلى - م ٨٤١ هجرى - حكمت قم - مكتب الوجدانى - قم.
- عيون اخبار الرضا عليه السلام - ابو جعفر محمد بن علي بابويه قمي شيخ صدوق - م ٣٨١ - چاپ اول ١٤٠٤ - مؤسسه الاعلمى

- للمطبوعات - بيروت.
- غرالحكم و دررالکلم - عبدالواحد آمدی تميمی - ٥٠٥ق.
- قاموس قرآن - سيدعلی اکبر قرشي - دارالکتب الاسلامية.
- کافی - کلينی - ٣٢٨،٣٢٩م - سوم - ١٢٨٨ هجرى - حيدرى - دارالکتب الاسلاميه آخوندى.
- کنز العمال - متقى هندى - ٩٧٥م - مؤسسة الرسالة - بيروت.
- لسان العرب - ابن منظور - ٧١١ - اول - ١٤٠٥ - داراحياء التراث العربى - نشرادب حوزة.
- مجمع البيان فى علوم القرآن - أبو على فضل بن حسن طبرسى - ٥٦٠م - چاپ اول ١٤١٥ - مؤسسة الاعلمى للمطبوعات - بيروت.
- مجمع البحرين فى اللغة - فخرالدين طريحي - ١٠٨٥ق.
- محجة البيضاء فى تهذيب الاحياء - محمد بن مرتضى (ملا محسن فيض كاشانى) - ١٠٩١ق.
- مستدرک حاکم - محمد بن محمد حاکم نيسابورى - ٤٠٥م - چاپ ١٤٠٦ - دار المعرفة بيروت.
- مستدرک الوسائل - ميرزا حسين نورى - ١٣٢٠م - چاپ اول ١٤٠٨ - مهر قم - مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- مسند احمد - احمد بن حنبل - ٢٤١م - دارالصادر - بيروت.
- مسند ابى داوود طيالسى - ابن داوود طيالسى - ٢٠٤م هجرى - دارالحديث بيروت.
- مسند ابى يعلى - احمد بن على بن مثنى تميمى - ٣٠٧م - دارالمأمون التراث - مكتبة نينوى الحديثة.
- مجمع البحرين - الطريحي - طراوت - مرتضى.
- مصباح المنير - رافعى - دار الکتب العربية الكبرى - مصر.
- معانى الاخبار - صدوق - ٣٨١م - انتشارات اسلامى.
- معجم مقاييس اللغة - احمد بن فارس بن زكريا - ١٤٠٤م - مكتب الاعلام الاسلامى.
- مفردات راغب، ابوالقاسم حسين بن محمد بن مفضل راغب اصفهاني - دار الکتب عربى - مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان - قم.
- مكارم الاخلاق - ابو على فضل بن حسن طبرسى - ٥٤٨ق.
- المنجد فى اللغة والاعلام - لوئيز - دارالمشرق انتشارات اسماعيليان.
- من لا يحضره الفقيه - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى شيخ صدوق - ٣٨١م - چاپ دوم ١٤٠٤ - جامعه مدرسين.
- من لا يحضره الفقيه - ابو جعفر محمد بن على بابويه قمى - ٣٨١م - چاپ ١٤١٠ دار الکتب الاسلامية.
- نوادر راوندی - فضل الله بن على راوندی كاشانى - ٥٧٠م - دارالکتاب - قم.
- النهايه فى غريب الحديث والأثر - ابن اثير - ٦٠٦م - مؤسسه اسماعيليان.
- نهج الفصاحه - ابوالقاسم پاينده - مترجم على غضنفرى - چاپ اول ١٣٨٧ - انتشارات نيلوفرانه - قم.
- نورالثقلين - عبد على بن جمعة عروسى حويزى - ١١١٢م - چاپ چهارم ١٤١٢ - مؤسسه اسماعيليان.
- وسائل الشيعة (آل البيت) - حر عاملى م ١١٠٤ - چاپ دوم - ١٤١٤م - مهر قم - مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- وسائل الشيعة - محمد بن حسن حر عاملى - ١١٠٤م - چاپ پنجم ١٣٩٨ مكتبة الاسلامية.

## فهرست منشورات مؤلف

- بیان روان، میثم تمار، ۱۳۷۶، ۱۵۰۰۰، پنجم، وزیری، ۳۲۸ص، ۷۵۰۰ریال.
- حکومت اسلامی در نهج البلاغه، طاووس بهشت، ۱۳۷۹، ۲۰۰۰، اول، وزیری، ۳۲۰ص، ۱۴۰۰۰ریال.
- الاضواءالفقهیه رساله فی البلوغ، طاووس بهشت، ۱۳۸۰ش، ۴۲۲اق، ۳۰۰۰، اول، وزیری، ۱۶۰ص، ۸۵۰۰۰ریال.
- ازدواج و آداب زناشویی در آئینه حدیث، لاهیجی، ۱۳۸۲، ۵۰۰۰، چهارم، وزیری، ۲۲۴ص، ۸۵۰۰۰ریال.
- ره رستگاری ج ۱، لاهیجی، ۱۳۸۲، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۴۱۶ص، ۲۰۰۰۰ریال.
- ره رستگاری ج ۲، لاهیجی، ۱۳۸۲، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۴۲۸ص، ۲۰۰۰۰ریال.
- ره رستگاری ج ۳، لاهیجی، ۱۳۸۲، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۴۰۸ص، ۲۰۰۰۰ریال.
- زفاف، نیلوفرانه، ۱۳۸۳، ۵۰۰۰، ششم، رقعی، ۲۰۸ص، ۱۲۰۰۰ریال.
- شگفتی‌های عالم برزخ، نیلوفرانه، ۱۳۸۳، ۳۰۰۰، دهم، رقعی، ۱۹۲ص، ۱۰۰۰۰ریال.
- حکومت اسلامی در نهج البلاغه (ویرایش دوم)، نیلوفرانه، ۱۳۸۵، ۲۰۰۰، اول، وزیری، ۳۴۴ص، ۲۱۰۰۰ریال.
- تجوید قرآن، نیلوفرانه، ۱۳۸۵، ۳۰۰۰، اول، رقعی، ۱۶۰ص، ۱۲۰۰۰۰ریال.
- نهج الفصاحه، عصر غیبت، ۱۳۸۶، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۶۸۸ص، ۵۷۰۰۰ریال.
- تفسیر النبی صلی الله علیه و آله، عصر غیبت، ۱۳۸۶، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۳۰۴ص، ۲۸۰۰۰ریال.
- ما و ابلیس، نیلوفرانه، ۱۳۸۸، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۳۷۶ص، ۴۵۰۰۰ریال.
- مبانی تشیع در منابع تسنن، اسوه، ۱۳۸۸، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۴۴۸ص، ۵۰۰۰۰ریال.
- شگفتی‌های عالم برزخ (ویرایش دوم)، نیلوفرانه، ۱۳۸۹، ۳۰۰۰، ششم، رقعی، ۱۹۲ص، ۲۹۰۰۰ریال.
- ترجمه و تحقیق کشکول شیخ بهاء، نیلوفرانه، ۱۳۸۹، ۵۰۰۰، اول، وزیری، ۸۹۶ص، ۱۳۰۰۰۰ریال.

- اخلاق در قرآن و سنت ج ۱، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۲، ۱۰۰۰،  
اول، وزیری، ۶۱۶ص، ۲۵۰۰۰۰ ریال.
- اخلاق در قرآن و سنت ج ۲، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۲، ۱۰۰۰،  
اول، وزیری، ۶۱۶ص، ۲۵۰۰۰۰ ریال.
- اسرار التکرار فی القرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۳، ۱۰۰۰، اول،  
وزیری، ۳۴۴ص، ۱۳۶۰۰۰ ریال.